



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



رسالت
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



تسبیح
نذائین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تجربه شیرین ندامت

نویسنده:

محمد حسین یوسفی

ناشر چاپی:

دلیل ما

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۲	تجربه شیرین ندامت
۱۲	مشخصات کتاب
۱۲	مقدمه
۱۲	سخنی با شما
۱۲	سخنی با شما
۱۳	بازگشت بی شکست
۱۵	توبه و استغفار تنها عامل خوشبختی
۱۵	پی آمدهای گناه مؤمن در دنیا
۱۶	آثار شوم گناه شیعیان
۱۶	نیک پنداشتن گناه ، نتیجه قساوت دل !
۱۶	بلاهای جدید ، نتیجه گناهان جدید
۱۷	گناه نشانه کفران ، و سرآغاز از دست دادن نعمت
۱۸	توبه و استغفار ، تنها راه نجات از عقوبت گناهان
۱۹	استغفار ، بهترین دعا
۱۹	انگیزه تألیف کتاب حاضر
۲۰	گفتار نخست
۲۰	پی آمدهای گناه
۲۱	ابتلا به مصیبت ها و امراض و سختی ها
۲۲	قحطی و خشک سالی
۲۳	عوامل خشک سالی
۲۳	از دست دادن نعمت های خداوند
۲۴	کوتاه شدن عمر

- ۲۵ انکار توحید ، نبوت و امامت
- ۲۶ فقر و تنگ دستی و کمبود روزی
- ۲۷ تیره شدن دل و دگرگونی قلب انسان
- ۲۸ قساوت قلب و سلب توفیقات عبادی و معنوی
- ۲۹ گفتار دوم
- ۲۹ نقش حیاتی استغفار
- ۳۰ استغفار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) !
- ۳۰ آیا استغفار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از گناه بود ؟!
- ۳۱ استغفار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) عامل دست یابی به شفاعت کبری !
- ۳۱ وجود پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مهمترین عامل دفع بلاست
- ۳۱ استغفار ، مانند پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بلاها را دفع می کند
- ۳۲ جایگاه استغفار در عبادات
- ۳۳ استغفار کنندگان محبوب خدایند
- ۳۴ تلاش شیطان برای از یاد بردن استغفار
- ۳۴ سر استغفار پیامبر و اوصیائش (علیهم السلام)
- ۳۵ گفتار سوم
- ۳۶ معنا و شرائط استغفار
- ۳۶ شرایط استغفار
- ۳۷ ولایت ، مهمترین شرط پذیرش توبه و استغفار
- ۳۹ گفتار چهارم : موانع قبولی استغفار
- ۳۹ مقدمه
- ۳۹ ۱ - نفاق و دو رویی
- ۴۱ ۲ - شرک به خداوند
- ۴۱ ۳ - ریا و خودنمایی

- ۴۲ ۴ - حق الناس
- ۴۲ ۵ - اصرار بر گناه
- ۴۳ ۶ - پدید آوردن دین جدید و گمراه نمودن مردم
- ۴۴ گفتار پنجم
- ۴۴ آثار و برکات استغفار
- ۴۴ برکات مادی استغفار
- ۴۴ ۱ - زندگی خوب و بهره‌وری از نعمت های خدا در دنیا
- ۴۴ ۲ - نزول باران رحمت و نجات از خشکسالی
- ۴۵ ۳ - تقویت قوای جسمی و روحی ، فردی و اجتماعی
- ۴۵ ۴ - وسعت روزی و حلّ مشکلات اقتصادی
- ۴۶ ۵ - بچه دار شدن و افزایش اولاد
- ۴۷ ۶ - نجات یافتن از بلاهای خانمان سوز دنیا
- ۴۸ ۷ - دفع عذاب از دیگران به وجود استغفار گویان
- ۴۸ ۸ - رفع غم و غصه ، رهایی از مشکلات
- ۴۹ ۹ - نجات از قرض و پرداخت بدهی
- ۴۹ برکات معنوی استغفار
- ۴۹ ۱ - مغفرت و آمرزش خداوند
- ۵۰ ۲ - پذیرفته شدن توبه
- ۵۱ ۳ - رفع بوی بد گناهان و معطر شدن به عطر استغفار
- ۵۱ ۴ - دست یافتن به رضوان خداوند
- ۵۲ ۵ - همراهی با امامان معصوم (علیهم السلام) مخصوصاً امام زمان (علیه السلام)
- ۵۳ ۶ - محبوبیت نزد خدا و امام زمان (علیه السلام)
- ۵۳ ۷ - ورود در نور اعظم خدا
- ۵۵ ۸ - درخشش نامه عمل ، آن گاه که بالا می رود

- ۵۵ ۹ - زمین خوردن شیطان و خنثی شدن وسوسه های او
- ۵۶ ۱۰ - زوال کابوس یأس و امیدوار شدن به مغفرت خداوند
- ۵۶ ۱۱ - پاک شدن زنگار دل و صفا یافتن قلب انسان
- ۵۶ ۱۲ - روی آوردن خیر و خوبی به انسان
- ۵۷ ۱۳ - بازگشت روح ایمان و تکمیل حقیقتش در انسان
- ۵۷ ۱۴ - ورود به بهشت
- ۵۸ گفتار ششم : نکته ها و رموز استغفار
- ۵۸ برکات فراوان برای استغفار زیاد
- ۶۰ اثر نوشتن استغفار روی انگشتر
- ۶۰ سید الاستغفار
- ۶۱ نماز استغفار
- ۶۱ زمان استغفار
- ۶۲ استغفار بهترین هدیه برای اموات
- ۶۳ استغفار برای پدر و مادر
- ۶۳ استغفار برای مردان و زنان مؤمن
- ۶۴ برکات دعا برای مؤمنین و مؤمنات
- ۶۵ شروع و ختم استغفار با صلوات
- ۶۶ گفتار هفتم : برترین اوقات استغفار
- ۶۶ مقدمه
- ۶۶ سحر هر شب
- ۶۷ بعد از نافله فجر
- ۶۷ بعد از نماز صبح
- ۶۷ بعد از نماز عصر
- ۶۸ هنگام خواب

- ۶۸ بعد از گفتن تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) -
- ۶۸ بعد از نماز واجب
- ۶۸ سحر شب جمعه
- ۶۹ صبح جمعه ، قبل از نماز صبح
- ۶۹ عصر جمعه
- ۶۹ ماه رجب
- ۷۰ ماه شعبان
- ۷۰ ماه رمضان
- ۷۱ گفتار هشتم : انواع استغفار و برکات آنها
- ۷۱ انواع استغفار و برکات آنها
- ۷۲ استغفاری برای نوشته نشدن گناه در نامه عمل
- ۷۳ استغفاری برای بخشش تمام گناهان
- ۷۳ استغفاری برای آموزش چهل گناه کبیره در روز
- ۷۴ دو فرشته مأمور ، نامه اعمال زشت را پاره می کنند
- ۷۴ استغفاری برای دست یافتن به گنج علم یا مال
- ۷۴ استغفاری برای ثبت در « مُسْتَعْفِرِينَ بِالْأَشْحَارِ »
- ۷۵ استغفاری برای آموزش هفت صد گناه
- ۷۵ استغفاری برای ثروت بی گمان
- ۷۵ استغفاری برای محبوبیت نزد خدا و استجاب دعا
- ۷۶ استغفاری برای نجات از سختی های قیامت
- ۷۷ استغفاری عجیب و مشکل گشا
- ۷۸ خانه ای در بهشت برای گوینده استغفار
- ۷۸ استغفاری پر برکت
- ۷۹ گفتار نهم : استغفارهای امیرالمؤمنین (علیه السلام)

- مقدمه ۷۹
- استغفار مجرب امیرالمؤمنین (علیه السلام) ، با خواص فراوان ۷۹
- استغفار مجربی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مرد عرب آموختند ۸۰
- متن عربی ۸۰
- ترجمه استغفار مجربی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مرد عرب آموختند ۸۲
- شفا یافتن دل و نورانی شدن قلب با تلاوت آیات استغفار ۸۵
- استغفار امیرالمؤمنین (علیه السلام) در قنوت نماز وتر ۸۵
- متن استغفار امیرالمؤمنین ۸۵
- پی نوشتها ۸۶
- ترجمه استغفار امیرالمؤمنین (علیه السلام) ، همراه آیات استغفار ۸۷
- نجات از فقر و گسترش روزی ۹۰
- استغفار امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از نافله صبح ۹۱
- متن استغفار (۱) ۹۱
- متن استغفار (۲) ۹۳
- پی نوشتها ۹۵
- ترجمه استغفار امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از نافله صبح (۱) ۹۶
- ترجمه استغفار امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از نافله صبح (۲) ۹۸
- ترجمه استغفار امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از نافله صبح (۳) ۱۰۰
- گفتار دهم : استغفار امام زمان (علیه السلام) برای شیعیان ۱۰۳
- پیامبر و امامان (علیهم السلام) اعمال شیعیان را می بینند ۱۰۳
- استغفار رسول خدا و اوصیایش (علیهم السلام) برای شیعیان ۱۰۴
- استغفار امام زمان (علیه السلام) برای شیعیان ۱۰۵
- تقاضای استغفار از امام زمان (علیه السلام) ۱۰۵
- داستان ابولبابه ۱۰۶

۱۰۶ چگونه از امام زمان (علیه السلام) عذر خواهی کنیم ؟

۱۰۹ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

تجربه شیرین ندامت

مشخصات کتاب

سرشناسه: یوسفی محمدحسین عنوان و نام پدیدآور: تجربه شیرین ندامت رمز آشتی با خدا و امام زمان علیه‌السلام و برکات استغفار / محمدحسین یوسفی وضعیت ویراست: [ویراست ۲]. مشخصات نشر: قم دلیل ما ۱۳۸۲. مشخصات ظاهری: ۳۶۸ ص. شابک: ۱۵۰۰۰ ریال ۹۶۴۷۹۹۰۸۵۵؛ ۱۶۰۰۰ ریال (چاپ دوم) یادداشت: پشت جلد به انگلیسی . . . Mohammad Hossein... yusefi. the dolicate experience of یادداشت: این کتاب در سال ۱۳۸۱ تحت عنوان "تجربه شیرین ندامت رمز آشتی با خدا و برکات استغفار" توسط نشر عهد منتشر شده است یادداشت: چاپ دوم: تابستان ۱۳۸۵. عنوان دیگر: رمز آشتی با خدا و امام زمان علیه‌السلام و برکات استغفار عنوان دیگر: تجربه شیرین ندامت رمز آشتی با خدا و برکات استغفار موضوع: توبه کاران موضوع: گناه رده بندی کنگره: BP۲۲۵/۷ ی ۹ت ۳ ۱۳۸۲ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۴ شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۸۳۲-۸۲ م

مقدمه

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْحُجَّةَ بْنِ الْحَسَنِ صَلَواتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّى تُسَكِّنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا

سخنی با شما

سخنی با شما

چه زیباست که انسان همه چیز را تجربه کند و اگر برایش امکان ندارد از تجربه دیگران استفاده کند. شما که دوست دارید همه چیز را بیازمایید و چه بسا در این راه خسارت هایی را نیز بدوش کشید، این بار بیایید فرمایش های خدا و رسول و امامان پاک (علیهم السلام) در باره توبه و استغفار و بازگشت به سوی خدا را باور کنید و این تجربه دیرینه را در زندگی به کار گیرید. و اگر کوچک ترین تردیدی دارید خود تجربه کنید؛ چه آنچه از علم برتر است، تجربه است! اگر در زندگی خویش گرفتاری و آشفتگی دارید، و خود را از مشکلات زمانه و سختی های دوران غیبت در امان نمی بینید، اگر تشنه دیدار امام زمانتان (علیه السلام) هستید و تحمل فراق آن مولای مهربان را ندارید، از آثار شوم گناهان و پی آمدهای تلخ تجاوز از حدود خداوند غافل نشوید و برکات ندامت از کردار ناشایست و اظهار پشیمانی از گناهان یعنی: استغفار را نادیده نگیرید. بیایید برای درک حقیقت آشتی با خدا و امام زمان (علیه السلام)، و دست یافتن به آثار و برکاتش، ابتدا نقش حیاتی استغفار و ارزش والای اظهار ندامت را در مکتب وحی بفهمیم و راه آشتی کردن و بازگشت به سوی خدا را آموخته، معنای توبه و استغفار را فهمیده، با شروط آن آشنا شده، از موانع پذیرش آن آگاه گشته و اسرار و رموز آن را فرا گیریم؛ سپس ندامت قلبی خود را به خدای مهربان اظهار کرده و با تکرار ذکر مبارک استغفار به آثار پر بار مادی و برکات بی انتهای معنویش دست یافته و شیرینی اظهار ندامت را در ذائقه خویش تجربه کنیم. آنگاه با اشتیاقی بی امان، در جستجوی اوقات برتر استغفار و انواع بهتر عذرخواهی برآییم. این نوشتار، شما را در دست یابی به این هدف عالی یاری می کند. روز عرفه ۱۴۲۳ هـ. ق محمد حسین یوسفی

بازگشت بی شکست

جمعه شی‌ی آن دم که از نیمه گذشته بود، در پیچ و خم تاریک و خموش کوچه‌های خوش بختی و سعادت، جوانی افتان و خیزان، سرگشته و حیران، وحشترده و نالان! در جستجوی سوسوی نوری می‌دوید که از روزنه‌های تاریکی‌ها می‌دمید. نوری که طبق طبق مروارید علم و دانش ارمغان می‌آورد که در صدف‌های کمال و فضیلت جای گرفته بودند و بر روی سجاده‌های سبز محبت افتاده و به دست فرشته‌های بهشتی داده می‌شد تا با خود به آسمان زیبای معنویت بالا برند؛ جایی که اشکِ خسته دلانِ کوی یار را پُر بها خریدارند. ناگاه شب‌نم اشکش بر گونه‌های خسته و بی‌رمقش غلتید و با همه یأس و ناامیدی صدایی را شنید که از صدای بلبل دل‌انگیزتر و از وصل محبوب زیباروی دلپذیرتر بود: ای گمشده وادی تاریکِ شب‌ها، ای سرگشته صحرای مخوفِ معصیت‌ها، ای لب‌تشنه افتاده در کویرِ سوزانِ شهوت‌ها، ای بنده لرزیده از طوفان سرد و شوم غفلت‌ها، ای جوان در مانده در پشت در زندان یأس و ناامیدی‌ها؛ بیا با من باش تا من هم با تو باشم، بیا دوستم بدار تا من هم دوستت بدارم، بیا در آغوش مهر و رحمت بیاسای تا آرمزش من هم تو را بنوازد. بیا و برگرد که اگر بازگردی می‌پذیرمت و با داستانِ مهربانِ مغفرت‌م دست‌های خسته و ترک‌خورده از سردی گناه تو را می‌گیرم. بیا و با یک دنیا امید از دروازه توبه گذر نما، در شهر زیبای استغفار قدم بگذار، در کوثر گریه از خوف خدایت غسلی کن و از تابش طلایی خورشید آشتی با خدای خویش، نوری بگیر؛ آنگاه، با زلالِ اشکِ ندامت و ضوئی بساز، صحیفه استغفار را ورق بزن و صفحه صفحه اش را با دقت بخوان؛ که در این حریم مبارک، چشمه سارهای خشک شده امید به جوش آمده، نهرهای ساکت و آرام عبودیت به جریان افتاده و سرزمین خشکیده روح انسان سیراب می‌گردد. اینجا مرغِ در قفس مانده جان آدمی رها گردیده و در آسمان معنویت به پرواز در می‌آید. و از همین جاست که درهای آهنین زندان لغزش و خطا باز گشته و تن خسته و بی‌رمقِ زندانیان گنهکار، جانی تازه می‌گیرد. اینجا بادبانِ کشتی شکست خورده ایمان به لرزه افتاده و به سوی جزیره اوج و شکوفایی به حرکت در می‌آید. آری، اینجا وادی پر نورِ غفرانِ «غَفَّارِ الدُّنُوبِ» و اقیانوس بی‌کران رحمت «ارحم الراحمین» است. ای عزیز زمین خورده در سراسیمگی خطا و لغزش، بیا تا نیروی جوانی در کف داری، دستی بر زانوی دردمند از بار گناهت بنه و با تکیه بر دیوارِ پشیمانی، پای خویش از لجنزارِ خلاف و انحراف بیرون کش و بر مرکب راهوارِ عذرخواهی سوار شو و به سوی وادی امنِ مغفرت بشتاب، که هر آینه تأخیرش، خطر حمله گرگانِ بیابان‌های تاریک و مخوف عقوبت خداوند را به دنبال خواهد داشت. جوان گنهکار، که گمشده اش را در ندای دلنشین محبوب خویش یافته و از شدت شوقی که به او دست داده بود، سر از پا نمی‌شناخت، با باز کردن صحیفه استغفار و پی بردن به آثار و برکات آن، از کردار خویش پشیمان شده، از حالت بیخودی به خود آمده و چشمان به هم آمده اش باز گردید. با قدم‌هایی لرزان و اشکی ریزان، در حالیکه بغض گلویش را می‌فشرد، گوشه‌ای خلوت را جستجو کرد تا عقده‌های چند ساله اش را با فریادهای ندامت خود در پیشگاه خدای مهربانش بگشاید. نگاهی به اطراف انداخت، همین که گرد خود را خلوت دید، از ژرفای وجودش ناله‌ای جان‌سوز بر کشید: ای خدای من، و ای معبود مهربانم، با چه نامی تو را بخوانم، و با چه زبانی با تو سخن گویم؟ مهر و عطوفت در ژرفای قلبم غوغا به پا کرده و اشتیاق به گناه را از دلم ربوده است. با همه وجودم تو را دوست دارم و از گذشته تاریکم سخت پشیمانم. ای خالق مهربانی که همه هستی‌ام را از تو دارم، اگر لحظه‌ای لطف و عنایت را از من برگیری نابودم؛ پس چرا از تو غافل باشم و حرمت را نگاه ندارم و از جود و احسانت نیرو نگیرم؟ معبودا! از تو ممنونم که مرا با خود آشنا و با من سخن آغاز کردی، گوئیا کم‌کم نسیمِ عطر آگینِ عفو و گذشتت را با همه وجودم لمس می‌کنم، و روح خسته‌ام چون نیلوفرهای پیچان تا اوج آسمان‌ها به حرکت در آمده و دیگر پیچک‌های کمرشکن، خواهان رفاقت با من نیستند. این بار احساس می‌کنم که می‌توانم سالیان سال در کنار گلستان مهربانی‌هایت بیاسایم، زندگی آرام و پر سودی داشته باشم و از نسیم دلنواز باغستان عفو و بخشش جانی تازه باز گیرم. آه که احساس عجیبی به من دست داده است، نمی‌دانم چگونه در گلزار توبه و استغفار قدم گذارده

و از باغبان ایمان و طاعت عذر خواهیم. تصوّر می‌کنم به خدای خویش نزدیک شده‌ام، به هر طرف رو می‌آورم درها به رویم باز است. دیگر سنگریزه‌ها در زیر پایم سرازیر نمی‌گردند تا مرا در درّه‌های مخوفِ هرزه‌گی و خلاف اندازند؛ چرا که من به دستگیره‌های محکم توبه و استغفار چنگ زده‌ام و هیچگاه آن‌ها را رها نمی‌کنم. آری! این بار آنچنان دگرگون شده‌ام که رمز و رازهای آشتی با خدا و شرط و ادب عذرخواهی را می‌آموزم و در سایه دیوار بلند استغفار، اتراق کرده و در کنار گنجینه‌ای پر از جواهرات معنوی، جای گرفته‌ام. در باغ‌های زیبا و با طراوت غفران، پناه بسته و با انواع گل‌های رنگارنگ آمرزش خواهی، انس می‌گیرم. صدای آبشار بنده نوازِ دعوت به سوی خدا در سرم طنین افکننده، و آهنگ خوش آن گوش دلم را نوازش می‌دهد. گرمی دستان مهر و عطوفت خدای مهربان را بر شانه‌هایی که خسته از کوله بار گناهان، احساس می‌کنم. عرق شرم بر پیکر آلوده‌ام نشسته است و اندام خسته‌ام آن قدر از کشیدن بار سنگین معصیت به ستوه آمده‌اند که استخوان‌هایم نیز فریاد می‌زنند: «خدایا، ما را ببخش». هنگامی که به سوی پروردگارم سری بلند می‌کنم تا از او عذر بخواهم، در آسمان نیلگون معرفت پرواز پرندگانِ بال‌گشوده را می‌بینم، و با شرمساری به آن‌ها خطاب می‌کنم: شما پرندگان آنقدر سبکبالید که به هر سو بخواهید پر می‌کشید. ای کاش من هم از ابتدای تکلیف، خدای خود را شناخته و همچون شما به سوی آسمان کمال و فضیلت بال‌گشوده و به هر سو پرواز می‌کردم. خدایا، اکنون که خودت در آشتی را به رویم باز کردی بدی‌های مرا نادیده بگیر؛ حال توبه بهتری به من عطا فرما؛ شاهد شیرین استغفار را بر کامم فرو نشان؛ نور معرفت خویش را در دلم بتابان؛ مرا به سرچشمه زلال اطاعت رهنمون باش؛ شربت گوارای مغفرت را به من بچشان و با آشنای کوی خود، مناجی سحرگهان، مقتدای دلسوختگان، معشوق منتظران، مولایم امام زمان (علیه السلام)، آشنا گردان. بارالها دست‌های لرزانم را در دست‌های پر مهر آن مولای مهربان بگذار و خاک پایش را کیمیای جسم بی‌جانم ساز و غبار کویش را سرمه چشمان کم‌سویم کن. و توای سرگشته بیابانها، آن هنگام که دست‌های پر از ستاره‌ات را به سوی آسمان می‌گشایی تا برای دوستان و شیعیان - مخصوصاً جوانان فریب‌خورده - استغفار کنی، و آنان را به آغوش پر نور خویش بازگردانی، من روسیاه و امانده را نیز، از خاطر عاطرت دور مساز و برای گناهانم از خدا آمرزش بخواه، که دعای تو مستجاب است. من نیز با تو پیمان می‌بندم که ورد شب و روزم را دعا برای ظهورت قرار داده و در انتظار آمدنت، سخاوتمندانه دامن دامن اشک افشانم. آری! با دیدگان کم‌سویم، به راه تو خواهم نگریم؛ و با سرشک هجران، مسیر آمدنت را شستشو خواهم داد، و با گام برداشتن در طریق رضا و خوشنودیت، دل غمدیده‌ات را شاد خواهم نمود. خدا را شکر که سریع‌ترین راه برای فرار از زندان عقوبت گناه را آموختم و ریسمان فتح قله سعادت و موفقیت را دریافتم. دیگر از این ساعت، ذکر عطر آگین استغفار و عذرخواهی از خدا را زمزمه همیشگی خویش خواهم ساخت. چرا که استغفار دعائیست مستجاب و راهی کوتاه به سوی ربّ الارباب. و نیز بهترین وسیله برای ارتباط بنده گنهکار با خالق غفار و سریع‌ترین عامل رهایی از نکبت معصیت‌ها و جهنم عقوبت‌ها و ذکری پر بار برای دست یافتن به خیرات مادی و برکات معنوی است. آری! به یقین رسیدم که اگر دیدار امام زمانم را می‌خواهم، اگر خشنودی خدایم را می‌طلبم، اگر همراهی با موالیان گرامی‌ام را می‌جویم، اگر محبوبیت در نزد خدا و اولیانش را خواهانم، اگر در صدد مبارزه با شیطان و خنثی کردن وسوسه‌های او هستم، اگر درخشش نامه عمل و ورود در میدان نور حق را طالبم، اگر از کابوس یأس هراسانم و برای رسیدن به خورشید رجا و امید در تلاشم، اگر از زنگار قلبم گریزان و برای یافتن صفای دل شتابانم، اگر برای تکمیل درجات ایمان و دست یافتن به هر خیر و برکتی در تکاپویم، و خلاصه اگر ورود به بهشت و بهره‌ور شدن از نعمت‌های ابدی خداوند را آرزو می‌کنم، باید استغفار کنم. و بلکه اگر پذیرش توبه‌ام را می‌خواهم و در تلاش برای رهایی از قرض‌ها و مرض‌ها، سختی‌ها و مشکلات و زدودن غم‌ها و غصه‌هایم هستم، و اگر خلاصی از بلاهای سخت دنیا را می‌جویم، و در آرزوی دست یافتن به روزی فراوان، ثروت بیشتر و آینده درخشان و پر باری هستم، و در یک سخن، اگر زندگی خوب، پر برکت، و با عزّتی را دنبال می‌کنم، باید استغفار کنم. آری! باید استغفار کرده

و از خدای خویش عذرخواهی کنم. از او آمرزش بخواهم و ندامت خود را به خالق مهربانم اعلان کنم! که او آمرزنده و توبه پذیر و دوستدار توبه کنندگان و استغفار گویان است. (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ). (۱) به راستی خدا کسانی را که پی در پی توبه و استغفار می کنند دوست دارد و طهارت جویان و پاکی طلبان را دوست دارد. ۱- سوره بقره، آیه ۲۲۲.

توبه و استغفار تنها عامل خوشبختی

در برخوردهایی که با بسیاری از جوانان داشتم، چه دوستان دانشجو و روحانی که مشغول تحصیل علم و دانش برای دست یابی به مقامات علمی هستند، و چه دوستان کاسب و تاجری که سرگرم فعالیت های اقتصادی و در تلاش برای رسیدن به کمالات معنوی می باشند؛ به سؤالات و اظهاراتی بر خوردم، که مجموع آن ها در چند سؤال خلاصه می شود: - چرا ما در زندگی مادی و معنوی خویش توفیقات چشمگیری نداریم؟! - چرا به هر کاری که دست می زنیم نتیجه مثبت و قطعی از آن نمی گیریم و گاهی نه تنها سود نمی بریم بلکه ضررهایی نیز متوجه ما می گردد؟! - برای توفیقات بیشتر علمی و معنوی، و پیشرفت های مادی و اقتصادی چه راهی را باید پیمود تا سریع تر نتیجه گرفت؟ - علت گرفتاری های ما و مشکلات متعددی که به صورت های مختلف دامنگیرمان می گردد چیست؟ - آیا برای دست یافتن به روزی بیشتر - چه مادی و چه معنوی - مانعی در کار ماست تا آن را برطرف سازیم، یا سببی لازم است تا آن را به دست آوریم؟ با مطالعات و تجربیاتی که در زندگی خود و دوستان جوانم داشتم، و با کمک جستن و الهام از آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) - که شفای دل های مریض، حیات قلب های مرده، و درمان جسم و روح همه انسان هاست - به این نتیجه رسیدم: انحراف فکری و عملی یکی از مهمترین عوامل فقر و بدبختی و عقب افتادگی جامعه مسلمانان مخصوصاً دوستان امیرالمؤمنین (علیه السلام) در زندگی فردی و اجتماعیست. فسادهای عقیدتی و اخلاقی در افراد یک اجتماع، یکی از علل اساسی نزول بلا، قحطی و خشک سالیست. رواج فحشا و فساد در میان خانواده ها و محیط های کوچک و بزرگ اجتماع مسلمین، یکی از موانع بزرگ استجاب دعا و مانعی بر نزول باران و یکی از اسباب مهم پدید آمدن امراض مختلف و بلاهای خانمان برانداز است. گناه و معصیت، ابر سیاهی را بر فراز سر انسان می فرستد که جلوی دیده گان او را گرفته و مانع تابش خورشید رحمت حق گشته، و اشراقات شمس ولایت، الطاف خاصه امام عصر ارواحنا فداه، را کم سو می سازد. نافرمانی و سرپیچی از فرامین خداوند، انسان را از جاده مستقیم سعادت و خوشبختی، به درّه های شقاوت و بدبختی سرنگون می سازد و از باغ های سرسبز امتیّت و رفاه، به صحراهای سوزان سختی و تنگ دستی، می کشاند. یکی از علل کم سودی یا بی فایده گی تلاش های ما، ارتکاب گناهان و اعمال ناشایستی است که شب و روز در هر کوی و برزن، محل های کسب و تجارت، محیط های علم و دانش و مراکز اداری مسلمین به چشم می خورد.

پی آمدهای گناه مؤمن در دنیا

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در مورد سختی ها و بلاهایی که به عنوان عقوبت گناهان و کردار ناشایست متوجه شخص مؤمن می گردد، می فرماید: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا قَارَفَ الذُّنُوبَ أُبْتِلَىٰ بِهَا بِالْفَقْرِ، فَإِنْ كَانَ فِي ذَلِكَ كَفَّارَةٌ لِمَذُنُوبِهِ، وَ إِلَّا ابْتُلِيَ بِالْمَرَضِ، فَإِنْ كَانَ فِي ذَلِكَ كَفَّارَةٌ لِمَذُنُوبِهِ، وَ إِلَّا ابْتُلِيَ بِالْخَوْفِ مِنَ السُّلْطَانِ يَطْلُبُهُ، فَإِنْ كَانَ فِي ذَلِكَ كَفَّارَةٌ لِمَذُنُوبِهِ، وَ إِلَّا ضُيِّقَ عَلَيْهِ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسِهِ، حَتَّىٰ يَلْقَىٰ اللَّهَ حِينَ يَلْقَاهُ وَ مَالَهُ مِنْ ذَنْبٍ يَدْعِيهِ عَلَيْهِ فَيَأْمُرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ. (۱) زمانی که مؤمن مرتکب گناهان می گردد، به خاطر اعمال ناشایستش، مبتلا به فقر و تنگ دستی می شود. اگر دیدن این سختی، کفاره گناهان او گردید (خدا از گناه او می گذرد)، در غیر این صورت مبتلا به مرضی می شود تا گنااهش بریزد. اگر دیدن مرض، گناه او را جبران کرد، (که کرد) و گرنه گرفتار سلطانی می گردد که او را دنبال کرده و بترساند. و اگر وحشتی که از سلطان به او رسید، گنااهش را ریخت (

خدا دیگر او را عقوبت نمی کند) و گرنه هنگامی که روح از بدنش خارج می شود، جان دادن بر او سخت می گردد، تا خدا را در حالی ملاقات نماید که هیچ گناهی نداشته باشد که او را به آن عقاب کند. این جاست که از طرف خداوند دستور می آید تا او را راهی بهشت سازند. ۱- بحارالأنوار، ج ۶۴، ص ۲۳۷.

آثار شوم گناه شیعیان

امام صادق (علیه السلام) نیز در سخن پر باری، آثار شوم گناهان شیعیانشان را برای مفضل چنین بیان می فرماید: یا مُفَضَّلُ اِیَّاكَ وَالذُّنُوبَ، وَ حَذْرَهَا شِيعَتَنَا، فَوَاللَّهِ مَا هِيَ اِلَى اَحَدٍ اَسْرَعُ مِنْهَا اِلَيْكُمْ، اِنَّ اَحَدَكُمْ لَيُصِيبُهُ الْمَعْرَةُ مِنَ السُّلْطَانِ وَ مَا ذَاكَ اِلَّا بِذُنُوبِهِ، وَ اِنَّهُ لَيُصِيبُهُ السَّقَمُ وَ مَا ذَاكَ اِلَّا بِذُنُوبِهِ، وَ اِنَّهُ لَيُحْبَسُ عَنْهُ الرِّزْقُ وَ مَا هُوَ اِلَّا بِذُنُوبِهِ. (۱) ای مفضل، از این که مرتکب گناهان گردی پرهیز و شیعیان ما را از ارتکاب آن دور نگه دار و بترسان. به خدا سوگند آثار شوم گناهان زودتر از همه، شما را فرا می گیرد. و هر گاه برای بعضی از شما بد رفتاری و سختی از سوی سلطانی برسد، این گرفتاری نیست مگر به خاطر گناهانش. و هر گاه به مرضی و ناراحتی جسمی دچار شود، این هم نیست مگر به خاطر گناهان او. و هر گاه روزی او حبس گردد و به او نرسد، این نیز نیست مگر به خاطر گناهانی که انجام داده است. ۱- کتاب السعة و الرزق، ص ۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۰۵؛ بحارالأنوار، ج ۶، ص ۱۵۷.

نیک پنداشتن گناه، نتیجه قساوت دل!

این نوع عقوبت ها، در صورتی است که اهل یک شهر و آبادی، کردار خویش را گناه بدانند و با وجود این آگاهی مرتکب آن گردند. وای به حال جمعیتی که قبح و زشتی گناه از میان آن ها رخت بر بسته و در عین حالی که معصیتی را انجام می دهند، آن را نیک پنداشته و عمل ناشایست خود را شایسته می انگارند. این نیست مگر بدین خاطر که، دل های اینان را چنان قساوتی گرفته که اعمال زشتشان در نظرشان زینت یافته و شیطان گناهانشان را در نظرشان نیک جلوه بخشیده است. خداوند متعال، در مورد کسانی که خدا را فراموش کرده اند و به پیامبر او ایمان نیاورده اند و به سختی و بلاهایی در دنیا گرفتار شده اند، می فرماید: (فَلَوْلَا اِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَ زَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ). (۱) چرا وقتی که بلا و سختی ما به آن ها می رسد، توبه و تضرع و زاری نکردند؟ (تا نجات یابند؟ بدین خاطر چنین نکردند که) دلهایشان را قساوت فرا گرفته است، سخت دل شده اند و شیطان کردار زشت آن ها را در نظرشان زیبا ساخته و نیک جلوه داده است. ۱- سوره انعام، آیه ۴۳.

بلاهای جدید، نتیجه گناهان جدید

امان از روزی که مردم گناهانی را که قبلاً سراغش نرفته و با آن ها آشنا نیستند، مرتکب شوند چرا که آنچه شالوده اجتماعی را از هم می پاشد گناهان جدیدی است که افراد یک جامعه، به اشکال مختلف و با توجیحات شیطانی انجام می دهند. و این گناهان تازه بلاهای جدیدی را که تا آن روز کسی ندیده، به سویشان سرازیر می کند. امام رضا (علیه السلام) می فرماید: كُلَّمَا اَخْدَتِ الْعِبَادُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ، اَخْدَتِ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْرِفُونَ. (۱) هر گاه مردم گناهان تازه ای اختراع کنند که قبل از آن نمی کردند، خدا نیز، بلاهای جدیدی را که تا آن روز ندیده و نشناخته باشند، برایشان پدید می آورد. امروزه گرچه بشر بر امراضی همچون وبا، طاعون و... چیره شده و از شیوع یا تأثیر آن ها جلوگیری می کند، ولی غافل از این است که خداوند در برابر گناهان جدید، بلاها و امراض بی سابقه ای را پدید می آورد که راه علاجی برایش نمی یابد. با کمال تأسف! بسیاری از انواع سرطان ها و مرض های تازه و ناعلاج که در میان مردم رواج پیدا کرده، معلول کارهای زشت و گناهان

جدیدی است که بشر با تمام ادعاهایش خود را بدان‌ها آلوده ساخته است و خدا و خلیفه خدا، امام زمان (علیه السلام) را به غضب آورده است. طِبُّ امروز با تمام پیشرفت‌هایی که کرده، از درمان بسیاری از بیماری‌ها عاجز و ناتوان است. و اگر هم بعد از چند سال تلاش و کوشش بتواند به گونه‌ای با این مرض‌ها مبارزه و آن‌ها را درمان کند، خداوند بیماری دیگری را جایگزین آن می‌سازد که کسی را قدرت مبارزه با آن نباشد. و این زنگ خطری است برای کسانی که بی‌باکانه سراغ گناهان جدید می‌روند و همه مظاهر دین را به باد تمسخر می‌گیرند. یک روز دین دارند و روز دیگر آن را فراموش می‌کنند، از گناهی خسته می‌شوند و به عشق گناه تازه‌ای که کامشان را شیرین کند، اسیر هوای نفس و شیطان گشته، پشت پا به دین و شعائر مذهبی می‌زنند. همچنین هشدار می‌دهد که کسانی که دین داری آنان تا زمانی است که اطاعت از خدا و ولایت صدمه‌ای به دنیایشان نزنند، اما اگر روزی دین و رعایت مسایل دینی باعث از دست دادن منافع مادی آن‌ها گردد، از آن سر باز می‌زنند و هر گناه و معصیتی را مرتکب می‌شوند و برای درآمد و شهرت بیشتر دست به معاملات حرام و تجارت‌های نامشروعی زده و درآمد خود را با اموال ناپاک، آلوده ساخته و هر لحظه فاصله خویش را با امام زمانشان بیشتر می‌کنند. ۱- بحارالأنوار، ج ۷۰، ص ۳۴۳، ح ۲۶.

گناه نشانه کفران، و سرآغاز از دست دادن نعمت

افرادی که نعمت‌های خداوند را در مسیر نافرمانی او به کار می‌گیرند، باید از آن روزی بترسند که ناگهان غضب خدا آن‌ها را دریابد و نعمت‌هایش را از آنان بستاند. چرا که به کار نگرستن نعمت‌های خداوند در مسیری که او می‌پسندد و صرف نمودن آن‌ها در معصیت و نافرمانی خداوند، ممکن است یک نوع دهن کجی به خدا و امام زمان (علیه السلام) و نشان آشکاری از کفران نعمت‌ها باشد. پر واضح است، اگر کسی نعمت‌های خداوند را در غیر مسیر خوشنودی او صرف نماید، نعمت‌هایی را که در اختیار دارد، از دست خواهد داد و خود را مستحق عذاب خداوند خواهد ساخت. او خود، در منشور آسمانی اش، به صراحت چنین اعلام می‌کند: (وَ إِذِ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ). (۱) (به یاد آورید) هنگامی را که پروردگارتان اعلام داشت: اگر (نعمت‌ها را) شکر گوئید، بر شما خواهیم افزود و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است. آری! ناسپاسی و کفران نعمت‌های خداوند، و به کار گرفتن آن‌ها در مسیری که او دوست ندارد و بلکه مورد غضب اوست، علاوه بر این که موجب می‌شود بنده ناسپاس نعمت‌هایی را که در اختیار دارد از دست بدهد، باعث گرفتاری او نیز می‌گردد. خداوند ماجرای اقوامی را که به خاطر ناسپاسی و کفران ورزیدن هلاک شده‌اند، چنین حکایت می‌کند: (وَ اِنْ مِنْ قَوْمٍ اِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهُمْ قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ اَوْ مُعَذِّبُوهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَلِكُمْ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا). (۲) هیچ شهر و آبادی نیست مگر آن که آن را پیش از روز قیامت هلاک می‌کنیم یا (اگر اهل آن نافرمانی و سرپیچی کنند) آن‌ها را به عذاب سختی گرفتار خواهیم ساخت، این در کتاب الهی (لوح محفوظ) ثبت است. بی‌شک، انکار حق و حقیقت، و ارتکاب گناه و معصیت از سوی بعضی از بندگان آن چنان اوج می‌گیرد که خداوندی را که رحمتش عام و همه چیز و همه کس را فرا گرفته، به غضب می‌آورد و نزول عذابش را بر آن‌ها حتمی می‌گرداند. در حالی که آن کریم‌مهربان راه فرار از عذاب خویش را برای بندگانش بیان فرموده و به دو عامل مهم برای نجات از عذاب خویش اشاره کرده است: (مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ اِنْ شَكَرْتُمْ وَاَمْتُمْ). (۳) خداوند چه کار به عذاب شما دارد، اگر نعمت‌های او را شکر گوئید و به او و فرستادگانش ایمان آورید. اما این بشر طغیان‌گر با همه دعوت‌ها و پیام‌های مهرآگین و دلنشین خدای سبحان، گاهی آن چنان خیره‌سری می‌کند و مهلت خداوند به قدری او را دریده و بی‌حیا می‌سازد که پیاپی گناه می‌کند و زمانی هم که گرفتار بلا و عذاب خداوند می‌شود، به جای توبه و بازگشت به سوی خالق‌مهربان، برای رهایی خویش از بلاهای خانمان سوز متوسل به امور مادی می‌گردد. به عنوان نمونه: زمانی که عصیان و نافرمانی گروهی باعث قحطی و خشک‌سالی می‌شود، به جای آن که مردم آن دیار به سوی خدا بازگشته، توبه کرده و نماز استسقاء بخوانند و از خدا

طلب باران کنند؛ دست به سوی کفّار دراز می‌کنند تا برایشان باران مصنوعی بسازند و کشتزارهای آن‌ها را سیراب کنند، و خسارت‌های وارده را به این صورت جبران نمایند. غافل از آن که خداوند قهار در کمینگاه است و نظاره‌گر کارهای بندگانش می‌باشد و نیک می‌بیند که بنده گنهکار او برای رهایی از عذاب خدای خویش چه می‌کند. پر واضح است: اگر این کار، خدا را به غضب آورد ممکن است او هم در مقام مکر و حيله بر آید و نقشه‌های آنان را نقش بر آب سازد. آری! زمانی که خداوند ببیند بندگانش برای مبارزه با عقوبت او به سوی اموری دست یازیده‌اند که جز کفران و ناسپاسی معنای دیگری ندارد، او نیز عذابش را سخت‌تر می‌کند و تمام زحمات بندگان خیره‌سرس را با همه مخارج و هزینه‌های سنگینی که برایشان داشته است، هدر داده و بادهای مأمور خویش را سراغ ابرهای مصنوعی آنان می‌فرستد تا باران آن‌ها را در مناطق دیگری فرو ریزند و دماغ آنان را به خاک بمالند، شاید سر عقل آمده و به سوی احکام نورانی اسلام و مکتب پر بار اهل بیت (علیهم السلام) بازگردند. اگر چه، گاهی هم آنها را آزاد گذارده تا راه در پیش گرفته را طی نموده و به کار خود مغرور گردند، از خدای خویش بیشتر فاصله گرفته و در درکات عذاب او در برزخ و قیامت گرفتار آیند. همچنانکه با کفار، مشرکین، منافقین و مخالفین، چنین رفتاری کرده؛ دنیا را بهشت آنان ساخته ولی برزخ و قیامت را، برایشان جهنمی سوزان و زندانی تاریک و وحشت‌زا قرار داده است. ۱- سوره ابراهیم، آیه ۲۰۷- سوره اسراء، آیه ۵۸-۳- سوره نساء، آیه ۱۴۷.

توبه و استغفار، تنها راه نجات از عقوبت گناهان

پس چه بهتر که در برابر خدایی که همه عالم تحت فرمان او و در سایه قدرت اوست و با کمال مهر و عطوفت بندگانش را نوازش کرده و به سوی خویش دعوت فرموده، سرسختی و لجاجت به خرج ندهیم؛ دعوت او را لَبَّيْكَ گوئیم، با یک دنیا ندامت و پشیمانی به سوی او روی آوریم و رحمت و مغفرتش را طلب کنیم. که او برای همه کسانی که حلقه عبودیتش را به گردن دارند، دعوتنامه عمومی فرستاده است: (وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيُؤْمِنُوا بِي وَلْيَسْتَجِيبُوا لِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ). (۱) زمانی که بندگان من مرا بخوانند، من نزدیک (به آن‌ها) می‌باشم، صدایشان را می‌شنوم و (زمانی که دعا کننده ای مرا بخواند دعوت او را اجابت می‌کنم پس باید به من ایمان آورند، دعوت مرا اجابت کنند (و مرا بخوانند) بلکه (به خیر و نیکی و سعادت و خوشبختی) هدایت یابند. آری، او خدای مهربان و دلسوزی است که با همه گناهانی که بندگانش کرده‌اند، باز برای کسانی که به سویی باز گشته، توبه نصوح کنند و از او عذر بخواهند، وعده فلاح و رستگاری داده است: (وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ). (۲) ای مؤمنان، همگی با هم به سوی خدا توبه کنید و باز گردید شاید رستگار شوید. و علاوه بر این، راه بازگشت به سوی خویش را به آنان آموخته است و برای تحقق توبه واقعی، ابتدا دستور عذرخواهی و استغفار، و سپس فرمان به توبه می‌دهد: (وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ). (۳) از الله، پروردگارتان طلب آمرزش کنید پس از آن، توبه کرده و به سوی او باز گردید. آری! چه زیباست که ذکر عطر آگین استغفار و عذرخواهی از خداوند را، ذکر مدام خویش قرار دهیم، که استغفار دعایی مستجاب و راهی کوتاه به سوی ربّ الارباب و بهترین وسیله برای ارتباط بنده گنهکار با خدای غفار و سریع‌ترین راه برای رهایی از نکبت گناه و زندان عقوبت‌ها است. اگر کسی در متن آیات محکم قرآن و روایات معتبر پیامبر و خاندان پاکش (علیهم السلام)، تأمّل و دقت کند بخوبی درمی‌یابد که مهم‌ترین عامل گرفتاری‌های مؤمن در دنیا گناهان اوست. این گناهان اگر شستوشو نگردهد، و بار سنگین آن از دوش انسان برداشته نشود از بلاها و سختی‌هایی که دامنگیر او گشته رهایی نخواهد یافت. با این که خداوند بسیاری از گناهان مؤمن را می‌بخشد و از عقوبت آن صرف نظر می‌کند، ولی با این همه، علّت اساسی گرفتاری‌های او را کردار ناشایستی می‌شمارد که به دست خویش آن‌ها را انجام داده است: (وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ). (۴) هر مصیبت و گرفتاری که به شما می‌رسد به خاطر کردار زشتی است که به دست خود

انجام داده اید و خدا از بسیاری از گناهان (شما) می گذرد . ۱- سوره بقره ، آیه ۱۸۶ . ۲- سوره نور ، آیه ۳۱ . ۳- سوره نور ، آیه ۴۰ . ۳- سوره شوری ، آیه ۳۰ .

استغفار ، بهترین دعا

آنچه بر اهمیت این بحث می افزاید این است که پیامبر گرامی و دلسوز (صلی الله علیه وآله وسلم) ، استغفار را بهترین دعا شمرده و می فرماید : **خَيْرُ الدُّعَاءِ الْإِسْتِغْفَارُ** . (۱) بهترین دعا استغفار است . چرا که گناهان انسان یکی از موانع بزرگ استجاب تمام دعاهاست و اجابت خواسته او رابه تأخیر می اندازد ؛ و حتی از برخی روایات استفاده می شود : گاهی دعای انسان مستجاب می شود و مقدر می گردد که خواسته او اجابت شود ، ولی قبل از آن که حاجتش روا گردد گناهی انجام می دهد که باعث محرومیت او از عطای خداوند می شود . امام باقر (علیه السلام) ، در این زمینه می فرماید : **إِنَّ الْعَبْدَ لَيَسْئَلُ الْحَاجَّةَ مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا فَيَكُونُ مِنْ شَأْنِ اللَّهِ فَضَائِلُهَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ أَوْ وَقْتُ بَطْئِ فَيُذْنِبُ الْعَبْدُ عِنْدَ ذَلِكَ ذَنْبًا فَيَقُولُ اللَّهُ لِلْمَلَكِ الْمُوَكَّلِ بِحَاجَتِهِ : لَا تُنْجِزْ لَهُ حَاجَتَهُ وَآخِرُهَا أَيُّهَا فَإِنَّهُ تَعَرَّضَ لِسَخَطِي وَاسْتَوْجَبَ الْحِرْمَانَ مِنِّي** . (۲) بنده ای حاجتی از حاجت های دنیایی را از خداوند درخواست می کند ، خدا هم چنین مقدر می کند که در آینده نزدیک (یا با تأخیر اندکی) حاجتش روا گردد ، ولی این بنده در همان زمان ، گناهی مرتکب می گردد . خداوند به فرشته ای که مأموریت داده حاجتش را برآورد می فرماید : حاجت او را روا مکن و از آن محرومش ساز ، چرا که او کاری کرد که در معرض غضب من قرار گرفت و مستحق محرومیت از من شد . پس اولین اثر گناه ، محرومیت از استجاب دعا است ، در حالی که برای پیدایش کمالات مادی و معنوی در بنده مؤثرترین عامل ، دعا می باشد . به همین خاطر است که از استغفار به عنوان بهترین دعا یاد شده است . زیرا کمترین اثر استغفار و طلب آمرزش از خدا این است که موانع استجاب دعا را از پیش پای انسان برداشته و آثار مخرب و نابود کننده گناه را از بین می برد . علاوه بر این ، قلب شخص گناهکار را نورانی کرده ، فکر و نیت او را برای اقبال به دعا و پیدایش حال مناجات با خدا آماده و مهیا ساخته و راه ارتباط با مولایش امام زمان (علیه السلام) را برای او هموار می گرداند و او را با معدن خیرات مرتبط می سازد . ۱- بحار الأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۱۹۰ ؛ کافی ، ج ۲ ، ص ۵۰۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۷ ، ص ۱۷۶ . ۲- سفینه البحار ، ج ۱ ، ص ۴۸۹ .

انگیزه تألیف کتاب حاضر

ما در این مجموعه بر آن شدیم تا یکی از مهمترین عوامل غفران و آمرزش ، یعنی « استغفار » ، را در آیات و روایات بررسی و تحقیق کرده و آثار و برکات آن را جستجو کنیم ؛ تا آن دسته از جوانانی که طالب زندگی پر بار و سعادت‌مندانه اند و عزت دنیا و آخرت خویش را دنبال می کنند و در پی روزی هستند که مولایشان آغوش گرم و پر مهرش را به رویشان بگشاید و از خداوند روزی بیشتری را برایشان درخواست نماید و آنان را از شربت گوارای علم و معنویتش سیراب گرداند ؛ با آشنایی با این عامل بزرگ آمرزش ، به بزرگترین رمز موفقیت دست یابند ، و سرآمد امثال و اقران خویش در هر عصر و زمانی گشته ، باب وصال مولای مهربانشان به رویشان گشوده گشته و زندگی آسوده و پر سودی داشته باشند . و بیشترین سعی ما در این کتاب بر این است که گوهرهای تابناکی که در لابلای سخنان پر بار و نورانی پیامبر و اهل بیت پاکش (علیهم السلام) ، درباره فضیلت استغفار ، معنا ، شرایط ، موانع ، رموز ، اسرار و برکات آن نهفته است استخراج نموده و در گنجینه دل های دوستان و شیعیانشان ذخیره کنیم ، تا بیش از پیش قدر امامان خویش را دانسته و با دستورات حیات بخش آنان آشنا شوند . و به جای روی آوردن به شغل های کاذب ، تجارت های نامشروع و توسل به دعاهای بی سنده و اذکار اختراعی و تعلیم و تعلم علوم باطل و دانش های بیهوده برای دست یافتن به ثروت بیشتر و حل مشکلات مادی و معنوی خویش ؛ به دعا ، استغفار و توجه به خدا و امام زمان (علیه السلام) ، اهمیت بیشتری

دهند. همچنین در بخشهای آخر کتاب، به برترین اوقات استغفار و آمرزش خواهی، شاه ای کرده؛ و چگونگی عذرخواهی از خدا و امام زمان (علیه السلام) را یادآور می‌شویم، تا جوانان شیعه بدانند که خیر دنیا و آخرت و رمز موفقیت و سعادت، در لابلای فرمایشات حکمت بار اهل بیت پاک پیامبر (علیهم السلام) نهفته است. بلکه اگر کسی در این میدان استقامت ورزد و ارشادات آنان را در زندگی به کار گیرد، تا آن جا به پیش خواهد رفت که از روزی بی شمار خداوند سیر گشته و از شربت گوارای علم اهل بیت (علیهم السلام) سیراب گردد. خدای مهربان در این باره می‌فرماید: (وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَي الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا). (۱) اگر (دوستان امیرالمؤمنین (علیه السلام)) بر راه و روش (توحید و ولایت) استقامت ورزند ما آن‌ها را از آب غدق (علمی که ائمه اطهار (علیهم السلام) به آنان بیاموزند) سیراب می‌سازیم. آری برکات زمین و آسمان، در سایه ایمان به صاحبان ولایت و پذیرش فرمایشات آنان و به کار گرفتن سخنان دُرربارشان؛ به انسان رو می‌آورد. و از دیگر سو تکذیب آن انوار مقدّسه در بُعد اعتقادی یا عملی، که معنایش خروج از دایره خورشید ایمان و دژ محکم تقوا است؛ بزرگترین عامل گرفتاری بشر به انواع بلاها و ناروایی‌ها است. بی‌خود نیست که خدای مهربان در قرآن کریم با کمال دلسوزی و خیرخواهی می‌فرماید: (وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ). (۲) اگر اهل دیار و آبادی‌ها، ایمان آورده و تقوای الهی را رعایت کنند ما برکات آسمان و زمین را به روی آنان می‌گشاییم؛ ولی اینان (آیات و پیامبران ما را) تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر کردار زشتشان گرفتار ساختیم. به امید آن که خداوند توفیق جبران گناهان گذشته، و کمبودهای اعمال انجام شده را با استغفار و عذرخواهی از خداوند، به ما عطا فرماید. تا به همه برکات ایمان و تقوا دست یابیم، تمام باورهای دینی برایمان عینیت پیدا کند، ایمانمان به سخنان نورانی حق و کلمات پرنور پیامبر و اهل بیت پاکش (علیهم السلام)، بیش از پیش گردد و نسبت به آینده خویش قدرت کنترل نفس و خواهش‌های نفسانی را پیدا کرده و نقایص اعمال نیکمان را برطرف سازیم. مخصوصاً با توجه به این که، استغفار صبح و شام شیعیان، مرهمی بر زخم دل امام زمان (علیه السلام) است، و شادی دل غمگین آن مولای عزیز را فراهم می‌سازد؛ بدین خاطر صبح خویش را با استغفار شروع کرده و شام خویش را با عذرخواهی از خدا و وئیش به پایان می‌بریم، بلکه از این طریق، ارتباطی با مولای مهربان خویش برقرار کرده و از دعای سحرگاه حضرتش بهره مند گردیم. ۱- سوره جن، آیه ۱۶. ۲- سوره اعراف، آیه ۹۶.

گفتار نخست

پی آمدهای گناه

قبل از ورود به اصل بحث، لازم است که اشاره اجمالی به آثار ویرانگر گناه، و پی آمدهای انحرافات عقیدتی و عملی داشته باشیم؛ تا ارزش والای استغفار و توبه، و ضرورت بازگشت به سوی خدا و احکام نورانی اسلام و مکتب پربر اهل بیت (علیهم السلام) را بیشتر دریابیم. چرا که توبه و استغفار باعث ریزش گناه و در نتیجه دور ساختن تمام عقوبت‌ها با همه عظمتشان می‌گردد. گفتنی است: این نوع عقوبت‌ها بیشتر در مورد گناهانی است که بی‌پروا و آشکارا در بلاد مسلمین، مخصوصاً شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام)، انجام می‌شود. و اما کفار و مشرکین عقوبت کردار زشت خود را بیشتر در عالم آخرت و عوالم بعد از مرگ می‌بینند. چرا که خداوند، دنیا را بهشت کافران و زندان مؤمنان قرار داده؛ تا آنها بخاطر کفرشان به دنیا دل بسته، به شهوات رو آورده و بر عقوبتشان افزوده گردد. و اینان به برکت ایمانشان با گرفتاریهایی که پیدا می‌کنند، از دنیا و شهواتش دل بر گرفته، به خدا و احکام او رو آورده، با خدا و امام خویش آشتی نموده و به آمرزش خداوند دست یابند و بر درجه و مقامشان در بهشت افزوده گردد.

ابتلا به مصیبت ها و امراض و سختی ها

همان طور که در صفحات پیش اشاره گردید یکی از آثار شوم گناه برای دوستان و شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) در دنیا، نزول انواع بلاها، مبتلا گشتن به اقسام گرفتاری ها و دیدن اشکال مختلف امراض و ناروایی ها است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: تَوَقُّوا الدُّنُوبَ ، فَمَا مِنْ بَلِيَّةٍ وَلَا نَقْصٍ رِزْقٍ إِلَّا يَدْنُبُ حَتَّى الْخَدَشِ وَالْكَبُوتَةِ وَالْمُصِيبَةِ ، قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ : (وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ) (۱) . (۲) از گناهان پرهیزید که هیچ بلاء و کمبود روزی ای نیست مگر به خاطر گناهی (که انجام می دهید) ، حتی خراشی که بر بدن وارد می شود ، لغزیدن و به زمین خوردن (شما) و مصیبتی که بر روح و پیکرتان وارد می گردد (آثار گناهان شما است) ! خداوند می فرماید : « هر مصیبت و ناراحتی که به شما سرایت می کند به خاطر کردار زشتی است که به دست خود کسب کرده اید و خدا بسیاری از گناهان را می بخشد ! » . گویا مقصود امیرالمؤمنین (علیه السلام) از استدلال به این آیه کریمه این است : بلاها و سختی هایی که مؤمن در این دنیا می بیند نتیجه غضب خدا بر بنده اش به خاطر اندکی از گناهان اوست . با این که خدا بسیاری از گناهان او را می بخشد ، باز این همه مصیبت و ناراحتی متوجه او می گردد ، وای از آن روزی که خدا بخواهد بندگانش را به تمام کردار ناشایستشان مؤاخذه کند . امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بیان نورانی دیگری عقوبت گناه شیعیان را چنین بیان می فرماید : مَا مِنَ الشَّيْءِ عَبْدٌ يُقَارِفُ أَمْرًا نَهَيْتَاهُ عَنْهُ فَيَمُوتُ حَتَّى يُبْتَلَى بِبَلِيَّةٍ تُمَخِّصُ بِهَا دُنُوبَهُ ، إِمَّا فِي مَالٍ وَإِمَّا فِي وَلَدٍ وَإِمَّا فِي نَفْسِهِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَ مَالَهُ ذَنْبٌ ، وَإِنَّهُ لَيَبْقَى عَلَيْهِ الشَّيْءُ مِنْ دُنُوبِهِ ، فَيَشَدُّ بِهِ عَلَيْهِ عِنْدَ مَوْتِهِ . (۳) هر بنده ای که شیعه ما باشد و مرتکب کاری گردد که ما او را از آن نهی کرده ایم و با آن حال بمیرد ، گرفتار بلایی می شود تا گناهان او را پاکیزه سازد و این گرفتاری یا در مال اوست یا در فرزند او ، یا در خود او ، تا آن که خدا را در حالی ملاقات کند که هیچ گناهی بر او نمانده باشد . در مورد شخصی که مقداری از گناهانش باقی مانده باشد (و با دیدن این گرفتاری ها پاک نشود) هنگام مرگ ، کار بر او سخت می شود (و با سكرات مرگ و سختی های جان کندن گناهش می ریزد) . از این کلام نورانی امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز استفاده می شود که خدا شیعیان آن حضرت را به همه گناهانشان مؤاخذه و عقاب نمی کند بلکه گرفتاری هایی که در این دنیا می بینند نتیجه بعضی از کردارهای زشت آنان است ، و بعضی از آنان ، آثار شوم گناهانشان را هنگام مرگ و در عوالم پس از مرگ خواهند دید ؛ تا لحظه ای که در قیامت به شفاعت مولایشان می رسند ، پاک و پاکیزه شده باشند . امام باقر (علیه السلام) در سخنی حکیمانه و تکان دهنده ، آثار بعضی از گناهان را چنین بیان می فرماید : وَ حِذْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام) قَالَ : قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) إِذَا ظَهَرَ الزَّيْنَةُ كَثُرَ مَوْتُ الْفَجَاءَةِ ، وَإِذَا طُفِفَ الْمِكْيَالُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسَّيْنِ وَالنَّقْصِ ، وَإِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا مِنَ الزَّرْعِ وَالثَّمَارِ وَالْمَعَادِنِ كُلِّهَا ، وَإِذَا جَارُوا فِي الْأَحْكَامِ تَعَاوَنُوا عَلَى الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ ، وَإِذَا نَقَضُوا الْعَهْدَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ ، وَإِذَا قَطَعُوا الْأَرْحَامَ جُعِلَتِ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ ، وَإِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِمَعْرُوفٍ وَ لَمْ يَنْهَوْا عَنْ مُنْكَرٍ وَ لَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ فَيَدْعُوا عِنْدَ ذَلِكَ خِيَارَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ . (۴) در کتاب امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) چنین یافتیم که فرمودند : رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرموده اند : زمانی که زنا در میان مردم آشکار گردد ، مرگ ناگهانی زیاد می شود ؛ و هر زمان کم فروشی کنند ، خدا آنان را به خشک سالی و کمبود روزی مؤاخذه و عقاب می کند ؛ و هر گاه از دادن زکات و حقوق واجب مالی خویش خودداری کنند ، زمین برکات خود را از آن ها می گیرد (و برکات زمین عبارت از : زراعت خوب ، میوه های شاداب و معدن های پر بار) ؛ و هر وقت فرمانروایان آنان (در حکم کردن به ستم حکم کنند ، یکدیگر را بر ظلم و تجاوز یاری می کنند ؛ و هر زمان عهد و پیمانشان را بشکنند ، خدا دشمنشان را بر آن ها مسلط می گرداند ؛ و هر گاه ارتباط خویشاوندی را قطع نمایند ، اموال در اختیار انسان های شرور جامعه قرار می گیرد ؛ و زمانی که امر به معروف و نهی از منکر نکرده و از خوبان اهل بیت من پیروی نکنند ، خدا بدترین آنان را بر آن ها مسلط می کند ؛ آن گاه خوبان ایشان (برای رفع این بلاها و سختی ها) دعا می کنند و اجابتی نمی یابند . رسول

خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز، در سخن پر باری آثار غضب خدا را به خاطر کردار ناشایست جمعی که گناه کرده اند این گونه بیان می فرماید: إِذَا غَضِبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى أُمَّةٍ وَلَمْ يَنْزِلْ بِهَا الْعَذَابَ غَلَّتْ أَسْعَارُهَا، وَ قَصُرَتْ أَعْمَارُهَا، وَ لَمْ تَزْبَحْ تُجَارُهَا، وَ لَمْ تُرَكَّ ثِمَارُهَا، وَ لَمْ تَغْرُزْ أَنْهَارُهَا، وَ حُبِسَ عَنْهَا أَمْطَارُهَا وَ سَيِّطَ عَلَيْهَا شَرَارُهَا. (۵) هر گاه خداوند بر امتی غضب کند و عذابش را بر آن ها نازل نکند، قیمت اجناس آن ها بالا خواهد رفت، عمرشان کوتاه می شود، تجارشان سودی نمی برند، میوه های آنان پاکیزه و خوشگوار نمی شود، نهرهای آنان نجوشیده و روان نمی گردد، باران از آن ها قطع شده و بدترین ایشان بر آنان مسلط می شود. امام صادق (علیه السلام) نیز پی آمد گناهان را چنین بیان می فرماید: أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عِزْقٍ يَضْرِبُ، وَلَا نِكْبَةٍ، وَلَا صُدَاعٍ، وَلَا مَرَضٍ إِلَّا - بِذَنْبٍ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي كِتَابِهِ: (وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَ يَغْفُو عَنْ كَثِيرٍ). (۶) آگاه باشید اگر رگی از رگ های انسان به ضربان افتد، یا پایش به سنگ خورد، یا سرش درد بگیرد، یا مریض شود، به خاطر گناهی است که مرتکب شده است. و این است معنای گفتار خداوند در قرآنش که می فرماید: « هر مصیبتی که شما را می رسد به خاطر گناهی است که به دست خود انجام داده اید و او از بسیاری از گناهان می گذرد ». در ادامه امام صادق (علیه السلام) می افزاید: آنچه خدا می بخشد به مراتب بیشتر از آنی است که بندگانش را بدان مؤاخذه می کند. (۷) ناگفته نماند: این حدیث و امثال آن در مورد کسانی است که اولاً: دارای عقل و شعور باشند و به سر حد بلوغ و تکلیف رسیده باشند. ثانیاً: همچون انبیاء و اوصیاء (علیهم السلام) دارای مقام عصمت نباشند. بنابر این، مصائب و سختی هایی که به افراد غیر بالغ و غیر عاقل، همچون دیوانگان و کودکان می رسد، از این قانون مستثنی است و حکم دیگری بر آن مرتب می گردد: اولاً: باعث ریزش گناهان پدران و مادران آن ها، و یا کسانی که مسئولیت تربیت و پرورش آن ها را به عهده دارند می شود. ثانیاً: باعث ترفیع مقام و درجه خود آنان در عوالم پس از مرگ می گردد. همچنین مصائبی که به انبیاء و اوصیای آنان می رسد باعث ترفیع مقام و بالا رفتن درجات آنان در بهشت و زیاد شدن قرب آنها به پروردگار می گردد. چرا که صبر بر بلا و تحمل مصیبت، یکی از کمالات بزرگ مردان خداست که حاکی از ایمان محکم آنان و باعث افزایش مقامشان در نزد خداوند است. ۱- سوره شوری، آیه ۳۰. ۲- بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۵۰. ۳- بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۵. ۴- کافی، ج ۲، ص ۳۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۶۹. ۵- سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۸۹؛ کافی، ج ۵، ص ۳۱۷. و با اندک اختلافی در وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۱۳؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۲۴؛ التهذیب، ج ۳، ص ۱۴۸. ۶- سوره شوری، آیه ۳۰. ۷- کافی، ج ۲، ص ۲۶۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۹۹؛ بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۱۵.

قحطی و خشک سالی

یکی دیگر از عقوبت های گناهان، قحطی و خشک سالی است که در روایات به صراحت از آن یاد شده است. حتی از روایاتی استفاده می شود که هیچ سالی کمتر از سال های گذشته باران نمی بارد. بلکه معصیت اهل شهرها و آبادی ها باعث می شود که در آن مناطق باران نبارد و در مناطقی فرود آید که معصیت خدا نشده باشد. ابی حمزه ثمالی گوید: از امام باقر (علیه السلام) شنیدم که فرمودند: مَا مِنْ سَنَةٍ أَقَلُّ مَطَرًا مِنْ سَنَةٍ، وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ؛ إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِذَا عَمِلَ قَوْمٌ بِالْمَعَاصِي صَرَفَ عَنْهُمْ مَا كَانَ قَدَّرَ لَهُمْ مِنَ الْمَطَرِ فِي تِلْكَ السَّنَةِ إِلَى غَيْرِهِمْ، وَ أَلَى الْفَيَافِي وَ الْبِحَارِ وَ الْجِبَالِ؛ وَ إِنَّ اللَّهَ لَيَعِزُّدُ الْجَعَلَ فِي جُحْرِهَا فَيَحْبِسُ الْمَطَرَ عَنِ الْأَرْضِ الَّتِي هِيَ بِمَحَلِّهَا بِخَطَايَا مَنْ بِحَضْرَتِهَا، وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَهَا السَّبِيلَ فِي مَسَلِكِ سِوَى مَحَلِّهِ أَهْلِ الْمَعَاصِي. قَالَ: ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ (علیه السلام): فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ. (۱) هیچ سال کمتر از سال گذشته باران نمی بارد، هر جا خداوند اراده کند، قطرات باران را فرود می آورد. زمانی که گروهی معصیت خدا را انجام دهند، خداوند بارانی را که برای آن ها در آن سال مقدر کرده است، به سوی گروهی دیگر و سرزمین دیگری برگردانده و در بیابان ها، دریاها و کوه ها سرازیر می کند. به راستی

خداوند جَعَلَ (۲) را در لانه اش، عذاب می کند و به خاطر معصیت انسان هایی که در آن سر زمین گناه کرده اند، از باران محروم می فرماید. چرا که خدا برای این حیوان راه کوچ کردن و زندگی نمودن در سرزمین دیگر غیر از این سر زمین را فراهم ساخته است. ابی حمزه گوید: امام باقر (علیه السلام) بعد از نقل این حدیث فرمودند: ای صاحبان بصیرت و بینایی عبرت بگیرید. در جایی که خداوند حیوانی را که به ظاهر تکلیفی ندارد، به خاطر معصیت عده ای که در حضور او گناه کرده و او نسبت به گناه آنان اظهار تنفر و بیزاری نکرده است، عذاب می کند و از باران رحمتش محروم می سازد؛ پس چه خواهد کرد با آن جمعیتی که نعمت های پروردگار خویش را نادیده گرفته اند و آن ها را در راه نافرمانی خداوند به کار گرفته اند؛ امان از آن لحظه ای که غضب خدا گروهی را، به خاطر نافرمانی آنان، فرا بگیرد و نزول عذابش را بر آنان حتمی کند. مرحوم علامه مجلسی بعد از نقل این خبر می فرماید: این حدیث از احادیثی است که دلالت می کند بر این که حیوانات نسبت به بعضی از تکالیف شرعی و کارهای بندگان خدا علم و شعور دارند و بر آن ها نوعی از تکلیف ثابت است برخلاف نظر اکثر حکما و متکلمین. و مؤید این حدیث قصه هُدَیْد است که در قرآن و روایات بدان اشاره گردیده است. و همچنین سایر روایاتی که ما آن ها را در جلد ۱۴ بحارالأنوار آورده ایم. (۳) سپس می فرماید: این حدیث دلالت دارد بر وجوب هجرت از شهرهای اهل معصیت، در صورتی که نهی آنان از منکری که انجام می دهند، امکان نداشته باشد. (۴) ۱- بحارالأنوار، ج ۷۰، ص ۳۲۹. ۲- جَعَلَ: حشره ای است سیاه و پردار و زشت که روی سرگین حیوانات می نشیند و آن را سرگین غلتان و سرگین گردان و سرگین گردانک هم می گویند اسامی دیگر نیز در لغت برای آن آمده است، فرهنگ عمید. ۳- در چاپ ۱۱۰ جلدی: ج ۶۱، ص ۱-۹۶. ۴- بحارالأنوار، ج ۷۰، ص ۳۳۰.

عوامل خشک سالی

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) عوامل قحطی و خشک سالی را در سخن پربراری چنین بیان می فرماید: لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِحَيْرٍ مَا تَحَابُّوا وَ تَهَادُّوا، وَ أَدُّوا الْأَمَانَةَ وَ اجْتَنَبُوا الْحَرَمَ، وَ قَرَّوْا الضَّيْفَ، وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ، وَ آتَوْا الزَّكَاةَ؛ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ ابْتَلَا بِالْقَحْطِ وَالسِّنِينِ. (۱) امت من تا زمانی که به یکدیگر اظهار محبت کنند، برای یکدیگر هدیه ببرند، امانت را ادا کرده، از حرام دوری کنند، میهمان را احترام کرده، نماز را به پا دارند و زکات بدهند؛ پیوسته در خیر و خوبی به سر برند و هر زمان که چنین نکنند به قحطی و خشک سالی گرفتار می شوند. از این روایت استفاده می شود که آنچه باعث قحطی و خشک سالی می گردد عبارتند از: ۱- به محبت یکدیگر پاسخ ندادن و با یکدیگر دشمنی کردن. ۲- خیانت در امانت نمودن. ۳- مرتکب کارهای حرام و ناشایست شدن. ۴- احترام میهمان را نگه نداشتن و از او پذیرایی نکردن. ۵- نماز نخواندن. ۶- خمس و زکات ندادن. با کمال تأسف در اکثر بلاد مسلمین این امور کم و بیش مشاهده می شود و نتیجه ناگوار و دردناک آن را نیز به چشم خود می بینیم. امیدواریم تمام مسلمانان و مخصوصاً شیعیان امیرمؤمنان (علیه السلام) از خواب سنگینی که آنان را فرا گرفته است بیدار شوند؛ و با دعا و استغفار و توجه به امام زمان (علیه السلام)، ابر سیاهی را که بر سر خویش قرار داده اند برطرف سازند؛ تا ابرهای رحمت حق، باران حیات بخش خویش را بر آنان فرود آورند. ۱- بحارالأنوار، ج ۷۰، ص ۳۵۲.

از دست دادن نعمت های خداوند

یکی دیگر از عقوبت هایی که خداوند برای بعضی از گناهان مقرر فرموده است، از دست دادن نعمتی است که انسان آن را در راه نافرمانی خدا به کار برده است. به تعبیر رساتر، یکی از آثار شوم گناهان، تغییر یافتن و از بین رفتن نعمت های خداوند است. سماعه گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمودند: مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً فَسَدَّ لَبْهَا إِيَّاهُ حَتَّى يُذْنَبَ ذَنْبًا يَسْتَحِقُّ

بِذَلِكَ السَّلْبِ . (۱) خداوند هیچ نعمتی را به بنده ای عطا نمی کند که از او بگیرد ، مگر زمانی که گناهی انجام دهد که به خاطر آن ، استحقاق گرفتن نعمت را پیدا کند . مراد خداوند در این آیه شریفه نیز همین نکته است : (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَ إِذْ أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءَ فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ) . (۲) مسلماً خداوند وضعیت گروهی را تغییر نمی دهد مگر زمانی که آن ها در نفس و کردار خود تغییری ایجاد کنند . و زمانی که خدا نسبت به جمعیتی اراده بدی نماید ، جز خدا هیچ عاملی آن را بر نمی گرداند . و هیچ سرپرستی ندارند که کار آن ها را به عهده گرفته و بدی را از آن ها دور سازد . امام باقر (علیه السلام) در تفسیر این آیه کریمه می فرماید : إِنَّ اللَّهَ قَضَىٰ قَضَاءً حَتْمًا لَا يُنْعَمُ عَلَىٰ عَبْدِهِ نِعْمَةً فَيَسِدُّ لِبُهَا إِثْمًا ، قَبْلَ أَنْ يُحَدِّثَ الْعَبْدَ ذَنْبًا يَسْتَوْجِبُ بِذَلِكَ الذَّنْبِ سَلْبَ تِلْكَ النِّعْمَةِ ؛ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ : (إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ) . (۳) خداوند در تقدیر حتمی خویش این مطلب را گذرانده که نعمتی را به بنده ای عطا نکند که آن را از او بگیرد ، قبل از آن که آن بنده گناهی انجام دهد که به خاطر آن ، مستحق گرفتن نعمت گردد . (بلکه وقتی بنده گناه می کند آن نعمت از او گرفته می شود) و این است مقصود خدا از این گفتار که می فرماید : « خداوند وضعیت گروهی را تغییر نمی دهد مگر زمانی که آن ها در نفس و کردار خویش تغییری ایجاد کنند » . امام سجاد (علیه السلام) گناهایی را که باعث تغییر نعمت های خداوند می شود چنین بیان می فرماید : الذُّنُوبُ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعِمَ : الْبُغْيُ عَلَى النَّاسِ ، وَالزَّوَالُ عَنِ الْعَادَةِ فِي الْخَيْرِ ، وَاصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ ، وَ كُفْرَانُ النِّعَمِ ، وَ تَرْكُ الشُّكْرِ . گناهایی که نعمت های خداوند را تغییر می دهد عبارتند از : ستم روا داشتن بر مردم ، جدا گشتن از عادت در کار نیک ، و کار خوب را به خود بستن بدون این که بدان پایبند باشد ، نعمت های الهی را کفران کردن ، و شکر نعمت های خداوند را ترک نمودن . در ادامه این حدیث امام سجاد (علیه السلام) ، آیه مذکور را تلاوت فرمودند . (۴) امام صادق (علیه السلام) نیز در این رابطه می فرماید : خداوند پیامبری از پیامبران خویش را به سوی قومش فرستاد و به او وحی کرد که به قومت بگو : اهل هر قریه و مردمی که در حال اطاعت من بودند ، سرور و شادی به آن ها رسید و از آنچه که من دوست داشتم به آنچه که دوست نداشتم منتقل شدند ، آنان را از آنچه دوست داشتند منتقل به حالتی می کنم که از آن ناراحت بودند . و اهل هر قریه و اهل بیتی که در حال معصیت من بودند و سختی و ناراحتی به آنان رسید و از آنچه که من دوست نداشتم منتقل شدند به آنچه دوست دارم ، من نیز در عوض آن ها را از وضعیتی که از آن ناراحت بودند به آنچه دوست داشتند منتقل می کنم . ای پیامبر ما به مردم بگو : إِنَّ رَحْمَتِي سَبَقَتْ غَضَبِي ، فَلَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَتِي فَإِنَّهُ لَا يَتَعَاطَمُ عِنْدِي ذَنْبٌ عَزِيدَ اعْفَافُهُ . به یقین رحمت من بر غضبم پیشی گرفته است ، از رحمت من ناامید نشوید ، البته بخشیدن گناه بنده برای من کار بزرگی نیست . به بندگان من بگو : لَا يَتَرَضُّوا مُعَاتِدِينَ لِسِيءِ خَطِيئَتِهِمْ وَلَا يَسْتَحْفُوا بِالْوَلِيَّائِي فَإِنَّ لِي سَطَوَاتٍ عِنْدَ غَضَبِي لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ مِنْ خَلْقِي . هیچ یک ، خود را با عناد و لجاجت ، در معرض غضب من قرار ندهند ، و دوستان مرا کوچک بشمارند ، که چون خشمگین شوم عذاب و گرفتن من آن قدر سخت و شدید است که هیچ یک از آفریدگان من تاب مقاومت در برابر آن را ندارند . (۵) ۱- بحار الأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۳۹ . ۲- سوره رعد ، آیه ۱۱ . ۳- تفسیر الصافی ، ج ۱ ، ص ۸۶۶ ذیل آیه ؛ و با اندک اختلافی : بحار الأنوار ، ج ۶ ، ص ۵۶ . ۴- وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۲۸۱ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۷۵ . ۵- بحار الأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۳۹ .

کوتاه شدن عمر

عقوبت دیگری که خداوند برای بعضی از گناهان قرار داده است کوتاه شدن عمر انسان است . از روایاتی استفاده می شود که اکثر مردم به مرگ طبیعی خود نمی میرند بلکه گناهایی که مرتکب می شوند و از آن ها توبه و استغفاری نمی کنند ، مرگ آنان را زودرس می سازد . همانگونه که کارهای نیک ، عمر انسان را طولانی می گرداند و أجل معلق او را به تأخیر می اندازد . گرچه اجل حتمی برای احدی با کردار نیک قابل تقدیم و تأخیر نیست . (۱) امام صادق (علیه السلام) در سخن پرباری می فرماید : مَنْ

يَمُوتُ بِالذَّنُوبِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ ، وَ مَنْ يَعِيشُ بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرُ مِمَّنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَارِ . (۲) کسانی که به خاطر گناهانشان می میرند از کسانی که به اجل های خود می میرند بیشترند . و کسانی که به خاطر کار نیک زندگی می کنند از کسانی که به عمر مقدر گشته زنده می مانند بیشترند . گفتنی است : مطلبی که امام (علیه السلام) بدان اشاره می کنند نظر به اغلب مردم دارد . و همانگونه که در خود روایت آمده ، مرگ زودرس بیشتر مردم معلول گناهان آنها است . معلوم می شود ، این مطلب کلیت ندارد که هر کس زود بمیرد بخاطر گناهش مرده باشد ؛ چه بسا عمرهای کوتاه در بعضی افراد ، که ارتباطی به گناه آنان ندارد . به عنوان مثال : کوتاه شدن عمر اطفالی که در سنین طفولیت از دنیا می روند ، یا پیامبران و اوصیای آنان که دارای مقام عصمت هستند هیچ ارتباطی به گناه آنان ندارد ، زیرا آن ها گناهی ندارند تا به آن مؤاخذه شوند . بلکه همان گونه که در روایات اشاره شده است ، زودرس شدن مرگ اطفال ، امتحانی است برای پدران و مادران ، و عاملی است برای ریزش گناهان ، یا ترفیع درجات آنان ، و همچنین وسیله ای برای دست یافتن خود اطفال به مقاماتی در بهشت است . و مرگ زودرس انبیا و اوصیای آنان به خاطر دشمنی امت هایشان با آنان ، و کفران نعمت وجودشان از سوی مردم است . از روایات گوناگونی استفاده می شود : اگر مردم نعمت وجود پیامبر یا امام و حتی عالم ربّانی را کفران کنند و از هدایت های آنان بهره مند نگردند ، خدا این نعمت های گران قدرش را از آن ها می گیرد . بنابراین یکی از علل مهمّ کوتاه شدن عمر پیغمبر یا امام (علیه السلام) نخواستن مردم و کفران آن ها نسبت به این نعمت های ارزشمند الهی است ، بدون این که عمر کوتاه آنان ارتباطی با گناه داشته باشد . همچنانکه طولانی شدن عمر بعضی از کفار ، مشرکین ، ظالمین و فاسقین نیز اشکالی نسبت به این روایت و امثال آن وارد نمی کند . اولاً : ممکن است عمر هر یک از آن ها بیش از مقداری باشد که با آن اجل می میرند ولی ظلم و گناهشان باعث کوتاه شدن عمرشان می شود . ثانیاً : چنین افرادی در پست و مقام و شرایط خاصی که دارند ، گاهی کارهای نیکی انجام می دهند که همان اعمال ، باعث طولانی شدن عمرشان می گردد . مثل این که نسبت به ارحام و خویشان خویش صله رحم به جا می آورند ، یا به فقرا و مستمندان کمک های شایسته ای می کنند . خدا مزد کارهای نیک آنان را در همین دنیا به ایشان می دهد تا پس از مرگ در برابر کارهای خیرشان ، طلبی از خدا نداشته باشند . تردیدی نیست که یکی از برکات کار نیک در دنیا برای چنین اشخاصی عمر بیشتری است که خدا به آنان عطا می کند . ۱- خداوند در قرآن کریم می فرماید : (إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَمُوتُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَأْذِنُونَ) . «زمانی که مرگشان فرا رسد نه یک ساعت دیرتر می میرند و نه یک ساعت زودتر» . سوره یونس ، آیه ۴۹ . ۲- بحار الأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۵۴ .

انکار توحید ، نبوت و امامت

دست کشیدن از دامن ولایت اهل بیت (علیهم السلام) ، انکار نبوت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و کافر گشتن به یگانگی خدا و پشت پا زدن به توحید و یکتاپرستی و فرو رفتن به لجن زار شرک و بت پرستی ، یکی دیگر از آثار شوم گناه است ؛ برای کسی که بی باکانه پا در میدان نافرمانی خدا گذارده ، قدمی به سوی بهشت حق و حقیقت برنداشته و پنجره ای به سوی خورشید توبه و استغفار نگشاید . رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در این زمینه می فرمایند : يَا عِبَادَ اللَّهِ إِخْرَجُوا الْإِنْهَمَاكَ فِي الْمَعَاصِي وَالتَّهَوُّونَ بِهَا فَإِنَّ الْمَعَاصِيَ تَسْتَوِي الْجَذْلَانَ عَلَى صَاحِبِهَا حَتَّى تُوَقِّعَهُ فِي رَدِّ وَلايَةٍ وَصَيِّ رَسُولِ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) وَدَفَعِ نُبُوَّةَ نَبِيِّ اللَّهِ وَلَا تَزَالُ أَيْضاً بِذَلِكَ حَتَّى تُوَقِّعَهُ فِي دَفْعِ تَوْحِيدِ اللَّهِ وَالْإِلْحَادِ فِي دِينِ اللَّهِ . (۱) ای بندگان خدا بپرهیزید از فرو رفتن در منجلاب گناهان و سستی کردن نسبت به نافرمانی ها ؛ که گناه ، بدبختی و هلاکت را بر صاحب معصیت چیره می گرداند به حدی که او را به حالت رد نمودن ولایت جانشین رسول خدا (امیرالمؤمنین و اوصیای بعد از او (علیهم السلام)) افکنده و باعث می شود که (شخص غرق شده در دریای معصیت) نبوت پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را رد کند و پیوسته در این حالت هست تا توحید و یگانگی پرستی خدا را نیز انکار کند و در دین خدا به کفر و الحاد کشیده شود . در واقع این حدیث زنگ خطری است برای

کسانی که بی باکانه هر گناهی را مرتکب می شوند و هیچ گاه حالت ندامت و پشیمانی در آن ها پیدا نمی شود. مخصوصاً که ثمره بعضی از گناهان، انکار دین خدا و حجت وقت، امام زمان (علیه السلام) است و آثار شومش در آخرین لحظات عمر انسان ظاهر می گردد. هر چند شخص گنهکار برای حفظ آبرو و رعایت مصلحت دنیای خویش، اظهار اسلام و ایمان کند؛ ولی عاقبت چنین افرادی منتهی به شرّ و انکار همه مقدسات دینی می گردد. امام صادق (علیه السلام) در نامه ای که برای یکی از اطرافیان نشان نوشته اند چنین مرقوم فرموده اند: **انْ اَرَدْتَ اَنْ يُخْتَمَ بِخَيْرٍ عَمَلِكَ حَتَّى تُقْبَضَ وَ اَنْتَ فِي اَفْضَلِ الْاَعْمَالِ فَعَظَمَ لِي حَقُّهُ : اَنْ تَبْدُلَ نِعْمَائِهِ فِي مَعَاصِيهِ ، وَ اَنْ تَغْتَرَّ بِحِلْمِهِ عَنكَ وَ اَكْرَمَ كُلِّ مَنْ وَجَدْتَهُ يَدْكُرُنَا اَوْ يَنْتَحِلُ مَوَدَّتَنَا ثُمَّ لَيْسَ عَلَيْكَ ، صَادِقًا كَانَ اَوْ كَاذِبًا ، اِنَّمَا لَكَ يَتُّكَ وَ عَلَيْهِ كِذْبُهُ .** (۲) اگر می خواهی عاقبت کارت به بهترین عملت ختم گردد به گونه ای که هنگام قبض روح در حال انجام بهترین اعمال باشی، حق خدا را بزرگ شمار از این که، نعمت های او را در راه معصیت و نافرمانی او مصرف کنی؛ و این که اگر خدا تو را به کردار ناشایستت مؤاخذه نکرد، حلم و خویشتن داری او تو را مغرور کند؛ و هر که را یافتی که نام ما را می برد یا مودت و دوستی ما را به خود می بندد، گرامی بدار؛ و تو را باکی نباشد که او راست می گوید یا دروغ، که تو سود نیت خود را برده ای و او عقوبت دروغ خود را می بیند. گویا مقصود امام صادق (علیه السلام) از این سخن این است: به کار گرفتن نعمت های خداوند در راه معصیت و نافرمانی او، مغرور گشتن به حلم و بردباری خداوند، توبه و استغفار نکردن، و حرمت نگه نداشتن برای دوستاناران ولایت اهل بیت (علیهم السلام) مخصوصاً آنان که چراغ ذکر و یاد آن ذوات مقدسه را در دل ها فروخته نگه می دارند؛ باعث عاقبت به شری و دست کشیدن از اعتقادات سالم و پشت پا زدن به عقائد حقّه می گردد. ابن مسکان نیز، در این زمینه، حدیثی از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که برای شیعیان و دوستاناران اهل بیت (علیهم السلام) شایسته دقت و تأمل است، حضرتش می فرماید: **امیر المؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ما مِنْ عَبْدٍ اِلَّا وَ عَلَيْهِ اَرْبَعُونَ جُنَّةً ، حَتَّى يَعْمَلَ اَرْبَعِينَ كَبِيرَةً فَاِذَا عَمِلَ اَرْبَعِينَ كَبِيرَةً اِنْكَشَفَتْ عَنْهُ الْجُنُنُ ، فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ مِنَ الْحَفَظَةِ الَّذِيْنَ مَعَهُ : يَا رَبَّنَا هَذَا عَبْدُكَ قَدْ اِنْكَشَفَتْ عَنْهُ الْجُنُنُ فَيُوحِي اللهُ عَزَّوَجَلَّ اِلَيْهِمْ اَنْ اَسْتُرُوا عَيْدِيْ بِاَجْنِحَتِكُمْ ، فَتَسْتُرُهُ الْمَلَائِكَةُ بِاَجْنِحَتِهَا ، فَمَا يَدْعُ شَيْئًا مِنَ الْقَبِيْحِ اِلَّا قَارَفَهُ حَتَّى يَتَمَدَّحَ اِلَى النَّاسِ بِفِعْلِهِ الْقَبِيْحِ ، فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ : يَا رَبِّ هَذَا عَبْدُكَ مَا يَدْعُ شَيْئًا اِلَّا رَكِبَهُ ، وَ اِنَّا لَنَسِيْتَحِيْبِيْ مِمَّا يَصْنَعُ فَيُوحِي اللهُ اِلَيْهِمْ اَنْ اَرْفَعُوْا اَجْنِحَتِكُمْ عَنْهُ ، فَاِذَا [فَعَلَ ذَلِكَ] اَخَذَ فِي بَعْضِنَا اَهْلِ الْبَيْتِ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَهْتِكُ اللهُ سِتْرَهُ فِي السَّمَاءِ وَيَسْتُرُهُ فِي الْاَرْضِ فَتَقُولُ الْمَلَائِكَةُ : هَذَا عَبْدُكَ قَدْ بَقِيَ مَهْتُوْكُ السِّتْرِ ، فَيُوحِي اللهُ اِلَيْهِمْ : لَوْ كَانَ لِي فِيْهِ حَاجَةٌ مَا اَمَرْتُكُمْ اَنْ تَرْفَعُوْا اَجْنِحَتِكُمْ عَنْهُ .** (۳) هر بنده ای چهل پرده پوشاننده دارد که او را تا زمانی که چهل گناه کبیره انجام دهد می پوشاند. زمانی که مرتکب چهل کبیره شد پرده های پوشش او کنار می رود، ملائکه ای که حافظ و همراه اویند به خداوند می گویند: پروردگارا این بنده توست که پرده هایش کنار رفته است، خداوند به آنان وحی می فرستد: بنده ام را با بالهایتان بپوشانید (تا در میان فرشتگان آسمان رسوا نگردد). فرشتگان با بالهایشان او را می پوشانند. ولی بنده از این فرصت سوء استفاده کرده و هیچ کار زشتی را فرو نمی گذارد مگر آن که مرتکب می شود، و رسوائیش بجائی می رسد که کار زشت خود را برای مردم بازگو کرده، خود ستائی می کند. ملائکه عرضه می دارند: پروردگارا این بنده توست که هر کار زشتی را انجام داده است، و ما از کارهای او شرم می کنیم. خداوند به آنان وحی می فرستد که بالهایتان را از او بردارید. زمانی که این شخص چنین کرد، شروع می کند به دشمنی با ما اهل بیت! و خدا هم در این هنگام پرده اش را در آسمان دریده و در زمین او را می پوشاند. فرشتگان عرضه می دارند: خدایا این بنده توست که پرده اش دریده گشته و بی حجاب مانده است. خداوند بر آنان وحی می کند: اگر من با این بنده ام کاری داشتم به شما دستور نمی دادم که بال های پوشاننده خود را از او بردارید. ۱- بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۶۰. ۲- بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۵۱. ۳- بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۵۵.

یکی دیگر از عقوبتهای گناه در دنیا، دچار به فقر و تنگ دستی شدن است که در روایات بسیاری از آن یاد شده است، و عامل مهمی برای محرومیت از کارهای خیر و توفیقات معنوی به شمار می رود. به بعضی از این روایات در آغاز بحث اشاره شد. در این جا دسته ای دیگر را یادآور می شویم: امام صادق (علیه السلام) در سخن زیبایی می فرماید: **إِنَّ الدُّعَاءَ لَيُرَدُّ الْقَضَاءَ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُذْنِبُ فَيَحْرُمُ بِهِ الرِّزْقَ.** (۱) به راستی که دعا تقدیر خداوند را برمی گرداند، مؤمن گناه می کند و به خاطر آن از روزی (خویش محروم می شود. شبیه این سخن از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز روایت شده است: **إِخْذَرُوا الدُّنُوبَ فَإِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ فَيَحْبَسُ عَنْهُ الرِّزْقَ.** (۲) از گناهان پرهیزید که بنده گناه می کند (و به خاطر آن) روزی اش حبس می گردد. امام باقر (علیه السلام) نیز در سخن پربری می فرماید: **إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَزُوغُ عَنْهُ الرِّزْقُ.** (۳) بنده گناهی را انجام می دهد، روزی از او برمی گردد. علامه مجلسی بعد از نقل این روایت می فرماید: این مطلب کلیت ندارد بلکه این سخن درباره غیر مستدرجین است (اما کسانی که در حال استدراجند، خدا آن ها را به حال خود واگذاشته و روزی بیشتری به آنان می دهد تا به خیال این که خدا آن ها را مؤاخذه نمی کند ظلم و گناه بیشتری کنند و بر عقوبت و عذابشان افزوده گردد) بسیاری از کسانی که مرتکب گناهان کبیره می گردند نیز روزیشان زیاد می گردد. (۴) این بدان خاطر است که چنین افرادی در حال استدراجند و خداوند درباره آنان می فرماید: **(وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ).** (۵) کسانی که آیات ما را تکذیب می کنند (با مهلتی که به آنان می دهیم) آن ها را به عذاب و هلاکت می افکنیم به گونه ای که نمی فهمند. اما مؤمنان و شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) پس از گناهی که مرتکب می شوند به انواع بلاها و سختی ها، از جمله فقر و تنگ دستی گرفتار می شوند تا از خواب غفلت بیدار گشته، نسبت به گناه خویش توبه و استغفار کنند تا گناهانشان شستوشو شود و ابواب ارزاق مادی و معنوی به رویشان گشوده گردد. آری! ارتباط گناه با تنگ دستی و کم شدن روزی، آن قدر شدید و حساب شده است که در بعضی از روایات، نیت گناه نیز به عنوان یکی از عوامل محرومیت از روزی شمرده شده است! امام صادق (علیه السلام) می فرماید: **إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَنْوِي الذَّنْبَ فَيَحْرُمُ رِزْقَهُ.** (۶) مؤمن نیت می کند گناهی را انجام دهد، از روزی خود محروم می شود. البته از مدارک متعددی استفاده می شود که خدا بر نیت گناه عقوبت نمی کند مگر زمانی که به مرحله فعلیت برسد. پس به ناچار درباره این روایت چند احتمال می رود: ۱- روایت بر صورتی حمل شود که انسان، نیت گناهی را داشته باشد و سپس از انجام آن مانعی پیش آید، که اگر مانع نبود، نیت او بر گناه حتمی و تصمیم جدی بود. در این صورت است که نیت گناه، باعث محرومیت از روزی می گردد. اما کسی که تصمیم بر گناه گرفته و سپس بدون این که مانعی جلوگیری او شود، پشیمان گشته و توبه کند، چنین عقوبتی ندارد. ۲- این که امام (علیه السلام) می فرماید: «نیت گناه باعث محرومیت از روزی می گردد» مراد، روزی اضافه و بی گمانی است که ناگهان، بدون زحمت و منت نصیب انسان می شود، نه روزی تقدیر شده ای که به همه خلق می رسد و زندگی هر انسانی به آن وابسته است، که این روزی، بر اساس رحمت گسترده خدا همه چیز و همه کس را فرا می گیرد. و فردای قیامت هر کس باید پاسخ قانع کننده ای برای صیرف آن در راه معصیت خدا داشته باشد، که او خود فرموده است: **(ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ).** (۷) ۳- علاوه بر این دو احتمال، ممکن است مراد از این روزی، روزی های معنوی، توفیقات عبادی و کمالات علمی نیز باشد، که نیت گناه ولو به فعلیت نرسد، انسان را از چنین روزی هایی محروم می گرداند. که به بعضی از روایات آن در صفحات آینده اشاره خواهد شد. ۱- بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۵۳. ۲- بحار الأنوار، ج ۷۰ و ج ۱۰، ص ۹۸ و ۴- بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۱۸. ۵- سوره اعراف، آیه ۱۸۲. ۶- ثواب الاعمال، ص ۲۸۸. ۷- سوره تکوین، آیه ۸.

اثر دیگری که ارتکاب گناه و معصیت در وجود انسان می‌گذارد، دگرگونی قلب، تاریکی دل و جان، و آلودگی روح اوست که به معنای بر باد رفتن همه هستی او است. امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: پدرم می‌فرمودند: ما مِنْ شَيْءٍ أَفْسَدُ لِلْقَلْبِ مِنْ خَطِيئَةٍ، إِنَّ الْقَلْبَ لِيُوقِعَ الْخَطِيئَةَ فَلَا تَزَالُ بِهِ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَيْهِ فَيَصِيرُ أَعْلَاهُ أَشْفَلَهُ. (۱) هیچ چیز فسادانگیزتر از گناه برای قلب نیست، یقیناً آن گناه که دل (انسان) در منجلا ب گناه فرو می‌رود، آلودگی گناه همیشه همراه اوست تا آن که همه قلبش را فرا می‌گیرد و آن را زیر و رو می‌کند. از این روایت استفاده می‌شود: گناهی که توبه و استغفاری به دنبال نداشته باشد و تکرار گردد چنین اثری را در قلب انسان می‌گذارد. شاهد بر این مطلب روایت دیگری است که ابابصیر از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند، او گوید از آن حضرت شنیدم، می‌فرمودند: إِذَا أذُنَبَ الرَّجُلُ خَرَجَ فِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ سَوْدَاءٌ فَإِنْ تَابَ إِنَّمَحَتْ وَإِنْ زَادَتْ زَادَتْ حَتَّى تَغْلِبَ عَلَى قَلْبِهِ فَلَا يُفْلِحُ بَعْدَهَا أَبَدًا. (۲) زمانی که مرد گناه می‌کند در قلب او نقطه سیاهی ایجاد می‌شود که اگر توبه کند آن نقطه برطرف می‌شود. و اگر گناهش زیاد گردد و توبه نکند، این نقطه زیاد می‌شود تا آن که تمام قلب را می‌پوشاند. و پس از آن دیگر رستگار نمی‌شود. امام باقر (علیه السلام) همین مطلب را ضمن سخن پربراری با صراحت بیشتر بیان می‌کند و می‌فرماید: ما مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِي قَلْبِهِ نُكْتَةٌ بَيْضَاءٌ، فَإِنْ أذُنَبَ وَتَنَّى خَرَجَ مِنْ تِلْكَ النُّكْتَةِ سَوَادٌ، فَإِنْ تَمَادَى فِي الذُّنُوبِ اتَّسَعَ ذَلِكَ السَّوَادُ حَتَّى يُغَطِّيَ الْبَيَاضَ، فَإِذَا غَطَّى الْبَيَاضَ لَمْ يَرْجِعْ صَاحِبُهُ إِلَى خَيْرٍ أَبَدًا وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ: (كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ). (۳) هیچ بنده مؤمنی نیست مگر این که در قلبش نقطه سفیدی است که اگر گناه کرد و گناهش را دوباره انجام داد از میان این نقطه، نقطه سیاهی بیرون می‌آید، و چنانچه به گناهان ادامه دهد این سیاهی گسترش پیدا می‌کند تا آن جا که همه سفیدی قلب را می‌پوشاند؛ و هر زمان که سفیدی قلب، با سیاهی گناه پوشیده گشت؛ دیگر صاحب آن به خیر و نیکی برنمی‌گردد. و این است مراد خداوند از آیه کریمه که می‌فرماید: «حَقًّا که دل اینان، در اثر کردار زشتشان، زنگار گرفته و سیاه گشته است» (که حق را از باطل نمی‌شناسند و روز جزا را انکار می‌کنند). ۱- بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۱۲. ۲- بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۲۷. ۳- بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۶۱؛ سوره مطففین، آیه ۱۴.

قساوت قلب و سلب توفیقات عبادی و معنوی

یکی دیگر از آثار شوم گناه و معصیت، سختی دل، بی میلی به عبادت و سلب توفیقات معنوی است، که خود باعث سود نبردن از تلاش های معنوی و هدر رفتن زحمات عبادی انسان است؛ و عامل بزرگی برای اتلاف عمر، عقب افتادن از میدان کمال و معنویت، فرو رفتن در لجنزار شهوت و مادیت و بهره نجستن از عمر گران مایه و اوقات طلایی خویش است. اوقات گران بهایی که هر ثانیه اش برای یک مؤمن طالب کمال ارزشمند است. به عنوان نمونه: یکی از آثار قساوت و سختی دل، خشک شدن اشک چشم است. در حالیکه اشک چشم، از خوف خدا باشد یا از شوق او، در فراق امام زمان (علیه السلام) باشد یا در مصیبت پدران گرامی او (علیهم السلام)؛ دارای ارزش والا-یی است که با هیچ چیز قابل مقایسه نمی‌باشد تا آن جا که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: ما مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ كَيْلٌ أَوْ وَزْنٌ إِلَّا الدُّمُوعُ فَإِنَّ الْقَطْرَةَ مِنْهَا تُطْفِئُ بَحَارًا مِنْ نَارٍ، فَإِذَا إِغْرُورَقَتِ الْعَيْنُ بِمَائِهَا لَمْ يُزْهِقْ وَجْهَهُ قَتْرٌ وَلَا- ذَلَّةٌ فَإِذَا فَاضَتْ حَرَمَهُ اللَّهُ عَلَى النَّارِ وَ لَوْ أَنَّ بَاكِيًا بَكَى فِي أُمَّةٍ لَرَحِمُوا. (۱) هر عملی پیمانه یا وزنی از نظر ارزش و ثواب دارد، به جز اشک ها که یک قطره اشک، دریا های آتش را خاموش می‌کند، و زمانی که اشک در چشم حلقه می‌زند، آن چهره را دود آتش و خواری عذاب فرا نمی‌گیرد. و آن گاه که اشک بر گونه ها جاری می‌گردد خدا آن چشم را بر آتش حرام می‌کند. و اگر گریه کننده ای در میان امتی گریه کند همه آن ها مورد ترحم قرار می‌گیرند. با این فضیلت و تأثیر شگرفی که اشک چشم در زندگی فردی و اجتماعی دارد گناه باعث خشک شدن اشک چشم می‌شود و خشکی چشم نتیجه قساوت دل است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سخن پربراری به اصبع بن نباته فرمودند: ما جَفَّتِ الدُّمُوعُ إِلَّا لِقَسْوَةِ الْقُلُوبِ، وَ مَا قَسَتِ الْقُلُوبُ إِلَّا

لِكَثْرَةِ الذُّنُوبِ . (۲) اشکها خشک نمی شود مگر به خاطر قساوت دل ها ، و دل ها را قساوت نمی گیرد مگر به خاطر زیادی گناهان . این نمونه ای است از سلب توفیق نسبت به اعمال عبادی و کمالات معنوی که خود عقوبت بزرگی برای مؤمن به شمار می رود . امام صادق (علیه السلام) در سخنی زیبا ، به نمونه دیگر این نوع عقوبت گناه - که توفیق نیافتن بر نماز شب و مناجات با خدای مهربان در سحر گاهان است - اشاره کرده و می فرماید : إِنَّ الرَّجُلَ يُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَحْرِمُ صِلَاةَ اللَّيْلِ ، وَ إِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَشْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّرِّكَينِ فِي اللَّحْمِ ! . (۳) به راستی که مرد گناه می کند و به خاطر آن از نماز شب محروم می گردد . چرا که عمل بد در صاحب آن ، از چاقو در گوشت زودتر اثر می گذارد . رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز ، با عنوان جامع تری به این نکته (سلب توفیقات معنوی و علمی) اشاره می فرماید : اتَّقُوا الذُّنُوبَ فَإِنَّهَا مُمَحَقَّةٌ لِلْخَيْرَاتِ ، وَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَنْسَى بِهِ الْعِلْمَ الَّذِي كَانَ قَدْ عَلِمَهُ ، وَ إِنَّ الْعَبْدَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَحْرِمُ بِهِ الرِّزْقَ وَ قَدْ كَانَ هَيِّئاً لَهُ . (۴) از گناهان پرهیزید که کارهای خیر را نابود می کند . یقیناً بنده ای گناه می کند و به خاطر آن علمی را که فرا گرفته از یاد می برد ؛ و بنده ای گناه می کند و به خاطر آن از بیداری سحر و خواندن نماز شب باز داشته می شود ؛ و بنده ای گناه می کند و به خاطر آن از رزق و روزی ای که برایش آماده گشته محروم می گردد . ۱ - وسائل الشیعه ، ج ۱۵ ، ص ۲۲۷ ؛ کافی ، ج ۲ ، ص ۴۸۲ . ۲ - بحار الأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۵۴ . ۳ - بحار الأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۳۰ . ۴ - السعه و الرزق ، ص ۵ ؛ بحار الأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۷۷ ؛ عدة الداعی ، ص ۲۱۱ .

گفتار دوم

نقش حیاتی استغفار

با روشن شدن آثار سویی که انحرافات فکری و عملی در وجود انسان دارد ، هر انسان عاقلی با اندک تأملی در می یابد که لذت گناه بسیار آنی و زودگذر است ، ولی آثار شوم آن یک عمر دامنگیر او می شود و زندگی مادی و معنوی را برای همیشه به خطر می اندازد ؛ پس چه بهتر که اگر گناهی از او سر زد بلافاصله از خواب غفلت بیدار شده و برای رهایی از نکبت های اعمال زشتش که هر آن و لحظه ، جان و دل او را تهدید کرده و هستی او را به پرتگاه درّه های شقاوت و نگون بختی نزدیک و نزدیکتر می سازد ؛ به درگاه خدا پناه آورد و از آن ذات مهربان و آمرزنده بخواهد که از لغزش های او صرف نظر کند و قلم عفو بر جرایم اعمالش بکشد ، تا ویرانی هایی که در اثر کردار زشت و ناپسندش ، در دین و دنیای او وارد گشته اصلاح فرماید ؛ و نعمت هایی را که بدین خاطر از دست داده به او برگرداند ؛ و دل و جان او را که به ظلمت گناه تاریک شده است ، به نور توبه و مغفرت روشن سازد ؛ و از عقوبت هایی که برای او در نظر گرفته است ، صرف نظر فرماید . امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سخن زیبایی که دل هر خفته ای را بیدار می کند ، می فرماید : وَ أَيُّمُ اللَّهِ مَا كَانَ قَوْمٌ قَطُّ فِي غُصِّ نِعْمَةٍ مِنْ عَيْشٍ فَزَالَ عَنْهُمْ إِلَّا بِذُنُوبٍ إِجْتَرَحُوهَا ، لِإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ ، وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ حِينَ تَنْزَلُ بِهِمُ النِّقَمَ ، وَ تَزُولُ عَنْهُمْ النِّعَمَ ، فَزَعُوا إِلَى رَبِّهِمْ بِصِدْقٍ مِنْ نِيَاتِهِمْ ، وَ وَلَهُ مِنْ قُلُوبِهِمْ ، لَرَدَّ عَلَيْهِمْ كُلَّ شَارِدٍ وَ أَصْلَحَ لَهُمْ كُلَّ فَاسِدٍ . (۱) به خدا سوگند هر جمعیتی که از طراوات نعمتی کامیاب باشند ، این نعمت از آن ها گرفته نمی شود مگر به خاطر گناهانی که انجام داده اند ، چرا که خداوند ، به بندگانش ظلم نمی کند . اگر مردم در آن هنگام که سختی و بلا بر آنان نازل شده و نعمت ها از آن ها گرفته می شود ، با نیتهایی پاک و راستین ، و دلهایی سرگشته و اندوهگین ، به درگاه پروردگار خویش پناه آورند (و نجات خویش را از بلاها و ناروایی هایی که دامنگیرشان شده ، بخواهند) خدا هر از دست رفته ای را به آن ها برگرداند و هر خراب شده ای را برایشان آباد کند ! بنا بر این کسانی که در مسایل دنیوی خویش گرفتار مشکلات و سختی هایی هستند ، یا در مسایل معنوی و توفیقات علمی خویش عقب افتادگی هایی دارند ، نباید از

نقش مهم و حیاتی افکار و اعمال ناپسندشان غافل بمانند و تأثیر آن‌ها را در امور مادی و معنوی خود نادیده بگیرند. بلکه با توجه به آنچه گذشت و همچنین عواقب سختی که خدا برای دوستان گنهکار امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نظر گرفته، باید هر چه زودتر از گذشته تاریک خود پشیمان شوند، و به درگاه خدا ناله کنند و از او عذر خواهی نموده و بهترین دعا، یعنی «استغفار» را ورد زبان خویش قرار دهند تا ابر رحمت پروردگار، باران مغفرت و آمرزشش را بر سر و رویشان بریزد و تمام آلودگی‌های فکر و روح آنان را شستوشو دهد و جان و دلشان را برای درک فیوضات حق و عنایات خاصه و لیش امام عصر ارواحنا فداه آماده و مهیا سازد. ۱- بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۳۶۴.

استغفار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)!

خداوند در مواردی به انبیا و فرستادگان خویش، با این که دارای مقام عصمت بودند و گناهی از آن‌ها سر نزده بود، دستور استغفار می‌دهد. چرا که استغفار ظرف وجودی انسان را گسترش می‌دهد و دل و جان او را آماده فیوضات پروردگار می‌کند. در یک جا به رسول مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) ابتدا دستور تسبیح و شکر نعمت داده و سپس از او می‌خواهد که از پروردگار خویش طلب آموزش کند، آن جا که می‌فرماید: (فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّاباً). (۱) (حال که، فتح و پیروزی خدا نصیبان گشته است) پروردگارت را تسبیح و حمد کن و از او آموزش بخواه (استغفار کن) که او بسیار توبه پذیر است. در جای دیگری به او دستور صبر و پایداری داده و سپس سفارش به استغفار کرده و می‌فرماید: (فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لَذَنْبِكَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ). (۲) (ای پیامبر) صبر و شکیبایی پیشه کن که وعده خدا حق است و برای گناهت استغفار کن و در صبح و شام تسبیح و حمد پروردگارت را به جا آور. ۱- سوره نصر، آیه ۳، ۲- سوره غافر، آیه ۵۵.

آیا استغفار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از گناه بود؟!

با توجه به ادله قطعی و محکمی که بر عصمت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) داریم، گناهی که در این آیه به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نسبت داده شده، ظاهرش قطعاً مراد نیست. بدین خاطر چاره نداریم که از ظاهر آیه صرف نظر کرده و یکی از احتمالات زیر را درباره آن روا شمیریم: ۱- پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) کارهایی را در ارتباط با خلق خدا انجام می‌داد و به امور آنان رسیدگی می‌کرد، حتی گاهی دعوت کودکان را رد نمی‌کرد و به تقاضاهای کودکان آنان پاسخ مثبت می‌داد. این‌ها همه، گرچه عبادت عظیم و طاقت فرسایی برای حضرتش بود، اما او آن‌ها را یک نوع فاصله و جدایی، بین خود و خدای خویش می‌دید و از این باب که «حَسَنَاتُ الْأَبْرَارِ سَيِّئَاتُ الْمُقَرَّبِينَ» (۱) آن توجهات و رسیدگی‌ها را نوعی گناه و کوتاهی برای خود به حساب می‌آورد. بدین جهت مقتید بود روزی صد بار استغفار کند و تا استغفار نمی‌کرد آرام نمی‌گرفت و خدا هم با توجه به این حالت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) به او دستور استغفار برای آنچه او برای خود گناه می‌داند، می‌دهد. گرچه از نظر خدا گناهی به شمار نمی‌آمد. ۲- این دستور به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از این جهت بود که امت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و آل و سلم)، به اهمیت استغفار و نقش والای آن در توفیقات مادی و معنوی خویش پی ببرند و با تأسی به حضرتش برای گناهان و لغزش‌های خود استغفار کنند تا از عذاب خداوند در دنیا و آخرت نجات یابند و به سعادت ابدی دست پیدا کنند. مخصوصاً که اکثر مردم مقتید بودند که هر کاری پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می‌کند آن‌ها هم همان را انجام دهند. لذا خدا به پیامبرش چنین خطاب می‌کند تا دیگران از او درس بگیرند. ۳- گناه یک جمعیتی که معتقد به مکتب خاصی هستند خواه ناخواه به نام صاحب آن مکتب تمام می‌شود هر چند او آنان را از آن برحذر داشته باشد. خدا هم در این آیه، گناه امت پیغمبرش را به او نسبت داده و می‌فرماید: «برای گناهت استغفار کن» یعنی ای پیامبر اگر نجات امت را می‌طلبی، برای گناهان آنان طلب آموزش

نما تا به این واسطه شفاعت تو را در حق ایشان بپذیریم . ۱- کارهای خوب نیکان ، گناهان بار یافتگان حريم قدس است .

استغفار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) عامل دست یابی به شفاعت کبری !

دست یافتن به مقام محمود و شفاعت کبری ، برای پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) از طریق نماز شب و استغفار در سحرگاهان ، به دست می آید . آن جا که خداوند خطاب به او می فرماید : (وَ مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا) . (۱) و پاسی از شب را (از خواب برخیز و) قرآن و نماز بخوان ؛ این یک وظیفه اضافی برای توست ، امید است پروردگارت تو را به مقامی درخور ستایش برانگیزد . گفته اند : مقام محمودی که خدا به پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) عطا کرده است ، به خاطر بیداری در سحر و پرداختن به تلاوت قرآن و مناجات با خدا و استغفار برای امتش بوده است . و این همان مقام شفاعت کبری است که از مختصات آن حضرت به شمار می رود . گویا استغفار آن حضرت در سحرگاهان برای شیعیان و دوستان امیرالمؤمنین (علیه السلام) یکی از عوامل دست یافتن آنان به شفاعت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و در نتیجه ، رسیدن به آمرزش خداوند است . و این خود شاهدیست برای احتمال سوم در آیه مذکور . شاهد دیگر برای این احتمال ، آیه دیگری است که خداوند به صراحت به پیامبرش دستور می دهد برای گناهان امتش استغفار کند تا از عذاب آنان چشم بپوشد . آن جا که می فرماید : (فَأَعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ) . (۲) از آن ها در گذر و برایشان استغفار کن . ۱- سوره اسراء ، آیه ۷۹ . ۲- سوره آل عمران ، آیه ۱۵۹ .

وجود پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) مهمترین عامل دفع بلاست

استغفار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) برای امتش ، نه تنها باعث دفع بلا و عذاب از آنان بود بلکه اصل وجود نازنین آن حضرت در میان امتش ، مایه برطرف گشتن عذاب بود ، که خداوند در شأن او می فرماید : (وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ) . (۱) (ای پیامبر) تا تو در میان آنان هستی ، خداوند آن ها را مجازات نخواهد کرد . اگر وجود نازنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) باعث دفع بلا و عذاب از امتش می گردد شگفتی ندارد ، چرا که وجود مقدس حضرتش باعث آفرینش و اعطای فیض وجود به تمام آفریدگان بوده است ، از همین رو بقای او هم در این عالم مایه برطرف گشتن عذاب از امت گنہکار اوست . بلکه ، وجود مقدس پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و استغفار او برای امتش ، نقش وجود آن حضرت را در دفع عذاب از آنان دو چندان می کرد و سپر بلا- بودن آن حضرت را برتر و بالا-تر از استغفار خود مردم می ساخت ، و بلکه استغفار آن حضرت برای مردم ، قابل قیاس با استغفار همه امتش در دور ساختن عذاب خداوند نیست . و این نکته ای است که خود آن وجود نازنین در سخن دُرر باری بدان اشاره کرده اند : « مَقَامِي فِيكُمْ وَالْإِسْتِغْفَارُ لَكُمْ حِصْنٌ حَصِينٌ مِنَ الْعَذَابِ ، فَمَضَى أَكْبَرُ الْحِصْنَيْنِ وَبَقِيَ الْإِسْتِغْفَارُ فَأَكْثَرُوا مِنْهُ ، فَإِنَّهُ مُمَحَاةٌ لِلذُّنُوبِ . قَالَ اللَّهُ تَعَالَى : (وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَعْفِرُونَ) . (۲) بودن من در میان شما و استغفار کردنم برای شما سپر محکمی است برای جلوگیری از عذاب ، (بعد از مرگ من) بزرگترین سپر از میان شما رفته و استغفار (که سپر کوچکتر است) باقی مانده است . پس زیاد استغفار کنید که گناهان را نابود می کند . خدای متعال فرموده است : « (ای پیامبر) تا تو در میان آنان هستی ، خداوند آن ها را مجازات نخواهد کرد ، و تا خود آنان هم استغفار می کنند خدا آن ها را عذاب نمی کند » . ۱- سوره انفال ، سوره ۳۳ . ۲- جامع الاخبار ، ص ۱۴۶ ، ح ۵ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۶۸ .

استغفار ، مانند پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) بلاها را دفع می کند

از این سخن نورانی پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و استدلالشان به آیه مذکور نتیجه می گیریم : آنچه در ردیف وجود نازنین پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) باعث دور ساختن عذاب خداوند می گردد ، استغفار مردم از گناهان است . بی جهت نیست که

خداوند بعد از عبارت مذکور بلافاصله می فرماید: (وَ مَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ) . (۱) تا اَمّت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) استغفار می کنند خدا آنان را عذاب نمی کند . یعنی: استغفار مردم از گناهانشان همان نقشی را در دفع بلا و عذاب دارد که وجود مقدس پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در زمان حیاتش برای اَمّتش داشته است ، وجودی که رسالتش باعث نزول رحمت بر همه اهل عالم بود و خدا درباره اش فرموده است: (وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ ، إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ) . (۲) ما تو را به سوی مردم نفرستادیم جز برای این که وجودت باعث نزول رحمت بر همه عالمیان گردد . از این جا به جایگاه بلند استغفار در بهبود بخشیدن به زندگی مادی و معنوی خویش و نزول رحمت خاصّ خداوند بر انسان ، پی می بریم ، بگونه ای که یکی از عوامل مهم دور گشتن بلا و بر طرف شدن عذابِ خداوند بعد از وجود مقدّس پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) استغفار مردم شمرده شده است ! ۱ - سوره انفال ، آیه ۳۳ . ۲ - سوره انبیاء ، سوره ۱۰۷ .

جایگاه استغفار در عبادات

بعضی از عبادات باعث ریزش گناه شده و انسان را همچون روز تولّد ، از آلودگی گناه پاک می سازد . در عین حال در این عبادات سفارش به استغفار نیز شده است و این بدان جهت است که ، استغفار یعنی : طلب آمرزش از خداوند و بازگشت به معنویّت و اطاعت حقّ براساس ایمان و معرفت ، استغفار یعنی : آشتی با مبدأ همه فیوضات و پیوند با منبع همه کمالات . وجود این حالت در شخص - مخصوصاً در ضمن عبادت - باعث می شود که مقام والایی در نزد خداوند پیدا کرده و بهره بیشتری از عبادات خویش ببرد . از این رو در عبادات مختلف با تمام آثار پرباری که در آمرزش انسان دارد ، به استغفار و طلب آمرزش از خداوند سفارش شده و به مداومت بر آن تأکید گشته است . به عنوان نمونه : حجّ یک عمل عبادی عظیم است و آثار معنوی فراوانی برای انسان دارد ، تا آن جا که کمترین اثر رفتن به حجّ و انجام مناسکش ، ریزش گناهان و شستوشوی دل و جان از کثافات گناه ذکر گردیده است . این اثر در مورد بعضی از اعمال حج ، مثل حضور در صحرای عرفات نیز آمده است : وقتی حاجی در صحرای عرفات حاضر می گردد ، هنگام غروب که از آن جا به مقصد مشعر خارج می شود ، از گناهان خود بیرون می رود مثل روزی که از شکم مادر متولّد شده به گونه ای که هیچ گناهی بر او نیست . (۱) ولی با همه این برکات حجّ ، وقتی خداوند دستور کوچ کردن از عرفات و مشعر را می دهد بلافاصله سفارش به استغفار و طلب آمرزش می کند و می فرماید: (ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) . (۲) سپس از همان جا که مردم کوچ می کنند (به سوی سرزمین منی) کوچ کنید . از خداوند آمرزش بطلبید که خدا آمرزنده مهربان است . نمونه دیگر آن ، زیارت قبر مطهر امام رضا (علیه السلام) است که از عبادات عظیم و پرباری است که ثواب آن از هفتاد حجّ تا یک میلیون حجّ قبول شده ، ذکر گردیده است (۳) و کمترین اثر آن ، آمرزش همه گناهان است . (۴) ولی با همه این آثار و برکات ، وقتی زائر از نماز زیارت فارغ می گردد ، موظف است دعایی را که مشتمل بر فقرات گوناگونی از استغفار است ، تلاوت کند . در بخشی از دعایی که بعد از نماز زیارت آن حضرت خوانده می شود ، این عبارات به چشم می خورد: رَبِّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفِرُ حَيَّاهُ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفِرُ رَجَاءَهُ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفِرُ إِنْابَهُ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفِرُ رَغْبَهُ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفِرُ رَهْبَهُ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفِرُ طَاعَهُ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفِرُ إِيْمَانَهُ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفِرُ إِقْرَارَهُ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفِرُ إِخْلَاصَهُ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفِرُ تَقْوَى ، وَأَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفِرُ تَوَكُّلَهُ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفِرُ ذَلَّةَهُ ، وَأَسْتَغْفِرُكَ أَسْتَغْفِرُ عَامِلَ لَكَ ، هَارِبِ إِلَيْكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ثُبِّ عَلَىَّ وَ عَلَى وَالِدَيَّْ بِمَا ثُبْتُ وَ تَتُوبُ عَلَيَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

پروردگارا ، از تو آمرزش می خواهم ، بسان آمرزش طلبی که از تو حیا و شرم دارد . پروردگارا ، از تو عفو و بخشش می جویم ، بسان آمرزش خواهی که به تو امید دارد . پروردگارا ، از تو طلب گذشت و بخشش دارم ، همچون بخشش طلبی که در جست و جوی توست و به سوی تو روی آورده است . پروردگارا ، از تو آمرزش می طلبم ، همانند آمرزش طلبی که به تو اشتیاق دارد .

پروردگارا، از تو درخواست عفو و بخشش می‌کنم، بسان بخشش خواهی که از تو خائف و ترسان است. پروردگارا، از تو تقاضای آمرزش می‌کنم، همچون آمرزش طلبی که مطیع و فرمانبردار توست. پروردگارا، از تو آمرزش می‌خواهم، همانند آمرزش خواهی که به تو ایمان دارد. پروردگارا، از تو درخواست بخشش می‌کنم، بسان بخشش طلبی که به تو اقرار می‌کند. پروردگارا، از تو آمرزش می‌طلبم، همچون آمرزش خواهی که به تو اخلاص دارد. پروردگارا، از تو تقاضای عفو و گذشت می‌کنم، همانند متقاضی گذشتی که تقوی دارد. پروردگارا، از تو آمرزش می‌طلبم، نظیر آمرزش خواهی که بر تو توکل کرده است. پروردگارا، از تو بخشش می‌جویم، شبیه آمرزش خواهی که ذلیل درگاه تو شده است. پروردگارا، از تو طلب آمرزش می‌کنم، بسان آمرزش طلبی که برای تو عمل می‌کند. پروردگارا، از تو درخواست گذشت و بخشش دارم، همانند استغفار کسی که از تو گریخته و در فرجام به سویت باز گشته است. پس بر محمّد و آل محمّد درود فرست و توبه من و پدر و مادرم را بپذیر. به همان سببی که توبه همه آفریده هایت را پذیرفته‌ای. ای مهربانترین مهربانان. گویی خدا، حالت عذرخواهی بنده اش را دوست دارد، هر چند گناه او را قبلاً بخشیده باشد. جهت دیگر این که، ذکر شریف استغفار، حالتی را در بنده ایجاد می‌کند که نسبت به آینده خویش متوجه باشد تا دیگر خطاهای گذشته را تکرار نکند. ۱- وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۵۴۶-۵۴۷. ۲- سوره بقره، آیه ۱۹۹. ۳- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۳۵، ح ۱۶ و ص ۳۳، ح ۴. ۴- بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۳۴، ح ۱۰-۱۲؛ ص ۳۶، ح ۲۱؛ ص ۳۸، ح ۳۳؛ ص ۴۰، ح ۴۱ و ص ۴۱، ح ۴۴.

استغفار کنندگان محبوب خداوند

محبوبیت استغفار کنندگان در پیشگاه خداوند از صریح کلمات وحی در قرآن استفاده می‌شود، آن جا که می‌فرماید: (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ). (۱) خدا کسانی را که مرتب و پشت سر هم توبه می‌کنند دوست دارد. در سخنان اهل بیت وحی (علیهم السلام) نیز بدین محبوبیت اشاره شده است. امام باقر (علیه السلام) در این زمینه حدیث درباری را از پیامبر رحمت (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل می‌کنند: اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نزد آن حضرت رفته و عرض کردند: ای رسول خدا! ما می‌ترسیم منافق باشیم. پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: چرا چنین ترسی دارید؟ گفتند: زمانی که خدمت شما شرفیاب می‌شویم، ما را به یاد آخرت می‌اندازید، ما هم ترسان می‌شویم و دنیا را فراموش کرده و به آن بی‌علاقه می‌گردیم به گونه‌ای که گویی آخرت و بهشت و دوزخ را به چشم خود می‌بینیم. ولی این حالت تا زمانی است که در محضر شما هستیم. اما زمانی که داخل خانه هایمان می‌شویم، بوی فرزندانمان را استشمام می‌کنیم، و اهل و عیال و مال و منال خویش را می‌بینیم، از آن حالت بیرون می‌آیم و گویا نورائیتی در ما پدید نیامده است. آیا با این دگرگونی که پیدا می‌کنیم، شما بر ما از نفاق و دورویی نمی‌ترسید؟ پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) با کمال مهر و دلسوزی فرمودند: نه، این وسوسه شیطان است که می‌خواهد شما را به دنیا علاقه مند گرداند، به خدا سوگند! اگر در آن حالی که در نزد من پیدا می‌کنید، باقی بمانید و آن نورائیت در شما بماند، ملائکه با شما مصافحه می‌کنند و روی آب راه می‌روید! سپس فرمودند: وَلَوْلَا أَنْكُمْ تَذْتَبُونَ فَتَسْتَعْفِرُونَ اللَّهَ، لَخَلَقَ اللَّهُ خَلْقًا لَكِنِّي يُذْتَبُونَ ثُمَّ يَسْتَعْفِرُوا، فَيَعْفِرَ لَهُمْ إِنَّ الْمُؤْمِنَ مَفْتَنٌ تَوَّابٌ، أَمَا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِ: (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ)، (وَاسْتَعْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ). (۲) اگر شما نبودید که گناه کرده و پس از آن استغفار کنید، خداوند خلقی را می‌آفرید تا گناه کنند و پس از آن استغفار کنند، و خداوند آن‌ها را ببخشد! به راستی که مؤمن زیرک است و مرتب توبه می‌کند. آیا نشنیده‌ای فرمایش خداوند را که می‌فرماید: «خداوند کسانی را که مرتب توبه و استغفار می‌کنند دوست دارد». (یا فرمایش دیگرش را که می‌فرماید: «از خدا طلب آمرزش کنید و به سوی او توبه و بازگشت نمایید». از مجموع آیات و روایات استفاده می‌شود: استغفار و آمرزش طلبیدن از خدا، تنها برای آمرزش گناهی نیست که از انسان سر زده است، بلکه خود یک نوع عبادت و دعاست که باعث محبوبیت انسان در نزد

خداوند و تعالی روح او می‌گردد، و شیوه بندگان صالح خداست. آری! استغفار و تقاضای عفو و بخشش از خداوند غفور، موجب نزدیکی بنده به خدای خویش و اوج گرفتن در مراتب کمال و معنویت و بالا رفتن مقام و منزلتش در نزد ولّیش، امام عصر ارواحنا فداه می‌گردد، و استمرار بر آن سبب دست یافتن به روزی بیشتر، چه مادی و چه معنوی است. ۱- سوره بقره، آیه ۲۲۲. ۲- بحارالأنوار، ج ۶۷ ص ۵۶-۵۷؛ تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۰۹.

تلاش شیطان برای از یاد بردن استغفار

محبوبیت شدید استغفار در نزد خداوند و آثار پر باری که به دنبال دارد و برکات فراوانی که در زندگی دوستان امیرالمؤمنین (علیه السلام) به وجود می‌آورد، باعث می‌شود که شیطان تمام نیروهایش را بسیج کند تا کسی بر آن توفیق نیابد. و از همین روست که پس از آن که بندگان خدا را به سوی گناه سوق داد و به انحراف کشانید، همه سعی و کوشش او بر این است که حالت توبه و پشیمانی و عذرخواهی و استغفار را از یاد آنان برده و از پیمودن راه سعادت و آشتی با خدا و دوستی با امام زمان (علیه السلام) بازشان دارد. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: زمانی که این آیه نازل شد: (وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاجِرَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ). (۱) «کسانی که وقتی عمل زشتی را انجام دهند یا به نفس خود با انجام گناهی ظلم کنند، به یاد خدا افتاده و برای گناهانشان از خدا آمرزش می‌طلبند». شیطان بالای کوهی در مکه به نام «ثور» رفت و با بلندترین صدای خود یارانش را صدا زد. همگی نزدش جمع شده و گفتند: ای سرور ما، برای چه کاری ما را نزد خود فرا خواندی؟ شیطان گفت: این آیه نازل شده، چه کسی مأموریت جلوگیری از آن را به عهده می‌گیرد؟ یکی از شیاطین گفت: من آن را می‌پذیرم و برای جلوگیری از آن چنین و چنان می‌کنم. شیطان گفت: تو توانایی این کار را نداری. دیگری گفت: من چنین و چنان می‌کنم. شیطان گفت: تو هم لیاقت این کار را نداری. وسواس خناس گفت: من این کار را به عهده می‌گیرم. شیطان گفت: چگونه؟ گفت: آن قدر به آن‌ها وعده داده و آرزوی گناه را در سر آن‌ها می‌پرورانم که مرتکب گناه گردند، و زمانی که خطایی از آن‌ها سر زد و گناهی را انجام دادند، استغفار و آمرزش طلبیدن را از یادشان می‌برم. شیطان گفت: تو اهلیت و توانایی این کار را نداری. و پس از آن، او را تا روز قیامت مأمور این کار ساخت. (۲) اولیای خدا استغفار را فراموش نمی‌کنند! دوستان واقعی خدا و کسانی که مصداق حقیقی اولیای خداوند در اثر مداومت بر ذکر خدا، مراتب مختلف تقوا در وجودشان شکل می‌گیرد به حدی که جزو بندگان مخلص خدا می‌گردند و شیطان در وجود آن‌ها راهی ندارد. خدا مقام آنان را در قرآن ستوده و درباره آن‌ها می‌فرماید: (إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ). (۳) یقیناً که برای تو (ای شیطان) در بندگان من سلطنت و تصرفی نیست. چنین افرادی با همه کمالات و مقاماتی که در نزد خدا دارند، یکی از صفات دایمی آنان، استغفار در سحرگاهان است که قرآن در تعریف و تمجید این کارشان می‌فرماید: (إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ * ... كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ). (۴) به یقین پرهیزکاران در باغ‌های بهشت و میان چشمه‌سارها قرار دارند. ... (وضع) آن‌ها (در دنیا چنین بود که) کمی از شب را می‌خوابیدند. و در سحرگاهان استغفار می‌کردند. ۱- سوره آل عمران، آیه ۱۲۵. ۲- بحارالأنوار، ج ۷۰، ص ۳۵۱؛ وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۶۶. ۳- سوره حجر، آیه ۴۲. ۴- سوره الذاریات، آیه ۱۸-۱۵.

سر استغفار پیامبر و اوصیانش (علیهم السلام)

از این جا سر استغفارهای پیامبر و اوصیای پاک (علیهم السلام) روشن می‌شود. با این که کوچکترین گناهی از آنان سر نزنده بود و بلکه مرتکب ترک اولایی هم نشده بودند، صبح و شام از خداوند طلب عفو و بخشش می‌کردند. علاوه بر نکاتی که در سر استغفار پیامبر (صلی الله علیه وآله) یاد آور شدیم، (۱) آن بزرگواران برترین مصداق عباد صالح خداوند که به اوج نهایی تقوا،

دست یافته اند و تمام اوصاف ممتاز بندگانِ مخلص و با تقوا در وجود پاکشان شکل گرفته است که یکی از آن‌ها استغفار در سحرگاهان و مناجات با خدای عالمیان است. از این گذشته آن بزرگمردان آفرینش، در کمال عبودیت حق بر قله رفیعی قدم گذارده اند که هیچ کس را توان تصوّرش نیست تا چه رسد به تصدیق و درک حقیقت آن. و در آن اوج نشینی و با وجود همه کمالات و خدمات و عبادات شب و روزشان، باز هم خود را در برابر خدای خویش مقصّر می‌دیدند و مرتّب از آن ذات بی‌مثال تقاضای گذشت و آمرزش می‌نمودند. بی‌شک اینان کامل‌ترین مصداق برای بسیاری از آیات کریمه قرآنند که خداوند در وصف بندگان صالح و کمال یافته خویش نازل کرده و آن‌ها را به اوصاف برازنده‌ای ستوده است و قرآن کریم به عنوان یکی از شاخص‌ترین صفات کمالتیّه آنان، از استغفار سحرگاهشان یاد می‌فرماید. خداوند در سوره آل عمران کمالات آنان را چنین ذکر می‌کند: (الضّابِرِينَ وَالصّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ). (۲) همان‌ها که (در برابر مشکلات خلق، و در مسیر اطاعت حق) استقامت می‌ورزند، راستگو هستند، (در برابر خدا) خضوع (و در راه او) انفاق و در سحرگاهان استغفار می‌کنند. گرچه این اوصاف، به عنوان خصال نیک متّقین و کسانی که بهشت و نعمت‌های بهشتی در انتظار آنان است، ذکر شده ولی تردیدی نیست که پیامبر و اهل بیت پاکش (علیهم السلام) برترین مصداق این آیه شریفه اند. بلکه نماز شب و استغفار در سحر، بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) واجب بود و خدا تنها او را مخاطب قرار داده و می‌فرماید: (وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا). (۳) و پاسی از شب را (از خواب برخیز)، قرآن و نماز بخوان، این یک وظیفه اضافی برای تو است، امید است پروردگارت تو را به مقامی در خور ستایش برانگیزد. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نه تنها مقید بودند که هر سحرگاه با خدای خویش مناجات و از او درخواست عفو و بخشش کنند، بلکه خود را هر روز به گفتن ذکر استغفار مقید می‌کردند و می‌فرمودند: إِنَّهُ لِيُغَانُ عَلَيَّ قَلْبِي حَتَّىٰ أَشْتَغِفَ فِي الْيَوْمِ مِائَةً مَرَّةً. (۴) تا روزی صد بار استغفار نگویم دلم آرام نمی‌گیرد و خاطر من آسوده نمی‌گردد. بلکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)، در هر مجلسی می‌نشستند، از آن مجلس بر نمی‌خاستند مگر آنکه بیست و پنج بار استغفار می‌کردند. (۵) امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز در قنوت و ترخویش، استغفار خاصی را تلاوت می‌فرمودند که مشتمل بر مجموعی از آیات قرآن است که در آن ذکر از استغفار به میان آمده است. (۶) همچنین آنحضرت، بعد از نافله صبح، استغفاری را با مضامین عالی قرائت می‌کردند؛ این استغفار دارای هفتاد فراز است، و فراز فراز آن، راهنمای انسان به راه‌های معرفت و اطاعت خداوند، و راهگشای او به نقائص اعمال خویش می‌باشد. (۷) سایر امامان معصوم (علیهم السلام) نیز استغفارهایی را در طول شبانه روز قرائت می‌کردند. علاوه بر استغفار، که در آیات و روایات فراوانی مورد تأکید قرار گرفته، دعاهایی مثل دعای کمیل، دعای ابوحمزه ثمالی، دعای امام حسین (علیه السلام) در روز عرفه و مناجات شعبانیه که اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) بر قرائت آن در مناسبت‌های مختلف، مواظبت داشته‌اند؛ حاکی از آمرزش خواهی آن بزرگواران از خداوند است که با اشک و آه همراه بوده، و دلیل بر اهمّیت استغفار و نقش بسزای آن در احیاء نفس انسان و تعالی روح اوست. و در حقیقت این آمرزش‌طلبی‌ها در لسان امامان (علیهم السلام)، علاوه بر اینکه از معرفت و خلوص بی‌ظنیر آنان حکایت دارد، درس بزرگی برای شیعیان و دوستان آنان است که اولاً: تا می‌توانند گناهی مرتکب نشوند. و در عین حال که گناهی نمی‌کنند همیشه خود را در برابر خداوند مقصّر دیده، عبادات و اعمال نیک خود را به حساب نیاورند و برای تقصیر و کوتاهی خویش استغفار کنند و ثانیاً: اگر گناهی از آنان سرزد آن را کوچک‌شمردند و بی‌درنگ از خدای بزرگ پوزش طلبیده، عذرخواهی کنند؛ تا ابواب معرفت، محبت و انس با حق به رویشان گشوده گردد. ۱- همین کتاب، ص ۲۷۸-۲. سوره آل عمران، آیه ۱۷. ۳- سوره اسراء، آیه ۷۹. ۴- جامع الاخبار، ص ۱۴۷. ۵- بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۸۱. ۶- همین کتاب، ص ۲۸۰-۲۹۷. ۷- همین کتاب، ص ۳۰۳-۳۴۳.

معنا و شرائط استغفار

اکنون که شرافت و فضیلت استغفار تا حدودی روشن گشت، قبل از آن که آثار و برکات این ذکر پر بار را یادآور شویم، خوب است بدانیم که در چه صورت استغفار انسان، رنگ حقیقت به خود می‌گیرد و با گفتن آن می‌توان به تمام آثار و خواص استغفار دست یافت؟ انسانی که گناه کرده و از جاده مستقیم دین و ولایت به انحراف کشیده شده، با اندک تأملی در می‌یابد که اگر به سوی خدا و احکام نورانی اسلام و مکتب پر بار اهل بیت (علیهم السلام) روی آورد و با خدای خود آشتی کند، خدا نیز از گذشته او چشم پوشیده و پشیمانی او را به عنوان کفاره گناهانش پذیرفته و از عقوبت او صرف نظر می‌فرماید. توبه و بازگشت به سوی خدا، عبارت است از گرایش قلبی توبه کننده به نور معرفت و محبت حق، و راه یابی به سرچشمه زلال هدایت و سعادت؛ و نشان آن، ندامت باطنی و اظهارات شخص توبه کننده است. و بهترین لفظ برای اظهار این ندامت، همان ذکر «استغفار» است که خداوند در قرآن بدان سفارش کرده و از امت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) خواسته است که از این راه ندامت خویش را اظهار کنند و از خدای خویش بخواهند که از تقصیر آنان در گذرد و باران رحمت و مغفرتش را بر جسم و جانشان فرود آورد. این ذکر شریف در کلمات نورانی پیامبر و اهل بیتش (علیهم السلام) با تعبیر گوناگون آمده است، و هر تعبیری حاکی از اظهار ندامت نسبت به گناه خاصی است که در طول هفته و ساعات شبانه روز به تعداد خاصی بدان سفارش شده است، که هر یک در جای خود آثار فراوانی را به دنبال دارد و ما در انتهای این کتاب به نمونه هایی از آن اشاره خواهیم کرد. آنچه در این جا مهم است، این که این اظهار ندامت و پشیمانی در صورتی رنگ حقیقت به خود می‌گیرد که از دل برخاسته و در عمل نیز آثارش آشکار گردد. اما کسی که در حال گناه، یا مصمم بر تکرار گناهی است و نسبت به آن استغفار می‌کند، مثل کسی است که خدای خود را به باد تمسخر گرفته باشد. امام صادق (علیه السلام) در سخن زیبایی به این نکته اشاره کرده، می‌فرماید: **الَّتَائِبُ مِنَ الذَّنْبِ كَمَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ، وَالْمُتَّقِمُ عَلَى ذَنْبٍ وَهُوَ يَسْتَعْفِرُ كَالْمُسْتَهْزِءِ**. (۱) کسی که از گناهی توبه کند، مثل کسی است که گناهی بر او نوشته نشده است؛ و کسی که گناهی را ادامه می‌دهد و در عین حال نسبت به آن استغفار می‌کند مثل کسی است که (خدای خودش را) مسخره می‌کند. بی‌جهت نیست که در برخی روایات که حاوی دستور بعضی از نسخه های استغفار هستند این نکته یادآوری شده است، که گفتن این استغفار در صورتی مؤثر است که گوینده نسبت به گذشته خود پشیمان شده و در دل، حالت نfertی نسبت به گناهش پیدا کند. امام صادق (علیه السلام) در سخن حکمت بار خویش چنین می‌فرماید: **مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُقَارِفُ فِي يَوْمِهِ وَ لَيْلَتِهِ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً فَيَقُولُ وَهُوَ نَادِمٌ: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَ أَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يُتُوبَ عَلَيَّ» إِلَّا غَفَرَهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ، وَ لَا خَيْرَ فِيمَنْ يُقَارِفُ فِي كُلِّ يَوْمٍ أَكْثَرَ مِنْ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً**. (۲) هر مؤمنی که در شب و روزش چهل گناه کبیره انجام دهد و با حالت ندامت و پشیمانی (و نفرت از گناه خویش) بگوید: **«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي...»** از خدا طلب آمرزش می‌کنم، خدائی که معبودی جز او نیست، زنده ای ازلی و ابدی و سرپرستی بی‌مانند است، پدید آورنده آسمان و زمین، صاحب جلال و عظمت و مهمان نوازی بخشنده است، از او در خواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) درود فرستد و توبه مرا بپذیرد؛ خداوند او را می‌بخشد و کسی که در روز، بیش از چهل گناه کبیره انجام دهد، خیری در او نیست. ۱ - مستدرک سفینه البحار، ج ۷، ص ۶۰۱. ۲ - المحجة البيضاء، ج ۷، ص ۲۶؛ کافی، ج ۲، ص ۴۳۸ و با اندک اختلافی وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۶۷؛ بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۷۷؛ ثواب الأعمال، ص ۱۶۹.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سخن پر باری، شرایط جامع تری را برای تحقق استغفار واقعی بیان می‌فرمایند که بسیار پر مغز و شایسته دقت و به کار گرفتن است و علما و دانشمندان در شرح و تفسیر آن سخنان فراوانی گفته‌اند. مرحوم سید رضی (ره) چنین روایت می‌کند: مردی در محضر آن حضرت گفت: **أَسْتَعْفِرُ اللَّهَ**. مولا به او فرمودند: **تَكَلَّمَكَ أُمَّكَ**، **أَتَدْرِي مَا الْإِسْتِعْفَارُ**، **إِنَّ الْإِسْتِعْفَارَ دَرَجَةُ الْعَلِيِّينَ**، و **هُوَ أَسْمُ وَقَعَ عَلَى سِتِّ مَعَانَ**: **أَوَّلُهَا: النَّدْمُ عَلَى مَا مَضَى**. و **الثَّانِي: الْعَزْمُ عَلَى تَرْكِ الْعُودِ عَلَيْهِ أَبَدًا**. و **الثَّلَاثُ: أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ حُقُوقَهُمْ حَتَّى تَلْقَى اللَّهَ أَمَلَسَ لَيْسَ عَلَيْكَ تَبِعَةٌ**. و **الرَّابِعُ: أَنْ تَعْمَدَ إِلَى كُلِّ فَرِيضَةٍ عَلَيْكَ ضَيِّعَتَهَا تُؤَدِّي حَقَّهَا**. و **الخَامِسُ: أَنْ تَعْمَدَ إِلَى اللَّحْمِ الَّذِي نَبَتَ عَلَى الشُّحْتِ فَتُذِيهِ بِالْأَحْزَانِ حَتَّى تَلْصِقَ الْجِلْمَدَ بِالْعَظْمِ وَيُنْشَأُ بَيْنَهُمَا لَحْمٌ جَدِيدٌ**. و **السَّادِسُ: أَنْ تُذِيقَ الْجِسْمَ أَلْمَ الطَّاعَةِ كَمَا أَذَقْتَهُ حَلَاوَةَ الْمَعْصِيَةِ**، **فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقُولُ: «أَسْتَعْفِرُ اللَّهَ»**. (۱) مادرت به عزایت بنشیند، آیا می‌دانی معنای استغفار چیست؟ به یقین استغفار درجه‌علیین است. استغفار، اسمی است که بر شش معنا استوار است. نخستین آن‌ها: نسبت به گناه گذشته‌ات پیشیمان شوی. دوم: برای همیشه تصمیم‌گیری که دیگر به سوی گناه گذشته باز نگردی. سوم: حق تمام مردم را ادا کنی و خدا را در حالی ملاقات کنی که هیچ حقی از دیگران به گردنت نباشد. چهارم: هر واجبی که از تو فوت گشته و ضایع شده است، به جا آوری، (قضا نموده) و حقس را ادا کنی. پنجم: هر گوشتی که بر بدنت از مال حرام روییده، با حزن و اندوه‌های فراوان، آن را آب‌نمایی به گونه‌ای که پوست را به استخوان بچسبانی، تا از آن پس در جسم تو گوشت نو (از مال حلال) بروید. ششم: سختی طاعت خدا را بر بدنت چشانده، همان‌گونه که شیرینی گناه را به او چشانندی. وقتی تمام این مراحل را طی کردی می‌گویی: **(أَسْتَعْفِرُ اللَّهَ)** «از خدا آمرزش می‌طلبم». البته روشن است که رعایت چهار مطلب اول در فرمایش امیرالمؤمنین (علیه السلام)، شرط تحقق توبه و استغفار است که تا آن‌ها محقق نشوند توبه واقعی شکل نمی‌گیرد و مطلب پنجم و ششم، شرط کمال توبه و استغفار است؛ نه این که اداء واجب، متوقف بر آن باشد. بلکه اگر کسی بخواهد به کمال توبه دست یابد و تمام آثار کمالیه و معنوی استغفار را دریابد، باید این دو نکته را نیز رعایت کند. ۱- **المحجۀ البيضاء**، ج ۷، ص ۶۳؛ **نهج البلاغه**، حکمت ۴۱۷؛ **وسائل الشیعه**، ج ۱۶، ص ۷۷.

ولایت، مهمترین شرط پذیرش توبه و استغفار

مهمترین شرطی که برای پذیرفته شدن توبه و استغفار از آن یاد شده است، و بلکه شرط پذیرش و تأثیر سایر شرایط نیز به شمار می‌رود، اعتقاد به مقام ولایت و خلافت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) به عنوان اولین خلیفه پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) و امامت فرزندان معصومش تا امام زمان (علیهم السلام) است. این مطلب، در آیات و روایات فراوانی که سنی و شیعه نقل کرده‌اند مورد تأکید قرار گرفته است و فراتر از حدّ تواتر است که بیان تفصیلی آن، کتاب‌های مستقلی را می‌طلبد، و ما در این جا فقط به بعضی از آیات و روایاتی که در ارتباط با نقش بنیادی ولایت اهل بیت (علیهم السلام) در پذیرفته شدن توبه و استغفار آمده است اشاره می‌کنیم. **حفص بن غیاث** گوید: **امام صادق (علیه السلام) فرمودند: لا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِرَجُلَيْنِ: رَجُلٌ يَزِدَادُ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِحْسَانًا، وَ رَجُلٌ يَتَدَارَكَ ذَنْبَهُ بِالتَّوْبَةِ. وَ أَنَّى لَهُ بِالتَّوْبَةِ وَاللَّهُ لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا**. (۱) در دنیا جز برای دو نفر خیری نیست: ۱- مردی که هر روز نیکوکاریش را افزایش می‌دهد. ۲- مردی که گنااهش را با توبه اش جبران می‌کند. و کجا می‌تواند توبه واقعی کند، به خدا سوگند اگر آن قدر سجده کند که گردنش قطع شود، خدا از او نمی‌پذیرد مگر آن که ولایت ما اهل بیت (علیهم السلام) را بپذیرد و معتقد به امامت ما گردد. **عبدالله بن عباس** نیز، سخنی زیبا از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در مورد شخصیت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نقل می‌کند که به همین معنا اشاره دارد. او می‌گوید: در منی **حسان شاعر** را دیدم که در محضر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) ایستاده بود و مردم هم جمع بودند، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) رو به مردم کردند و فرمودند: **مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، سَيِّدُ الْعَرَبِ وَالْوَصِيُّ الْأَكْبَرُ، مَنْزِلَتُهُ مِنِّي مَنزِلَةُ هَارُونَ**

مِنْ مُوسَىٰ إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي ، لَا تُقْبَلُ التَّوْبَةُ مِنْ تَائِبٍ إِلَّا بِحُبِّهِ . ای مردم ! این علی بن ابی طالب است که آقای عرب و بزرگترین وصی (من) است ، جایگاه او نسبت به من همان جایگاه هارون نسبت به موسی (علیه السلام) (خلافت و جانشینی بعد از او) است ، توبه هیچ توبه کننده ای پذیرفته نمی شود مگر به خاطر محبت او (که همراه با عقیده به مقام خلافتش باشد) . سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) به حسان رو کردند و فرمودند : درباره ما شعری بگو . حسان فوری این اشعار را سرود : ۱- لَا تُقْبَلُ التَّوْبَةُ مِنْ تَائِبٍ إِلَّا بِحُبِّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ ۲- أَخُو رَسُولِ اللَّهِ بَيْلٌ صَهْرُهُ وَالصَّيْهُرُ لَا يَعْدِلُ بِالصَّاحِبِ ۳- وَمِنْ يَكُونُ مِثْلَ عَلِيٍّ وَقَدْ رَدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ مِنَ الْمَغْرِبِ (۲) ۱- از هیچ توبه کننده ای توبه اش پذیرفته نمی شود مگر بخاطر محبت (و ولایت) علی بن ابیطالب (علیه السلام) . ۲- همان که برادر رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) ، بلکه داماد اوست و داماد هیچ گاه برابر صحابی نیست (بلکه به مراتب از او برتر است) . ۳- چه کسی مثل علی (علیه السلام) است ، در حالی که او شخصیتی است که خورشید برایش از مغرب برگردانده شده است . امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه ای به همین مطلب اشاره می کنند و جایگاه ولایت اهل بیت (علیهم السلام) را در ارتباط با پذیرش توبه شخص گنهکار بیان می فرمایند . یعقوب بن شعیب گوید : از امام صادق (علیه السلام) سؤال کردم معنای فرمایش خداوند در این آیه چیست که می فرماید : (وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى) (۳) « من بسیار آمرزنده ام برای کسی که توبه کند و ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد و سپس هدایت یابد » . امام (علیه السلام) فرمودند : « وَمَنْ تَابَ مِنْ ظُلْمٍ ، وَآمَنَ مِنْ كُفْرٍ ، وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى إِلَىٰ وِلَايَتِنَا » . (۴) مقصود آن است : هر کس از ظلمی (که به نفس خویش کرده) توبه کند و از کفری که در وجودش بوده دست بکشد و به ایمان رو آورد و عمل شایسته و نیکو انجام دهد و سپس به ولایت و معرفت ما هدایت یابد (به مغفرت خداوند دست خواهد یافت) . این جمله را در حالی فرمودند که ، به سینه خود اشاره می کردند . گویا مقصود حضرت از این بیان این است : اگر کسی بخواهد از توبه و استغفار بهره برده و به آمرزش خدای غفار دست یابد ، باید قبل از توبه اش ، معرفت به مقام و شخصیت ما پیدا کند ، و به خلافت و امامت ما اهل بیت (علیهم السلام) ، مخصوصاً امام زمان خویش معتقد گردد ، تا خداوند توبه اش را بپذیرد و از گذشته اش صرف نظر فرماید . در حدیث دیگری امام (علیه السلام) با بیانی روشن تر این مطلب را به اصحاب خویش گوشزد می فرمایند . داود رقی گوید : بر امام صادق (علیه السلام) وارد شدم و به حضرتش گفتم : جانم به فدایت باد ، این که خدا در قرآن می فرماید : (وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى) (۵) « من بسیار آمرزنده ام برای کسی که توبه کرده ، ایمان آورده ، عمل صالح انجام داده و سپس هدایت یابد » . این هدایتی که بعد از توبه و ایمان و عمل صالح ، عنوان گردیده است ، هدایت به چیست ؟ امام (علیه السلام) فرمودند : مَعْرِفَةُ الْأَيْمَةِ وَاللَّهِ ، إِمَامٌ بَعِيدٌ إِيَّامًا . به خدا سوگند (مراد خداوند) شناخت امامان معصوم ، امامی بعد از امام دیگر است . (۶) امام باقر (علیه السلام) نیز ، بعد از آن که آیه مذکور را تلاوت کردند ، در سخن پربراری فرمودند : وَاللَّهِ لَوْ أَنَّهُ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَمْ يَهْتَدِ إِلَىٰ وِلَايَتِنَا وَمَوَدَّتِنَا وَيَعْرِفَ فَضْلَنَا مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ ذَلِكَ شَيْئًا . به خدا سوگند ! اگر او توبه کند و ایمان آورد و عمل نیک انجام دهد ولی به ولایت و دوستی ما هدایت نیافته باشد و فضیلت و برتری ما را نشناسد ، توبه و ایمان و عمل صالحش او را بی نیاز نکند و سودی به حالش ندارد . (۷) نقش ولایت در پذیرش توبه و آمرزش انسان به قدری روشن و شفاف است که در مورد بعضی از اعمال ، مثل توقف در صحرای عرفات در روز عرفه ، که آمرزش خدا حتمی است و هر کس با هر عملی در آن موقف بایستد ، به آمرزش خداوند دست می یابد ؛ و در روایات بسیاری آمده است : هر انسان نیکوکار و بدکاری که در صحرای عرفات حاضر گردد و دعا کند ، دعایش مستجاب و گنااهش آمرزیده می شود (۸) ؛ با همه وعده های قطعی که در این باره داده شده است ، عده ای از این نعمت پر بار محروم شمرده شده اند ؛ و آنها کسانی هستند که از پذیرش ولایت اهل بیت پاک پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) سر باز زده ، و معتقد به امامت آن بزرگواران بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نگردیده اند . آری ! اگر منکرین ولایت امیرالمؤمنین و اولاد طاهرینش (علیهم السلام) هر سال عمرشان در روز عرفه ، قدم در صحرای عرفات گذارده

و دعا کنند ، گناهشان بخشیده نخواهد شد و به آموزش خداوند دست نخواهند یافت ! مرحوم علامه مجلسی در این زمینه ، روایتی را از فقه الرضا (علیه السلام) نقل می کند که شایسته دقت و تأمل است . حضرتش از پدر بزرگوار خویش حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) چنین روایت می کند : إِنَّهُ لَا يَقِفَ أَحَدٌ مِنْ مُوَافِقٍ أَوْ مُخَالَفٍ فِي الْمَوْقِفِ إِلَّا عُفِرَ لَهُ . فَقِيلَ : إِنَّهُ يَقِفُهُ الشَّارِي وَالنَّاصِبُ وَغَيْرُهُمَا ؟ ! فَقَالَ : يُعْفَرُ لِلْجَمِيعِ حَتَّىٰ إِنْ أَحَدَهُمْ لَوْ لَمْ يُعَاوِذْ إِلَىٰ مَا كَانَ عَلَيْهِ ، مَا وَجَدَ شَيْءٌ مِمَّا تَقَدَّمَ وَكُلُّهُمْ مُعَاوِذٌ قَبْلَ الْخُرُوجِ مِنَ الْمَوْقِفِ . (۹) هیچکس ، چه موافق (ما اهل بیت (علیهم السلام)) یا مخالف (ما) ، در موقف عرفات نمی ایستد ، مگر آنکه آمرزیده می شود . به امام (علیه السلام) عرض شد : در موقف عرفات برخی از فرقه های خوارج - که بر امام خود خروج کردند - و ناصبی ها - که دشمنان اهل بیت اند - و غیر این دو گروه (از سایر فرقه های گمراه و مخالف با شما اهل بیت (علیهم السلام)) می ایستند ؟ ! امام (علیه السلام) فرمودند : گناه همه آنها آمرزیده می شود ، بگونه ای که هیچ گناهی از گناهانشان (در نامه عملشان) یافت نمی شود ؛ بشرط آنکه به عقیده باطل خویش باز نگردند . ولی همه اینان قبل از بیرون رفتن از صحرای عرفات به عقیده و عمل خویش باز می گردند . بنابراین ، کسانی که تاج افتخار ولایت و دوستی امیرمؤمنان و اولاد معصومش (علیهم السلام) را به سر دارند ، باید قدر تشییع خویش را دانسته ، به هیچ قیمتی از آن دست برندارند و با استغفار و آموزش خواهی از خداوند ، گذشته خود را جبران کنند ؛ و با عذرخواهی از امام زمان (علیه السلام) ، دل رنجیده آن بزرگوار را بدست آورند . دلی که باگناه شیعیان بدر می آید و با توبه و استغفارشان مرهم می پذیرد . ۱- وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۷۶ ؛ خصال صدوق ، ج ۱ ، ص ۴۱ ؛ روضه الواعظین ، ج ۲ ، ص ۴۴۷ ؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱ ، ص ۱۵۲ . ۲- بشارة المصطفی ، ص ۱۴۷ . ۳- سوره طه ، آیه ۸۴ . ۴- بحار الأنوار ، ج ۲۷ ، ص ۱۷۶ ؛ بصائر الدرجات ، ص ۲۳ . ۵- سوره طه ، آیه ۸۴ . ۶- بحار الأنوار ، ج ۲۷ ، ص ۱۹۸ ؛ فضائل الشیعه صدوق . ۷- بحار الأنوار ، ج ۲۷ ، ص ۱۹۷ ؛ تفسیر فرات ، ص ۹۳ . ۸- وسائل الشیعه ، ج ۱۳ ، ص ۵۴۶ ، باب ۱۸ و ص ۵۴۴ باب ۱۷ . ۹- بحار الأنوار ، ج ۹۶ ، ص ۱۱ .

گفتار چهارم : موانع قبولی استغفار

مقدمه

بعضی از صفات رذیله و انحرافات فکری و عملی ، آن قدر مبغوض خداوند است که به هیچ وجه قابل گذشت نیست ، مگر آن که شخص ، خود را از آن تهی کرده و به صفات کمالتیه مقابلش مزین سازد . وجود چنین صفات رذیله ای در شخص گنهکار ، مانع از پذیرش استغفار و راه یافتن توبه کننده به دیار یار می گردد ، در این گفتار صفاتی را بررسی خواهیم کرد که باعث عدم پذیرش توبه و مانع از تأثیر استغفار می گردد .

۱- نفاق و دو رویی

یکی از بزرگترین موانع اجابت استغفار ، نفاق و دو رویی است . اگر کسی دارای نفاق بوده و در باطن کافر یا مشرک باشد و به ظاهر خود را مؤمن نشان دهد و شب و روزش را به استغفار بگذراند ، خدا از او نخواهد گذشت . بلکه اگر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) هم درباره چنین فردی استغفار کند خدا او را نخواهد بخشید . زیرا یکی از آثار نفاق و دو رویی ، دروغگویی و مخالفت ظاهر با باطن است . از این روست که خداوند شهادت چنین افرادی را در مورد رسالت پیامبرش نپذیرفته است ، تا آن جا که در بیان حالات و صفات آن ها یک سوره بر پیامبرش نازل کرده و آنان را شدیداً مذمت فرموده است . و در آغاز سخن می فرماید : (إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ ، وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ) . (۱) زمانی

که منافقان نزد تو آمدند و گفتند: ما گواهی می دهیم که تو فرستاده خدایی، در حالی که خدا خوب می داند که تو فرستاده او هستی (احتیاجی به گواهی آنان نیست) و خدا گواهی می دهد که منافقان دروغ گویانند. اینان آن چنان در لجنزار کبر و خودخواهی و نفاق و دو رویی فرو رفته بودند که وقتی به آنان گفته می شد: بیایید تا پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) برایتان استغفار کند، بلکه نجات یابید و به حقیقت ایمان دست پیدا کنید، از شدت نخوت و خودپسندی، سرهایشان را با حالت استهزاء و انکار تکان داده و تکبر میورزیدند. نه حاضر بودند باطن خود را رو کنند، و کفر خود را آشکار سازند، تا مردم آنان را بشناسند و از آن ها فاصله بگیرند، و نه راضی می شدند که از هواهای نفسانی و افکار شیطانی خویش دست شسته، و ایمان بیاورند. از این رو خداوند هم با شدت هر چه تمام تر با آنان برخورد کرده و خباثت باطنی ایشان را آشکار ساخته و می فرماید: (وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّوْا رُؤُوسِهِمْ وَ رَأَيْتُهُمْ يُصِدُّونَ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُونَ . سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ) . (۲) و زمانی که به آنان گفته می شود: بیایید تا رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم)، برایتان از خدا، طلب آموزش کند، سرهایشان را (از روی انکار و تمسخر) چرخانده و روی می گردانند، و آن ها را می بینی که راه سعادت را بر خود و دیگران بسته و تکبر میورزند. برای آن ها تفاوت نمی کند که برایشان استغفار کنی یا استغفار نکنی؛ خدا آنان را نمی بخشد. از این تعبیر خداوند: (سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ) استفاده می شود که نفاق و دو رویی، آن چنان انسان را از میدان مغفرت و رحمت خداوند دور می سازد که اگر پیامبر رحمت (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز برای او استغفار و درخواست آموزش کند، خدا نمی پذیرد. گویا مهمترین شرط سایه افکندن ابر رحمت خداوند بر سر گنهکار قبل از توبه و استغفار، هماهنگی گشتن ظاهر و باطن او با یکدیگر و رسوخ ایمان، در دل و جانش و شستن افکار، از نفاق و دو رویی و پاک ساختن اعمال، از حيله و دغل بازی است. وجود حالت نفاق در انسان گنهکار، آن قدر او را از آموزش خداوند غفور دور می سازد که خداوند در سوره توبه با لحن تندتری این معنا را به پیامبرش (صلی الله علیه و آله وسلم) هشدار می دهد: (إِسْتَعْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ) . (۳) چه برای آنان استغفار کنی و چه استغفار نکنی (به حال آن ها فرقی نمی کند بلکه) اگر هفتاد مرتبه هم برای آنان از خدا آموزش طلبی، قطعاً خدا ایشان را نخواهد آمرزید. و سپس با صراحت علّت آن را بیان می کند: (ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ) . (۴) این بدان علّت است که این منافقان به ظاهر مسلمان، به خدا و رسولش کافر گشته اند و خداوند مردم فاسق بد کردار را هدایت نمی کند. همچنین خداوند در مورد دسته ای از مسلمانان که از سفر حدیبیه - جنگ با کفار قریش در رکاب رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) - تخلف ورزیده، و بعد از پیمان صلح و امتیازاتی که مسلمانان به دست آوردند محضر آن حضرت رسیدند و از ایشان تقاضا کردند برای آن ها استغفار کند، تا به خیال خویش، سرپوشی روی نفاق و دو رویی خود گذارده باشند و عذرشان پیش مسلمانان موجه گردد، می فرماید: (سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلْنَا أَمْوَالَنَا وَ أَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا ، يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرّاً أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعاً بَلْ كَانَ بِمَا تَعْلَمُونَ خَبيراً) . (۵) به زودی متخلفان از اعراب بادیه نشین (نزد تو آمده عذر تراشی کرده و) می گویند: حفظ اموال و خانواده، ما را به خود مشغول داشت (و نتوانستیم در سفر حدیبیه تو را همراهی کنیم) برای ما طلب آموزش کن. اینان به زبان خود چیزی می گویند که در دل ندارند، بگو: چه کسی می تواند در برابر خداوند از شما دفاع کند، هر گاه زبانی را برایتان بخواهد یا اگر سودی را برای شما اراده کند (چه چیز مانع آن می گردد) و خداوند به تمام اعمالی که انجام می دهید آگاه است. در این آیه و آیات بعد، خداوند به منافقانی که اسلام را برای حفظ منافع خود پذیرفته بودند، هشدار می دهد که اگر ایمان در دل و جان شما رسوخ نکند و در برابر رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و فرامین او تسلیم نشوید، و آن حضرت را در سختی ها و مشکلات کمک و همراهی نکنید؛ عذر تراشی و تقاضای استغفار از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) سودی به حالتان ندارد، زیرا زبان شما با دل هایتان همراه نیست، و بدانید که اگر خداوند به

خاطر نفاق شما اراده سوئی نسبت به شما کند کسی نمی تواند آن را از شما دور سازد و استغفار پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز فایده ای برایتان نخواهد داشت . ۱- سوره منافقون ، آیه ۱- ۲- سوره منافقون ، آیه ۵- ۶- ۳ و ۴- سوره توبه ، آیه ۸۰- ۵- سوره فتح ، آیه ۱۱ .

۲- شرک به خداوند

دومین مانع برای پذیرش توبه و استغفار ، آلوده بودن عقیده انسان به پلیدی شرک و دوگانه پرستی است . در قرآن ، خداوند هر گناهی به جز شرک به خودش را قابل آمرزش دانسته و می فرماید : (إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ) . (۱) به راستی ، خداوند نمی بخشد که به او شرک ورزیده شود و کمتر از آن را برای هر کس بخواهد می بخشد . شدت مبغوضیت شرک به خداوند ، در حدی است که علاوه بر این که مانع از پذیرش اعمال عبادی انسان ، از جمله استغفار و توبه اش می شود مانع از پذیرش استغفار رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) و مؤمنان ، در حق او نیز می گردد . خداوند ، پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و ایمان آورندگان به او را از این که برای مشرکین طلب آمرزش کنند ، نهی کرده است و در سوره توبه می فرماید : (مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوا أُولَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ) . (۲) برای پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) و مؤمنان شایسته نیست که برای مشرکان (از خداوند) طلب آمرش کنند ، هر چند از نزدیکانشان باشند (آن هم) پس از آن که برای آن ها روشن شد که این گروه اهل دوزخند . اگر کسی بگوید : با توجه به این که استغفار برای مشرک روا نیست ، پس چرا حضرت ابراهیم (علیه السلام) ، برای عموی خود با این که از مشرکین بود استغفار کرد ؟ در پاسخ این سؤال ، خداوند می فرماید : (وَ مَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَنْ مَوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا إِتْيَاءَ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ) . (۳) و استغفار ابراهیم (علیه السلام) برای پدرش (مراد عمویش آذر است) فقط به خاطر وعده ای بود که به او داده بود (تا وی را به سوی ایمان جذب کند) اما هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خداست ، از او بیزاری جست ، به یقین ابراهیم بسیار دعا و زاری کننده و بردبار بود . ۱- سوره نساء ، آیه ۴۸- ۲- سوره توبه ، آیه ۱۱۳ .

۳- ریا و خودنمایی

یکی از چهره های شرک به خدا ، ریا و خودنمایی است که شرک خفی نامیده می شود ، و به عنوان یکی از گناهان کبیره به شمار می آید . این صفت رذیله مهمترین حجاب بین بنده و خالق ، و بزرگترین مانع پس از شرک جلی ، برای پذیرش اعمال بندگان خدا است . چرا که خداوند عملی را از بنده اش می پذیرد که برای خدا انجام دهد ، و حقیقت هر عملی هم وابسته به نیت بنده نسبت به آن عمل است . پس اگر نیت برای خدا باشد عملی که خدا خواسته تحقق می پذیرد ، و چنانچه برای غیر خدا باشد ، آنچه را که خدا از او خواسته به جا نیاورده است و مقبول خداوند واقع نمی گردد . مراد از حدیث معروف پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) که فرمودند : (إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ) . (۲) به راستی حقیقت اعمال وابسته به نیت ها است . این است که حقیقت عمل را نیت انسان تشکیل می دهد . اگر نیت برای خدا باشد ، عمل مقبول درگاه خداوند واقع می گردد و اگر نیت برای غیر خدا باشد آن عمل پذیرفته نمی شود . بی جهت نیست که در آیات متعددی از قرآن سفارش به اخلاص و انجام عمل فقط برای خدا شده است و از شریک گرفتن برای او در اعمال نهی گردیده است ، خداوند می فرماید : (وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا) . (۳) تنها خدا را پرستید و عبادت کنید و هیچ چیز را (در عبادت) با او شریک نسازید . و یا می فرماید : (وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ) . (۴) او را در حالی بخوانید که دین را برای او خالص گردانده باشید . و به پیامبر خویش (صلی الله علیه وآله وسلم) چنین دستور می دهد : (قُلْ إِنَّ صِيْلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ) . (۵) بگو نماز من ، و

حج من ، و زندگی من ، و مرگ من ، برای خدایی است که پروردگار عالمیان است ، هیچ گونه شریکی برای او نیست و به همین (اخلاص در عبادت و عمل) فرمان داده شدم ، و من اولین کسی هستم که تسلیم فرمان حق گشته و مسلمان شده ام . این بدان خاطر است که تنها ، عملی پذیرفته می شود که برای او انجام گیرد . پس توبه و استغفار نیز در صورتی پذیرفته در گاه حق می گردد که تنها برای خدا باشد و هیچ گونه ریا و خود نمایی در آن دیده نشود . اما اگر هدف شخص توبه گر و استغفار کننده ، غیر خدا باشد و به این امید با خدا راز و نیاز کند که مردم از توبه او با خبر شوند ، نماز شب و استغفار سحرش را بشنوند و اشک ندامت او را هنگام خواندن دعای کمیل و مناجات با خداوند ببینند ، نه تنها از توبه و استغفار خویش بهره ای نمی برد ، بلکه عقب گرد کرده و از میدان مغفرت و معنویت بیشتر دور می شود و چنین عملی عقوبت خداوند را برای او به دنبال خواهد داشت . ۱ - سوره توبه ، آیه ۱۱۴ . ۲ - بحار الأنوار ، ج ۶۷ ، ص ۲۱۲ . ۳ - سوره نساء ، آیه ۳۵ . ۴ - سوره اعراف ، آیه ۲۸ . ۵ - سوره انعام ، آیه ۱۶۳ .

۴ - حق الناس

مانع دیگر از پذیرش استغفار در مورد بعضی از گناهان این است که گناهی که از آن استغفار می کند ، حق الناس باشد . مثل این که به کسی بدهکار باشد یا شخصی را مورد ضرب و شتم قرار داده یا غیبت کسی را کرده یا به شخصی تهمت زده باشد . چنین گناهایی را نمی توان با استغفار تنها جبران کرده ، به آمرزش خداوند دست یافت و از برکات استغفار بهره مند گشت . بلکه استغفار از چنین گناهایی زمانی مقبول در گاه خداوند می شود و باران مغفرت پروردگار بر قامت روح انسان می بارد ، که صاحبان حق را نیز از خود راضی کند . اگر حق مالی است به او برگراند ، اگر حق عِرضی است و آبروی کسی را ریخته ، اعاده حیثیت نماید ، و چنانچه دیه و قصاصی به گردن اوست بپردازد یا خود را در معرض قصاص قرار دهد ، یا به هر صورت دیگری که می تواند رضایت صاحب حق را به دست آورد ؛ آن گاه از خداوند طلب آمرزش کند . در این صورت ، امید می رود خداوند توبه او را بپذیرد و از برکات استغفار بهره مندش سازد . امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سخن زیبایی ، شرایط استغفار را در ضمن نکاتی یاد آور شده اند ؛ از جمله می فرمایند : شرط سوم آن : حق تمام مردم را ادا کنی و خدا را در حالی ملاقات کنی که هیچ حقی به گردنت نباشد . (۱) ۱ - المجبّه البيضاء ، ج ۷ ، ص ۶۳ ؛ نهج البلاغه ، حکمت ۴۱۷ .

۵ - اصرار بر گناه

مانع دیگر برای پذیرش توبه و استغفار انسان ، تکرار گناه و دست نکشیدن از کار زشتی است که از آن توبه می کند . همان گونه که در معنا و حقیقت استغفار گفتیم ، تا حال ندامت و پشیمانی در کسی ایجاد نگردد و تصمیم بر ترک گناه نگیرد و از کردار زشت خود دست نشوید ؛ به توبه واقعی دست پیدا نمی کند و استغفارش رنگ خدایی نمی گیرد . کسی که مرتب گناهی را انجام می دهد و استغفار هم می کند مانند کسی است که خدا را مسخره می کند و بویی از واقعیت نبرده است . امام صادق (علیه السلام) در سخن زیبایی به این نکته اشاره می کنند : التائب من الذنب کمن لا ذنب له ، والمقیم علی ذنب وهو یستغفر کالمسیه تهزه . (۱) کسی که از گناهی توبه می کند همانند کسی است که هیچ گناهی برای او نیست ، و کسی که بر گناهی باقی می ماند و بر آن اصرار دارد و در عین حال استغفار هم می کند همانند کسی است که (خدای خویش را) مسخره می کند . رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) چهل سفارش به امیرالمؤمنین (علیه السلام) کرده و فرمودند : « هر کس این سخنان را حفظ کند (و بدان عمل نماید) روز قیامت با پیامبران ، صدیقین ، شهدا و صالحین برانگیخته می شود و اینان رفیقان نیکویی هستند » . از جمله سفارش های آن حضرت این بود : ... و أن تتوب إلى الله عزوجل من ذنوبك ، فإن التائب من ذنوبه کمن لا ذنب له ، و أن لا تصرّ علی الذنوب

مَعَ الْإِسْتِغْفَارِ فَتَكُونَ كَالْمُسْتَهْزِءِ بِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرُسُلِهِ . (۲) . . . و این که از گناهان خویش به درگاه خدا توبه کنی . مسلماً کسی که از گناهان خویش توبه می کند ، همچون کسی است که هیچ گناهی ندارد . و همراه با استغفار اصرار بر گناهان نداشته باشی که در این صورت همانند کسی خواهی بود که خدا و آیات و رسولان او را مسخره می کند ! . البتّه روشن است که با توجه به ادله قطعی و محکمی که بر عصمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است ، معنای این سفارش ها این نیست که چنین صفاتی در امیرالمؤمنین (علیه السلام) وجود دارد و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) او را از آنها نهی می کند ، بلکه هدف پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) آن است که این سخنان حکمت آمیز ، از طریق وصیّتش به تمام کسانی که سخن آن حضرت را می شنوند ، برسد . بی شک در میان آنان افراد زیادی یافت می شوند که دارای این صفات باشند و این سفارش ها برای هدایت آنان مفید باشد . ۱ - مستدرک سفیه ، ج ۷ ، ص ۶۰۱ . ۲ - بحارالأنوار ، ج ۲ ، ص ۱۵۴ .

۶- بیدار آوردن دین جدید و گمراه نمودن مردم

یکی از گناهان بزرگی که توبه و استغفار در مورد آن پذیرفته نیست ، ایجاد آیین جدید و گذاردن بدعت در دین خدا و گمراه نمودن مردم از راه و روش توحید و ولایت است . چنین گناهی را با استغفار و عذرخواهی از پروردگار نمی توان جبران کرد ، بلکه چنین شخصی زمانی می تواند از گناه خویش استغفار و توبه کند که بطلان دین اختراعی خود را برای مردم بازگو کرده ، بدعت هایی را که در دین خدا گذارده است از بین ببرد و مردمی را که گمراه ساخته به دین خدا و صراط مستقیم بازگرداند . ابابصیر گوید : امام صادق (علیه السلام) فرمودند : در زمان های گذشته ، مردی دنبال دنیا رفت ، خواست که از راه حلال آن را به دست آورد ، ولی نتوانست . از راه حرام و نامشروع در جستجوی دنیا برآمد ، باز هم نتوانست ، شیطان نزد او آمد و گفت : می خواهی تو را به چیزی راهنمایی کنم که بدان وسیله دنیای فراوان و پیروان زیادی پیدا کنی ؟ گفت : آری . شیطان گفت : دینی اختراع کن و مردم را به سوی آن فراخوان . آن شخص چنین کرد ، مردم نیز دعوتش را پذیرفتند و از او پیروی کردند و از این راه به دنیای خوب و ثروت انبوهی دست یافت . بعد از مدتی فکر عمیقی کرد و با خود گفت : این چه کاری بود که من کردم ؟ دینی اختراع کردم و مردم را به سوی آن فراخواندم (و گمراه ساختم) برای خویش توبه و بازگشتی نمی بینم ، جز این که نزد کسانی بروم که به دین خود دعوتشان کردم و آن ها را از این دین باطل خویش برگردانم . یکی یکی پیش مریدان و پیروانش رفت ، به آن ها گوشزد کرد که آنچه من ، شما را به سوی فراخواندم باطل است و این آیین بدعتی بود که من از پیش خود ساختم . پیروانش در جواب گفتند : تو دروغ می گویی ، آنچه به ما گفته ای حقّ است ، تو در دین خویش به تردید افتاده ای و از آن برگشته ای . وقتی این جواب را از آن ها شنید ، غل و زنجیری تهیه کرد و به گردن خود آویخت و آن را با میخی محکم کرد و گفت : زنجیر را از گردنم باز نمی کنم تا خدا توبه ام را بپذیرد . خداوند به پیامبر آن زمان وحی فرمود : به فلانی بگو : وَعِزَّتِي ، لَوْ دَعَوْتَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ أَوْصَالُكَ مَا اسْتَجَبْتُ لِمَكَ حَتَّى تَرُدَّ مِنْ مَاتَ عَلَى مَا دَعَوْتَهُ إِلَيْهِ فَيَرْجِعَ عَنْهُ . به عزّتم سوگند ، اگر آن قدر مرا بخوانی و ناله بزنی که بند بندت از هم جدا گردد ، دعایت را مستجاب نمی کنم ، مگر آن که کسانی را که به آیین تو مرده اند و گمراهشان ساخته ای (از حقیقت کارت با خبر سازی و) از آیین باطل خویش برگردانی و آن ها هم بپذیرند و باز گردند . (۱) بی شک ، چنین کاری برای او ممکن نبود ، پس راهی برای توبه او هم باقی نمانده بود . در همین راستا امام رضا (علیه السلام) حدیثی را از پدران گرامیش ، از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نقل می کنند که فرمودند : إِنَّ اللَّهَ غَافِرٌ كُلِّ ذَنْبٍ إِلَّا مَنْ أَحَدَثَ دِينًا . (۲) خداوند هر گناهی را می بخشد مگر کسی که دین تازه ای اختراع کند . ۱ - وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۵۴ . ۲ - وسائل الشیعه ، ج ۱۶ ، ص ۵۵ .

گفتار پنجم

آثار و برکات استغفار

با روشن شدن ارزش والای استغفار و نقش حیاتی آن در بهبود زندگی انسان؛ و این که استغفار دارای شرایط ویژه ای است که بدون آن دست یابی به همه آثار و برکات استغفار ممکن نیست؛ و با توجه به موانع متعددی که با وجود یکی از آن ها استغفار انسان فایده ای ندارد؛ اکنون مناسب است به بیان آثار و برکات استغفار پردازیم. این آثار و برکات در دو عرصه ظهور پیدا می کنند: بخشی از آن مربوط به امور مادی و اقتصادی است و بخش دیگر آثار پربار معنوی است که به مراتب اهمیت بیشتری دارد.

برکات مادی استغفار

۱- زندگی خوب و بهروری از نعمت های خدا در دنیا

یکی از برکات مادی استغفار دست یافتن به زندگی خوب و دنیای آسوده و بی دغدغه تا آخرین لحظه عمر است. افزون بر آن، افزایش کمالات و رشد فضایل نفسانی در وجود انسان، پی آمد دیگری است که محصول زندگی خوب و آسوده است. خدای مهربان در این زمینه از زبان پیامبرش (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید: (وَ أَنْ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَدَّدٍ وَيُؤْتِكُمْ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ). (۱) (دعوت من این است که... استغفار کنید و از پروردگار خویش آمرزش بطلبید، سپس به سوی او باز گردید، تا شما را تا مدت معین (که برای عمرتان قرار داده از نعمت های این جهان) به خوبی بهره مند سازد، و به هر صاحب فضیلتی به مقدار فضیلتش ببخشد، و اگر (از این فرمان) روی گردان شوید، من بر شما از عذاب روزی بزرگ بیمناکم. ۱- سوره هود، آیه ۳.

۲- نزول باران رحمت و نجات از خشکسالی

اثر پربار دیگر استغفار که برکات آن شامل حال دیگران نیز می گردد، نزول باران رحمت و در نتیجه رویش مناسب گیاهان، سرسبزی مزارع و باغستان ها و شادابی میوه ها و سبزی هاست که حیات تمام موجودات زنده وابسته بدان است. در آیات متعددی از قرآن به این اثر اشاره شده، به گونه ای که جای تردید برای کسی باقی نمی گذارد. در سوره هود خداوند کریم سخن پیامبرش حضرت هود (علیه السلام) را با مردم خویش چنین بیان می فرماید: (وَ يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا). (۱) ای قوم من از پروردگارتان طلب آمرزش کنید و به سوی او باز گردید تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما فرو فرستد. همچنین زبان حال پیامبرش حضرت نوح (علیه السلام) را چنین بیان می کند: (فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * ... وَيَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا). (۲) به آن ها گفتم: از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است. (و اگر چنین کنید خداوند) باران های پر برکت آسمان را پی در پی بر شما می فرستد... و باغ های سرسبز و نهادهای جاری در اختیارتان قرار می دهد. تردیدی نیست که کلید باران رحمت، در دست خداوند قادر متعال است و تا مشیت و اراده حق به سیراب شدن سرزمینی تعلق نگیرد، ابر رحمت، باران خویش را فرو نمی فرستد. او خود در منشور آسمانیش می فرماید (وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سَفَّناهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ). (۳) او کسی است که بادها را بشارت دهنده در پیشاپیش (باران) رحمتش می فرستد؛ تا ابرهای سنگین را (بر دوش) کشند (؛ سپس) ما آن ها را به سوی زمین های مرده می فرستیم؛ و به وسیله آن ها،

آب (حیاتبخش) را نازل می‌کنیم و با آن، هر گونه میوه‌ای (را از خاک تیره) بیرون می‌آوریم؛ همان‌گونه (که زمین‌های مرده را زنده می‌کنیم) مردگان را (نیز در قیامت) زنده می‌کنیم، شاید (با توجه به این مثال قدرت خدا را) متذکر شوید. از طرفی همان‌گونه که در بحث عقوبت گناهان اشاره کردیم، یکی از آثار شوم گناهان بندگان، در هر منطقه‌ای، قحطی و خشک سالی است. پس چه بهتر که پس از انجام گناه، از کردار خویش پشیمان شویم و به درگاه خدا روی آوریم و از او عذر خواسته و استغفار کنیم تا خداوند مهربان، باران رحمتش را پی در پی بر ما فرو فرستد. از مدارک معتبری استفاده می‌شود: هر جمعیتی که استغفار و عذر خواهی از خدای غفار را شعار خویش قرار دهند خدا آن‌ها را از قحطی و خشک سالی نجات می‌دهد، و هر جمعیتی که گناهان را یکی پس از دیگری انجام داده و از استغفار و توبه غافل شوند؛ خدا باران رحمتش را از آنان قطع می‌کند. ذوالقرنین - بنده صالحی که خداوند به او قدرت و سلطنت داده بود و در قرآن به زندگی او اشاره کرده است - (۴) از امت دانشمندی که در میان قوم موسی (علیه السلام) بودند، پرسید: علت این که شما گرفتار قحطی (و خشک سالی) نمی‌شوید چیست؟ گفتند: مِنْ قَبْلِ إِيَّاكَ لَا نَعْفُلُ عَنِ الْإِسْتِغْفَارِ. بدین خاطر که ما از استغفار و طلب آمرزش از خداوند غافل نمی‌شویم. (۵) ۱ - سوره هود، آیه ۵۲. ۲ - سوره نوح، آیه ۱۰ - ۱۲. ۳ - سوره اعراف، آیه ۵۷. ۴ - سوره کهف، آیه ۸۳ - ۹۸. ۵ - مستدرک سفینه البحار، ج ۷، ص ۶۰۱.

۳ - تقویت قوای جسمی و روحی، فردی و اجتماعی

بی‌شک بسیاری از گناهان، قوای جسمی و روحی انسان را تحلیل برده و او را به سوی ضعف و سستی و کسالت و تنبلی می‌کشاند و گاهی منجر به نابودی و از بین رفتن هستی او می‌گردد. از طرفی چون استغفار و عذر خواهی از خداوند غفار، باعث ریزش گناهان و از بین رفتن آثار سوء کردار زشت انسان می‌گردد، پس یکی از آثار درخواست عفو و بخشش از خداوند، زیاد شدن قوای جسمی و افزایش نیروهای متمرکز در روح انسان است. خداوند، سفارش حضرت هود (علیه السلام) به قومش را چنین بیان می‌فرماید: (وَايَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ). (۱) ای قوم من از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او باز گردید، تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما بفرستد، و نیرویی بر نیرویتان بیافزاید، و در حالی که گناه کارید (از حق) روی برنتابید. ۱ - سوره هود، آیه ۵۲.

۴ - وسعت روزی و حل مشکلات اقتصادی

از آن جا که یکی از عقوبت‌های گناه برای مؤمن در دنیا، گرفتاری‌های اقتصادی و فقر و تنگ دستی است که همچون خوره‌ای به جانش افتاده، او را آزار داده و در اجتماع خوارش می‌کند و نیز از آن جا که استغفار شوینده گناهان و از بین برنده عقوبت آنها در دنیا با همه شدت و عظمتشان می‌باشد، و با از بین رفتن گناهان زمینه‌ای برای گرفتاری مؤمن در اثر ارتکاب گناه باقی نمی‌ماند؛ بدین خاطر یکی از برکات استغفار رهایی از ناداری و حل شدن مشکلات اقتصادی شمرده شده است. پس استغفار از گناه و عذر خواهی از خداوند؛ باعث زدایش فقر و بیچارگی، افزایش رزق و روزی، برکت در مال و ثروت، بهره‌مندی از نعمت‌های پروردگار و گشوده شدن گره‌های کور اقتصادی می‌گردد. این خود اثر پرباری است که باعث توفیقات معنوی بسیاری در دنیا می‌شود. از این روست که خداوند با روشنی از آن یاد کرده و می‌فرماید: (اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا). (۱) از پروردگار خویش آمرزش طلبید که او بسیار آمرزنده است (اگر چنین کنید) او (باران) آسمان را پی در پی بر شما فرو می‌فرستد و شما را با اموال و فرزندان بسیار کمک می‌کند و باغ‌های سرسبز و نه‌های جاری در اختیارتان قرار می‌دهد. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز در این زمینه می‌

فرماید: مَنْ أَكْثَرَ الْإِسْتِغْفَارَ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرْجًا وَمِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجًا وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ. (۲) کسی که زیاد استغفار گوید و از خدا عذرخواهی کند؛ خداوند از هر غصه‌ای برایش گشایشی قرار دهد و از هر تنگنایی راه فراری پیش پایش گذارد و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد. امام رضا (علیه السلام) حدیث زیبایی را از پدران خویش، از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت می‌کنند که فرمودند: مَنْ اسْتَبَطَّ الرِّزْقَ فَلَيْسَتْغْفِرِ اللَّهُ. (۳) کسی که روزیش به کندی به دست می‌آید، باید استغفار کند و از خدا آمرزش طلبد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیز، در سخن پربراری استغفار را سبب افزایش روزی شمرده، می‌فرماید: الْإِسْتِغْفَارُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ. (۴) استغفار و طلب آمرزش از خداوند روزی انسان را زیاد می‌کند. در سخن پر نور دیگری نیز همین اثر را برای زیاد گفتن استغفار ذکر می‌فرماید: أَكْثَرُوا الْإِسْتِغْفَارَ تَجَلَّبُوا الرِّزْقَ. (۵) زیاد استغفار گوید و از خدا پوزش بطلبید تا روزی را (به سوی خود) جذب نمایید. امیرالمؤمنین (علیه السلام)، برای دست یافتن به روزی بیشتر و افزایش مال و ثروت، استغفار خاصی را با مضامین عالی، به مرد عربی - که سخت گرفتار بود - آموختند. بعد از یک سال که آن را هر شب قبل از خواب تلاوت کرده بود، خدمت مولا آمد و عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! خداوند نعمتش را بر من تمام کرد. و آن قدر به من مال و ثروت عطا فرمود که از زیادیش، نگهداری آن اموال برایم سخت شده است، و جایی برای محافظت گوسفندان و شتران فراوانی که خداوند روزیم کرده است ندارم. (۶) ۱- سوره نوح، آیه ۱۰-۱۲. ۲- بحارالأنوار، ج ۹۰، ص ۲۸۱. ۳- بحارالأنوار، ج ۹۰، ص ۲۷۷. ۴- بحارالأنوار، ج ۹۰، ص ۲۷۷. ۵- بحارالأنوار، ج ۹۰، ص ۲۷۷. ۶- صحیفه العلویة الجامعة، ص ۶۵۹، جریان کامل این ماجرا و نسخه استغفاری که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به آن مرد عطا کردند، در فصل آخر همین کتاب صفحه ۲۵۸ آمده است.

۵- بچه دار شدن و افزایش اولاد

خانواده‌های بسیاری از نداشتن، یا کمی فرزند رنج می‌برند و برای دست یافتن به اولاد سالم و صالح در تلاش می‌باشند، به هر دکتري مراجعه کرده، و هر دارویی را مصرف می‌کنند و چه بسا ثروت زیادی را در این راه هزینه کرده و عاقبت هم نتیجه‌ای نمی‌گیرند. در حالی که نعمت فرزندداری نیز یکی از نعمت‌هایی است که زمام امرش به دست خداوند است و تا او اراده نکند؛ کسی دارای فرزند - دختر یا پسر - نمی‌شود. و لذا خدای سبحان، با کمال دلسوزی راه دست یافتن به چنین نعمتی را زیاد استغفار کردن شمرده و می‌فرماید: (إِسْتِغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ). (۱) از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است (اگر چنین کنید) او (باران) آسمان را پی درپی بر شما فرو می‌فرستد و شما را با اموال و فرزندان بسیار کمک می‌کند. امام باقر (علیه السلام) در حدیثی، زمان و تعداد استغفار نمودن، برای دست یافتن به چنین نعمتی را به یکی از اصحاب خویش آموخته‌اند. محمد بن یوسف از پدرش نقل می‌کند: خدمت امام باقر (علیه السلام) بودم که مردی خدمت آن حضرت آمد و عرض کرد: جانم به فدایت، من ثروت زیادی دارم اما فرزندی برایم متولد نمی‌شود؛ آیا راه چاره‌ای (برای رسیدن به این نعمت) هست؟ امام (علیه السلام) فرمودند: نَعَمْ إِسْتِغْفِرْ رَبَّكَ سَنَةً فِي آخِرِ اللَّيْلِ مِائَةً مَرَّةً فَإِنَّ ضَمِيْعَتَ ذَلِكَ فَافْضِهِ بِالنَّهَارِ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: (إِسْتِغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ). (۲) آری، یک سال در ساعت آخر شب، شبی صد بار از پروردگار خویش آمرزش طلبیده، استغفار کن. و چنانچه ساعت آخر شب را از دست دادی قضای آن را در روز به جا آور، البته که خداوند می‌فرماید: «از پروردگار خویش آمرزش طلبید که او بسیار آمرزنده است. (اگر چنین کنید) او (باران) آسمان را پی درپی بر شما فرو فرستاده و شما را با اموال و فرزندان بسیار کمک می‌کند». در روایت دیگری امام باقر (علیه السلام) دستور استغفار برای فرزنددار شدن را به گونه دیگر بیان می‌کنند. سلیمان بن جعفر گوید: مردی خدمت امام باقر (علیه السلام) آمد و از کمی فرزند به محضر آن حضرت گلایه کرد و

گفت از کنیزان و زن های آزاد، فرزند می خواهد ولی با این که شصت سال از عمرش می گذرد هنوز روزیش نشده است. امام (علیه السلام) فرمودند: مدت سه روز بعد از نماز عشا، و نماز صبح، هفتاد مرتبه بگو: «سبحان الله» و هفتاد مرتبه استغفار کن و در انتهای ختم استغفار، فرمایش خداوند در قرآن را بخوان. که فرموده است: (إِسْتَعْفِرُوا رَبَّكُمْ * إِنَّهُ كَانَ غَفَّاراً * يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَاراً * وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَاراً). (۳) سپس در شب سوم، با همسرت همبستر شو. البته که با اجازه خداوند، فرزندی پسر، سالم و کامل روزیت می گردد. سلیمان گوید: آن مرد به دستور امام (علیه السلام)، عمل کرد و هنوز سال بر او نگذشته بود، فرزندی روزیش شد که نور چشم او گشت. (۴) از آنچه گذشت روشن می شود که یکی از برکات استغفار و مداومت بر آن این است که خداوند به آن ها که از او فرزند می خواهند، فرزند عنایت می کند. و این مسأله به تجربه هم ثابت شده است. نگارنده گوید: اینجانب نمونه ای از آن را، در زندگی یکی از دوستان دیدم. شخصی که ده سال ازدواج کرده بود و بچه دار نمی شد، استغفاری را که از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت شده است؛ خود و همسرش یک سال هر شب قبل از خواب تلاوت کردند و بعد از یکسال خداوند فرزندی صحیح و سالم به آن ها عطا فرمود. (۵) نمونه دیگر: شخص موثقی از دوستان روحانی، بعد از فرزند اولی که خدا به آنان داد، تا مدت پانزده سال از داشتن فرزند محروم بودند. و در این مدت خود و همسرش به دکترهای متعدد و متخصصی مراجعه کرده و تحت درمان های مختلفی قرار گرفتند ولی نتیجه ای نگرفتند. بعد از آشنایی با اینجانب و سفارش به تلاوت این استغفار و ذکر آثار و برکاتش، مدت یکسال طبق دستور امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن را تلاوت کردند و بعد از پانزده سال محرومیت، دارای فرزند دیگری گردیدند. ۱- سوره نوح، آیه ۱۰-۱۱-۲۰- بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۲۱-۳. سوره نوح، آیه ۱۰-۱۲-۴. بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۸۴-۵. این استغفار همراه با ترجمه روان به ضمیمه داستان شیرین آن، در همین کتاب صفحه ۲۵۸-۲۷۸ آمده است.

۶- نجات یافتن از بلاهای خانمان سوز دنیا

یکی از عقوبت های گناه برای مؤمن در دنیا، نزول انواع بلاهای خانمان سوز برای او و خانواده اوست. و چنانچه گناه در اجتماع مسلمین فراگیر شود و فضای شهر یا روستایی را آلوده سازد، این بلاها عمومیت پیدا کرده و به صورت سیل، طوفان، زلزله، تگرگ های شدید و جنگ های خانمان سوز و... هستی آنان را بر باد می دهد. در آیات متعددی از قرآن کریم به نزول بلاهایی سخت تر از این ها به خاطر معصیت و نافرمانی مردم در امت های گذشته، اشاره شده است. گرچه چنین بلاهایی در امت اسلام، به خاطر وجود نازنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و اوصیای گرامیش (علیهم السلام)، برداشته شده است و خداوند به صراحت آن را در قرآن اعلام کرده است: (وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ). (۱) تا تو (ای رسول ما) در میان این مردم هستی خداوند آنان را عذاب نمی کند. و امام زمان (علیه السلام) نیز به نقش وجود پر برکت خود، در دور کردن بلا از شیعیان اشاره کرده و می فرماید: أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَبِي يَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِ وَشِيعَتِي. (۲) من آخرین اوصیایم، خداوند به وسیله من بلا و گرفتاری را از خاندان و شیعیانم برطرف می کند. ولی نزول بلاهایی همچون سیل، طوفان، زلزله و... هنگام زیاد شدن معصیت و نافرمانی خداوند در جامعه، انکار مقدسات و ضروریات مذهب و بی اعتنایی به مقام ولایت امیرالمؤمنین و اولاد پاکش (علیهم السلام)، برای احدی قابل انکار نیست و در طول تاریخ نمونه های زیادی داشته است. از همین روست که خداوند کریم و مهربان، برای پیشگیری از نزول چنین بلاهایی تنها راه نجات را پناه بردن به سایه استغفار بیان کرده است و بی درنگ پس از آیه مذکور می فرماید: (وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبُهُمْ وَهُمْ يَسْتَعْفِرُونَ). (۳) اگر مردم استغفار کنند و از خدای خویش آمرزش بخواهند خداوند آنان را عذاب نمی کند. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز در سخن زیبایی، استغفار را عامل دور گشتن بلا- و گرفتاری برشمرده و فرموده اند: إِدْفَعُوا أَبْوَابَ الْبَلَايَا بِالْإِسْتِغْفَارِ. درهای بلاها و گرفتاری ها را به کمک استغفار ببندید. (۴) پس یکی از

مهمترین آثار و برکات استغفار در دنیا نجات یافتن از بلاهای ویرانگر است که زندگی انسان را به آتش می کشند و نعمت های خداوند را از او سلب می کنند . ۱ - سوره انفال ، آیه ۳۳ . ۲ - بحار الأنوار ، ج ۵۲ ، ص ۳۰ ؛ الدعوات ، ص ۲۰۷ ؛ کمال الدین ، ج ۲ ، ص ۴۴۱ . ۳ - سوره انفال ، آیه ۳۳ . ۴ - مستدرک الوسائل ، ج ۵ ، ص ۳۱۸ .

۷ - دفع عذاب از دیگران به وجود استغفار گویان

استغفار نه تنها سبب نجات انسان از بلاهاست بلکه از دیگران نیز عذاب را دور می سازد ، و این بدان خاطر است که جایگاه استغفار در نزد خدا بسیار عظیم است ، و مستغفرین بسی محبوب خدایند . آری ! مقام استغفار گویان به قدری ارجمند است که خداوند به احترام آنان ، از عذاب مردمان شهر یا روستا که به خاطر معصیت و نافرمانی خداوند مستوجب عذاب و بلای الهی شده اند ، صرف نظر می کند و به خاطر عده معدودی که سحرگاهان استغفار می کنند و از خوف خدا اشک می ریزند ، آن ها را عذاب نمی کند . امام صادق (علیه السلام) در این باره حدیث پرباری را از پدرانشان ، از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت می کنند که فرمودند : **إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ أَسْرَفُوا فِي الْمَعَاصِي وَفِيهَا ثَلَاثُ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ نَادَاهُمْ جَلَّ جَلَالُهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاءُهُ : يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِي ، لَوْلَا مَا فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَابِّينَ بِجَلَالِي ، الْعَامِرِينَ بِصِدْقَاتِهِمْ أَرْضِي وَمَسَاجِدِي ، أَلَمْسِي تَعْفِرِينَ بِالْأَسْجَادِ خَوْفًا مِنِّي ، لَأَنْزَلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أُبَالِي .** (۱) زمانی که خداوند اهل شهر و دیاری را ببیند که در گناهان زیاده روی کرده اند ولی سه نفر از مؤمنان در میان آنان هستند ، خداوند - که جلالتش بزرگ و نامهایش مقدس است - اهل آن منطقه را چنین ندا می کند : ای اهل نافرمانی من ، اگر در میان شما برادران مؤمنان نبودند که به یکدیگر در راه جلال من اظهار محبت کنند ، با نمازشان زمین و مساجد مرا آباد سازند و در سحرگاهان از ترس من استغفار گفته و طلب آمرزش کنند ؛ هر آینه عذابم را بر شما نازل می کردم و مرا باکی نبود . ۱ - بحار الأنوار ، ج ۷۰ ، ص ۳۸۱ ؛ علل الشرایع ، ج ۱ ، ص ۲۳۴ .

۸ - رفع غم و غصه ، رهایی از مشکلات

زندگی امروز بشر ، با مشکلات ، ناملايمات و سختی های فراوانی همراه است . هر کس برای رهایی خویش از غم و اندوه ، به وسیله ای متوسل می شود تا از عواقب سوء آن در امان مانده و گرفتار پی آمدهای ناگوارش نگردد . چه بسا افرادی در اثر دیدن مشکلات سخت و دست و پنجه نرم کردن با غم و غصه های گوناگون ، گرفتار ناراحتی های شدید عصبی و نارسایی های سخت روحی گشته اند و برای درمان خود بار سنگین سفرهای پرتلاش و کم سودی را به دوش کشیده اند و مخارج زیادی را متحمل شده اند و ضررهای اقتصادی فراوانی دیده اند . غافل از آن که خدای مهربان - که تمام احکام و دستوراتش برای سعادت و آسایش بشر وضع شده است - در این زمینه نیز دستوراتی را به انبیا و فرستادگانش داده است تا برای مردم بیان کنند و کامل ترین آن را در اختیار برترین پیامبرش قرار داده است . مهمترین عامل نجات از مشکلات و سختی ها و بهترین سبب زدودن غم و اندوه در کلمات نورانی پیامبر و اهل بیت پاکش (علیهم السلام) استغفار و عذرخواهی از خدای مهربان ، معرفی شده است . رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در سخن زیبایی می فرماید : **مَنْ كَثُرَ هُمُومُهُ فَلْيَكْثِرْ مِنَ الْأَسْتِغْفَارِ .** (۱) هر کس غم و غصه اش زیاد است ، باید زیاد استغفار کند . و نیز در عبارت دیگری میدان تأثیر استغفار را گسترده تر معرفی کرده و فرموده اند : **عَلَيْكَ بِالْإِسْتِغْفَارِ فَإِنَّهُ الْمُنْجَاةُ .** (۲) بر تو باد به استغفار و عذرخواهی از خداوند که استغفار نجات دهنده (انسان از مشکلات و سختی ها) است . امام هادی (علیه السلام) ، برای رهایی از مشکلات و ناروایی ها ، به استغفار به عنوان دعایی خاص که مورد تأکید پدران گرامیشان (علیهم السلام) نیز بوده است ، سفارش می کنند . محمد بن ریّان گوید : نامه ای به امام هادی (علیه السلام) نوشتم و از آن حضرت دعایی خواستم برای رهایی از سختی ها و بلاهایی که نازل می گردد و مشکلاتی که دست و پا گیر انسان می شود ، و

در نامه ام تأکید کردم: همان گونه که پدران گرامیشان به دوستانشان مطالب خاصی را می آموختند، به من نیز دعایی مخصوص بیاموزند (که از آن بهره فراوان ببرم)، حضرت در جواب چنین مرقوم فرمودند: **أَلْزِمِ الْإِسْتِغْفَارَ**. (۳) همیشه و در همه حال با استغفار همراه باش (و آن را تلاوت کن)!. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در کلام دلنشینی، برای نجات از غم و اندوه و تنگنای زندگی، به زیاد گفتن استغفار سفارش کرده اند: **مَنْ أَكْثَرَ الْإِسْتِغْفَارِ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرْجًا وَمِنْ كُلِّ ضِيقٍ مَخْرَجًا وَيَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ**. (۴) هر کس زیاد استغفار کند خداوند، نسبت به هر غصه و اندوهی گشایشی برایش قرار دهد و از هر تنگنایی راه خروجی پیش پایش گذارد، و از جایی که گمان ندارد او را روزی دهد. ۱ و ۲ - بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۸۳. ۳ - بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۸۳؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۷۷. ۴ - بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۸۱.

۹ - نجات از قرض و پرداخت بدهی

یکی از مشکلات اقتصادی مسلمانان و مخصوصاً دوستان امیرمؤمنان (علیه السلام)، گرفتار شدن به قرض و وام های دراز مدت است که در موارد بسیاری با ربا و سود دهی غیر مجاز همراه است و باعث خمودی و انحطاط فکری مسلمین و ضررهای سنگین مالی و سقوط در گرداب گناه می گردد. و عواقب سوئی را برای فرد و جامعه در بر دارد و ضربه های سهمگینی بر پیکر نظام اقتصادی اجتماع وارد می سازد. از طرفی اشخاص بسیاری برای بهبود زندگی خویش، ناچار به گرفتن وام بدون بهره هستند. این گونه وام گرفتن، هر چند ضرری به همراه ندارد بلکه در بسیاری از اوقات گره های کور اقتصادی وام گیرندگان را باز می کند و برای وام دهندگان ثواب عظیم و برکات فراوانی را به دنبال دارد. اما فرو رفتن در گرداب قرض و دست و پا زدن برای بازپرداخت وام، از مشکلات سختی است که مؤمن را در دنیا گرفتار، فکرش را مشغول و عمرش را کوتاه می کند؛ چرا که غم و غصه پرداخت اقساط ماهیانه و تأمین وجه چک هایی که به اشخاص مختلف داده است برای کسی که قدرت تهیه و پرداخت آن را ندارد، آرامش زندگیش را سلب کرده و سلامت جسم و جانش را به خطر می اندازد. در کلمات نورانی اهل بیت (علیهم السلام) برای رهایی از این مشکل و سهولت در پرداخت بدهی، راه هایی ارائه شده است. یکی از مهمترین آن ها، زیاد استغفار نمودن و عذرخواهی کردن از خدا در ساعات شب و روز است. اسماعیل بن سهیل گوید: برای امام باقر (علیه السلام) نامه ای نوشتم، (مشکل خود را عنوان کردم) که گرفتار قرض سنگینی شده ام (به گونه ای که فکرم را مشغول کرده و آبرویم را به خطر انداخته است). حضرت در جواب نامه ام نوشتند: **أَكْثِرْ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ وَرَطِّبْ لِسَانَكَ بِقِرَاءَةِ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ»**. (۱) زیاد استغفار کن و زبانت را به تلاوت سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» تر و تازه گردان (سوره قدر را مرتب تلاوت کن). ۱ - کافی، ج ۵، ص ۳۱۶، ح ۵۱.

برکات معنوی استغفار

۱ - مغفرت و آمرزش خداوند

مهمترین اثر معنوی استغفار و طلب آمرزش از خداوند، دست یافتن به مغفرت و آمرزش خدای سبحان است. شاید این اثر، برترین و پر برکت ترین خاصیت این ذکر شریف باشد. بلکه ریشه دست یابی به سایر آثار مادی و برکات معنوی استغفار، آمرزش گناهان است. چرا که اکثر گرفتاری های انسان به انواع سختی ها و بلاها و عمدۀ محرومیت های او از کارهای خیر و نعمت های مادی و معنوی، معلول غفلت و کوتاهی او در انجام واجبات و کارهای نیک، و اصرار او بر کردار زشت و ناپسند است. این دو عامل (ترک واجبات و انجام محرمات) آتش غضب خداوند را شعله ور می سازد و زندگی انسان را در آتش فقر، مرض، قرض و محرومیت از نعمت های مادی و توفیقات معنوی، می سوزاند. ولی به مجرّد عذرخواهی و استغفار، عنایت خداوند غفار شامل

حال بنده گنهکار می شود، باران رحمت و مغفرت پروردگار بر پیکر و روح او می بارد، جان و دل آلوده او را شستوشو می دهد، عوامل نزول بلا و گرفتاری را از وجود او زدوده و زمینه عنایات حق را در زندگی او فراهم می سازد. خداوند غفور برای دعوت بندگانش به سوی خویش و بهره مند ساختن آنان از عنایت و مغفرتش، آیات متعددی بر پیامبرش نازل کرده است. در یک جا می فرماید: (وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ اللَّهُ وَاللَّهُ وَ لَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ . أُولَئِكَ جِزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ) . (۱) آن ها که وقتی عمل زشتی انجام دادند و یا به خود ستم کردند، به یاد خدا افتاده و برای گناهان خویش از خداوند آمرزش طلبیدند، و بر گناه خویش اصرار نوزیدند، پاداششان آمرزش پروردگارشان می باشد. و چه کسی جز خدا گناهان را می بخشد؟ ایشان خوب می دانند (که اصرار بر گناه با استغفار سازش ندارد و جز خدا کسی گناهشان را نمی بخشد). در جای دیگر با تعبیر زیباتری می فرماید: (وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا) . (۲) هر کس کار بدی انجام می دهد یا به نفس خویش ستم می کند و سپس استغفار می کند خداوند را بسیار آمرزنده و مهربان می یابد. تعبیر (يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا) در این آیه کریمه، از وعده حتمی خداوند نسبت به آمرزش کسی که بعد از گناه خویش استغفار کرده، حکایت می کند. یعنی حتماً مغفرت و آمرزش خداوند شامل حال چنین کسی می شود و آثار آن در زندگی او ظاهر می گردد. از همین روست که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) برای رسیدن به چنین حالتی به امت خویش سفارش می کنند که زبان خویش را به استغفار و عذرخواهی از خداوند عادت دهند تا گناهی بدون استغفار نماند و شیعه ای از آمرزش خدای غفار محروم نگردد حضرتش می فرماید: عَوِدُوا إِلَيْهِ تَغْفَرُ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يُعَلِّمَكُمُ الْإِسْمَ تَغْفَرُ إِلَّا وَ هُوَ يُرِيدُ أَنْ يَغْفِرَ لَكُمْ . (۳) زبانهایتان را به استغفار و آمرزش طلبیدن، عادت دهید که خداوند استغفار را به شما نیاموخت مگر برای این که می خواهد شما را ببخشد. امام رضا (علیه السلام) در تمثیل زیبایی، استغفار را تشبیه می کنند به تکانی که بر درختی وارد می شود و برگ های آن را بر زمین می ریزد: مَثَلُ الْإِسْمِ تَغْفَرٍ مَثَلُ وَرَقٍ عَلَى شَجَرٍ تَحْرَكَ فَيَنبَثِرُ، وَالْمُسْتَغْفِرُ مِنْ ذَنْبٍ وَيَفْعَلُهُ كَالْمُسْتَهْزِئِ بِرَبِّهِ . (۴) مثل استغفار، مثل برگی است که بر درختی است، و حرکت باد یا طوفان آن را بر زمین می افکند، و کسی که از گناهی استغفار می کند و در عین حال مرتکب آن می شود همچون کسی است که پروردگار خویش را مسخره می کند. آری طلب آمرزش از خداوند، درخت عمل انسان را تکان می دهد و برگ های سیاه گناه را از شاخه های آن جدا می سازد و آمرزش خداوند را برای او به ارمغان می آورد. ۱- سوره آل عمران، آیه ۱۳۵. ۲- سوره نساء، آیه ۱۱۰. ۳- مستدرک سفینه البحار، ج ۷، ص ۶۰۱. ۴- کافی، ج ۲، ص ۵۰۴؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۷۶.

۲- پذیرفته شدن توبه

آنچه برای مؤمن گنهکار بعد از توبه و استغفار، از همه چیز مهمتر است، این است که بداند: آیا توبه اش پذیرفته شده یا نه؟ آیا همان گونه که او به سوی خدا بازگشته است و از کردار زشت خویش دست کشیده است، خدا هم به سوی او روی آورده و توبه اش را پذیرفته است یا خیر؟ از مدارک معتبری استفاده می شود که یکی از عوامل پذیرش توبه، اظهار ندامت و اقرار به گناه و طلب آمرزش از خداوند است که در اصطلاح آیات و روایات از آن تعبیر به استغفار می شود. و نقطه مقابل آن اغترار است، که نشانه تکبر و غرور بنده در برابر خدای سبحان است. بنده ای که آلوده به اغترار است با این که گناه کرده، از کردار خود پشیمان نمی شود، لذا حاضر به اقرار به گناه و عذرخواهی و استغفار نیست و این حالت بنده خوشایند خداوند نیست. و از آن جا که بهترین دعا استغفار است، خدا بندگانش را دعوت به دعا کرده و سپس در مذمت کسانی که از خواندن او تکبر میورزند فرموده است: (إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ) . (۱) به راستی کسانی که از خواندن من تکبر میورزند به زودی با ذلت و خواری وارد جهنم خواهند گشت! و همان قدر که خداوند این حالت بنده را دشمن می دارد، از حال استغفار و

عذرخواهی او خشنود می‌شود و آغوش مهر و رحمتش را به روی او می‌گشاید. مخصوصاً اگر شخص گنهکار، علاوه بر استغفار خویش، از مولا- و امام خود نیز بخواهد، برای گناه او طلب آمرزش کند. که در این صورت امام مهربان او هم برایش استغفار خواهد کرد و وعده خداوند نسبت به پذیرش توبه او تحقق می‌پذیرد. خداوند کریم در این باره می‌فرماید: (وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا). (۲) اگر اینان زمانی که به خود ستم کردند نزد تو آمده و از خدا آمرزش می‌طلبیدند، و رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز برای آن‌ها استغفار می‌کرد، خدا را پذیرای توبه و مهربان می‌یافتند. تعبیر (لَوْجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا) در این آیه شریفه، از پذیرش توبه چنین افرادی حکایت می‌کند، پس اگر مؤمن گنهکار از خدای خویش آمرزش طلبد و رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) یا امامی که اعتقاد به امامتش دارد و در عصر او زندگی می‌کند، برایش استغفار کند، وعده خداوند در مورد پذیرش توبه و استجاب استغفارش - درباره او - به ثمر می‌نشیند و اثر آمرزش طلبی خویش را در می‌یابد. ۱ - سوره غافر، آیه ۶۰. ۲ - سوره نساء، آیه ۶۴.

۳ - رفع بوی بد گناهان و معطر شدن به عطر استغفار

خدای متعال، در عین حال که ستار العیوب است و تا زمانی که بنده ای از حدّ خویش پا فراتر نگذاشته و بی باک در گناه نگشته باشد، عیب او را می‌پوشاند؛ اما گناه و پشت پا زدن به فرامین خداوند آثار وضعی و لوازم طبیعی ای دارد که گریزی از آن نیست و بنده گنهکار چاره ای جز تحمل آن آثار ندارد. از طرفی اشخاص متخلف و گنهکار نوعاً دوست ندارند کسی از گناهشان با خبر گردد و تا می‌توانند گناه خویش را پنهان می‌سازند، و اگر کردار زشتشان نشانه و آثاری داشته باشد، در پوشاندن و از بین بردن آن تلاش می‌کنند. یکی از پی آمدهای گناه، تاریک شدن روح و متعفن گردیدن جسم و جان انسان است. و در صورتی که خدا اجازه دهد، این تعفن و گندیدگی را فرشتگان آسمان استشمام می‌کنند و در بسیاری موارد صاحب آن را نفرین می‌کنند؛ همچنین انسان هایی که پاک زیسته اند و اتّصالی با عالم ملکوت یافته اند گاهی بوی بد گناه را استشمام می‌کنند. یکی از آثار و برکات استغفار - مخصوصاً اگر بلافاصله بعد از گناه باشد - از بین بردن آثار گناه از جمله بوی بد گناهان - این اثر رسوا کننده - است. افزون بر این، معطر گشتن انسان به عطر دل انگیز استغفار، یکی از برکات معنوی این ذکر شریف به شمار می‌رود. آری! کسی که هر روز و هر شب در گلستان عذرخواهی و آمرزش طلبی قدم زند و از انواع گل های معطر آن در هر فصلی، شاخه ای بچیند، خانه وجودش معطر می‌گردد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سخن پر مغزی می‌فرماید: تَعَطَّرُوا بِالِاسْتِغْفَارِ، فَلَا تَفْضَحَنَّكُمْ رَوَائِحُ الذُّنُوبِ. (۱) با استغفار و آمرزش خواهی از خداوند، خود را معطر کنید، تا بوی بد گناهان شما را رسوا نکند. ۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۷۰؛ بحار الأنوار، ج ۶، ص ۲۲.

۴ - دست یافتن به رضوان خداوند

مقام رضا و خشنودی خداوند، برترین مقامی است که خدا در قیامت به بندگانش عطا می‌فرماید. وقتی در قرآن سخن از پاداش مؤمنین و مؤمنات به میان می‌آید و از بهشت عَدْن به عنوان بهترین منزلگاه، یاد می‌شود، از مقام رضا و خشنودی حق به عنوان ثوابی بزرگتر و بالاتر از بهشت عَدْن و نعمت های جاودانه خدای سبحان یاد می‌گردد و رستگاری عظیمی برای مؤمن به شمار می‌آید. ذات اقدس حق در این باره می‌فرماید: (وَعِدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ). (۱) خداوند به مردان و زنان با ایمان، باغ هایی از بهشت وعده داده است که نهروایی از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند و مسکن های پاکیزه ای در بهشت های عَدْن (نصیب آن ها ساخته) است، و رضا و خشنودی خداوند (از همه این ها برتر و) بزرگتر است و این رستگاری بزرگی است.

بزرگتر بودن مقام رضا و خشنودی حق از بهشتِ عَزْدَن و برترین نعمت های بهشت ، بدان جهت است که دست یافتن به رضا و خشنودی خدا در دنیا و در نتیجه رسیدن به رضوان حق در آخرت ، عامل دست یافتن به همه نعمت های ابدی خداوند در قیامت می باشد که برترین آن ها ، دخول در زمره بندگان مخلص او ، محمد و آل محمد (علیهم السلام) است . و بهشت واقعی برای اهل بهشت ، همنشینی با این پاکان عالم وجود است . از همین روست که خداوند پاداش بندگان پاک و مورد پسند خویش را چنین بیان می فرماید : (يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتٍ) . (۲) ای روح آرام یافته ! به سوی پروردگارت باز گرد در حالی که تو از او خشنودی و او هم از تو راضی است ، پس در زمره بندگانم در آی و در بهشتم وارد شو . اکنون که عظمت و بزرگی مقام رضوان و خشنودی ذات اقدس پروردگار روشن شد ، باید بدانیم که یکی از برکات استغفار دست یافتن به چنین عظمتی است ؛ و از همین جا مفهوم عناوینی که درباره استغفار به کار رفته است بهتر مشخص می شود . عبارت هایی مانند : « خَيْرُ الدُّعَاءِ » و « خَيْرُ الْعِبَادَةِ » و « نِعْمَ الْوَسِيلَةَ » و « أَعْظَمُ أَجْرًا » و « أَشْرَعُ مَثُوبَةً » و « أَعْظَمُ بَرَكَهَةً » ، عناوینی است که در مورد استغفار به چشم می خورد . این تعابیر بلند ، همگی حکایت از این دارد که یکی از برکات معنوی این ذکر مبارک ، دست یافتن به مقام رضوان و خشنودی ذات قدوس إله است که از بهشت و تمام نعمت های جاودانه خدا نیز برتر و بالاتر است و سبب همنشینی با عباد مخلص خدا ، محمد و آل محمد (علیهم السلام) در بهشت می گردد . و این خود بیانگر اوج ارزش استغفار است . امیرالمؤمنین (علیه السلام) در سخن پر بار و جامعی می فرماید : ثَلَاثٌ يَبْلُغُنَّ بِالْعَبْدِ رِضْوَانَ اللَّهِ : كَثْرَةُ الْإِسْتِغْفَارِ ، وَ حَفْضُ الْجَانِبِ ، وَ كَثْرَةُ الصَّدَقَةِ . (۳) سه چیز است که بنده را به رضوان و خشنودی خدا می رساند : ۱- زیاد استغفار کردن . ۲- فروتن و نرم خوی بودن . ۳- زیاد صدقه دادن . ۱- سوره توبه ، آیه ۷۲ . ۲- سوره فجر ، آیه ۲۷ - ۳۰ . ۳- مستدرک سفینه البحار ، ج ۷ ، ص ۶۰۱ .

۵ - همراهی با امامان معصوم (علیهم السلام) مخصوصاً امام زمان (علیه السلام)

یکی از وظایف سنگینی که خداوند بر دوش همه ایمان آورندگان به خویش و رسولش گذارده ، این است که هر مسلمانی به گونه ای باید گام بردارد که در عقیده و عمل ، رفتار و گفتار و اذکار و اوراد ، همراه با اولیای او ، یعنی پیامبر و اهل بیت پاکش (علیهم السلام) باشد ؛ قدمی از آنان جلو نرود ، گامی از ایشان عقب نماند و همراهی با آن بزرگواران را همیشه و همه جا رعایت نماید . او خود در قرآن کریمش می فرماید : (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ) . (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید ، از خدا بترسید ، تقوا پیشه کنید و همراه با صادقین باشید . صادقین در این آیه شریفه ، کسی جز پیامبر و اوصیای پاکش (علیهم السلام) نیست . در روایات متعددی صادقین به امامان دوازده گانه شیعه تفسیر شده اند . و ظاهر امر و فرمان خداوند - که بدون قید و شرط صادره شده است - وجوب معیت و همراهی با این بزرگواران در تمام جهات فکری و اعتقادی ، فقهی و عملی ، عرفانی و اخلاقی است . نه تنها همه مسلمین موظفند در تمام ابعاد زندگی با اینان و همراه ایشان باشند ، بلکه از معیت و همراهی با غیر آنان مخصوصاً دشمنانشان باید پرهیز نمایند . از این روست که در زیارت جامعه کبیره - که سراسر آن درس امام شناسی است - خطاب به آن بزرگواران عرض می کنیم : فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا - مَعَ غَيْرِكُمْ (عَيْدُكُمْ) . (۲) من همیشه و همه جا با شما و همراه شمایم ، نه با غیر شما و دشمنان شما . بی شک ، همراهی با این بزرگان آفرینش ، اکسیر اعظمی است که موجب توفیقات فراوانی در زندگی مادی دنیوی ، و منشأ دستیابی به مقامات عالیه در حیات جاودانه آخرت است . آنچه در این رابطه حایز اهمیت می باشد ، دست یافتن به کلید این گنجینه کمال است ، که راه را کوتاه می کند و باب وصال اولیای حق را به روی انسان می گشاید . یکی از عواملی که توفیق همراهی با این بزرگواران را نصیب انسان می سازد ، و کلید خانه وصل امام زمان (علیه السلام) به شمار می آید ، کثرت استغفار و عذرخواهی همیشگی از خداوند است . اسماعیل بن سهل گوید : به امام جواد (علیه السلام) نامه ای نوشتم بدین

مضمون: عَلَّمَنِي شَيْئًا إِذَا أَنَا قُلْتُهُ كُنْتُ مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . به من چیزی بیاموزید که هر گاه آن را خواندم در دنیا و آخرت با شما و همراهتان باشم . امام (علیه السلام) به خط مبارکشان ، که آن را می شناختم ، چنین مرقوم فرمودند: أَكْثَرُ مِنْ تَلَاوَةِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ ، وَرَطَّبَ شَفَتَيْكَ بِالِاسْتِغْفَارِ . (۳) سوره « انا انزلناه » را زیاد تلاوت کن ، و دو لب خویش را به طلب آموزش ، تر و تازه گردان (و زبانت را همیشه به ذکر استغفار مترنم ساز) . بنابراین یکی از آثار معنوی استغفار و عذرخواهی از خداوند این است که توفیق همراهی با امامان معصوم (علیهم السلام) در دنیا و آخرت ، مخصوصاً بودن با امام زمان (علیه السلام) و بهره جستن از وجود پر برکت آن ذات پاک را نصیب انسان می گرداند . ۱- سوره توبه ، آیه ۱۱۹ . ۲- مفاتیح الجنان . ۳- بحار الأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۲۷۹ .

۶- محبوبیت نزد خدا و امام زمان (علیه السلام)

علاقه به محبوب شدن در نزد دیگران ، در فطرت هر انسانی نهفته است . کسی را نمی یابید که دوست نداشته باشد محبوب دیگران شود . نوع افراد دوست دارند محبوب کسانی باشند که دارای علم ، قدرت ، کمال ، جمال ، معنویت و صفات نیک انسانی باشند ، تا هر زمان که به مشکلی برخوردند ، با مراجعه به ایشان و اشاره آنان مشکلتشان حل شود . پس شکی نیست که هر چه محبوب انسان ، قدرت و آگاهی بیشتری داشته باشد ، علاقه به محبوب گشتن در نزد او بیشتر می شود . از طرفی هر چه محبوبیت انسان در نزد صاحب قدرتی بیشتر باشد استفاده بیشتری از نفوذ و قدرت او می تواند بکند . به همین دلیل افراد زیرک ، سعی می کنند کاری کنند که خوشایند محبوبشان باشد و بر محبوبیت خویش در نزد او بیفزایند تا از طریق او به تمام خواسته هایشان برسند . اکنون اگر شخص مورد علاقه انسان ، خداوند قدرتمندی باشد که در علم ، کمال ، قدرت و توانگری ، نظیری ندارد . او که هر چه را اراده کند برایش فراهم است : (إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ) . (۱) هر زمان چیزی را اراده کند ، به آن می گوید باش ، پس آن چیز تحقق می پذیرد . پس محبت به محبوبیت در نزد چنین محبوبی ، نباید قابل قیاس با علاقه به محبوبیت در نزد دیگران باشد . این محبوبیت زمانی تحقق پیدا می کند که بنده ای که طالب چنین موقعیتی است ، خواسته های محبوب خویش را به جا آورد . یکی از کارهایی که خدا از بندگانش خواسته است و بسیار خوشایند اوست ، حالت توبه و استغفار پی در پی بنده به پیشگاه خداوند ذوالجلال است . او خود در قرآن کریمش می فرماید : (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ) . (۲) خداوند کسانی را که زیاد توبه و استغفار می کنند ، دوست دارد و (همچنین) پاکی طلبان را (نیز) دوست دارد . با توجه به اینکه « تَوَّابٌ » صیغه مبالغه است ، و به کسی گویند که پیاپی توبه و استغفار کند ؛ بنابراین ، خداوند کسانی را که مرتب ، هر روز و شب استغفار می کنند ، دوست دارد . علاوه بر این ، توبه و استغفار یکی از مصادیق روشن دعا است و بلکه از استغفار به عنوان بهترین دعا یاد شده است . (۳) پس کسی که زیاد توبه کند و از خدا آموزش طلبد ، مصداق اصرار کننده در دعا نیز بشمار می آید ؛ و تردیدی نیست که چنین فردی محبوب خدا می باشد . رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید : (إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُلْحِينَ فِي الدُّعَاءِ) . (۴) به راستی ، خداوند اصرار کنندگان در دعا را دوست دارد . بنابراین یکی از آثار پر بار استغفار و طلب آموزش از خداوند ، محبوب شدن در نزد خدایی است که همه عالم تشنه محبت او و در انتظار عنایت اویند . بی شک کسی که محبوب خدا گردد همه عالم کارگزارش می گردند و تا آن جا که صلاح اوست خواسته هایش برآورده می شود . و کسی که محبوب خدا گشت ولایش ، امام زمان (علیه السلام) نیز دوستش دارد ، و از برکات وجودی خویش بهره مندش می سازد . ۱- سوره یس ، آیه ۸۲ . ۲- سوره بقره : آیه ۲۲۲ . ۳- کافی ، ج ۲ ، ص ۵۰۴ ؛ وسائل الشیعه ، ج ۷ ، ص ۱۷۶ . ۴- بحار الأنوار ، ج ۹۰ ، ص ۳۷۸ ؛ الدعوات ، ص ۲۰ .

۷- ورود در نور اعظم خدا

نور زیباترین و لطیف ترین موجودات در جهان ماده است و سرچشمه همه زیبایی ها و لطافت ها به شما می رود و وسیله ای برای

مشاهده موجودات مختلف در جهان ماده است. نور خورشید پرورش دهنده گل‌ها و گیاهان و رمز بقای تمام موجودات زنده و نبود کننده انواع میکروب‌ها و موجودات موزی است. و بدون آن ادامه حیات برای هیچ موجود زنده‌ای امکان ندارد. نور مبدأ همه کمالات و توفیقات مادی و معنوی است؛ زندگی بدون روشنایی برای احدی مقدور نیست. توفیق کمال یابی نیز در سایه نور و روشنایی به دست می‌آید. با توجه به این که همه کمالات دنیوی و اخروی و تمام پیشرفت‌های مادی و معنوی از برکت نور برای بشر فراهم می‌گردد، خداوند از میان تمام محسوسات، وجود اقدس و بی‌مثال خویش را به نور مثل می‌زند و می‌فرماید: (اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكُوَةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِضْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيئُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ). (۱) خدا نور بخش آسمان‌ها و زمین است، مثل نور خداوند همانند چراغدانی است که در آن چراغی (پرفروغ) باشد، چراغ در حبیبی قرار دارد که شفاف و درخشانده، همچون ستاره فروزان است. این چراغ با روغنی افروخته می‌شود که از درخت زیتونی گرفته شده که نه شرقی و نه غربی است (هم از نور آفتاب که از سمت شرق در صبح می‌تابد استفاده می‌کند و هم از نوری که از سوی غرب می‌تابد. آنچنان روغن صاف و خالص است که) نزدیک است بدون تماس با آتش شعله‌ور شود، نوری بر فراز نور دیگر است، و خدا هر کس را بخواهد به نور خود هدایت می‌کند و خداوند برای مردم مثل‌هایی می‌زند و بر هر چیزی آگاه است. هر بخشی از این آیه به پیغمبر و اوصیای پاکش (علیهم السلام)، این انوار مقدسه هدایتگر، تفسیر شده است و خدا هر که را بخواهد از ظلمت جهل و گمراهی نجات دهد و با دین خویش آشنا سازد، به نور اینان، مخصوصاً امام زمان (علیه السلام) هدایت می‌نماید. پس راه یافتن به نور، به معنای راه یابی به کلید همه مشکلات و گشوده شدن باب همه کمالات، و هدایت یافتن به همه سعادت‌ها است. از سوی دیگر هر چه قدرت نور و شدت تابش آن بیشتر شود، منطقه وسیع‌تری را روشن می‌کند و امکانات بیشتری را برای بشر در پیمودن راه سعادت، فراهم می‌سازد. اضافه بر این، هر چه عظمت آنچه نور بدان اضافه می‌گردد، بیشتر باشد به همان میزان، نور هم عظمت می‌یابد. زیرا یکی از خواص اضافه، سرایت خصوصیات مضاف‌الیه به مضاف است. گفته می‌شود: نور شمع، نور لامپ، نور پروژکتور، نور ستاره، نور ماه، تا می‌رسد به نور خورشید که منبع همه انوار در جهان ماده است. پس هر نوری به ملاحظه آنچه که بدان اضافه گشته است، دامنه روشنایی و تابش مشخصی دارد و محدود به گستره وجودی مضاف‌الیه است. هر چه مضاف‌الیه عظمتش بیشتر، عظمت نور هم بیشتر می‌گردد. اکنون اگر نور به خدایی نسبت داده شود که خالق همه انوار و مصدر همه فیوضات است و حقیقت هر نوری به لطف و عطای او وابسته است، دامنه این نور تا چه حد گسترش پیدا کرده و چه آثار پرباری را به ارمغان می‌آورد؟ خدا می‌داند. با روشن شدن این مقدمه، باید بگوییم: یکی از آثار و برکات عجیب استغفار که در روایات بدان اشاره شده، این است که انسان، در نور اعظم خداوند وارد می‌شود. ورود در میدان این نور، با هستی انسان چه می‌کند؟ و چه ابوابی را به روی او می‌گشاید؟ جز خدا کسی نمی‌داند. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در کلام پر نوری می‌فرماید: **أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ فِي نُورِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ: مَنْ كَانَ عِزْمُهُ أَمْرَهُ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّي رَسُولُ اللَّهِ وَمَنْ إِذَا أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ قَالَ: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، وَ مَنْ إِذَا أَصَابَ خَيْرًا قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ، وَ مَنْ إِذَا أَصَابَ خَطِيئَةً قَالَ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.** (۲) چهار چیز است که در هر کس باشد، در نور اعظم خدا خواهد بود: ۱- کسی که گواهی به این که معبودی در عالم جز خدای یکتا نیست و این که من رسول خدایم، باعث حفظ و نگاه داری او (از خطا و لغزش) گردد. ۲- کسی که هر گاه مصیبت و سختی بر او وارد شود بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»، ما برای خداییم و به سوی او بازگشت می‌کنیم. ۳- کسی که هر گاه خیری به او رسید بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، حمد و سپاس مخصوص خدای یکتا است. ۴- کسی که هر زمان مرتکب خطایی گشت بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»، از خدا آمرزش می‌طلبم و به سوی او باز می‌گردم. ۱- سوره نور، آیه ۳۵. ۲- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۷۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص

۳۱۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۴۶؛ ثواب الأعمال، ص ۱۶۵.

۸ - درخشش نامه عمل، آن گاه که بالا می رود

با توجه به آنچه در بحث قبل ذکر شد، قدم نهادن در وادی عذرخواهی و پوزش طلبی از خداوند غفور، یعنی: گام نهادن در بساط نورانی حق و نشستن بر سر سفره روحانی خدایی که خالق همه انوار، و پذیرای توبه بندگانی است که با باز نمودن پنجره توبه و استغفار، به سوی خورشید مغفرت حق نوری یافته اند و خانه دل خویش را روشن ساخته اند. و لازمه روی آوردن به چنین شعاع پرنوری، نورانی شدن همه وجود انسان و نجات هستی او از تمام ظلمت‌ها و تاریکی‌هاست. از جمله تاریکی‌هایی که امتیّت انسان را در عوالم بعد از مرگ تهدید می‌کند، تاریکی نامه عمل اوست، که در واقع انعکاس اعمال زشت او در عالم برزخ و قیامت است. پر واضح است، وقتی انسان بر اثر استغفار، در نور اعظم حق داخل گشت و ظلمت گناهانش برطرف شد، تاریکی نامه عمل او نیز از بین خواهد رفت. بلکه می‌توان گفت: بنده گنهکار، به خاطر توبه و آشتی با خداوند به جایی می‌رسد که خدا به سوی او رو می‌کند و روی آوردن خدا به سوی او باعث می‌شود که نور قدسی حق در صحیفه کردارش منعکس گردد و نامه عملش نورانی شود. از این جا به یکی دیگر از آثار و برکات معنوی استغفار پی می‌بریم که عبارت است از: نورانی شدن نامه عمل انسان به نور حق، به گونه‌ای که وقتی به آسمان برده می‌شود از درخشش خاصی برخوردار است. امام صادق (علیه السلام) در حدیثی به این مطلب اشاره کرده و شرط دست یافتن به چنین اثر پر باری را زیاد استغفار کردن معرفی می‌فرماید: إِذَا أَكْثَرَ الْعَبْدُ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ، رُفِعَتْ صَحِيفَتُهُ وَ هِيَ تَلَأَلُ. (۱) هر گاه بنده ای زیاد استغفار گوید و از خدا آمرزش طلبد، نامه عملش در حالی که نور افشانی کرده، و می‌درخشد، بالا می‌رود. ۱- کافی، ج ۲، ص ۵۰۴؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۷۶.

۹ - زمین خوردن شیطان و خنثی شدن وسوسه‌های او

شیطان دشمن درجه یک بشر، و عامل تمام انحرافات و لغزش‌های فکری و عملی انسان است و پیوسته دنبال گمراه نمودن مؤمنین و دوستان امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. تنها بندگان خاص خدایند که در اثر اخلاص در ایمان و عمل، از شر او در امانند. روزی که خداوند او را از درگاه خویش راند، قسم یاد کرد که به جز بندگان مخلص خدا، همه بندگان را گمراه خواهم نمود: (فَبِعِزَّتِكَ لَا غَوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ). (۱) به عزت سوگند همه آنان را گمراه خواهم کرد، مگر از میان آن‌ها بندگان خالص شده تو، را. مخلصین در دیدگاه روایات، ائمه طاهرین (علیهم السلام) هستند، که راه‌های مبارزه با شیطان را از خدای خویش آموخته‌اند، و برای رهایی از چنگال شیطان، مؤمنان را به پیمودن آن سفارش کرده‌اند. کسی که طالب کمال و رهایی از دام شیطان است، باید این ارشادات را در زندگی خود به کار گیرد و بدین وسایل، با شیطان و مریدانش مبارزه کند. یکی از مهمترین عوامل مبارزه با شیطان که در روایات اهل بیت (علیهم السلام) از آن یاد شده است، زیاد استغفار کردن، و مرتب از خدا عذرخواستن است. روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به اصحاب خویش فرمودند: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ مِنْكُمْ كَمَا تَبَاعَدَ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ. آیا به شما خبر دهم آنچه را که اگر انجام دهید شیطان از شما دور شود، همان گونه که مشرق از مغرب فاصله دارد؟ اصحاب عرض کردند: آری (بفرمایید). پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: الصَّوْمُ يَسْوِدُ وَجْهَهُ، وَالصَّدَقَةُ تُكْسِرُ ظَهْرَهُ، وَالْحُبُّ فِي اللَّهِ وَالْمُؤَاوَزَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعُ دَابِرَهُ، وَالْإِسْتِغْفَارُ يَقْطَعُ وَتِينَهُ. (۲) روزه چهره او را سیاه می‌کند، صدقه پشت او را می‌شکند، محبت و ورزیدن در راه خدا و مواظبت بر عمل نیک ریشه او را برکنند و استغفار رگ حیاتی او را می‌بُرد. بنابراین یکی از آثار و برکات استغفار، به زمین خوردن شیطان و خنثی شدن تلاش‌های بیوقفه اوست، که با توجه به گستره فعالیت‌های او در گمراه نمودن مردم، عظمت و اهمیت این خاصیت بیشتر روشن

می شود. ۱- سوره ص، آیه ۸۳. ۲- کافی، ج ۴، ص ۶۳؛ من لایحضر الفقیه، ج ۲، ص ۷۵؛ التهذیب، ج ۴، ص ۱۹۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۹۵.

۱۰- زوال کابوس یأس و امیدوار شدن به مغفرت خداوند

یکی از بزرگترین گناهان که به هیچ وجه قابل گذشت و چشم پوشی نیست، یأس از رحمت خداوند و قطع امید از مغفرت اوست. کسی که از آمرزش خداوند مأیوس است و به گذشت کریمانه پروردگار امیدی ندارد، هر گناهی را مرتکب می شود و در منجلاب انحرافات فرو می رود، در درّه های شقاوت سقوط می کند و روز به روز در حال استدراج و فرو رفتن در درکات عذاب خداوند خواهد بود. خدای مهربان برای جلوگیری از پدید آمدن این حالت و رسیدن به چنین سرانجامی، باب توبه و استغفار را به روی انسان گشوده است، تا هیچ مجرمی از رحمت و اسعه الهی مأیوس نشود و به سوی خدا باز گردد. و باران مغفرت حق، بر سرزمین جاننش ببارد و غنچه ایمان و معرفت در بوستان وجودش شکوفا گردد. در این راستا یکی از برکات معنوی استغفار که خود دارای آثار پربراری است؛ از بین رفتن کابوس یأس و ناامیدی، و تابش خورشید امید و رجاء در خانه دل گنهکار است؛ که این خود باعث رویش درخت معنویت در بهشت ایمان انسان، و لبخند شکوفه های آمرزش بر چهره وجود او می گردد. به همین دلیل امیرالمؤمنین (علیه السلام) از کسی که با وجود استغفار، از آمرزش خدا ناامید گشته، اظهار شگفتی کرده و می فرماید: *الْعَجَبُ مِمَّنْ يَنْقُطُ وَمَعَهُ الْمُحَاهَاةُ. قِيلَ: وَمَا الْمُحَاهَاةُ؟ قَالَ: الْأِسْتِغْفَارُ.* (۱) تعجب از کسی است که از رحمت و آمرزش خداوند ناامید می گردد، در حالی که وسیله پاک کننده دارد. سؤال شد: پاک کننده چیست؟ فرمودند: استغفار و طلب آمرزش از خداوند. ۱- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۷۷.

۱۱- پاک شدن زنگار دل و صفا یافتن قلب انسان

یکی از علل عدم پذیرش حق، و سستی در انجام واجبات و نپرداختن به عبادات این است که، دل انسان را زنگار گناه گرفته باشد، و فکر او را کدورتِ علاقه به شهوات تاریک و ظلمانی ساخته باشد؛ و از سوی دیگر قلب او را قساوت فرا گرفته، حالت پذیرش و نرمش در برابر حق را از دست داده و در درّه های شقاوت سقوط نموده باشد. بی جهت نیست که خداوند، علت انکار و روی گردانی قوم موسی (علیه السلام) را، سختی دل آنان دانسته و می فرماید: *(ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ...)* (۱) شما بعد از معجزاتی که از موسی (علیه السلام) دیدید، سخت دل شدید و دل هایتان چون سنگ، یا سخت تر از سنگ گردیده است. از میان پاره ای سنگ ها نهرهای آب می جوشد و برخی دیگر شکافته می شود و از دل آن آب بیرون می آید و پاره ای دیگر از ترس خدا فرو ریزد. روشن است که بزرگترین مانع برای هدایت و سعادت بشر، پدید آمدن چنین حالتی در دل و جان اوست، که شخص را از پذیرش حق باز داشته و از توفیقات و پیشرفت های معنوی او جلوگیری می کند، پس در این راستا، یکی از برکات مهم استغفار این است که زنگار دل را می زداید، قلب را صفا می بخشد، به فکر انسان نور و روشنایی عطا می کند و ظرف وجود او را پذیرای هدایت های خداوند و هادیان راه سعادت و فضیلت می سازد. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در این زمینه می فرماید: *إِنَّ لِلْقُلُوبِ صِدَاءً كَصَدَاءِ النُّحَاسِ فَاجْلُوهَا بِالِاسْتِغْفَارِ.* (۲) برای دل ها زنگار و کدورتی است مثل زنگار و کدورت مس، دل های خویش را با استغفار و طلب آمرزش از خدا، جلا دهید. ۱- سوره بقره، آیه ۷۴. ۲- بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۸۴.

۱۲- روی آوردن خیر و خوبی به انسان

توجه به استغفار و روی آوردن به درگاه خدا و عذرخواهی از گناه، توجه به همه خوبی‌ها، خیرات و برکات است و نشانه آن است که خداوند اراده خیر و خوبی به انسان دارد. و غفلت از آن، فرو رفتن در منجلا ب زشتی‌ها و بدی‌ها را به دنبال دارد و علامت آن است که خداوند اراده شرّ و بدی نسبت به او دارد. سفیان بن سمط گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَأَذَنَبَ ذَنْبًا أَتْبَعَهُ بِنِعْمَةٍ وَيُذَكِّرُهُ الْإِسْتِغْفَارَ، وَإِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ شَرًّا فَأَذَنَبَ ذَنْبًا أَتْبَعَهُ بِنِعْمَةٍ لِيُنْسِيَهُ الْإِسْتِغْفَارَ وَيَتِمَادِيَ بِهَا وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (سَسِيئَتِهِمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ) بِالنَّعَمِ عِنْدَ الْمَعَاصِي. (۱) به راستی، هرگاه خداوند اراده می‌کند خیری را به بنده ای (برساند) و او گناهی می‌کند، به بلایی گرفتارش می‌کند، آن‌گاه استغفار را به یادش می‌آورد. (تا بدین وسیله گناهش را ببخشد و از عقوبت دنیا و آخرت، نجاتش دهد). و هرگاه اراده می‌کند شرّ و بدی را به بنده ای (برساند) و او گناه می‌کند، پس از گناه نعمتی به او می‌دهد تا استغفار را فراموش کند و مشغول آن نعمت گردد. و همین مراد خداوند است که می‌فرماید: «ما آن‌ها را در درکات عذاب خویش پایین می‌بریم به گونه‌ای که خود نمی‌دانند». یعنی: به واسطه نعمت‌هایی که پس از عصیان و نافرمانی خدا، به آنان می‌دهیم، (ایشان را در عذاب خویش لحظه به لحظه پایین تر می‌بریم). پس چه بهتر که ورد شب و روز خود را استغفار و عذرخواهی از خداوند قرار دهیم، تا خالق خیرات، اراده خیر و نیکی به زندگی ما کند و خیرات مادی و برکات معنوی را به سوی ما گسیل دارد و از شرور و بدی‌ها نگاهمان دارد. ۱- کافی، ج ۲، ص ۴۵۲.

۱۳- بازگشت روح ایمان و تکمیل حقیقتش در انسان

از مدارکی استفاده می‌شود: هنگام گناه، روح ایمان از انسان جدا می‌گردد و بین او و حقیقت ایمان فاصله می‌افتد و چنانچه شخص گنهکار توبه و استغفار کند، این روح به او برمی‌گردد. و این یکی از برکات مهم استغفار است که نباید از اهمیت آن غافل شد. محمد بن مسلم گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: إِذَا زَنَى الرَّأْيِي خَرَجَ مِنْهُ رُوحُ الْإِيمَانِ، فَإِنْ اسْتَغْفَرَ عَادَ إِلَيْهِ. (۱) هنگامی که شخص زناکار زنا می‌کند، روح ایمان از او بیرون می‌رود. پس اگر توبه و استغفار کند، این روح به او برمی‌گردد! از این مهمتر آن که پس از بازگشت روح ایمان به انسان، اگر او استغفار و عذرخواهی خداوند را ادامه دهد مراتب ایمان در وجودش کامل می‌شود و حقیقت اعتقاد به حق در او شکل می‌گیرد. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در سفارش‌هایی که به امیرالمؤمنین (علیه السلام) دارند، استغفار بعد از گناه را یکی از هفت عاملی می‌شمارند که باعث تکمیل حقیقت ایمان در انسان می‌گردد: يَا عَلِيُّ سَبْعَةٌ مِنْ كُنَّ فِيهِ فَقَدْ اسْتَكْمَلَ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ وَأَبْوَابُ الْجَنَّةِ مَفْتَحَةٌ لَهُ: مَنْ أَسْبَغَ وَضُوئَهُ، وَأَحْسَنَ صَلَاتَهُ، وَأَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ، وَكَفَّ غَضَبَهُ، وَسَجَنَ لِسَانَهُ، وَاسْتَعْفَرَ لِدُنْبِهِ، وَأَدَّى النَّصِيحَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ. (۲) ای علی! هفت چیز است که در هر کس باشد حقیقت ایمان را در خود کامل کرده است، و درهای بهشت به رویش باز می‌گردد: ۱- کسی که وضویش را شاداب و کامل بگیرد. ۲- نمازش را نیکو بجا آورد. ۳- زکاء مالش را بپردازد. ۴- خشم خود را باز دارد. ۵- زبانش را در زندان دهان حبس کند. ۶- برای گناهش استغفار کرده، آمرزش طلبد. ۷- برای اهل بیت پیامبرش (علیهم السلام)، خیرخواهی کند. ۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۱۰؛ من لایحضر الفقیه، ج ۴، ص ۱۴. ۲- من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۵۹. این حدیث از سکونی از امام صادق (علیه السلام) به همین مضمون با اندک اختلافی نیز، روایت شده است. بحارالأنوار، ج ۷۷، ص ۳۰۴.

۱۴- ورود به بهشت

کسی نیست که آرزوی بهشت و نعمت‌های بی‌ظنیر بهشتی را در سر نپروراند. و شکی نیست که ورود به بهشت شرایطی دارد که بخشی از آن مربوط به اعتقاد انسان و بخش دیگرش وابسته به عمل اوست. در آیات و روایات به صورت پراکنده به این شرایط اشاره شده است. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در سخنی زیبا و پر بار به چهار عمل برای انسان اشاره می‌کنند که اگر در

کسی باشد، از اعتقاد راسخ او به خدا حکایت می‌کند. و کسی که عمر گران مایه خویش را با این صفات سپری می‌کند، وارد بهشت می‌گردد. یکی از آن‌ها این است که هر گاه، مرتکب گناهی شد، بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ». (۱) پس یکی از برکات معنوی استغفار، ورود در بهشت و بهره‌مندی از نعمت‌های ابدی بهشتی است. و این مطلبی نیست که تنها در این روایت آمده باشد. در حدیث دیگری پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) فضایل زیادی را برای استغفار بعد از نافله فجر، قبل از نماز صبح ذکر می‌کنند. از جمله می‌فرمایند: هر کس این استغفار را تلاوت کند، اگر در آن روز یا شبی که استغفار کرده بمیرد، وارد بهشت می‌گردد. (۲) در روایت صفحه قبل نیز، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به این مطلب اشاره کرده و استغفار را یکی از هفت عاملی می‌شمارند که باعث تکمیل ایمان و باز شدن درهای بهشت به روی انسان می‌گردد. ۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۰. ۲- بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۳۲۶. ما متن این استغفار را در بحث انواع استغفار، صفحه ۲۵۳ آورده ایم.

گفتار ششم: نکته‌ها و رموز استغفار

برکات فراوان برای استغفار زیاد

از مجموع روایاتی که در فضیلت استغفار روایت شده است، استفاده می‌شود که آثار مادی و برکات معنوی استغفار برای کسی است که زیاد و پی‌درپی، شب و روز، در هر حال و همه جا، از خدا عذرخواهی کرده و آمرزش طلبد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در سخن پربراری می‌فرماید: أَكْثَرُوا مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ، فِي بُيُوتِكُمْ وَ فِي مَجَالِسِكُمْ وَ عَلَى مَوَائِدِكُمْ وَ فِي أَسْوَاقِكُمْ وَ فِي طُرُقِكُمْ وَ أَيْنَمَا كُنْتُمْ فَإِنَّكُمْ لَا تَدْرُونَ مَتَى تَنْزِلُ الْمَغْفِرَةُ. (۱) زیاد استغفار کنید، در خانه‌ها و مجالستان، سر سفره‌ها و در بازارهایتان، و در مسیر رفت و آمدهایتان و هر جا که بودید (استغفار نمایید). چرا که شما نمی‌دانید آمرزش خداوند چه زمانی نازل می‌شود. در بیان گوهر افشان و حکمت بار دیگری خطاب به زن‌های مسلمان می‌فرماید: يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ تَصَدَّقْنَ وَ أَكْثِرْنَ الْإِسْتِغْفَارَ، فَإِنِّي رَأَيْتُكُنَّ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ. (۲) ای بانوان صدقه دهید و زیاد استغفار کنید که من بیشتر اهل آتش را از شما زنان دیدم. علاوه بر این، در روایات، فضایل خاصی برای این ذکر شریف وارد شده است که خود عامل مهمی برای زیاد گفتن استغفار است، ما نمونه‌هایی از آن را زینت بخش این فصل کتاب قرار می‌دهیم. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در سخن زیبایی استغفار را برترین دعا شمرده‌اند: مَا مِنَ الدُّعَاءِ شَيْءٌ أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ. (۳) هیچ دعایی برتر و با فضیلت‌تر از استغفار نیست. امیرالمؤمنین (علیه السلام) اضافه بر این، از آن به عنوان پربرکت‌ترین دعا در دنیا و آخرت، یاد فرموده‌اند: أَيُّ دُعَاءٍ أَفْضَلُ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ وَ أَعْظَمُ بَرَكَهٍ مِنْهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (۴) چه دعایی از استغفار، با فضیلت‌تر، و برکت‌آن در دنیا و آخرت از طلب آمرزش، بزرگ‌تر و بیشتر است. در سخن زیبای دیگری آن حضرت، اجر و پاداش این ذکر مبارک را بزرگ‌ترین پاداش دانسته و از آن به عنوان سریع‌ترین عامل برای دست یافتن به ثواب خداوند یاد نموده‌اند: الْإِسْتِغْفَارُ أَعْظَمُ أَجْرًا وَ أَسْرِعُ مَثْوِيَةً. (۵) استغفار بزرگ‌ترین اجر و پاداش و سریع‌ترین مزد و ثواب را دارد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در گفتار حکیمانه‌ای آن را سلاح گنهکار، برای دفاع از خویشتن در برابر دشمن (گناه و عقوبتش) شمرده‌اند: سِلَاحُ الْمَذْنِبِ، الْإِسْتِغْفَارُ. (۶) اسلحه گنهکار، طلب آمرزش از خداوند است. همچنین آن حضرت استغفار را وسیله خوبی برای شستوشوی گناهان دانسته‌اند: نَعْمَ الْوَسِيلَةُ، الْإِسْتِغْفَارُ. (۷) (برای از بین بردن آثار شوم گناه) استغفار خوب وسیله‌ای است. در سخن پر بار دیگری، آن پیامبر رحمت از گناهان به عنوان درد و مرض یاد کرده و دوی آن را استغفار معرفی کرده‌اند: أَلَذُّ نَوْبٍ دَاءٌ وَ الدَّوَاءُ الْإِسْتِغْفَارُ وَ الشِّفَاءُ أَنْ لَا تَعُودَ. (۸) گناهان درد و مرض هستند و دوی آن استغفار است، و شفا یافتن از آن به این است که دیگر به سوی آن‌ها برنگردی. باز پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم) در دو کلام نورانی، استغفار را بهترین عبادت و دعا معرفی کرده و فرموده‌اند: خَيْرُ الْعِبَادَةِ

الإِسْتِغْفَارُ . (۹) استغفار بهترین عبادت است . خَيْرُ الدُّعَاءِ الإِسْتِغْفَارُ . (۱۰) بهترین دعا ، طلب آمرزش از خداوند است . افزون بر این ، در بعضی از روایات که در زمینه آثار و برکات استغفار رسیده است ، به صراحت و روشنی اثرهای یاد شده ، برای زیاد استغفار کردن ذکر گردیده است . به نمونه هایی از آن ها توجه کنید : امام صادق (علیه السلام) حدیثی را از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت می کنند که آن حضرت فرمودند : عَلَيْكُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِكَثْرَةِ الإِسْتِغْفَارِ وَالدُّعَاءِ ، فَأَمَّا الدُّعَاءُ فَيُدْفَعُ بِهِ عَنْكُمْ الْبَلَاءَ وَ أَمَّا الإِسْتِغْفَارُ فَيَمْحِي ذُنُوبَكُمْ . (۱۱) بر شما باد که در ماه رمضان زیاد استغفار و دعا کنید ، که دعای زیاد ، بلا و گرفتاری را از شما دور می سازد ؛ و استغفار زیاد ، گناهان شما را نابود می کند . * نصر بن کثیر گوید : بر امام صادق (علیه السلام) وارد شدم در حالی که سفیان ثوری هم همراه من بود . امام صادق (علیه السلام) سفارش هایی کردند ، از جمله فرمودند : إِذَا اسْتَبْطَأْتَ الرِّزْقَ فَأَكْثِرْ مِنَ الإِسْتِغْفَارِ . (۱۲) هرگاه روزیت به کندی آید و به سختی به تو رسد ، زیاد استغفار کن . * رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در کلامی نورانی ، فرمودند : مَنْ أَكْثَرَ الإِسْتِغْفَارَ جَعَلَ اللَّهُ لَهُ مِنْ كُلِّ هَمٍّ فَرْجاً وَ مِنْ كُلِّ ضَيْقٍ مَخْرَجاً وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ . (۱۳) هر کس زیاد استغفار کند ، خداوند نسبت به هر غصه و اندوهی ، گشایشی برایش قرار دهد و از هر تنگنایی راه خروجی پیش پایش گذارد و از جایی که گمان ندارد او را روزی دهد . از مجموع سخن در این بخش نتیجه می گیریم : همانگونه که در گفتار قبل عنوان گردید ، در پاره ای آیات و روایات ، آثار و برکات عظیمه ای برای ذکر استغفار بیان شده که هضم آن برای همگان آسان نیست ؛ و این خود باعث تشکیک در اصل مطلب می شود که چگونه ممکن است ، کسی عمری گناه کند و سپس با درخواست بخشش از پروردگار خویش ، آمرزش خداوند شامل حالش شود و یا با گفتن یک استغفار به چنین آثار و برکاتی دست یابد ؟! پاسخ این سؤال ، به صورت پراکنده در مکتب وحی و سخنان اهل بیت (علیهم السلام) آمده است ، چکیده اش این است : اولاً : همانگونه که در فصل های گذشته یادآور شدیم ، استغفار ، تنها لغغه زبان نیست ، بلکه حقیقت آن ، ندامت قلبی گوینده و پشیمانی باطنی او از گذشته و تصمیم جدیش به ترک گناه و رو آوردنش به سوی خدا و احکام نورانی اسلام است . ثانیاً : قوام توبه و استغفار به اینست که اگر واجباتی از او فوت شده ، آن ها را جبران سازد ، به این صورت که قضایش را بجا آورده ، کفاره اش را بپردازد و یا به گونه دیگر آن را تدارک کند . ثالثاً : اگر گناه او حق الناس است ، آن را پرداخته و یا صاحب حق را راضی کند ، بگونه ای که هنگام گفتن استغفار هیچ حقی از مردم به عهده او نباشد . رابعاً : گناهی که از آن توبه کرده و برایش استغفار می کند گناهی باشد که قابل گذشت و بخشش باشد ، نه آن که توبه در مورد آن مفهومی نداشته و قابل گذشت و آمرزش نباشد . مثل اینکه ، آئین جدیدی پدید آورده و یا بدعتی در دین خدا گذارده و بدین واسطه جمعی را گمراه و از آغوش دین خدا جدا ساخته باشد . زیرا کسانی که بر دین اختراعی او باقی مانده ، بدعتهای او را پذیرفته ، بدان عمل کرده و بر آن عقیده مرده اند ، قابل بازگشت نیستند . بی شک ، چنین گناهی توبه ای ندارد ، مگر آن که تمام کسانی را که گمراه ساخته ، به صراط مستقیم باز گرداند ؛ و این کار نیز برای او امکان پذیر نیست . آخرین سخن در پاسخ به سؤال مذکور ، که از روایات گذشته استفاده می شود این است : آمرزش خداوند و سایر برکات استغفار برای کسی است که علاوه بر شرایط یاد شده ، زیاد و پی در پی استغفار گوید نه آنکه عمری گناه کند و سپس با گفتن یک استغفار همه گناهانش آمرزیده شود ! همچنانکه اگر پی در پی استغفار کند ، ولی تصمیم جدی بر ترک گناه نگیرد و گذشته تاریک خویش را جبران نکند ، از استغفار خویش سودی نمی برد ! پس زیاد استغفار کردن ، مصمم بر ترک گناه بودن و گذشته خویش را جبران کردن از مهمترین شرایط پذیرش توبه و مهمترین عامل پدید آورنده آثار و برکات استغفار ، مخصوصاً آمرزش خداوند است . از سوی دیگر ، گاهی سؤال می شود زیاد گفتن استغفار به چه شکل صورت می پذیرد و بر چه گفتنی اطلاق می گردد ؟ پاسخ این سؤال نیز در سخنان نورانی اهل بیت (علیهم السلام) به صورت اجمال آمده است . خلاصه جواب این است : زیاد گفتن استغفار به این است که هر کسی در روز صد مرتبه و در شب هفتاد بار استغفار گوید . علاوه بر این ، به مقداری که وقت و توان دارد ، استغفارهای وارده را تلاوت کرده ، بخصوص در

اوقات نماز و ساعات استجاب دعا از خدا آمرزش بخوهد. در این صورت، بی تردید گناهش بخشیده شده و آثار و برکات آمرزش خواهی را خواهد دید. بنابراین، با وجود این همه مدارک محکم و روشن، نباید از رحمت و مغفرت خداوند مأیوس بود و از توبه و استغفار دست شست. همچنانکه، نباید به یاوه سرایی عده ای گوش فرا داد، که سر و کار چندانی با دین ندارند و از تحقیق در آیات و روایات - معتبرترین مدارک مفاهیم دینی - بویی نبرده و تنها با خطور اشکالی به ذهن خویش، تیشه به ریشه مقدسات مذهبی زده و دوستان امیرالمؤمنین (علیه السلام) را از بازگشت به سوی خدا و امام زمان (علیه السلام) باز داشته و از آمرزش خداوند مأیوس می سازند. ۱- مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۱۹. ۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۳۰۹. ۳- مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۱۸. ۴- مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۱۸۸. ۵ و ۶- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۲. ۷- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۴. ۸- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۹. ۹- کافی، ج ۲، ص ۵۶۷. ۱۰- کافی، ج ۲، ص ۵۰۴؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۷۶؛ بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۱۹۰. ۱۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۰۹؛ من لایحضر الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۸. ۱۲- بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۴۰۷. ۱۳- بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۲۸۱.

اثر نوشتن استغفار روی انگشتر

محبوبیت استغفار، پیش خداوند به حدی است که نوشتن جمله «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» به ضمیمه دو ذکر دیگر، روی نگین انگشتر، و همراه داشتن آن، نیز دارای آثار و برکاتی است. تا چه رسد به این که این ذکر ورد شب و روز انسان باشد! از جمله آثاری که برای نوشتن این جمله روی نگین انگشتر ذکر گردیده است، رهایی از فقر و تنگ دستی است. محمد بن ابی عمیر، در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند: مَنْ كَتَبَ عَلَى خَاتَمِهِ «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» أَمِنَ مِنَ الْفَقْرِ الْمُدْقِعِ. (۱) هر کس روی انگشترش این عبارت را بنویسد: «آنچه خدا بخوهد (همان می شود)، هیچ نیروی نیست مگر به کمک خداوند، از خدا طلب آمرزش می کنم». از فقری که او را خوار و سرافکنده سازد، در امان می ماند. گفتنی است: ظاهر حدیث این است که برای دست یافتن به اثر یاد شده، باید متن عربی اذکار نوشته شود. اثر دیگر نوشتن این اذکار روی انگشتر عقیق، اینست: اگر کسی تربت قبر مطهر امام حسین (علیه السلام) را با آدابی که امام باقر (علیه السلام) برای جابر ذکر می کنند، بردارد و سپس آن را با انگشتر عقیقی که ذکر شریف «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ»، روی آن نوشته شده است، مهر کند؛ چنین تربتی باعث شفای هر مرضی خواهد بود. (۲) ۱- وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۰۲. ۲- بحار الأنوار، ج ۹۸، ص ۱۳۸، ح ۸۳. در این حدیث امام باقر (علیه السلام) آداب برداشتن تربت قبر امام حسین (علیه السلام) را برای جابر بن یزید جعفری بیان می کنند که شایسته دقت و تأمل است.

سید الاستغفار

پیامبر و اهل بیت پاکش (علیهم السلام) با بیانات وحی گونه خویش راه عذرخواهی از خدا را به شیعیان آموخته اند و در فرصت های مختلف، نسخه های گوناگونی از استغفار را به آنان یاد داده اند که هر یک در جای خود دارای آثار و برکات خاصی است. در میان نسخه های استغفار به بعضی از آن ها با عناوین برگزیده ای اشاره شده است که دارای مزیت و شرافت بیشتری است، و البته سرّ آن برای ما فاش نشده است و تنها با رمز و اشاره بیان گردیده است. بسیار به جاست که راهیان کوی دوست، با دقت و تأمل بیشتر، نکات آن را دریابند و از فیوضات و برکاتش بهره مند گردند. یکی از رموز یاد شده، عنوان سید الاستغفار است که پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله وسلم)، در سخن زیبایی بدان اشاره می کنند. جابر بن عبدالله انصاری گوید: رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: تَعَلَّمُوا سَيِّدَ الْإِسْتِغْفَارِ. آقای استغفار را بیاموزید (و آن را تلاوت کنید). سپس این عبارت را بیان

فرمودند: اللَّهُمَّ أَنْتَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ خَلَقْتَنِي وَأَنَا عَبْدُكَ وَعَلَىٰ عَهْدِكَ وَأَبُوءُ بِنِعْمَتِكَ عَلَيَّ وَأَبُوءُ لَكَ بِذَنْبِي فَاغْفِرْ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ. (۱) خدایا تو پروردگار منی، هیچ معبودی جز تو نیست، تو مرا آفریده‌ای و من بنده توام و بر عهد و پیمان باقی‌ام، به کمک نعمتی که به من دادی زندگی می‌کنم و به گناه خویش اقرار دارم، (خدایا) مرا ببخش که جز تو کسی گناهان را نمی‌بخشد. ۱- مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۱۷.

نماز استغفار

یکی از دستوراتی که در کلمات نورانی پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام)، برای رهایی از مشکلات و نجات از سختی‌ها، بدان سفارش شده است، خواندن نماز استغفار است که دارای آثار و برکات فراوانی است و کیفیت آن بدین صورت است: دو رکعت، و در هر رکعت بعد از حمد سوره قدر خوانده می‌شود و پس از آن پانزده مرتبه استغفار گفته می‌شود، و سپس به رکوع رفته و بعد از ذکر رکوع ده مرتبه استغفار و پس از برخاستن از رکوع و قبل از رفتن به سجده همین ذکر ده مرتبه، و پس از ذکر سجده ده مرتبه، و بعد از برخاستن از سجده اول ده مرتبه، و در سجده دوم بعد از ذکر سجده باز ده مرتبه، و پس از برخاستن از سجده دوم نیز ده مرتبه استغفار گفته می‌شود. رکعت دوم نیز به همین صورت به جا آورده می‌شود. این نماز شبیه نماز جعفر طیار است با این تفاوت که دو رکعت است و در هر رکعت بعد از حمد سوره قدر تلاوت می‌شود و به جای تسبیحات اربعه، در هر جا به تعداد خاصی که ذکر گردید، استغفار گفته می‌شود. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در فضیلت این نماز می‌فرماید: إِذَا رَأَيْتَ فِي مَعَاشِكَ ضَيْقًا وَ فِي أَمْرِكَ إلتِيَاثًا فَأَنْزِلْ حَاجَتَكَ بِاللَّهِ تَعَالَىٰ وَ جَلًّا، وَلَا تَدْعُ صِلَاةَ الْإِسْتِغْفَارِ. هر زمان در روزی خود تنگی و سختی دیدی و در کار خویش پراکندگی و از هم پاشیدگی مشاهده کردی، که کار را بر تو مشتبه ساخت؛ حاجت را با خدا در میان گذار و نماز استغفار را رها مکن. سپس نماز را به همان صورت که گذشت توضیح دادند و فرمودند: (اگر این نماز را بخوانی) خداوند کار تو را اصلاح می‌کند انشاءالله. (۱) گفتنی است: برای استغفار در این نماز، صورت خاصی ذکر نشده است. بنابراین هر یک از نسخه‌های استغفار را که در بخش آخر این کتاب آمده است، به عنوان ذکر نماز استغفار می‌توان گفت، هر چند مختصر باشد. ۱- مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۳۰۶.

زمان استغفار

سؤالی که به ذهن بعضی ممکن است خطور کند این است: پس از انجام گناه، فرصت استغفار و عذرخواهی از خداوند، تا چه زمانی برای انسان باقیست؟ باید بگوییم: توبه و بازگشت به سوی خداوند واجب است و وجوب آن فوریت است. به این معنی که شخص گنهکار بلافاصله باید از کردار زشت خویش استغفار کند و از گناهانش دست بکشد و تصمیم جدی بر ترک آن بگیرد. ولی این هرگز به معنای محدودیت زمانی برای استغفار نیست، از مدارکی استفاده می‌شود: کسی که گناه کند و مدت زمانی بر آن بگذرد و از توبه کردن غافل شود، هر زمان که از گناه خود پشیمان شود و تصمیم بر ترک گناه بگیرد و دیگر به سوی آن برنگردد و سپس استغفار کند، خدای مهربان او را می‌بخشد و از سر تقصیرش در می‌گذرد. (۱) از سوی دیگر از بعضی روایات استفاده می‌شود: از زمانی که انسان گناه می‌کند، تا هفت ساعت بیشتر برای استغفار و عذرخواهی از خداوند مهلت ندارد و چنانچه استغفار نکند، گناه در نامه عملش ثبت می‌شود. (۲) جمع بین این دو دسته روایات، به این است: مهلت هفت ساعت برای این است که گناه در نامه عمل انسان ثبت نگردد. یعنی اگر قبل از هفت ساعت استغفار و توبه کند اصلاً گناهی در نامه عمل او نوشته نمی‌شود. ولی چنانچه توبه و عذرخواهی نکند، گناه نوشته می‌شود و اگر بعد از هفت ساعت توبه کند و اصرار در طلب آمرزش از خدا نماید امید می‌رود که آنچه برایش نوشته شده است از نامه عملش پاک گردد. امام صادق (علیه السلام) در

حدیثی می‌فرمایند: مؤمن بعد از گذشت بیست سال به یاد گناهش افتاده و از آن استغفار می‌کند و خدا او را می‌بخشد. در حالی که کافر همان ساعتی که گناه می‌کند، گناه خویش را از یاد می‌برد. (۳) از همین روست که امیرالمؤمنین (علیه السلام)، از استغفار به عنوان وسیله‌ای برای پاک کردن نامه عمل یاد می‌کنند: تعجب از کسی است که از آمرزش خداوند ناامید گشته است، در حالی که با او وسیله پاک کننده است. شخصی سؤال کرد: پاک کننده چیست؟ امام (علیه السلام) فرمودند: استغفار. (۴) رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز به استغفار خاصی اشاره کرده و می‌فرمایند: هر کسی هر روز بعد از نماز عصر، روزی یک بار آن را تلاوت کند، خداوند به دو ملک مأمور او دستور می‌دهد، نامه عمل زشت او را، هر چه هست پاره کنند. (۵) گفتنی است: هر چه استغفار انسان به گناهش نزدیکتر باشد، سریع تر به آمرزش خداوند دست می‌یابد و چنانچه قبل از هفت ساعت استغفار و توبه کرده باشد، از عقوبت‌های گناه در دنیا نیز در امان می‌ماند. در حالی که اگر هفت ساعت بر او گذشت و توبه و استغفاری نکرد، گناه در نامه عملش ثبت می‌شود و چنانچه بعد از گذشت زمانی رو به توبه و استغفار آورد، ممکن است بعد از دیدن بلاهایی در دنیا از قبیل فقر، مرض، قرض و ناراحتی‌هایی از این قبیل، توبه اش پذیرفته و گناهش آمرزیده شود. پس چه بهتر که اگر گناهی از ما سر زد، بلافاصله توبه و استغفار کرده و ندامت خود را به خدای خویش اظهار کنیم، تا هم گناهی در نامه عملمان ثبت نگردد و هم علاوه بر مصونیت از عذاب‌های حتمی خداوند در آخرت، از عقوبت‌ها و بلاهای احتمالی او در دنیا، نیز محفوظ بمانیم. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در سخنی زیبا و نورانی می‌فرمایند: خوشا به حال بنده‌ای که از گناهی استغفار کند که کسی جز خودش از آن باخبر نیست. به راستی مثل استغفار به دنبال گناه، مثل آبی را ماند که روی آتش ریخته می‌شود و آن را خاموش می‌کند. (۶) ۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۷۱، باب ۲۰۸۶- کافی، ج ۲، ص ۴۳۴؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۶۴-۳- کافی، ج ۲-۴- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۷۷-۵- مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۲۰. متن این استغفار را در بخش «انواع استغفار و برکات آنها» در همین کتاب صفحه ۲۳۸، ملاحظه فرمایید. ۶- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۲۴.

استغفار بهترین هدیه برای اموات

اموات و کسانی که دستشان از این عالم خاکی کوتاه گشته، سخت در انتظارند که هدیه‌ای برای آن‌ها از سوی دوستان و بستگانشان فرستاده شود. و هیچ هدیه‌ای شادی بخش تر از طلب آمرزش برای آنان نیست. آری، استغفار بهترین هدیه و برترین سوغاتی برای مردگان است که همچون نسیم خنک و دلپذیری، در صحرایی سوزان و بی آب و علف، بر پیکر خسته انسانی از پا افتاده میوزد و روحی تازه به او می‌بخشد. طلب آمرزش برای گناهانِ اموات به سان آب سرد و گوارایی است که جگر سوخته لب تشنگان را مرهم می‌بخشد و جان از دست رفته آنان را به ایشان باز می‌گرداند. امیرالمؤمنین (علیه السلام) حدیث زیبایی را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در این زمینه روایت می‌کنند که آن حضرت فرمودند: مَا أُهْدِيَ إِلَى الْمَيِّتِ هَدِيَّةً وَلَا أُتِحِفَ تُحْفَةً أَفْضَلَ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ. (۱) هیچ چیزی به شخص مرده هدیه نمی‌گردد و هیچ سوغاتی برای او برده نمی‌شود که برتر از استغفار و طلب آمرزش باشد! همان گونه که انسان از هدیه دوستان و بستگان خویش شادمان می‌گردد، اموات و مردگان نیز از استغفار برای آنان شاد و خوشحال می‌شوند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در تشبیه زیبایی به این نکته اشاره می‌کنند: إِنَّ الْمَيِّتَ لَيَفْرَحُ بِالتَّرْحُمِ عَلَيْهِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ كَمَا يَفْرَحُ الْحَيُّ بِالْهُدْيَةِ تَهْدِي إِلَيْهِ. (۲) به راستی، که ترحم بر مرده و آمرزش طلبیدن برای او باعث خوشحالی او می‌گردد همان گونه که انسان زنده از هدیه‌ای که برایش برده می‌شود خشنود می‌گردد. این بدان جهت است که علت اساسی گرفتاری مؤمن در عوالم بعد از مرگ، گناهان و اعمال ناشایست اوست. و یکی از دعاهاى مستجاب، دعا در حق برادر یا خواهر مؤمن است، مخصوصاً که استغفار، خود نیز جامع ترین و بهترین دعای مستجاب شمرده می‌شود و به

مجرد این که شخصی برای آمرزش شیعه گنهکاری که از دنیا رفته است، دعا می کند، خداوند گناه او را می بخشد و از عقوبتش صرف نظر می کند و این خود باعث نجات مؤمن از گرفتاری های عالم برزخ است. پس هیچ هدیه ای برای او بالاتر از این نیست که کسی با دعا و استغفارش بلاها و عذاب های سخت آن عالم را از او دور کند و مقدمات آسایش، امتیث و ورود به بهشت را برایش فراهم سازد، به همین خاطر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرمایند: **قَدْ أُمِرْتُ أَنْ أَسْتَغْفِرَ لِأَهْلِ الْبُقْعِ**. به من دستور داده شده است که برای ساکنان در بقیع استغفار و طلب آمرزش کنم. آری رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در لحظات آخر عمرشان با گامهایی لرزان در حالی که با یک دست به امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) تکیه کرده بودند و دست دیگرشان را بر فضل بن عباس نهاده بودند، خود را به بقیع رساندند و بر خفتگان آن دیار سلام دادند، سپس برایشان استغفار کرده، و مدتی طولانی از خدا برای آنان طلب آمرزش و بخشش نمودند. (۳) از این فرمان خداوند به برترین پیامبر خویش و عمل آن حضرت، آن هم در آخرین مرض آن بزرگوار که منجر به رحلت جان سوز حضرتش گشت، استفاده می شود که استغفار برای مردگان و دوستان امیرالمؤمنین (علیه السلام) مخصوصاً در قبرستان مسلمین، سنت مؤکدی است که برای همه دوستان حضرتش، شایسته پیروی است. و برکات فراوانی را برای استغفار گویان و مردگانی که برایشان طلب آمرزش می شود، به ارمغان خواهد آورد. ۱- الجعفریات، ص ۲۸۸. ۲- عوالی اللئالی، ج ۲، ص ۵۳. ۳- ارشاد القلوب دیلمی، ج ۱، ص ۳۳.

استغفار برای پدر و مادر

یکی از حقوقی که پدر و مادر بر فرزند خویش دارند این است که در زمان حیات و بعد از مرگشان، برای آن ها استغفار کند. خداوند برای بیان اهمیت این مطلب به استغفار پیامبر اولوالعزم خویش، حضرت ابراهیم (علیه السلام)، برای پدر و مادرش، اشاره می کند: **(رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ)**. (۱) پروردگارا! من و پدر و مادرم و تمام مؤمنین را روزی که همه در برابر تو برای حساب می ایستند، ببخش و بیامر. در جای دیگر خداوند طلب آمرزش پیامبر بزرگ خویش حضرت نوح (علیه السلام) را برای پدر و مادرش، چنین بازگو می کند: **(رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنَاتِ)** (۲) ای پروردگارم، من و پدر و مادرم و هر کس که با ایمان (به تو) داخل خانه ام می شود و همه مردان و زنان با ایمان را ببخش و بیامر. از این آیات و مدارک بسیار دیگری استفاده می شود: استغفار فرزند برای پدر و مادر، مخصوصاً بعد از مرگ آنان ارزش والایی در پیشگاه خداوند دارد و باعث آمرزش و نجات آنان از گرفتاری های عالم برزخ و قیامت می شود، و برکات فراوانی را برای خود انسان به ارمغان می آورد. حق پدر و مادر به قدری عظیم است که ترک استغفار برای آنان بعد از مرگشان شدیداً نکوهش شده است و چنانچه با علم و آگاهی باشد، به عاق والدین منجر می گردد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند: **إِنَّ الرَّجُلَ يَكُونُ بَارًا بِوَالِدَيْهِ وَهُمَا حَيَّانٍ فَإِذَا مَاتَا وَلَمْ يَسْتَغْفِرْ لَهُمَا كَتَبَ عَاقًا لَهُمَا، إِنَّ الرَّجُلَ يَكُونُ عَاقًا لَهُمَا فِي حَيَاتِهِمَا فَإِذَا مَاتَا وَ أَكْثَرَ الْإِسْتِغْفَارَ لَهُمَا كَتَبَ بَارًا**. (۳) به راستی، مردی در زمان حیات پدر و مادرش فرزند نیکوکاری است و به آنان احسان و نیکی می کند، ولی زمانی که (پدر و مادرش) می میرند و برایشان استغفار نمی کند، نام او در زمره کسانی ثبت می شود که عاق والدین و آزار دهنده پدر و مادرشان بوده اند. و شخصی در زمان حیات پدر و مادرش آنان را آزار می داده است، اما بعد از مرگشان فردی نیکوکار نوشته می شود، زیرا برای والدین خود زیاد استغفار کرده و آمرزش طلبیده است. ۱- سوره ابراهیم، آیه ۴۱. ۲- سوره نوح، آیه ۲۸. ۳- کافی، ج ۲، ص ۱۶۳.

استغفار برای مردان و زنان مؤمن

یکی از دعا‌های مستجاب، دعا برای آمرزش برادران و خواهران مؤمن به ویژه کسانی است که حقی بر گردن انسان دارند. طلب

آمزش برای دوستان و شیعیان امیرمؤمنان (علیه السلام)، علاوه بر اینکه درخواستی است قرین اجابت، برکات فراوانی نیز برای دنیا و آخرت دعا کننده به همراه دارد. بی جهت نیست که در سحرگاهان، ساعت استجاب دعا و مهم ترین وقت استغفار، سفارش اکید بر طلب آمزش برای چهل مؤمن در قنوت « نماز وتر » شده است. همچنین در مورد کسی که بر گردن انسان حقی پیدا کرده - مثل آنکه دانشی را به انسان آموخته باشد -، و یا توسط انسان حقّ او ضایع شده - مثل اینکه غیبت کسی را کرده و رضایت طلبیدن از او مفسده انگیز باشد - به آمزش خواهی برای آنان به خصوص دستور داده شده است. این ها بدان خاطر است که حق مؤمن عظیم است و رعایت حرمت او لازم و دعا، باعث اداء برخی از حقوق فراوان او می گردد. و چنین است که یکی از صفات شایسته بندگان صالح خدا، دعا برای آمزش برادران و خواهران مؤمن شمرده شده است. خداوند زبان حال آنان را این گونه بیان می کند: (رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ) (۱) پروردگارا! ما و برادرانمان را که در ایمان بر ما پیشی گرفته اند، بیامرز، و در دل هایمان حسد و کینه ای نسبت به مؤمنان قرار مده. پروردگارا، تو دلسوز و مهربانی. دعا برای آمزش مردان و زنان مؤمن آنقدر با ارزش و پر برکت است که فرشتگان آسمان نیز بدین واسطه به خدا تقرب می جویند. خداوند، حال آنان را چنین توصیف می فرماید: (الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ) (۲) فرشتگانی که حاملان عرشند و آنها که گرداگرد آن (طواف می کنند) تسبیح و حمد پروردگارشان را می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می کنند (و می گویند) : پروردگارا! رحمت و علم تو همه چیز را فرا گرفته، پس کسانی را که توبه کرده و راه تو را پیروی می کنند بیامرز، و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار. در زیارت جامعه ائمه المؤمنین (علیهم السلام)، از این مطلب با صراحت و روشنی بیشتری یاد شده است. در فرازی از آن می خوانیم: « بَلْ يَتَقَرَّبُ أَهْلُ السَّمَاءِ بِحُبِّكُمْ وَبِالْبُرْآنَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَتَوَاتُرِ الْبُكَاءِ عَلَى مُصَابِكُمْ وَالِاسْتِغْفَارِ لِشِعْتِكُمْ وَمُحِبَّتِكُمْ ». (۳) بلکه اهل آسمان (فرشتگان) با محبت شما و بیزاری جستن از دشمنان شما و گریه های پی در پی بر مصابیتان و استغفار برای شیعیان و دوستانتان، به خدا تقرب می جویند. نه تنها فرشتگان مقرب خدا با دعا برای مؤمنان، به خدا تقرب می جویند، بلکه روش انبیاء مرسل و الوالعزم خدا نیز، بر این بود که با دعا برای آمزش زنان و مردان با ایمان، خود را به خدای خویش نزدیک می ساختند! سخن پیامبر خدا، حضرت نوح (علیه السلام)، در این باره شنیدنی است که می گفت: (رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ) (۴) پروردگارا! مرا و پدر و مادرم و تمام کسانی را که با ایمان وارد خانه من شدند، و همه مردان و زنان با ایمان را بیامرز. ۱ - سوره حشر: آیه ۱۰. ۲ - سوره غافر: آیه ۷. ۳ - مفاتیح الجنان، زیارت جامعه ائمه المؤمنین (علیهم السلام) مصباح الزائر، سید بن طاووس، ص ۴۶۲. ۴ - سوره نوح: آیه ۲۸.

برکات دعا برای مؤمنین و مؤمنات

از مجموع آیات و روایات استفاده می شود که دعا برای آمزش مؤمنین و مؤمنات، آثار بسیار دارد. ما به فهرستی از آن اشاره می کنیم تا خوانندگان محترم به ارزش والای آن پی برده و از برکات آن بهره گیرند و نگارنده را مشمول دعای خیرشان فرمایند: برای مؤمنین و مؤمنات دعا کردن ۱ - غم و اندوه را برطرف و گرفتاری را از بین می برد. (۱) ۲ - روزی انسان را زیاد می کند. (۲) ۳ - بلا و سختی را از انسان دور می سازد. (۳) ۴ - باعث استجاب همان دعا در حق دعا کننده می شود. (۴) ۵ - دعا کننده، فردای قیامت به شفاعت کسانی که بر ایشان دعا کرده از آتش و عذاب خداوند نجات می یابد. (۵) ۶ - به پاداش دعایی که کرده، از صدهزار تا یک میلیون برابر دست می یابد. (۶) ۷ - دعای او در حق خودش مستجاب می شود. (۷) ۸ - فرشته مأموری برایش دعا می کند. (۸) ۹ - از طرف هر مؤمنی که برایش دعا کرده، حسنه ای برای دعا کننده نوشته می شود. ۹ در انتهای این بحث، برای

روشن شدن چگونگی و تعداد استغفار در روز برای برادران و خواهران مؤمن، به دو روایت اشاره می‌کنیم تا مشوق و راهگشای کسانی باشد که در جست و جوی انواع بیشتر آمرزش خواهی و فیوضات فراوان آنند. عبدالله بن سنان حدیثی را از امام صادق (علیه السلام) چنین روایت می‌کند: هر کس روزی بیست و پنج مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ». خداوند به تعداد همه مؤمنانی که از دنیا رفتند و هر مرد و زن با ایمانی که تا روز قیامت خواهند آمد، برای او حسنه نوشته، گناه پاک کرده و درجه بالا می‌برد. (۱۰) امام صادق (علیه السلام) در حدیثی، سخن دربار پیامبر (صلی الله علیه و آله) را چنین نقل می‌کنند: هر مرد و زن با ایمانی - که از اول روزگار آمده و یا تا روز قیامت می‌آیند - شفیع کسی خواهند بود که در دعایش بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ». به راستی، روز قیامت (از طرف خداوند) دستور می‌آید بنده ای را به سوی آتش برند، پس او به سوی آتش کشیده می‌شود. ناگاه مردان و زنان مؤمنی که این شخص برایشان دعا کرده، به درگاه خداوند عرضه می‌دارند: پروردگارا، این شخص (در دنیا) برای ما دعا می‌کرد، شفاعت ما را درباره او بپذیر (و او را از آتش نجات بده). خداوند، شفاعت آنان را درباره او پذیرفته و او نجات می‌یابد. (۱۱) با توجه به آثار و برکاتی که دعا برای مؤمن در دین و دنیای انسان دارد، بسیار بجاست که شیعیان و چشم‌انتظاران امام عصر عجل الله فرجه، هر زمان دست به دعا برداشتند قبل از هر چیز برای تعجیل فرج مولای مظلومشان دعا کرده و سپس برای آمرزش گناهان خود و دیگر مؤمنان به حضرتش استغفار کنند، تا به استجاب دعا دست یابند. ۱ و ۲ - بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰. ۳ - بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۸۷، ح ۱۹. ۴ - کافی، ج ۲، ص ۵۰۷، ح ۳. ۵ - کافی، ج ۲، ص ۵۰۷ و ۵۰۸. ۶ - بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۸۷، ح ۱۹. ۷ - بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۸۴. ۸ و ۹ - بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۸۷. ۱۰ - وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۱۴. ۱۱ - وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۱۴.

شروع و ختم استغفار با صلوات

یکی از نکاتی که در استغفار برای خود یا دیگران باید رعایت کرد، فرستادن صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) قبل از استغفار و بعد از آن است. زیرا استغفار دعا برای آمرزش خود و دیگران است و یکی از شرایط استجاب هر دعایی فرستادن صلوات در ابتدا و انتهای آن است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در حدیث دُرر باری به این مطلب تصریح می‌کنند: لَا تَجْعَلُونِي كَقَدْحِ الزَّائِبِ، فَإِنَّ الزَّائِبَ يَمْلَأُ قَدْحَهُ فَيَشْرِبُهُ إِذَا شَاءَ، إِنْ جَعَلُونِي فِي أَوَّلِ الدُّعَاءِ وَفِي آخِرِهِ وَفِي وَسْطِهِ. (۱) مرا مثل ظرف آب کسی که سوار مرکب است قرار ندهید چرا که شخص سواره ظرف آبش را پر می‌کند و هر گاه خواست از آن می‌آشامد، بلکه مرا در ابتدا و انتها و وسط دعا قرار دهید. گویا مقصود پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) از این سخن آن است: آن گونه که عادت سواران است که ظرف آب را در انتهای مرکب خویش، پشت سر، میان خورجین می‌نهند و هر گاه بدان احتیاج پیدا کرده سراغش می‌روند؛ با من رفتار نکنید. بلکه یاد من و صلوات بر من و آل مرا در ابتدا، انتها و وسط دعای خویش بیاورید، تا دعایتان مستجاب گردد و از برکات آن کاملاً برخوردار شوید. امام صادق (علیه السلام) در حدیث پرباری، با صراحت بدین مطلب سفارش می‌کنند: هر کس حاجتی به سوی خدا دارد، باید با صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) شروع کند، سپس حاجتش را بخواهد و در انتهای دعا نیز صلوات بفرستد. به راستی خداوند، کریم تر از آن است که ابتدا و انتهای دعایی را بپذیرد، اما وسط دعا را رها کند و نپذیرد. چرا که، صلوات بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) از درگاه خدای متعال محبوب نمی‌ماند (و مستجاب می‌گردد). (۲) در حدیث دیگری آن حضرت، صلوات فرستادن را یکی از علل عدم استجاب دعا می‌شمارند: لا- يَزَالُ الدُّعَاءُ مَحْجُوبًا عَنِ السَّمَاءِ حَتَّى يُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ (علیهم السلام). (۳) «هر دعایی دائماً از آسمان محجوب است (و بالا نمی‌رود)، مگر آن که (در کنار آن) بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) صلوات فرستاده شود. پس با توجه به این که استغفار بهترین دعا است و دارای آثار و برکات فراوانی است، خوب است که آن را با صلوات شروع کنیم و با

صلوات نیز پایان دهیم؛ تا از برکت پیامبر و آلش (علیهم السلام) به تمام خواص مادی و آثار معنوی استغفار دست یابیم. مخصوصاً که صلوات خود یکی از عوامل مهمّ آمرزش و ریزش گناهان است. امام رضا (علیه السلام) در سخن زیبایی می فرماید: مَنْ لَمْ يَمْدِدْ عَلَيَّ مَا يُكَفِّرُ بِهِ ذُنُوبَهُ، فَلْيَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فَإِنَّهَا تَهْدِيكُمْ الدُّنُوبَ هِدْمًا. (۴) هر کس قدرت ندارد، کاری کند که کفاره گناهانش باشد (و بار عقوبت گناه را از دوشش بردارد) باید بر محمد و آل محمد (علیهم السلام) زیاد صلوات بفرستد. مسلماً، صلوات، گناهان را نابود می سازد بگونه ای که اثری از آن نمی ماند. ۱- کافی، ج ۲، ص ۴۹۲؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۹۴؛ بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۱۶. ۲- بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۱۶. ۳- بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳۱۲؛ زامالی طوسی، ج ۲، ص ۲۷۵. ۴- بحار الأنوار، ج ۹۱، ص ۶۳.

گفتار هفتم: برترین اوقات استغفار

مقدمه

در طول ساعات شبانه روز، ساعات خاصی به عنوان بهترین ساعات استغفار؛ و در طول هفته، شب و روز خاصی به عنوان برترین روزها برای طلب آمرزش از خداوند؛ و در طول سال، ماه های خاصی به عنوان بهترین ماه برای استغفار و عذرخواهی از پروردگار، یاد شده اند که باید غنیمت شمرده شوند. اگر این اوقات را دوران طلایی عمر انسان بنامیم، با توجه به آثار گرانبهایی که این ذکر مبارک دارد، سخن گزافی نگفته ایم. بلکه گفتار زیبایی است که ریشه در قرآن و کلمات نورانی پیامبر و اهل بیت (علیهم السلام) دارد. و کسی که طالب کمال و معنویت و در جستجوی کیمیای سعادت است باید از این فرصت های طلایی، استفاده کند و دل و جان خویش را بدان مزین سازد.

سحر هر شب

یکی از اوقاتی که استغفار در آن، از ارزش والایی برخوردار است و آثار پر باری را برای دین و دنیای انسان به ارمغان می آورد، وقت سحر است. خداوند در تعریف از بندگان صالح خویش می فرماید: (كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ * وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ) (۱) متّقین در دنیا چنین بودند که کمی از شب را می خوابیدند، و در سحرگاهان استغفار می کردند. روش همه انبیا، اوصیا و اولیای خدا نیز بر این بوده که استغفار سحرگاه آنان ترک نگردد؛ چون نیک در یافته بودند که هر کس به جایی رسیده است از بیداری ثلث آخر شب و استغفار در سحر بوده است. امام صادق (علیه السلام)، در حدیثی نورانی به جایگاه و تعداد استغفار در این ساعت، اشاره می کنند، تا شیعیان و دوستانشان از برکات این ساعات محروم نگردند و از این فیض بزرگ بی بهره نباشند حضرتش می فرماید: إِسْتِغْفِرِ اللَّهَ فِي الْوَتْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً. (۲) در (قنوت) نماز و تر هفتاد مرتبه از خدا طلب آمرزش نما، استغفار کن. هنگامی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) برای مناجات با خدا در این ساعت برمی خاستند در قنوت نماز و تر خود هفتاد مرتبه به خداوند عرض می کردند: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ». (۳) از پروردگارم طلب آمرزش می کنم و به سوی او باز می گردم. امام رضا (علیه السلام) استغفار نماز و تر خویش را بدین صورت می گفتند: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ». (۴) از خدا طلب آمرزش می نمایم و از او درخواست توبه دارم. و برای تشویق شیعیان، در فضیلت استغفار سحرگاهان، بخصوص در قنوت نماز و تر، می فرمودند: بر شما باد به خواندن نماز شب، هیچ بنده ای نیست که آخر شب (در برابر خدا) بایستد، هشت رکعت نماز شب بخواند، سپس دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز و تر به جا آورد و در قنوت و ترش، هفتاد بار از خدا آمرزش طلبد و استغفار کند؛ مگر این که از عذاب قبر و عذاب آتش پناه داده می شود، عمرش طولانی می گردد و روزیش

گشایش می یابد. سپس امام رضا (علیه السلام) فرمودند: إِنَّ الْبُيُوتَ الَّتِي يُصَلِّي فِيهَا اللَّيْلُ يَزْهَرُ نُورُهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ الْكُوكَبُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ. خانه هایی که در آن نماز شب خوانده می شود (و در سحرگاهش استغفار می گردد) نورش برای اهل آسمان می درخشد، همان گونه که نور ستارگان برای اهل زمین می درخشند. (۵) امام صادق (علیه السلام) در حدیث زیبایی مقام استغفار کنندگان در سحرگاهان را چنین می ستایند: هر کس در قنوت نماز وترش در حالی که ایستاده است، هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» و تا یک سال هر شب بر آن مداومت نماید، نامش جزو «استغفار کنندگان در سحرها» نوشته می شود و بهشت بر او واجب می گردد. (۶) ۱- سورة الذّارّيات، آیه ۱۷-۱۸. ۲- کافی، ج ۳، ص ۴۵۰؛ من لایحضر الفقیه، ج ۶، ص ۴۸۹. ۳- وسائل الشّیعه، ج ۱۶، ص ۸۱. ۴- وسائل الشّیعه، ج ۴، ص ۵۵. ۵- مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۳۶۱. ۶- مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۴۰۷.

بعد از نافله فجر

دوّمین ساعتی که در شبانه روز، برای استغفار و درخواست آمرزش از خداوند تعیین گشته است و از فضایل بالایی برخوردار است، بعد از نافله فجر و قبل از نماز صبح است. امام سجّاد (علیه السلام) مواظبت تامّی بر تلاوت استغفار بعد از دو رکعت نافله فجر داشتند. (۱) پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، استغفاری را برای این ساعت ذکر کرده و برکات فراوانی را برای آن بیان می نمایند: کسی که در این ساعت استغفار کند، خداوند تمام گناهانش را می آمرزد، اگر چه گناهانش آسمان ها و زمین های هفتگانه را پر کرده باشد و به سنگینی کوه ها و تعداد قطرات باران و به عدد آنچه در دشت و دریا است، باشد. و به همین اندازه برایش حسنات نوشته می شود. و هر بنده ای که در شب یا روزی که این استغفار را تلاوت می کند بمیرد، داخل بهشت می گردد، و هیچ گاه فقیر نمی شود. (۲) سپس پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، استغفار خاصی را برای این ساعت ذکر می کنند. (۳) امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این ساعت هفتاد مرتبه از خدا طلب آمرزش می کردند، و در هر بار استغفار خاصی را با مضامینی عالی تلاوت می فرمودند. (۴) توجّه به متن عالی این استغفار ابواب معرفت حق را به روی انسان می گشاید و روشنگر اهمّیت استغفار در این ساعت است. (۵) ۱- بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۳۲۵. ۲- بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۳۲۶. ۳- ما این نسخه استغفار را در بحث انواع استغفار صفحه ۲۵۳ آورده ایم. ۴- بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۳۲۶؛ بلد الامین، ص ۳۸. ۵- ما در بحث استغفارهای امیرالمؤمنین (علیه السلام) صفحه ۳۰۵ هفتاد فقره زیبای آن را آورده ایم.

بعد از نماز صبح

سومین ساعتی که در طول شبانه روز به استغفار در آن سفارش اکید شده است، هر روز بعد از نماز صبح است. برای استغفار در این ساعت، آثار پر باری ذکر شده است. امام باقر (علیه السلام) در سخنی زیبا می فرماید: هر کس بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه از خدا آمرزش طلبیده و استغفار کند، خداوند او را می بخشد؛ اگر چه در آن روز بیش از هفتاد هزار گناه کند! (۱) ۱- بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۱۱۱.

بعد از نماز عصر

چهارمین زمانی که در طول شبانه روز، برای استغفار و عذرخواهی از خداوند، تعیین شده است و ثواب زیادی برای آن ذکر گردیده است، بعد از نماز عصر است که دارای برکات فراوانی است. امام صادق (علیه السلام) در فضیلت استغفار در این ساعت می فرماید: هر کس بعد از نماز عصر، هفتاد مرتبه استغفار کند و از خدا آمرزش طلبد، خدا در آن روز هفت صد گناه او را می

آمرزد، و اگر خودش گناهی نداشته باشد، گناه پدرش را می‌آمرزد، و اگر پدرش هم گناهی نکرده باشد، گناه مادرش را می‌آمرزد و چنانچه مادرش هم بی‌گناه باشد، گناه برادرش را می‌بخشد؛ و اگر برادرش هم گناهی نداشته باشد، خدا گناه خواهرش را می‌بخشد؛ و اگر برای خواهرش هم گناهی نباشد، گناه سایر اقوام و بستگانش را، هر کدام که نزدیکتر به او باشند و گناهی داشته باشند می‌آمرزد. (۱) ۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۸۲.

هنگام خواب

پنجمین وقتی که نسبت به استغفار در آن سفارش شده و از عوامل ریزش گناهان، همچون افتادن برگ درختان، شمرده شده است؛ هنگام خواب است. امام صادق (علیه السلام) در اهمیت توجه به خدا و طلب آمرزش از آن ذات مهربان در این ساعت می‌فرماید: اگر کسی هنگامی که برای استراحت و خوابیدن، به بستر می‌رود صد مرتبه بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» خدا خانه‌ای در بهشت برایش بنا می‌کند. و اگر صد مرتبه از خدا آمرزش طلبیده و استغفار کند، گناهانش می‌ریزد همان گونه که برگ‌های درخت می‌ریزد. (۱) ۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۹.

بعد از گفتن تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام)

ششمین ساعتی که در شبانه روز، برای استغفار مطلوب دانسته شده و بدان تأکید شده است، بعد از گفتن تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) است که مایه ریزش گناه و دست یافتن به برکات استغفار است. محمد بن مسلم گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمودند: هر کس تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام) را گوید و سپس استغفار کند، تمام گناهانش آمرزیده می‌شود. این تسبیح در زبان صد تسبیح، و در میزان هزار تسبیح به حساب می‌آید، شیطان را دور می‌سازد و خدای رحمان را خشنود می‌کند. (۱) ۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۲.

بعد از نماز واجب

هفتمین موردی که به استغفار در آن سفارش شده است و عامل ریزش همه گناهان به حساب آمده، بعد از هر نماز واجب است. امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: هر کس بعد از نماز واجب، قبل از آن که از حال نماز خارج شده و پایش را تکان دهد؛ سه مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَآتُوبُ إِلَيْهِ». (۱) خداوند همه گناهانش را می‌بخشد، اگر چه به اندازه کف دریا باشد. ۱- کافی، ج ۲، ص ۵۲۱.

سحر شب جمعه

علاوه بر ساعات شبانه روز، در طول هفته نیز به استغفار در شب و روز خاصی سفارش و تأکید شده است که شایسته دقت و بهره‌جستن هستند. مهمترین شبی که در طول هفته به استغفار در آن سفارش شده است، شب جمعه و مخصوصاً سحر آن است. صرف نظر از آیات و روایاتی که برای بیداری در ثلث آخر شب و استغفار در سحر آثار پر باری نقل می‌کند و بیانگر مواظبت تام انبیا، اوصیا و اولیای خدا، نسبت به استغفار در سحرگاهان است؛ در روایات برای شب جمعه و بیداری در سحر آن، ارزش و بهای مضاعفی ذکر شده است و تأکید بیش از حدی، نسبت به بیداری و مناجات با حق طلب آمرزش از خداوند، در این شب دیده می‌شود. (۱) انبیای عظام الهی (علیهم السلام) با این که دارای مقام استجاب دعا بودند ولی اگر از آن‌ها تقاضای دعایی می‌شد به شب جمعه و سحر آن موکول می‌کردند. برادران یوسف، وقتی برای عذرخواهی از ظلمی که به یوسف روا داشتند، خدمت

پدرشان حضرت یعقوب (علیه السلام) رسیدند و از او خواستند که برای آنان استغفار کند؛ یعقوب در جواب گفت: سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي. بزودی برایتان به سوی پروردگرم استغفار می کنم. امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه می فرماید: یعقوب (علیه السلام)، استغفار برای فرزنداناش را به خاطر درک سحر جمعه به تأخیر انداخت. (۲) ۱- ما در کتاب «اسرار فضایل فاطمه (علیها السلام)» به مناسبت اهمیت دادن فاطمه (علیها السلام) به دعا و مناجات با خدا در شب و روز جمعه و دعا برای برادران و خواهران دینی خویش، روایات پربراری را در فضیلت دعا و توجه به خدا در شب و روز جمعه آورده ایم. طالبین می توانند به این کتاب مراجعه کنند. ۲- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۲۲.

صبح جمعه، قبل از نماز صبح

دومین زمانی که در طول هفته، برای استغفار در آن ثواب خاصی در نظر گرفته شده است و برکاتی را متوجه انسان می سازد، روز جمعه بعد از دو رکعت نافله فجر و قبل از نماز صبح است. ابی حمزه گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم می فرمودند: هر کس بعد از دو رکعت نافله ای که قبل از نماز صبح در روز جمعه می خواند، صد مرتبه بگوید: سُبْحَانَ رَبِّيَ وَبِحَمْدِهِ وَأَسْتَغْفِرُ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ. خداوند منزلی در بهشت، برای او بنا می کند. (۱) ۱- بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۱۸.

عصر جمعه

سومین وقتی که در طول هفته از ارزش خاصی برخوردار است و به استغفار در آن سفارش اکید شده است، عصر جمعه است. از روایات زیادی استفاده می شود که روز جمعه همچون شب جمعه، دارای فضیلت و شرافت است و امامان معصوم (علیهم السلام) شیعیان خویش را به دعای در ساعات آن دعوت کرده اند؛ و یکی از اوقات استجاب دعا، عصر جمعه شمرده شده است. امام صادق (علیه السلام) در فضیلت استغفار در عصر جمعه می فرماید: کسی که بعد از عصر روز جمعه (هنگام غروب آفتاب)، هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» خداوند همه گناهان گذشته اش را بیامزد و در باقی مانده عمرش او را از گناه حفظ کند و اگر گناهی برایش ثبت نشده باشد گناه پدر و مادرش را می آمرزد. (۱) ۱- بحار الأنوار، ج ۸۷، ص ۹۱.

ماه رجب

در میان ماه های سال، از ماه های خاصی به عنوان ماه استغفار و روی آوردن به خداوند برای طلب آمرزش، یاد شده است. و می توان این ماه ها را بهار مغفرت الهی نامید. در این میان، ماه رجب دارای فضایل زیادی است و نسبت به عبادت و استغفار در آن، تأکید فراوانی شده است. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم)، در سخن پر پاری به اهمیت استغفار در این ماه اشاره می کنند: رَجَبُ شَهْرُ الْإِسْتِغْفَارِ لِأُمَّتِي، أَكْثَرُوا فِيهِ مِنَ الْإِسْتِغْفَارِ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ، وَ شَعْبَانُ شَهْرِي، إِسْتَكْتَبُوا فِي رَجَبٍ مِنْ قَوْلِ «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» وَاسْأَلُوا اللَّهَ الْأَقَالَهَ وَالتَّوْبَةَ فِيمَا مَضَى وَالْعِصْمَةَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ آجَالِكُمْ... وَ سِيَّحِي شَهْرُ رَجَبٍ الْأَصْبُ لِأَنَّ الرَّحْمَةَ تُصَبُّ عَلَى أُمَّتِي فِيهِ صَبًّا. (۱) رجب، ماه استغفار و آمرزش طلبیدن برای امت من است. در این ماه زیاد استغفار کنید، که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است. و ماه شعبان ماه من است. در ماه رجب، زیاد بگویید «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» و از خدا بخواهید که از تقصیرتان در گذرد، و توبه شما را نسبت به گذشته بپذیرد، و نسبت به باقی مانده عمرتان شما را از خطا و لغزش نگاه دارد. به ماه رجب، ماه «أَصْب» گفته شده است، زیرا در این ماه، رحمت خداوند پی در پی بر امت من ریزش می کند. در حدیث دیگری پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم)، گفتن استغفار در ماه رجب را (با کیفیت و تعداد خاصی) سبب عاقبت به خیری و عامل دست یافتن به پاداش صد شهید شمرده اند: هر کس در ماه رجب صد بار بگوید: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ. و آن را

با صدقه ای ختم کند ، خداوند عاقبت او را به رحمت و آمرزش خودش ، ختم می فرماید . و هر کس این استغفار را چهار صد بار بگوید ، خداوند پاداش صد شهید را برایش می نویسد و زمانی که در قیامت خدا را ملاقات کند ، خداوند به او می گوید : تو به سلطنت من اقرار کردی ، اکنون هر آرزویی داری از من بخواه تا به تو عطا کنم ، به راستی که قدرتمندی غیر من نیست . (۲) سید بن طاووس در کتاب اقبال گوید : در روایتی چنین آمده است : هر کس در ماه رجب از خدا آمرزش طلبد ، استغفار کرده و از خدا درخواست توبه کند و هفتاد مرتبه در صبح و هفتاد مرتبه در شب بگوید : « اَسْتَعْفِرُ اللَّهَ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ » و بعد از آن که هفتاد مرتبه تمام شد ، دست هایش را بلند کرده و بگوید : « اَللّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَ تُبْ عَلَيَّ » اگر در ماه رجب بمیرد ، در حالی از دنیا رفته است که خدا از او راضی است و از برکت ماه رجب آتش او را فرامی گیرد . (۳) ۱- وسائل الشیعه ، ج ۱۰ ، ص ۵۱۱ بحار الأنوار ، ج ۹۴ ، ص ۳۸ . ۲- وسائل الشیعه ، ج ۱۰ ، ص ۴۸۴ . ۳- وسائل الشیعه ، ج ۱۰ ، ص ۴۸۴ .

ماه شعبان

دومین ماهی که می توان از آن به عنوان بهار استغفار یاد کرد و بهترین عمل در آن را ، استغفار و طلب آمرزش از خداوند دانست / ماه شعبان است . ابراهیم بن میمون گوید : از امام صادق (علیه السلام) سؤال کردم : برترین دعا در ماه شعبان چیست ؟ حضرت فرمودند : استغفار . آن گاه فرمودند : هر کس در ماه شعبان روزی هفتاد مرتبه استغفار بگوید همچون کسی است که در ماه های دیگر ، هفتاد هزار بار استغفار گفته باشد . من گفتم : چگونه در این ماه استغفار کنم ؟ فرمودند : بگو : « اَسْتَعْفِرُ اللَّهَ وَ اَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ » . (۱) در روایات متعددی به استغفار هر روز ماه شعبان تأکید شده است . و برکات فراوانی برای آن ذکر گردیده است . امام رضا (علیه السلام) در حدیث پر باری می فرمایند : هر کس در ماه شعبان ، روزی هفتاد بار استغفار کند ، خداوند روز قیامت او را همراه رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) محشور می گرداند و بر خدا واجب می شود او را گرامی بدارد . (۲) ریان بن صلت در فضیلت استغفار هر روز ماه شعبان حدیث دیگری را از امام رضا (علیه السلام) روایت می کند که از آن حضرت شنیدم می فرمودند : هر کس در ماه شعبان هر روز هفتاد مرتبه بگوید : « اَسْتَعْفِرُ اللَّهَ وَ اَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ » خداوند نامه بیزاری از آتش و جواز عبور از صراط را برایش می نویسد ، و او را در دارالقرار (بهشت) داخل می گرداند . (۳) در سخن زیبای دیگری ، امام رضا (علیه السلام) می فرمایند : کسی که در ماه شعبان هفتاد بار از خدا طلب آمرزش کند ، خداوند گناهانش را می بخشد ، هر چند به تعداد ستارگان باشد . (۴) ۱- وسائل الشیعه ، ج ۱۰ ، ص ۵۱۱ . ۲- بحار الأنوار ، ج ۹۴ ، ص ۷۲ . ۳- بحار الأنوار ، ج ۹۴ ، ص ۹۰ . ۴- بحار الأنوار ، ج ۹۴ ، ص ۹۰ .

ماه رمضان

مهمترین ماهی که در سال به آمرزش طلبی و استغفار در آن سفارش آکید شده است ، ماه مبارک رمضان است . ماهی که ماه رحمت ، مغفرت ، برکت ، انابه ، توبه و ماه آزادی از آتش نام گرفته است . (۱) ماهی که اگر کسی با نیتی پاک و ایمانی راسخ ، سی روزش را روزه بدارد و خدا را در نظر داشته باشد ، همه گناهانش آمرزیده می شود . (۲) ماهی که وقتی فرا می رسید ، امام سجاد (علیه السلام) جز دعا ، تسبیح ، تکبیر و استغفار ، سخن دیگری نمی گفت . (۳) ماهی که در آن ، دست و پای شیطان و مریدانش ، در غل و زنجیر است و درهای آسمان باز ، ابواب رحمت حق گشوده ، درهای جهنم بسته ، و دعای در آن مستجاب است و هنگام افطار گروه های زیادی از آتش آزاد می گردند و در هر شبش منادی خداوند فریاد می زند : هَلْ مِنْ سَائِلٍ ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَعْفِرٍ ؟ آیا سؤال کننده ای هست (که از خدا حاجتی بخواهد) ؟ آیا استغفار کننده ای هست (که از خدا آمرزش طلبد و خدا او را بیامزد) ؟ . (۴) آمرزش خداوند در ماه رمضان آن چنان گسترده است که اگر کسی این ماه را درک کند و اعتقاد و عملش به

گونه ای نباشد که خدا او را بیامزد، از رحمت خدا دور گشته است (۵) و تا سال دیگر آمرزیده نمی شود مگر آن که روز عرفه و صحرای عرفات را درک کند. (۶) دست یافتن به آمرزش خداوند در این بهار مغفرت، به قدری سهل و آسان است که اگر کسی وارد این ماه شود و کاری نکند که خدا او را بیامزد، رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) آن را نشانه شقاوت و بدبختی وی شمرده و می فرماید: **إِنَّ الشَّقِيَّ مِنْ حَرَمِ غُفْرَانَ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْمُبَارَكِ**. (۷) شقی و بدبخت کسی است که از آمرزش خداوند در این ماه مبارک محروم گردد. شکی نیست که بهترین وسیله برای آمرزش، استغفار و طلب آمرزش نمودن از خداوند است. لذا امیرالمؤمنین (علیه السلام) با تأکید هر چه بیشتر به استغفار در این ماه اشاره می کنند: **عَلَيْكُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِكَثْرَةِ الْإِسْتِغْفَارِ وَ الدُّعَاءِ، فَأَمَّا الدُّعَاءُ فَيُدْفَعُ بِهِ عَنْكُمْ الْبَلَاءَ، وَأَمَّا الْإِسْتِغْفَارُ فَيَمْحِي ذُنُوبَكُمْ**. (۸) بر شما باد به زیاد استغفار گفتن و دعا کردن در ماه مبارک رمضان، که دعای زیاد بلا را از شما دور می سازد و استغفار فراوان گناهان شما را نابود می کند. رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) نیز در خطبه ای که قبل از ماه مبارک رمضان ایراد کردند، چنین فرمودند: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ... تَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِكُمْ... أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَوْهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فَفَكُّوْهَا بِاسْتِغْفَارِكُمْ**. (۹) ای مردم، در این ماه از گناهانتان به سوی خدا باز گردید... ای مردم، جان های شما در گرو اعمال شماست. جان های خویش را با استغفاری که می کنید، آزاد و رها سازید. پس با توجه به این که، دعای روزه دار مستجاب و عمل او پذیرفته است (۱۰) و بهترین دعا، استغفار شمرده شده است؛ چقدر زیبا است که ورد شب و روز خویش را، در این ماه نورانی و پر برکت، استغفار و عذرخواهی از خداوند متعال قرار دهیم، تا به همه آثار مادی و برکات معنوی این ذکر مبارک در این ماه آمرزش دست یابیم. از مجموع سخن در این بخش نتیجه می گیریم: استغفار ذکر مبارکی است که زیاد گفتن آن در همه اوقات، محبوبیت دارد و دارای آثار و برکاتی است. ولی در طول سال، ماه، هفته، و ساعات شبانه روز، از زمانهایی به عنوان برترین اوقات استغفار یاد شده است که باید غنیمت شمرده شده و از برکات آن استفاده گردد؛ مخصوصاً بعضی از اوقات که تأکید بیشتری نسبت به آن شده و ثواب آمرزش خواهی در آن چند برابر ذکر شده است. چنانچه در ضمن مدارک یاد شده، ملاحظه گردید. ولی یادآوری این نکته ضروری است که بهترین زمان برای هر دعا و مناجاتی، بخصوص استغفار که بهترین دعا شمرده شده، وقتی است که انسان حال دعا داشته باشد و دل او همراه با زبانش با خداوند راز و نیاز کند. علاوه بر این، از نظر عملی هم ساعاتی را برای دعا انتخاب کند که در آن تقوا را رعایت کرده و نیتش برای روی آوردن به دعا و مناجات، خالص باشد. امام صادق (علیه السلام) در این زمینه سخنی را از جدش امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت می کنند که شنیدنی است. حضرتش می فرماید: **الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ، وَ مَقَالِيدُ الْفَلَاحِ؛ وَ خَيْرُ الدُّعَاءِ مَا صَدَرَ عَنْ صَدْرٍ نَقِيٍّ، وَ قَلْبٍ تَقِيٍّ؛ وَ فِي الْمُنَاجَاةِ سَبَبُ النَّجَاةِ؛ وَ بِالْإِخْلَاصِ يَكُونُ الْخَلَاصُ؛ فَإِذَا اشْتَدَّ الْفَرْعُ فَالِيَ اللَّهُ الْمَفْرُوعُ**. (۱۱) دعاها کلیدهای پیروزی و گنجینه های رستگاری هستند؛ و بهترین دعا، دعایی است که از سینه پاکیزه و دل پرهیزکار برخیزد؛ و مناجات با خدا، سبب نجات و پیروزی است؛ و با اخلاص می توان از سختی ها و مشکلات رهایی یافت؛ و هر زمان هراس و وحشت شدت یافت، پناهگاه (شما) به سوی خداست. ۱- تهذیب، ج ۳، ص ۱۱۱؛ وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۳. ۲- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۳۹۷. ۳- کافی، ج ۴، ص ۱۹۳. ۴- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۰؛ تهذیب، ج ۴، ص ۱۹۳. ۵- وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۰۶. ۶- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۰۵. ۷- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۳. ۸- کافی، ج ۴، ص ۸۸. ۹- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۳-۳۱۴. ۱۰- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۳-۳۱۴. ۱۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۱۳.

گفتار هشتم: انواع استغفار و برکات آنها

انواع استغفار و برکات آنها

یکی از پرسش‌های مهم در زمینه استغفار، این است که: چگونه استغفار کنیم؟ و چه استغفاری مجرب‌تر است، و ما را در دست یافتن به آثار و برکات استغفار زودتر به مقصد می‌رساند؟ پاسخ این سؤال به صورت پراکنده در الهامات پیامبر و اهل بیت پاکش (علیهم السلام) آمده است، و با توجه به موارد گوناگونی که، به تلاوت نسخه‌های متفاوت استغفار سفارش شده، به میزان فهم و ظرفیت اشخاص، برای هر نوع استغفار، آثار خاصی ذکر گردیده است. و هر یک جایگاه ویژه‌ای دارد و اثر خاصی را ایفا می‌کند. و در اکثر موارد آثار مشترکی نیز دارند. این بدان خاطر است که همانگونه که بدن انسان، به غذاها، میوه‌ها، سبزی‌ها و نوشیدنی‌های مختلف احتیاج دارد؛ تا انواع ویتامین‌های لازم بدن تأمین شود. و اکتفا کردن به یک نوع خوردنی یا نوشیدنی، باعث نارسایی‌ها و کمبودهایی در بدن گشته و سلامت جسم او را به خطر می‌اندازد؛ روح بشر نیز محتاج به انواع عبادات، اذکار و ادعیه است؛ که هر نوعی از آن‌ها مکمل نوع دیگر است و از تأثیر آن‌ها در شادابی و سبک‌بالی روح انسان، نباید غافل‌گشت. در مورد استغفار نیز، این مسأله رعایت شده است. از آن‌جا که گناهان انواع مختلفی دارند، هر گناهی استغفاری مخصوص لازم دارد؛ در تعالیم نورانی قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) به تلاوت استغفارهای گوناگونی سفارش شده است. در نسخه‌های استغفار که از معصومین (علیهم السلام) رسیده است، به مناسبت‌های گوناگون نوع خاصی از استغفار ذکر گردیده است که باید قرائت شود. همچنین در بسیاری از موارد، زمان و تعداد آن نیز مشخص شده است. پس شایسته است، انسانی که شیفته کمال و در جستجوی گل‌های هدایت است، در گلستان استغفار قدم گذارده و از هر شاخه‌ای گلی چیده و مشام‌جانش را به انواع عطرهای دل‌انگیز آن‌ها، معطر سازد. در این بخش کتاب، ما ابتدا به نمونه‌های مختلف استغفار و آثار پربار آن اشاره می‌کنیم تا آن دسته از راهیان کوی دوست، که تشنه شربت گوارای بزرگی و کرامت، و دل‌باخته پرواز در آسمان معنویت، و شیفته صعود بر قله‌های بلند کمال و فضیلت هستند؛ با توجه به فرازهای متفاوت این ذکر پربار و تلاوت انواع گوناگونش، هستی خویش را از زندان تاریک گناهان رهاکننده و دل و جان خود را به انوار سخنان نورانی معصومین (علیهم السلام)، روشن سازند. البته در لابلای بحث، به استغفارهای مجرب نیز، اشاره‌ای خواهیم داشت.

استغفاری برای نوشته نشدن گناه در نامه عمل

یکی از انواع استغفار، استغفاری است که با عبارات مختلف در روایات ذکر شده است و کمترین اثر آن جلوگیری از نوشته شدن گناه در نامه عمل انسان است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: کسی که مرتکب گناهی می‌گردد، هفت ساعت به او مهلت داده می‌شود، اگر سه مرتبه گفت: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ». «از خداوند، طلب آمرزش می‌کنم، خدائی که معبودی جز او نیست زنده‌ای ازلی و ابدی و سرپرستی بی‌همتا است؛» آن گناه در نامه عملش نوشته نمی‌شود. (۱) در حدیث دیگر، امام صادق (علیه السلام) همین پاداش را برای این نوع استغفار، با مختصر اضافه‌ای، بیان می‌کنند، متن استغفار در این روایت چنین است: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَآتُوبُ إِلَيْهِ». (۲) «از خداوند، طلب آمرزش می‌کنم، خدائی که معبودی جز او نیست زنده‌ای ازلی و ابدی، سرپرستی بی‌همتا و صاحب جلال و جوانمردی است به سوی او توبه می‌کنم». این اثر در روایتی، برای استغفار دیگری نیز بیان گردیده است، با توجه به این که از نکات ارزنده و زیبایی برخوردار است تمام حدیث را ذکر می‌کنیم. امام صادق (علیه السلام) حدیثی از جدشان رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت می‌کنند که در بخشی از آن رسول خدا (صلی الله علیه وآله) می‌فرماید: بنده تصمیم می‌گیرد عمل نیکی را انجام دهد. اگر بعد از تصمیم، آن را انجام نداد، خدا به خاطر نیت نیکش ثواب یک حسنه برایش می‌نویسد. ولی اگر براساس نیتش عمل کرد ثواب ده حسنه برای او قرار می‌دهد. همین بنده تصمیم می‌گیرد گناهی را مرتکب شود، چنانچه آن را انجام ندهد، هیچ چیز در نامه عملش نوشته نمی‌شود. و اگر مرتکب آن گشت، هفت ساعت مهلت داده می‌شود، فرشته‌مأموری که کارهای نیک

را ثبت می کند، به فرشته مأمور کارهای زشت - که فرشته سمت چپ است - می گوید: عجله نکن شاید پس از گناه، عمل نیکی انجام دهد که آن را از بین ببرد، چرا که خداوند می فرماید: **إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِنُ السَّيِّئَاتِ**. (۳) به راستی، اعمال نیک، اعمال بد را از بین می برد. و شاید توبه و استغفار کند. اگر این بنده بگوید: **«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَالَمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، الْعَفْوُ الرَّحِيمُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَآتُوبُ إِلَيْهِ»**. «از خداوند، طلب آمرزش می کنم، خدائی که معبودی جز او نیست، دانای نهان و آشکار، ارجمند و نیرومند و صاحب حکمت است (نسبت به گناهکاران) بسیار آمرزنده و (نسبت به مؤمنان) بسیار مهربان و صاحب جلالت و جوانمردی است. و به سوی او توبه می کنم؛» چیزی در نامه عملش نوشته نمی شود. ولی اگر هفت ساعت بگذرد، حسنه ای انجام ندهد و توبه و استغفار هم نکند، مأمور حسنات به مأمور سیئات می گوید: **«أُكْتُبُ عَلَى الشَّقِيِّ الْمَحْرُومِ»**. بنویس گناه او را که (بخاطر انجام ندادن عمل نیک و ترک توبه و استغفار) شقی و بدبخت، و از رحمت خدا محروم گردید. (۴) ۱- کافی، ج ۲، ص ۴۳۷. ۲- کافی، ج ۲، ص ۴۳۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۶۵. ۳- سوره اعراف، آیه ۱۱۴. ۴- کافی، ج ۲، ص ۴۲۹ - ۴۳۰.

استغفاری برای بخشش تمام گناهان

استغفار دیگری که امامان (علیهم السلام) بدان سفارش کرده اند، استغفار کوتاهیست که کمترین اثر آن، آمرزش همه گناهان است. امام باقر (علیه السلام) می فرماید: هر کس بعد از نماز واجب و قبل از آن که از حالت نماز خارج شود و پایش را تکان دهد؛ بگوید: **«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَآتُوبُ إِلَيْهِ»** «از خداوند، آمرزش می طلبم، خدائی که معبودی جز او نیست، زنده ای ازلی و ابدی و سرپرستی بی همتا و صاحب جلالت و جوانمردی است به سوی او توبه می کنم». خداوند همه گناهانش را می آمرزد، اگر چه گناهانش به اندازه کف دریا باشد. (۱) رسول خدا (صلی الله علیه وآله) این اثر را برای استغفار دیگری، در ضمن سفارش هایشان به امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیان می فرماید: ای علی، هر کس هنگامی که سوار مرکب شد، آیه الکرسی را تلاوت کند و سپس بگوید: **«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَآتُوبُ إِلَيْهِ»**، **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ**. «از خداوند، آمرزش می طلبم، خدائی که معبودی جز او نیست زنده ای ازلی و ابدی، سرپرستی بی همتا است، و به سوی او توبه می کنم. خدایا گناهانم را ببخش، که کسی جز تو گناهان را نمی بخشد». سیدالکریم (خداوند) خطاب به ملائکه می فرماید: ای فرشتگان من، بنده من می داند که غیر از من کسی گناهان او را نمی بخشد. شما شاهد باشید که من همه گناهان او را آمرزیدم. (۲) پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در سخن زیبای دیگری، برای استغفاری که قبل از خواب تلاوت می شود نیز همین اثر را ذکر می فرماید: هر کس هنگامی که برای خوابیدن به بستر می رود، سه مرتبه بگوید: **«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَآتُوبُ إِلَيْهِ»** خداوند همه گناهان او را می بخشد، اگر چه گناهانش مثل کف دریا، به تعداد برگ درختان و ریگ های انباشته بیابان و به عدد روزهای دنیا باشد. (۳) ۱- کافی، ج ۲، ص ۵۲۱. ۲- بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۹۴. ۳- بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۲۰۴.

استغفاری برای آمرزش چهل گناه کبیره در روز

نوع دیگر استغفار، استغفاریست که به تلاوت آن با حال ندامت و پشیمانی، سفارش شده است و اثرش آمرزش چهل گناه کبیره است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: هر مؤمنی که شبانه روز چهل گناه کبیره انجام دهد و با حالت ندامت و پشیمانی (از کردار زشت خویش) بگوید: **«أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَاسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ يُتُوبَ عَلَيَّ»**. «از خداوند، طلب آمرزش می کنم، خدائی که معبودی جز او نیست، زنده

ای ازلی و ابدی، سرپرستی بی همتا، پدید آورنده آسمان‌ها و زمین و صاحب جلالت و جوانمردی است. از او می‌خواهم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستد و توبه مرا بپذیرد». خداوند همه گناهان او را می‌بخشد و کسی که در روز بیش از چهل گناه کبیره انجام دهد خیری در او نیست. (۱) ۱ - کافی، ج ۲، ص ۴۳۸؛ بحار الأنوار، ج ۸۴، ۱.

دو فرشته مأمور، نامه اعمال زشت را پاره می‌کنند

زیباترین استغفار از نظر پاداش، استغفاری است که بعد از نماز عصر خواندنش مطلوب است. و اگر هر روز تلاوت گردد، فرشتگان مأمور انسان موظف می‌شوند، نامه اعمال زشت استغفار کننده را پاره کنند. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌فرماید: هر کس بعد از نماز عصر هر روز، روزی یک بار بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُتَوَّبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَاضِعٌ فَقِيرٌ بِإِثْمِ مُسْكِينٍ (مُسْتَكِينٍ) مُسْتَجِيرٌ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا». «از خداوند، طلب آمرزش می‌کنم، خدائی که معبودی جز او نیست، زنده ای ازلی و ابدی، بخشنده و مهربان، صاحب جلالت و جوانمردی است. و از او می‌خواهم که توبه مرا بپذیرد، بسان (پذیرش) توبه بنده خواری که فروتن و تهیدست، نیازمند و درمانده، و حقیر و پناهنده گشته، و مالک هیچ سود و زیان، مرگ و حیات و دوباره زنده شدنی نیست». خداوند به دو ملک مأمور او دستور می‌دهد که نامه کردار زشت او را، هر چه هست، پاره کنند. (۱) ۱ - مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۲۰.

استغفاری برای دست یافتن به گنج علم یا مال

یکی از انواع استغفار که تلاوت آن به تعداد خاصی برای حل مشکلات اقتصادی یا علمی به تجربه رسیده است، استغفاری است که خواندن آن به مدت دو ماه، روزی چهارصد مرتبه سفارش شده است. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: هر کس تا دو ماه روزی چهارصد بار پی در پی بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْحَيُّ الْقَيُّومُ، بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، مِنْ جَمِيعِ ظُلْمِي وَجُرْمِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ». «از خداوند، طلب آمرزش می‌کنم، خدائی که معبودی جز او نیست، زنده ای ازلی و ابدی، سرپرستی بی همتا و پدید آورنده آسمان‌ها و زمین است. از همه ستمی که به خود کرده و جرمی که مرتکب گشته‌ام و اسراف و زیاده روی که بر نفس خویش روا داشته‌ام (آمرزش طلبیده) و به سوی او باز می‌گردم» یا گنجی از علم و دانش به او داده می‌شود، یا گنجی از مال و ثروت روزیش می‌گردد. (۱) ۱ - وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۲۵.

استغفاری برای ثبت در «مُسْتَفْرِينَ بِالسَّحَابِ»

استغفار دیگری که ذکر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در سحر و در هر روز عمرشان بوده است، استغفاری است که مداومت بر آن، به مدت یک سال، باعث می‌شود نام انسان در شمار استغفار کنندگان در سحرها نوشته شود، و عامل مهمی برای ورود شیعیان و دوستان امیرالمؤمنین (علیه السلام) به بهشت است. امام صادق (علیه السلام) در حدیث زیبایی می‌فرماید: هر کس در نماز وتر (یک رکعت آخر نماز شب، هنگام قنوت) هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» و مدت یک سال هر شب بر آن مداومت نماید، خداوند در نزد خویش او را از استغفار گویان در سحرها، می‌نویسد، و آمرزش و مغفرت خدا برایش واجب می‌شود. (۱) استغفار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در نماز شب همین استغفار بوده است. علاوه بر این، حضرتش روزی هفتاد مرتبه می‌فرمودند: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» و اهل بیت آن حضرت (علیهم السلام) و صالحین از اصحابشان نیز به همین روش عمل می‌کردند. (۲) ۱ - وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۷۹؛ من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۸۹. ۲ - وسائل الشیعه، ج

استغفاری برای آمرزش هفت صد گناه

کوتاهترین استغفاری که در روایات، بدان اشاره شده است، استغفاری است که ذکر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز بوده است و باعث آمرزش هفت صد گناه انسان در روز می‌گردد. این نوع استغفار برای همه افراد با فرصت‌های شغلی مختلفی که دارند، قابل استفاده است. به گونه‌ای که در مسیر رفت و آمد و سایر فرصت‌های بیکاری خویش، می‌توانند آن را تلاوت کنند و از برکات آن بهره‌مند شوند. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: هر کسی روزی هفتاد بار بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» خداوند هفت صد گناه او را می‌آمرزد. و در بنده‌ای که روزی هفت صد گناه می‌کند، خیری نیست. (۱) در اهمیت و شرافت این ذکر همین بس که امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: برنامه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین بود که روزی هفتاد بار استغفار کرده و هفتاد مرتبه به سوی خدا توبه می‌کردند. حارث می‌گوید: من گفتم: یعنی هفتاد مرتبه می‌گفتند: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ؟ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: روش آن حضرت چنین بود که هفتاد مرتبه (به درگاه خدا) عرضه می‌داشتند: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ...» و هفتاد مرتبه می‌گفتند: «وَ أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ، وَ أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ...». (۲) ۱ - کافی، ج ۲، ص ۴۳۹. ۲ - کافی، ج ۲، ص ۵۰۴.

استغفاری برای ثروت بی گمان

گفتن استغفار همراه با اذکار دیگر، بار معنوی آن را بیشتر می‌کند، به همین خاطر امامان (علیهم السلام) برای حل مشکلات دوستان و شیعیان‌شان، گاهی تلاوت استغفار را همراه با اذکار دیگر سفارش می‌نمودند، که این خود یکی از انواع استغفار به شمار می‌آید و نقش به‌سزایی در رواساختن خواسته‌های انسان دارد. ابی جعفر شامی گوید: در شام مردی به نام هلقام بود، او این حدیث را برایم نقل کرد: خدمت مولایم موسی بن جعفر (علیهما السلام) رفتم و عرض کردم: به من دعایی تعلیم نمایید که جامع دنیا و آخرت باشد و مختصر هم باشد. امام (علیه السلام) فرمودند: بعد از نماز صبح تا طلوع آفتاب این ذکر را بگو: «سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ، وَأَسْأَلُهُ مِنْ فَضْلِهِ» «منزه است خدائی که با عظمت است و به حمد و ستایش او مشغولم، از خداوند آمرزش می‌طلبم و از فضل و عنایتش سؤال می‌کنم». هلقام گفت: وضعیتی من در میان خاندانم از همه بدتر بود، نمی‌دانم چه شد که (بعد از تلاوت این ذکر شریف) ناگهان ارثی از طرف شخصی به من رسید که فکر نمی‌کردم بین او و من پیوند خویشاوندی باشد، به حدی وضع مالی و اقتصادی رونق یافت که امروز توانگرترین فرد در میان بستگان خود هستم، این برکات نبود مگر به خاطر آنچه بنده صالح خدا، مولایم حضرت موسی بن جعفر (علیهما السلام) به من آموخت. (۱) ۱ - کافی، ج ۲، ص ۵۵۰.

استغفاری برای محبوبیت نزد خدا و استجاب دعا

نمونه دیگر طلب آمرزش از خداوند که در روایات متعددی بدان سفارش شده است و فضایل زیادی برایش نقل گردیده است، گفتن «أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ» است، که آثار و برکات فراوانی را برای انسان به ارمغان می‌آورد. پیامبر و امامان معصوم (علیهم السلام) مواظبت تامی بر تلاوت این ذکر داشته‌اند. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: خدا مؤمنی را دوست دارد که زیرک باشد و زیاد توبه کند. آن‌گاه فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بدون آن که گناهی کرده باشند، روزی هفتاد بار توبه می‌کردند. حارث گوید: به امام صادق (علیه السلام) گفتم آیا پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) (ذکر توبه را چنین) می‌فرمودند: «

أَسْئِرَتَغْفِرُاللَّهِ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ ؟ فرمودند : رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرمودند : « أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ » . (۱) بی جهت نیست که در شب عید فطر - که شب نتیجه گیری از عبادات و روزه های ماه مبارک رمضان است - گفتن این ذکر صد مرتبه سفارش شده است و اثر آن ، استجاب دعا و روا گشتن حاجت ، ذکر گردیده است . حارث اعور گوید : عادت مولایم امیرالمؤمنین (علیه السلام) این بود که شب عید فطر ، دو رکعت نماز می خواندند ، در رکعت اول بعد از حمد هزار مرتبه سوره توحید و در رکعت دوم بعد از حمد یک مرتبه آن را تلاوت می فرمودند ، سپس به رکوع می رفتند و پس از آن سجده می کردند و بعد از سلام نماز به سجده می رفتند و صد بار می گفتند : « أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ » سپس می فرمودند : « يَا ذَا الْمَنِّ وَالْجُودِ ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ ، يَا مُضْطَفَى مُحَمَّدَ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا » « ای خدائی که صاحب منت و سخاوتی ، ای خدائی که صاحب انعام و برتری هستی ، ای برانگیزنده محمد ، بر محمد و آلش درود فرست و با من چنین و چنان کن (حاجتم را برآور) . و چون سر از سجده بر می داشتند ، چهره نورانشان را به طرف ما برگردانده و می فرمودند : « وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يَفْعَلُهَا أَحَدٌ يَسْأَلُ اللَّهَ تَعَالَى شَيْئًا إِلَّا - أَعْطَاهُ ، فَلَوْ أَنَّهُ مِنَ الذُّنُوبِ بَعْدَ رَمْلِ عَالِجٍ ، غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ . » سوگند به آن کس که جان من در دست اوست ، هیچ کس این عمل را انجام نمی دهد و از خدا حاجتی نمی خواهد مگر این که خدا حاجتش را به او عطا می فرماید . اگر کسی با کوله باری از گناه به تعداد ریگ های روی هم انباشته شده ، به درگاه او روی آورد (و این ذکر را بگوید) ، خدا او را می آمرزد . (۲) مهمتر این که ، یکی از اعمال شب قدر ، گفتن این ذکر شریف در حال سجده است که استجاب دعا را برای انسان به ارمغان می آورد . حسن بن راشد حدیثی را از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که بعضی از اعمال شب قدر را در آن بیان می کنند ، در بخشی از آن می فرمایند : وقتی نماز مغرب و عشاء را خواندی ، دستهایت را بلند کن و بگو : « يَا ذَا الْمَنِّ يَا ذَا الطُّوْلِ (وَالطُّوْلِ) يَا ذَا الْجُودِ يَا مُضْطَفَى مُحَمَّدَ وَنَاصِرَهُ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَحْصَيْتَهُ وَهُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابِ مُبِين . » « ای خدائی که صاحب نعمت هستی و بر بندگانت منت داری ، ای کسی که صاحب برتری هستی ، ای کسی که صاحب جود و سخاوتی ، ای برانگیزنده محمد و یاور او ، بر محمد و آلش درود فرست و هر گناهی (که از من سر زده و) تو آن را شماره کرده ای و در نزد تو در کتاب مبین ثبت گردیده است ، ببخشای . سپس به سجده رفته و صد بار در حال سجده می گویی : « أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ » . بعد حاجت را می خواهی انشاءالله برآورده می شود . (۳) چقدر مناسب و بجاست که منتظران و دلباختگان امام زمان (علیه السلام) بعد از انجام این عمل در شب عید فطر و شبهای قدر ، که وعده استجاب داده شده است ، تعجیل ظهور مولای مظلوم خویش را از خدا بخواهند و این دعا را ورد زبان خویش ساخته و بگویند : « اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ » به این امید که آن یار سفر کرده که در این شبها ، بعد از مناجات با خدای خویش ، دست به دعا برمی دارد ، دعا کنندگان برای ظهورش را نیز از دعای پر بارش بهره مند ساخته ؛ آن ها را از خاطر عطرش دور نگرداند و برای گناهانشان استغفار کند . ۱ - مستدرک الوسائل ، ج ۵ ، ص ۳۲۰ . ۲ - بحار الأنوار ، ج ۸۸ ، ص ۱۲۰ . ۳ - الاقبال ، ص ۲۷۱ .

استغفاری برای نجات از سختی های قیامت

نامه برائت از آتش به انسان داده می شود مجوز عبور از صراط برایش نوشته می شود در دارالقرار ساکن می گردد گرچه هر نوع استغفار ، در هر زمان ، محبوب خدا است ، و آثار پربراری برای انسان دارد . ولی گفتن بعضی از اذکار در برخی اوقات ، از پاداش و بهره بیشتری برخوردار است . از جمله نسخه های استغفار که به آن سفارش شده است ، گفتن : « أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ » است . تلاوت کردن این نوع استغفار در هر روز ماه شعبان ، روزی هفتاد بار ، موجب نجات یافتن از سختی های قیامت است . ریان بن صلت گوید : از مولایم علی بن موسی الرضا (علیه السلام) شنیدم که می فرمودند : هر کس در هر روز ماه شعبان ، هفتاد بار بگوید : « أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ » خداوند نامه ای به عنوان برائت از آتش برایش می نویسد و مجوزی برای عبور از صراط برای او صادر

می کند و او را در دارالقرار (بهشت) ساکن می نماید. (۱) گفتن این استغفار، اگر در ماه شعبان باشد هزار برابر استغفار در ماه های دیگر است. و برترین عمل در این ماه شمرده شده است. ابراهیم بن میمون گوید: از امام صادق (علیه السلام) سؤال کردم: برترین دعا در ماه شعبان چیست؟ فرمودند: «استغفار». آن گاه فرمودند: هر کس در ماه شعبان روزی هفتاد بار استغفار بگوید مثل کسی است که در ماه های دیگر غیر از ماه شعبان هفتاد هزار بار استغفار گفته است. من گفتم: چگونه در این ماه استغفار کنم؟ فرمودند: بگو «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَسْأَلُهُ التَّوْبَةَ». (۲) استغفار امام رضا (علیه السلام) در قنوت نماز وتر، همین استغفار بوده است. (۳) ۱- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۰۹. ۲- وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۱۱. ۳- وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۵۵.

استغفاری عجیب و مشکل گشا

باعث آموزش گناه گذشته انسان می شود از گناه در آینده محفوظ می ماند اگر گناهی نداشته باشد، خدا پدر و مادرش را می آمرزد یکی از انواع استغفار که در موارد متعددی به قرائت آن سفارش شده است و آثار مادی و برکات معنوی فراوانی برایش ذکر گردیده است، و نتیجه بخش بودن آن هم به تجربه ثابت شده است؛ ذکر شریف «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» است. یکی از اوقات، عصر روز جمعه است که در فضیلت استغفار در این ساعت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: هر کس بعد از عصر روز جمعه هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ». خداوند گناه گذشته او را می آمرزد و در باقی مانده عمرش او را از گناه حفظ می کند و چنانچه گناهی نداشته باشد، گناهان پدر و مادرش را می بخشد. (۱) وجوب آموزش خداوند را در پی دارد نام انسان در شمار استغفار گویان در سحرها نوشته می شود بهشت برایش واجب می شود امام صادق (علیه السلام) برای تلاوت این نوع استغفار، در صورتی که در نماز وتر (رکعت آخر نماز شب) باشد، اثر دیگری بیان کرده اند: کسی که در آخر (قنوت) نماز وتر در سحر، هفتاد بار بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» آموزش (خداوند) برای او واجب می شود. (۲) و نیز در سخن زیبای دیگری می فرمایند: اگر این ذکر را هفتاد بار در حال ایستاده در (قنوت) نماز وترش بگوید، و یک سال بر آن مواظبت کند، (نام او) نزد خداوند در شمار استغفار گویان در سحرها نوشته می شود و بهشت برایش واجب می گردد. (۳) و در حدیث سومی همین اثر، برای گفتن این نوع استغفار، چهل شب در نماز وتر، بدون عبارت «بهشت برایش واجب می گردد» ذکر شده است. (۴) گشایش در امور و حل مشکلات سخت گفتن این استغفار در حل معضلات سخت زندگی به تجربه رسیده است و گره های کور بسیاری از افراد، با همین ذکر باز شده است! آنچه مهم به نظر می رسد تعداد آن است که در حدیث پر باری سی هزار بار ذکر شده است و اشخاص متعددی با تلاوت آن به این تعداد، به حوایج خود دست یافته اند. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) در حدیث زیبایی می فرمایند: هر کس مشکلی طاقت فرسا پیدا کرد، یا مصیبتی سخت بر او وارد شد، یا در زندگی به تنگنا افتاد، سی هزار بار بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ» در این صورت خداوند گره از کارش می گشاید و گشایشی در زندگی او قرار می دهد. (۵) و چگونه چنین اثر پر باری نداشته باشد، در حالی که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) در سخن نورانی دیگری اثر گفتن این نوع استغفار را چنین بیان می فرمایند: چهار چیز است که در هر کس باشد در نور اعظم خدا وارد گشته است: ۱- کسی که نگه دار کارش شهادت به این باشد که معبودی در عالم جز خدای یکتا نیست. و من رسول خدایم. ۲- کسی که هر گاه مصیبتی به او رسد بگوید: «إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». ۳- کسی که هر گاه به خیری دست یافت بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ». ۴- کسی که هر گاه گناهی مرتکب شد بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ». (۶) تردیدی نیست که اگر کسی با گفتن این اذکار، در نور اعظم خدا داخل شود، قطعاً از ظلمت گناه و انحراف و سایر تاریکی ها نیز بیرون رفته است. و گرنه محال است داخل در نور حق گردد، بی تردید کسی که از این ظلمت ها خارج شود و در نور خدا داخل گردد، ذات بی مثال حق عهده دار امورش می شود و او را از رنج ها و تنگناهای زندگی نجات می دهد و زندان تاریک دنیا را برایش بهشت روشن آرامش، معنویت و انس با خدا می

سازد و در همه مشکلات و ناملايمات ، فرج و گشایشی برایش قرار می دهد . چه زیبا است ! که شیعه گنهکاری ، به نیت بر طرف شدن موانع فرج مولای عزیزش - که گناه شیعیان یکی از آن ها است - همین استغفار را به تعداد مذکور - سی هزار بار - در اوقات استجابت دعا ، تلاوت کند ؛ تا هم گنااهش ریخته و غمی از دل مولای غریبش برداشته شود و هم مقدمات خلاصی یوسف زندانی فاطمه (علیها السلام) را از زندان غیبت فراهم کرده باشد ! و در ضمن خداوند گره از کارش بگشاید . ۱ - بحارالانوار ، ج ۸۷ ، ص ۹۱ . ۲ - مستدرک الوسائل ، ج ۴ ، ص ۴۰۷ . ۳ - مستدرک الوسائل ، ج ۴ ، ص ۴۰۸ . ۴ - مستدرک الوسائل ، ج ۱۲ ، ص ۱۴۳ . ۵ - وسائل الشیعه ، ج ۳ ، ص ۲۴۸ .

خانه ای در بهشت برای گوینده استغفار

نمونه دیگر استغفار که بعد از نافله صبح روز جمعه ، تلاوت می شود ، ذکر « اَسْتَغْفِرُ رَبِّي وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ » است ، که همراه با تسبیح و سپاس خداوند تلاوت می شود و سبب دست یافتن به منازل بهشتی است . ابی حمزه گوید : از امام صادق (علیه السلام) شنیدم می فرمودند : کسی که بعد از دو رکعت نافله صبح قبل نماز واجب روز جمعه ، صد بار بگوید : « سُبْحَانَ رَبِّي وَ بِحَمْدِهِ وَ اَسْتَغْفِرُ رَبِّي وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ » خداوند منزلی در بهشت برایش بنا می کند . (۱) ۱ - بحارالانوار ، ج ۸۷ ، ص ۱۸ .

استغفاری پر برکت

همه گناهان آمرزیده می شود گوینده آن هیچ گاه فقیر نمی شود . به تعداد آنچه در آسمان و زمین است ، برایش حسنات نوشته می شود . اگر در شب یا روزی که آن را تلاوت کرده بمیرد وارد بهشت می گردد . نسخه دیگری از استغفار ، که به تلاوت آن بعد از نافله صبح در طول هفته ، سفارش شده است ، و امام سجاد (علیه السلام) بر قرائت آن در این ساعت مواظبت می کردند ؛ استغفاری است که برکات فراوانی برای آن نقل شده و قرائت آن ، آثار پر باری را برای دین و دنیای انسان به ارمغان می آورد . رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) در فضیلت این استغفار می فرماید : خداوند گناهان صاحب این استغفار را می آمرزد ، اگر چه گناهان او آسمان ها و زمین های هفتگانه را پر کرده باشد ، به سنگینی کوه ها و عدد قطرات باران ، و به تعداد آنچه در بیابان و دریا است ؛ باشد . و به همین اندازه برای کسی که این استغفار را تلاوت کند ، حسنات نوشته می شود . و چنانچه بنده ای ، در شب یا روزی که این استغفار را قرائت می نماید ، بمیرد ، داخل بهشت می شود و هیچ گاه فقیر نمی گردد . (۱) متن این استغفار چنین است : « اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْتَغْفِرُكَ مِمَّا تَبْتُ اِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عَدْتُ فِيْهِ ، وَ اَسْتَغْفِرُكَ لِمَا اَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالَطَنِیْ فِيْهِ مَا لَيْسَ لَكَ ، وَ اَسْتَغْفِرُكَ لِلنِّعَمِ الَّتِیْ مَنَنْتَ بِهَا عَلَیَّ فَقَوَّيْتُ بِهَا عَلَیْ مَعْصِيْكَ . اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِیْ لَا اِلهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ ، لِكُلِّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ وَ لِكُلِّ مَعْصِيَةٍ اُرْتَكَبْتُهَا . اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِیْ عَقْلاً كَامِلاً ، وَ عَزْماً ثَابِتاً ، (۲) وَ لُبّاً رَاجِحاً ، وَ قَلْباً زَكِيّاً ، (۳) وَ عِلْماً كَثِيراً ، وَ اَدْبَاباً بَارِعاً ، وَ اجْعَلْ ذَلِكْ كُلَّهُ لِيْ ، وَ لَا تَجْعَلْهُ عَلَیَّ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ » . « خداوند ، از گناهی آمرزش می طلبم که از آن به سوی تو توبه کردم ، سپس به سوی آن باز گشتم ، از تو آمرزش می جویم برای عملی که در انجامش تو را اراده نمودم سپس در نیت من چیزی راه یافت که برای تو نبود ، از تو آمرزش می خواهم برای نعمتهایی که آن ها را بر من منت نهادی ولی من از آن ها برای نافرمانی های تو نیرو گرفتم . از خدائی طلب آمرزش می کنم که معبودی جز او نیست ، زنده ای ازلی و ابدی ، سرپرستی بی همتا ، دانایی به پنهان و آشکار و بخشنده ای مهربان است . از او برای هر گناهی که انجامش داده و هر معصیتی که مرتکبش شده ام ، آمرزش می طلبم . « خدایا به من عقل کامل ، اراده پا بر جا ، عقل برتر ، قلب پاکیزه ، علم فراوان و ادب نیکو عطا فرما ، و همه این نعمت ها را به سود من قرار ده و بر ضرر من قرار مده ، به رحمت خودت ای مهربان ترین مهربانان » . سپس پنج مرتبه می گویی : « اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِیْ لَا اِلهَ اِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ وَ اَتُوبُ اِلَيْهِ » . (۴) « از خدائی آمرزش می طلبم که

معبودی جز او نیست ، زنده ای ازلی و ابدی و سر پرستی بی همتا است و به سوی او باز می گردم . ۱ - بحارالأنوار ، ج ۸۴ ، ص ۳۲۶ . ۲ - ثاقباً (مصباح الکفعمی و البحار والعلویة) . ۳ - ذاکياً (مصباح الکفعمی) . ۴ - بحارالأنوار ، ج ۸۴ ، ص ۳۲۶ .

گفتار نهم : استغفارهای امیرالمؤمنین (علیه السلام)

مقدمه

همچنانکه قبل از این ، یادآور شدیم رسول خدا و امامان معصوم (علیهم السلام) بر تلاوت استغفارهایی در طول شبانه روز مواظبت داشتند ، که این خودبیانگر اوج عظمت این عمل عبادی عظیم و حاکی از آثار پر بار این ذکر شریف می باشد . در این فصل کتاب به سه نمونه از استغفارهای امیرالمؤمنین (علیه السلام) و آثار و برکات آنها اشاره می کنیم که تلاوت مداوم آن تأثیر عجیبی در حل مشکلات انسان دارد و سریعترین عامل برای دست یافتن به روزی بیشتر و گشایش در زندگی است .

استغفار مجرب امیرالمؤمنین (علیه السلام) ، با خواص فراوان

آمزش تمام گناهان برآورده شدن خواسته های انسان ازدیاد مال و ثروت یافتن اولاد خوب و سالم یکی از انواع استغفار که دارای مضامین عالی است و تلاوت آن برای برطرف کردن بسیاری از مشکلات ، و برآورده شدن بسیاری از خواسته های انسان به تجربه ثابت شده است ، استغفاری است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) متن آن را به دست مبارک خود نوشته و به فردی که دستش از مال دنیا تهی شده بود دادند ، و او هم طبق دستور حضرت عمل کرد و به ثروت انبوهی دست یافت . افراد زیادی از خواندن این استغفار برای حل مشکلات اقتصادی خویش نتیجه گرفته اند و گره های کور زندگی خود را با تلاوت آن باز نموده اند . از آن جمله همانگونه که قبل از این یادآور شدیم ، یکی از دوستان که ده سال قبل ازدواج کرده بود ولی صاحب فرزند نگشته بود ، خود و همسرش به مدت یک سال آن را هر شب قبل از خواب تلاوت کرده و پس از یک سال خدا فرزند سالمی به آن ها عطا فرمود . بسیار به جاست که دوستان امیرالمؤمنین (علیه السلام) با تلاوت آن به خواسته های مادی و معنوی خویش برسند و از فیوضات آن بهره مند گردند . ما ابتدا اصل داستان را که از امام رضا (علیه السلام) روایت شده است ، برای خوانندگان محترم نقل می کنیم و سپس متن زیبای دستخط مولا - امیرالمؤمنین (علیه السلام) را با مضامین بلندی که دارد ، خدمت دوستداران ولایت و شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) تقدیم می کنیم . امام رضا (علیه السلام) از پدرانشان از امام سجاد (علیه السلام) و آن حضرت از پدرشان امام حسین (علیه السلام) چنین روایت می فرمایند : یک روز در خدمت پدرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) نشسته بودم که مرد عربی خدمت آن حضرت رسید و اظهار کرد : ای امیرمؤمنان من مردی عیال مندم و بهره ای از مال دنیا ندارم . امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند : چرا استغفار نمی کنی تا حالت خوب شود ؟ مرد عرب گفت : یا امیرالمؤمنین من استغفار زیاد کردم و تغییر و افزایشی در وضع خود ندیدم . امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند : خداوند در قرآن می فرماید : (اِسْتِغْفِرُوا رَبَّكُمْ اِنَّهٗ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْكُمْ مِدْرَارًا وَّیُمِدُّكُمْ بِاَمْوَالٍ وَّبَنَیْنٍ وَّیَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَّیَجْعَلُ لَكُمْ اَنْهَارًا) . (۱) « از خدا طلب عفو و بخشش کنید که او آمرزنده است و اگر چنین کنید از آسمان باران رحمتش را برای شما بیایی فرو می فرستد و شما را با اموال و فرزندان متعدد کمک می کند و باغ های سرسبز و خرم و رودهای جاری و خوشگوار برایتان فراهم می سازد » . آن گاه فرمودند : من استغفاری را به تو یاد می دهم که هنگام خواب باید آن را تلاوت کنی که اگر این استغفار را هر شب قبل از خواب بخوانی خداوند روزی تو را افزایش می دهد . سپس نسخه استغفار را برای او نوشته و به او دادند و فرمودند : هر گاه برای خواب به بستر رفتی و خواستی بخوابی ، این استغفار را بخوان و گریه کن و اگر اشکت نیامد حالت گریه به خود بگیر و تباکی کن . امام حسین (علیه السلام) می

فرمایند: مرد عرب رفت و سال بعد خدمت پدرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) رسید و گفت: یا امیرالمؤمنین، خداوند نعمتش را بر من تمام کرد. و آن قدر به من ثروت و مکنّت عطا کرد که از زیادی اموال، محل نگهداری آن‌ها برایم تنگ شده است و جایی برای بستن و محافظت شتران و گوسفندانم ندارم. امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ای برادر عرب سوگند به آن خدایی که محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) را به رسالت برانگیخته است، هر بنده‌ای که این استغفار را قرائت کند و به واسطه آن خدا را بخواند، خداوند گناهان او را ببخشد، حوایج مشروع او را برآورد، و از برکت تلاوت این استغفار مال و فرزند او را زیاد کند. (۲) قابل تذکر است: دست یافتن به آثار و برکات این استغفار، علاوه بر آنچه گذشت - همچنانکه که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرموده اند - مشروط به این است که اولاً: با وضو و هنگام رفتن به بستر خواب قرائت شود. ثانیاً: هنگام تلاوت آن اشک ندامت و پشیمانی ریخته شود و چنانچه اشکی نداشت تباهی کند و حالت گریه کنندگان را به خود بگیرد. از همه مهمتر این که، واقعاً از گذشته خود پشیمان شود، از گناهان خود توبه کند، تصمیم جدی بر ترک گناه بگیرد و از هر گونه معامله حرام و درآمد غیرمشروع فاصله جوید، خداوند را رازق خود بداند، و در عین حال که برای کسب حلال و درآمد مشروع تلاش می‌کند، به درگاه خداوند پناه برده و از او بخواهد که به کسب و کارش برکت دهد و روزی او را وسیع گرداند. با حفظ همه این جهات، دست یافتن به نتیجه قطعی متوقف بر این است که مصلحت انسان در ثروت بیشتر و روزی فراوان تر و یا حاجت دیگری که از خدا خواسته است، باشد. و اگر مانعی چون ترک دعا، عدم توجه به خدا و ارتکاب بعضی از گناهان برای رسیدن به آن در میان باشد، با قرائت این استغفار همه موانع برطرف می‌شود و روزی انسان زیاد می‌گردد و به حاجت خویش دست می‌یابد. نکته مهم دیگر این است: زمانی اثر این استغفار دو چندان می‌گردد که بعد از قرائت این استغفار، مولای خود و امام زمانت را مخاطب قرار دهی و بگویی: یا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرَّ وَجِنَا بِيضَاءِهُ مُرْجَاهُ، فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ تَاللهِ لَقَدْ أَتَرَكْتُ اللَّهَ عَلَيْنَا وَانْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ. یا اَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ. (۳) ای مولای عزیز، ما و اهل و عیالمان گرفتار شده ایم، و با متاع ناچیزی به بازار آمده ایم و از شما می‌خواهیم که پیمانمان را بر ما تصدق نمایی؛ که خداوند صدقه دهندگان را پاداش می‌دهد. به خدا سوگند! خدا شما را به عنوان مولا و همه کاره دین و دنیای ما برانگیخته است. گرچه ما در گذشته از خطاکاران بودیم. ای پدر دلسوز و مهربان ما برای گناهان ما استغفار کن که ما در گذشته از خطاکاران بودیم. آن گاه با اشک و آه برای مولایت دعا کرده و بگویی: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ» این جاست که مولای عزیزت در هر کجا که باشد برای مشکلات تو دعا خواهد کرد و روزی بیشتری از خدا برایت طلب می‌نماید. در خاتمه یادآور می‌شود: در چاپ اول این کتاب، ما این استغفار را از کتاب شریف «الصَّحِيفَةُ الْعُلُويَّةُ الْجَامِعَةُ» تحقیق مدرسه الامام المهدی (علیه السلام) ذکر کردیم؛ ولی بعد از چاپ کتاب، به نسخه خطی کتاب «مفاتیح النجاة» تألیف مولی محمد باقر سبزواری، در کتابخانه آستان قدس رضوی برخوردیم؛ و با مقابله این دو نسخه با هم، و همچنین با نسخه «الصَّحِيفَةُ الْعُلُويَّةُ الثَّانِيَّةُ» تألیف علامه نوری (رحمه الله) تفاوت‌هایی بین این سه نسخه مشاهده گردید که برای استفاده بیشتر خوانندگان محترم، نسخه صحیح تر را در متن آورده و اختلاف نسخه‌ها را در حاشیه ذکر کردیم. شایان ذکر است که غلط‌های ادبی که در چاپها و نسخه مذکور ملاحظه شد، بر اساس رعایت قواعد عربی اصلاح گردید. این استغفار دارای سی فراز است که هر شب قبل از خواب باید تلاوت گردد: ۱- سوره نوح، آیه ۱۰-۱۲. ۲- الصَّحِيفَةُ الْعُلُويَّةُ الْجَامِعَةُ، ص ۶۵۹، متن این استغفار در ص ۱۶۴ تا ۱۶۸، کتاب مذکور آمده است. و ما آن را در صفحات آینده با ترجمه روان آورده ایم. ۳- برگرفته از آیات ۸۸ و ۹۷ سوره یوسف.

استغفار مجربى که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مرد عرب آموختند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ قَوِيَ عَلَيْهِ بَدَنِي بِعَافِيَتِكَ ، أَوْ نَالَهُ قُدْرَتِي بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ ، أَوْ بَسَطْتُ إِلَيْهِ يَدِي بِسَابِغِ رِزْقِكَ ، أَوْ أَتَكَلْتُ فِيهِ عِنْدَ خَوْفِي مِنْهُ عَلَى أَنَاتِكَ ، أَوْ اخْتَجَبْتُ فِيهِ مِنَ النَّاسِ بِسِتْرِكَ ، أَوْ وَثِقْتُ مِنْ سَطْوَتِكَ (۱) عَلَيَّ فِيهِ بِحِلْمِكَ ، أَوْ عَوَّلْتُ فِيهِ عَلَى كَرَمِ عَفْوِكَ . (۲) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ خُنْتُ فِيهِ أَمَانَتِي ، أَوْ بَخَسْتُ بِفِعْلِهِ نَفْسِي ، أَوْ اخْتَطَبْتُ بِهِ عَلَى يَدَنِي ، أَوْ قَدَّمْتُ فِيهِ لَدَّتِي ، (۲) أَوْ آثَرْتُ فِيهِ شَهْوَتِي ، أَوْ سَعَيْتُ فِيهِ لِعِغْرِي ، أَوْ اسْتَعْوَيْتُ إِلَيْهِ مَنْ تَبِعَنِي ، أَوْ كَايَدْتُ فِيهِ مَنْ مَنَعَنِي ، أَوْ قَهَرْتُ عَلَيْهِ مِنْ عَادَانِي ، أَوْ غَلَبْتُ عَلَيْهِ بِفَضْلِ حِيلَتِي ، أَوْ أَحَلْتُ عَلَيْكَ مَوْلَايَ ، فَلَمْ تَغْلِبْنِي عَلَى فِعْلِي ، إِذْ كُنْتُ كَارِهًا لِمَعْصِيَتِي فَحَلُمْتَ عَنِّي ، لَكِنْ سَبَقَ عِلْمُكَ فَيَّ بِفِعْلِي ذَلِكَ لَمْ تُدْخِلْنِي يَا رَبِّ فِيهِ جَبْرًا ، وَلَمْ تَحْمِلْنِي عَلَيْهِ قَهْرًا ، وَلَمْ تَظْلِمْنِي فِيهِ شَيْئًا فَاسْتَغْفِرُكَ لَهُ وَ لِجَمِيعِ ذُنُوبِي . (۳) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ، وَ أَقَدَّمْتُ عَلَى فِعْلِهِ ، فَاسْتَحْيَيْتُ مِنْكَ (۳) وَ أَنَا عَلَيْهِ ، وَ رَهْبْتُكَ وَ أَنَا فِيهِ تَعَاظَيْتُهُ وَ عُدْتُ إِلَيْهِ . (۴) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ كَتَبْتَهُ عَلَيَّ بِسَبَبِ خَيْرٍ أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالَطَنِي فِيهِ سِوَاكَ ، وَ شَارَكَ فِعْلِي مَا لَا يَخْلُصُ لِمَكَ ، أَوْ وَجَبَ عَلَيَّ مَا أَرَدْتُ بِهِ سِوَاكَ ، وَ كَثِيرٌ مِنْ فِعْلِي مَا يَكُونُ كَذَلِكَ . (۵) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوَرَّكَ عَلَيَّ بِسَبَبِ عَهْدٍ عَاهَدْتُكَ عَلَيْهِ أَوْ عَقْدٍ عَقَدْتُهُ لَكَ ، أَوْ ذِمَّةٍ وَاقَفْتُ بِهَا مِنْ أَجْلِكَ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ ، ثُمَّ نَقَضْتُ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ لَزِمْتَنِي فِيهِ ، بَلِ اسْتَرَلْتَنِي إِلَيْهِ عَنِ الْوَفَاءِ بِهِ الْأَشْرُ ، وَ مَنَعَنِي عَنِ رِعَايَتِهِ الْبَطْرُ . (۴) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ رَهَبْتُ فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ ، وَ خِفتُ فِيهِ غَيْرَكَ ، وَ اسْتَحْيَيْتُ فِيهِ مِنْ خَلْقِكَ ثُمَّ أَفْضَيْتُ بِهِ فِعْلِي إِلَيْكَ ، (۷) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَقَدَّمْتُ عَلَيْهِ وَ أَنَا مُسْتَيْقِنٌ أَنَّكَ تُعَاقِبُ عَلَيَّ إِزْتِكَابِهِ فَارْتَكَبْتُهُ . (۸) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ قَدَّمْتُ فِيهِ شَهْوَتِي عَلَى طَاعَتِكَ وَ آثَرْتُ مَحَبَّتِي عَلَى أَمْرِكَ ، وَ أَرْضَيْتُ فِيهِ نَفْسِي بِسَخَطِكَ وَ قَدْ نَهَيْتَنِي عَنْهُ بِنَهْيِكَ ، وَ تَقَدَّمْتُ إِلَيْهِ بِإِعْذَارِكَ ، وَ اخْتَجَجْتُ عَلَيَّ فِيهِ بِوَعِيدِكَ . (۹) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ عَلِمْتُهُ مِنْ نَفْسِي ، أَوْ ذَهَلْتُهُ ، أَوْ نَسَيْتُهُ ، أَوْ تَعَمَّدْتُهُ ، أَوْ أَخْطَأْتُهُ ، مِمَّا لَا أَشْكُ أَنَّكَ سَأَلْتَنِي عَنْهُ ، وَ أَنَّ نَفْسِي مُرْتَهَنَةٌ بِهِ لَدَيْكَ ، وَ أَنْ كُنْتُ قَدْ نَسَيْتُهُ ، أَوْ غَفَلْتُ نَفْسِي عَنْهُ . (۱۰) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ وَاجْهَتُكَ بِهِ ، وَ قَدْ أَيَقَنْتُ أَنَّكَ تَرَانِي ، وَ أَغْفَلْتُ أَنْ أَتُوبَ إِلَيْكَ مِنْهُ ، أَوْ نَسَيْتُ أَنْ أَتُوبَ إِلَيْكَ مِنْهُ ، أَوْ نَسَيْتُ أَنْ أَسْتَغْفِرُكَ لَهُ . (۱۱) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ دَخَلْتُ فِيهِ ، وَ أَحْسَبْتُ ظَنِّي بِكَ (۵) أَنْ لَا تُعَذِّبَنِي عَلَيْهِ ، وَ أَنَّكَ تَكْفِينِي مِنْهُ . (۱۲) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَوْجَبْتُ بِهِ مِنْكَ رَدَّ الدُّعَاءِ ، وَ حَزْمَانَ الْإِجَابَةِ ، وَ خِيَرَةَ الطَّمَعِ ، وَ انْفِسَاخَ الرَّجَاءِ . (۱۳) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُعَقِّبُ الْحَسْرَةَ ، وَ يُورِثُ النَّدَامَةَ وَ حِسْ الرِّزْقَ وَ يَرُدُّ الدُّعَاءَ . (۱۴) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُورِثُ الْأَسْقَامَ ، وَ يُعَقِّبُ الضَّنَاءَ ، (۶) وَ يُوجِبُ النَّقَمَ ، وَ يَكُونُ آخِرُهُ حَسْرَةً وَ نَدَامَةً . (۱۵) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مِدَّخْتُهُ بِلِسَانِي ، أَوْ هَشَّتُ (۷) إِلَيْهِ نَفْسِي ، أَوْ اكْتَسَيْتُهُ بِيَدِي وَ هُوَ عِنْدَكَ قَبِيحٌ تُعَاقِبُ عَلَيَّ مِثْلَهُ ، وَ تَمَقَّتْ مِنْ عَمَلِهِ . (۱۶) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ خَلَوْتُ بِهِ فِي لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ ، حَيْثُ لَا يَرَانِي أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ ، فَمِلْتُ فِيهِ مِنْ تَرْكِهِ بِخَوْفِكَ إِلَى إِزْتِكَابِهِ بِحُسْنِ الظَّنِّ بِكَ ، فَسَوَّلْتُ لِي نَفْسِي الْأَقْدَامَ عَلَيْهِ فَوَاقَعْتُهُ ، وَ أَنَا عَارِفٌ بِمَعْصِيَتِي لَكَ فِيهِ . (۱۷) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَقَلَلْتُهُ ، أَوْ اسْتَصَغَّرْتُهُ ، أَوْ اسْتَغْظَمْتُهُ وَ تَوَرَّطْتُ فِيهِ . (۱۸) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مَالَتْ (۸) فِيهِ عَلَى أَحَدٍ مِنْ بَرِيَّتِكَ ، أَوْ زَيْنْتُهُ لِنَفْسِي أَوْ مَاتَ بِهِ إِلَى غَيْرِي ، وَ دَلَلْتُ عَلَيْهِ سِوَايَ ، أَوْ (۹) أَصِرَرْتُ عَلَيْهِ بِعَمْدِي ، أَوْ أَقَمْتُ عَلَيْهِ بِحِيلَتِي . (۱۹) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَعَنْتُ عَلَيْهِ بِحِيلَتِي ، بِشَيْءٍ مِمَّا يُرَادُ بِهِ وَجْهَكَ ، أَوْ يُسَيِّظُهُ بِمِثْلِهِ عَلَى طَاعَتِكَ ، أَوْ يُتَقَرَّبُ بِمِثْلِهِ إِلَيْكَ ، وَ وَارَيْتُ عَنِ النَّاسِ وَ لَبَسْتُ فِيهِ ، كَأَنِّي أُرِيدُكَ بِحِيلَتِي ، وَ الْمُرَادُ بِهِ مَعْصِيَتِكَ وَ الْهُوَى (۱۰) فِيهِ مُتَصَرِّفٌ عَلَى غَيْرِ طَاعَتِكَ . (۲۰) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ كَتَبْتَهُ عَلَيَّ بِسَبَبِ عَجَبٍ كَانَ بِنَفْسِي ، أَوْ رِيَاءٍ ، أَوْ سُمْعَةٍ ، أَوْ خِيَلَاءٍ ، أَوْ فَرَحٍ ، أَوْ مَرَحٍ ، أَوْ أَشْرٍ ، أَوْ بَطَرٍ ، أَوْ حِفْدٍ ، أَوْ حِمِيَةٍ ، أَوْ غَضَبٍ ، أَوْ رِضَى ، أَوْ سُخِّ ، أَوْ بُحْلِ ، أَوْ ظُلْمٍ ، أَوْ خِيَانَةٍ ، أَوْ سِرْقَةٍ ، أَوْ كِذْبٍ ، أَوْ لَهْوٍ ، أَوْ لَعْبٍ ، أَوْ نَوْعٍ مِنْ أَنْوَاعٍ مَا يُكْتَسَبُ بِمِثْلِهِ الذُّنُوبُ وَ يَكُونُ بِاجْتِرَاحِهِ الْعَطْبُ . (۱۱) (۲۱) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ سَبَقَ فِي عِلْمِكَ ، أَنِّي فَاعِلُهُ فَدَخَلْتُ فِيهِ بِشَهْوَتِي ، وَاجْتَرَحْتُهُ بِإِرَادَتِي ، وَ قَارَفْتُهُ بِمَحَبَّتِي وَ لَدَّتِي وَ مَشِيَّتِي ، وَ شِئْتُهُ إِذْ شِئْتَ أَنْ أَشَاءَهُ ، وَ أَرَدْتُهُ إِذْ أَرَدْتَ أَنْ أُرِيدَهُ ، فَعَمَلْتُهُ إِذْ كَانَ فِي قَدِيمِ تَقْدِيرِكَ وَ نَافِذِ عِلْمِكَ أَنِّي فَاعِلُهُ ، لَمْ تُدْخِلْنِي فِيهِ جَبْرًا ، وَ لَمْ تَحْمِلْنِي عَلَيْهِ قَهْرًا ، وَ لَمْ تَظْلِمْنِي فِيهِ (۱۲) شَيْئًا ، فَاسْتَغْفِرُكَ لَهُ وَ لِكُلِّ ذَنْبٍ جَرَى بِهِ عَلَيَّ عَلَيَّ وَ فِئِي إِلَى آخِرِ عُمْرِي . (۲۲)

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مَالٍ بَسِيَ خَطِي فِيهِ عَنْ رِضَاكَ ، وَمَالَتْ نَفْسِي إِلَى رِضَاكَ (۱۳) فَسَيَخْطُئُهُ ، أَوْ رَهَبْتُ فِيهِ سِوَاكَ ، أَوْ عَادَيْتُ فِيهِ أَوْلِيَاءَكَ ، أَوْ وَالَيْتُ فِيهِ أَعْدَاءَكَ ، أَوْ اخْتَرْتُهُمْ عَلَى أَضِيْفِيَّاتِكَ ، أَوْ خَدَلْتُ فِيهِ أَحِبَّاءَكَ ، أَوْ قَصَّرْتُ فِيهِ عَنْ رِضَاكَ يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۲۳) اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَبْتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ . (۱۴) ۲۴) وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا أَعْطَيْتَكَ مِنْ نَفْسِي ثُمَّ لَمْ أَفِ بِهِ . ۲۵) وَأَسْتَغْفِرُكَ لِلنِّعْمَةِ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ فَقَوَيْتُ بِهَا عَلَيَّ مَعْصِيَتَكَ . ۲۶) وَأَسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ خَيْرٍ أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالَطَنِي مَا لَيْسَ لَكَ . ۲۷) وَأَسْتَغْفِرُكَ لِمَا دَعَانِي إِلَيْهِ الرُّخْصَ (۱۵) فِيمَا اشْتَبَهَ عَلَيَّ مِمَّا هُوَ عِنْدَكَ حَرَامٌ . ۲۸) وَأَسْتَغْفِرُكَ لِلذُّنُوبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا غَيْرُكَ ، وَلَا يَطَّلِعُ عَلَيْهَا سِوَاكَ ، وَلَا يَحْتَمِلُهَا إِلَّا حِلْمُكَ ، وَلَا يَسِيْرُ بِهَا إِلَّا عَفْوُكَ . ۲۹) وَأَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ مَظَالِمِ كَثِيرَةٍ لِعِبَادِكَ قَبْلِي يَا رَبِّ ، فَلَمْ أَسِيْطِعْ رَدَّهَا عَلَيْهِمْ وَتَحْلِيلَهَا مِنْهُمْ ، أَوْ شَهِدُوا فَاسِيْةً تَحْيِيْتُ مِنْ أَسِيْةٍ تَخْلَلُ لَهُمْ وَالطَّلَبِ إِلَيْهِمْ وَإِعْلَامِهِمْ ذَلِكَ ، وَأَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى أَنْ تَشْتَوِيَنِي مِنْهُمْ ، وَتَرْضِيَهُمْ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَبِمَا شِئْتَ ، يَا أَرْحَمَ الرَّحِمِينَ ، وَأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ، وَخَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۳۰) اللَّهُمَّ إِنَّ أَسِيْغِفَارِي إِيَّاكَ مَعَ الْإِصْرَارِ لَوْثٌ ، وَتَرْكِي الْإِسْتِغْفَارَ مَعَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ جُودِكَ وَرَحْمَتِكَ عَجْزٌ ، فَكَمْ تَتَحَبَّبُ إِلَيَّ يَا رَبِّ وَأَنْتَ الْعَنِيُّ عَنِّي ، وَكَمْ أَتَبَغَّضُ إِلَيْكَ وَأَنَا الْفَقِيرُ إِلَيْكَ وَالرَّحْمَتِكَ ، فَيَا مَنْ وَعَدَ فَوْفَا ، وَأَوْعَدَ فَعَفَا ، إِغْفِرْ لِي خَطَايَايَ ، وَأَعِيفْ وَأَرْحَمْ ، وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ . (۱۶) ۱ - « مَفَاتِيح » : سَيَطَوَاتِكَ . ۲ - « مَفَاتِيح » : يَدِي . ۳ - « مَفَاتِيح » : مِنْهُ . ۴ - « الْعُلُوبَةُ الْجَامِعَةُ » : الْبَصْرُ . ۵ - هَكَذَا فِي « الْعُلُوبَةُ كِلْتَيْهِمَا » وَفِي « مَفَاتِيح » : وَأَحْسِنْتُ الْأَلَّ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ أَوْ رَجَوْتُكَ لِمَغْفِرَتِهِ لِي فَارْتَكَبْتُهُ وَقَدْ عَوَّلْتُ عَلَى حُسْنِ ظَنِّي بِكَ أَنْ لَا تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ . ۶ - الْمَرَضُ وَالْهَزْلُ . وَفِي « الْعُلُوبَةُ الثَّانِيَّة » وَخَل : الْفَنَاءُ . ۷ - اِسْتَهْتَدْتُ وَفِي « مَفَاتِيح » : أَوْ حَثَّتْ . ۸ - شَايَعْتُ وَسَاعَدْتُ وَعَاوَنْتُ وَفِي « مَفَاتِيح » : مَا يَلْتُ . ۹ - « مَفَاتِيح » : وَأَضْيِرْرْتُ . ۱۰ - هَكَذَا فِي « مَفَاتِيحِ وَالْعُلُوبَةُ الثَّانِيَّة » ، وَفِي « الْعُلُوبَةُ الْجَامِعَةُ » : وَأَطْوَى . ۱۱ - بَاكْتِسَابُهُ الْهَلَاكَ . ۱۲ - « مَفَاتِيح » : وَلَمْ تَقْلِبْنِي شَيْئًا . ۱۳ - « مَفَاتِيح » : إِلَى إِرْضَاهَا . ۱۴ - « مَفَاتِيح » : ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ وَعُدْتُ فِيهِ . ۱۵ - « مَفَاتِيح » : التَّرْخُصُ . ۱۶ - الصِّحْفَةُ الْعُلُوبَةُ الْجَامِعَةُ ، ص ۱۶۴ - ۱۶۸ مَفَاتِيحِ النَّجَاءِ ، نَسَخَهُ خَطِي آسْتَانَ قَدَسٍ / الصِّحْفَةُ الْعُلُوبَةُ الثَّانِيَّةُ ، ص ۶۴ - ۷۰ .

ترجمه استغفار مجزبی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مرد عرب آموختند

۱) خدایا از تو طلب عفو و بخشش دارم درباره هر گناهی که با سلامتی که به من دادی ، بدنم بر آن نیرو گرفت . یا گناهی که به خاطر زیادی نعمت تو ، بر انجام آن قدرت یافتم . یا با افزون گشتن روزیت ، بر آن دست درازی کردم . یا هنگام ترس از آن ، بر متانت و تحمل تو اعتماد کردم و مرتکب آن گشتم . یا گناهی که از مقام ستاریت و پوشانندگی تو کمک گرفتم و آن را از مردم پنهان کردم . یا به خاطر حلم و بردباریت از چیره گشتن و سختگیری تو در مورد آن خاطر جمع گردیدم . یا گناهی که در مورد آن ، بر گذشت کریمانه تو اعتماد کردم و مرتکب آن گردیدم . ۲) خداوندان ، از تو عفو و گذشت می طلبم در مورد هر گناهی که در انجام آن به امانت خود (ایمان و معرفتم) خیانت کردم . یا گناهی که با انجامش نفس خود را بی ارزش ساختم یا هیزم (عقوبت و کیفر قیامت) را به دوش خویش کشیدم . یا در مورد آن ، لذت و کامیابی خویش را مقدم داشتم و شهوت و خواسته دل خود را در راه رسیدن به آن برگزیدم . یا برای رسیدن دیگران بدان تلاش کردم . یا کسی را که از من پیروی نموده بود به سوی آن فریب داده و گمراه کردم . و با کسی که مانع از انجام آن گردید ، حيله به خرج دادم ؛ و کسی را که به خاطر ارتکابش با من دشمنی کرد ، مقهور خود ساختم و با چاره اندیشی برترم بر او غالب و پیروز گشتم . یا تو را (برای دست یافتن به آن گناه) ای مولای ، من ضعیف شمردم ؛ ولی تو مرا بر این کار زشتم مغلوب نساختی و با این که از گناه من ناراحت بودی ، نسبت به کردار ناپسند من خویشتن داری کردی . و تو از قبل ، کردار مرا می دانستی ، نه به گونه ای که مرا به اجبار در میدان آن وارد سازی و به زور به آن واداری ، که تو کمترین ظلمی در مورد آن به من نکردی . من برای این گناه و همه گناهانم از تو درخواست آمرزش می کنم . ۳) خداوندان ، برای هر گناهی که به سوی تو توبه کرده ام ، تقاضای گذشت و بخشش دارم ، گناهی که بر انجام آن اقدام

کردم در حالی که از تو حیا می کردم اما از آن جدا نمی شدم، از تو می ترسیدم ولی در آن غرق بودم، مرتکب آن می شدم و دوباره به سویش برمی گشتم. ۴) بارالها، از تو آمرزش می خواهم درباره هر گناهی که بر من نوشته ای، به واسطه کار خیری که تصمیم گرفتم آن را برای تو انجام دهم، ولی غیر تو در نیت من مخلوط گشت؛ و چیزی که نیتم را برای تو ناخالص می ساخت، در آن شرکت جست؛ یا مرا ملزم ساخت که به واسطه آن غیر تو را اراده کنم. و بسیاری از کارهای من بدینسان بوده است. ۵) خداوندا، از تو آمرزش می طلبم برای هر گناهی که دست و پای مرا بست، به خاطر عهد و پیمانی که با تو بستم یا قراردادی که برای تو داشتم یا مطلبی را برای یکی از بندگان تو، به خاطر تو، به عهده گرفتم؛ سپس بدون هیچ ضرورتی عهد شکنی کرده و نقض پیمان کردم. بلکه تکبر و خودبینی من، مرا از وفای به عهده بازداشت و به سوی نقض آن لغزاند؛ و شادی بیجا و ناسپاسی، مرا از رعایت آن بازداشت. ۶) خداوندا، از تو عفو و بخشش می جویم در مورد هر گناهی که هنگام انجام آن از بندگان تو ترسان گشتم و از غیر تو خائف بودم، (از تو حیا نکردم) اما از آفریده های تو حیا کردم و در خلوت تو مرتکب آن گردیدم. ۷) بارالها، از تو درخواست بخشش و آمرزش هر گناهی را دارم که بر آن اقدام کردم، در حالی که یقین داشتم که تو مرا به خاطر آن عقاب می کنی، ولی مرتکب آن شدم. ۸) خداوندا، از تو درباره هر گناهی طلب آمرزش می کنم که در مسیر دست یافتن به آن، شهوت و خواسته دلم را بر طاعت و خواسته تو مقدم داشتم، و محبت به خویشان را بر دستور و فرمان تو برگزیدم، و نفس خود را با غضب و خشم تو خشنود ساختم؛ در حالی که تو با نهدی خود، مرا از فعل آن بازداشتی و قبل از آن که من به سوی آن حرکت کنم، نصیحتم کردی و راه عدل تراشی را به رویم بستی؛ و با وعده عقاب و عذاب خویش، حجت را بر من تمام کردی. ۹) بار خدایا، از تو خواهش بخشش دارم برای هر گناهی که از آن اطلاع دقیق داشتم و یا از آن غافل گشته و فراموش کرده ام، خواه با علم و آگاهی مرتکب آن شده باشم یا با جهل و نادانی، گناهی که شک ندارم روزی از من سؤال خواهی کرد و نفس من در گرو آن خواهد بود، اگر چه آن را فراموش کرده یا نفس خود را از آن غافل کرده باشم. ۱۰) بارالها، از تو طلب آمرزش و ریزش هر گناهی را دارم که در برابر تو با آن عمل حاضر گشتم در حالی که یقین داشتم که تو مرا می بینی، ولی از این که توبه کنم و به سوی تو باز گردم، خود را غافل کرده یا فراموش کردم که توبه کنم و از تو آمرزش بخواهم. ۱۱) خداوندا، از تو تقاضای عفو و گذشت می کنم برای هر گناهی که در میدان آن داخل گشتم و به تو گمان نیک داشتم که بر انجام آن، مرا عذاب نمی کنی و عهده دار نجات من از آثار و عواقب بد آن می شوی. ۱۲) کردگارا، از تو خواهش آمرزش دارم درباره هر گناهی که به خاطر آن استحقاق رد شدن درخواست، محروم گردیدن از اجابت دعا، نرسیدن به مقصود، به هم پاشیدن امید، و دست نیافتن به آرزو را پیدا کردم. ۱۳) بار پروردگارا، از تو درخواست عفو و بخشش می نمایم برای هر گناهی که حسرت و اندوه به دنبال داشته و ندامت و پشیمانی از خود به جای گذاشته و روزی را حبس کرده، و دعا را رد می کند. ۱۴) خداوندا، از تو طلب گذشت و آمرزش می کنم درباره هر گناهی که بیماری های مختلف از خود به جای می گذارد، رنجوری و لاغری به دنبال دارد، باعث عقوبت و سختی می گردد، و سرانجامش حسرت و پشیمانی است. ۱۵) بار خدایا، از تو آمرزش می طلبم در مورد هر گناهی که آن را به زبان خود تعریف کردم، یا نفسم به سوی آن میل پیدا کرد، یا به دست خویش تحصیلش کردم؛ در حالی که آن کار نزد تو کار زشتی است که بر مثل آن بندگان را عقاب می کنی، و هر که را مرتکب آن گردد دشمن می داری. ۱۶) بارالها، از تو طلب عفو آمرزش می کنم برای هر گناهی که شب یا روزم را با آن خلوت کردم، به گونه ای که هیچ یک از آفریده های مرا نمی دید اگر چه به خاطر ترس از تو آن را ترک کرده ولی آنچه مرا به اقدام بر آن مایل ساخت، گمان نیکی بود که به تو داشتم، لذا نفسم مرا فریب داد و از ترک گناه به انجام آن مایل گشتم و در منجلاش فرورفتم، و این در حالی بود که عصیان خود را نسبت به تو می شناختم. ۱۷) خداوندا، از تو تقاضای عفو و بخشش می کنم درباره هر گناهی که آن را کم یا کوچک شمردم، یا در عین حالی که بزرگ دانستم در گردابش فرو رفتم. ۱۸) پروردگارا، از تو خواهش آمرزش و ریزش هر

گناهی را دارم که در مورد آن یکی از بندگان تو را به انجام آن کمک و یاری کردم، یا آن را برای نفس خود زینت دادم یا با اشاره ام دیگری را بدان واداشتم و غیر خود را به سوی آن رهنمون گردیدم و با علم و آگاهی بر آن اصرار ورزیدم، یا با چاره اندیشی خویش بدان استقامت کردم. (۱۹) کردگارا، برای هر گناهی از تو درخواست عفو و بخشش دارم که با حيله های شیطانی خویش برای انجام آن، از طریق کاری کمک جستم که بواسطه آن می توان تو را قصد کرد و به تو تقرّب جست و بر طاعت و پیروی تو غالب گشت یا به تو نزدیک شد؛ امّا من باطن کارم را از مردم پنهان کردم و مطلب را بر آن ها مشتبه ساختم و چنین وانمود کردم که مقصودم از انجام این کار تو هستی؛ در حالی که مراد من نافرمانی تو بود، و هوای نفس، باطن کارم را از ظاهرش که برای تو بود جدا ساخته و به غیر طاعت تو برگرداند. (۲۰) خداوندا، از تو طلب عفو و آمرزش می کنم نسبت به هر گناهی که بر من نوشته ای به خاطر عجب و خودبینی، ریا و خودنمایی، رساندن صدای عبادت خویش به دیگران، تکبر و بزرگ منشی، شادی بی جا و نشاط غرور آفرین، خودپسندی و گردن کشی در برابر حق، ناسپاسی در مقابل نعمت های تو، کینه توزی و رشک بردن به دیگران، غضب نمودن و خشمگین شدن، راضی گشتن و خشنود شدن، آزمندی و بخل ورزیدن، ظلم و خیانت، سرقت و دروغگویی، کار بیهوده و بازی نمودن، یا نوعی از انواع صفات زشت و کارهای ناپسندی که با مثل آن گناهان تحصیل می گردد، و با ورود در میدان آن انسان به هلاکت می افتد (خداوندا، از هر گناهی که به واسطه یکی از این صفات بر آن دست یافتم از تو طلب عفو و بخشش می کنم). (۲۱) بارالها، از تو تمنای آمرزش و گذشت دارم برای هر گناهی که در علم تو گذشته است که من آن را انجام می دهم، گناهی که به شهوت و خواسته دل خویش در آن قدم گذارده ام و با اراده خود انجامش داده ام و به خاطر علاقه ای که به آن داشتم و لذتی که از آن می بردم با خواست خود مرتکبش گشتم، و این خواست من در حالی است که تو خواستی من بخواهم، آن را اراده کردم در حالی که تو اراده نمودی من اراده کنم و در نتیجه آن را انجام دادم، زیرا در تقدیر قدیم و علم گذرای تو چنین گذشته که من آن را به اراده خود انجام می دهم، نه این که تو مرا به زور وادار به این گناه کنی یا بی اختیار مرا به آن واداری، تو هیچ ظلمی در ارتباط با این کار زشت، به من نکردی پس، از تو برای این گناه و هر گناهی که علم تو بر آن جاری گشته است و درباره من تا آخر عمرم جاری می شود طلب عفو و بخشش می کنم. (۲۲) پروردگارا، از تو تقاضای مغفرت و آمرزش دارم، در مورد هر گناهی که به خشم خود درباره آن از خشنودی تو روی گرداندم و نفسم به سوی خشنودی تو مایل گشت ولی به خاطر دست یافتن به گناه، خشنودی تو را دشمن داشتم؛ در انجام آن از غیر تو ترسیدم، با دوستان تو دشمنی و با دشمنان تو دوستی کردم و آنان را بر بهترین بندگان برگزیدم؛ و در راه ارتکاب آن دوستان تو را بیچاره و گرفتار کردم؛ یا برای دست یافتن به آن از خشنودی تو کاستم و در تحصیل آن کوتاهی کردم، ای بهترین بخشندگان. (۲۳) خداوندا، از تو تقاضای بخشش و آمرزش دارم درباره هر گناهی که به سوی تو توبه کردم، سپس دوباره به سوی آن باز گشتم. (۲۴) از تو می خواهم مرا ببخشی نسبت به وعده ایی که به تو دادم، پیمان هایی که با تو بستم، ولی به آن وفا نکردم. (۲۵) از تو طلب آمرزش می کنم برای نعمت هایی که به من عطا کردی، و من به واسطه آن ها خود را برای نافرمانی تو نیرومند ساختم. (۲۶) از تو تقاضای عفو و بخشش دارم در مورد هر کار خیری که تصمیم گرفتم آن را برای خشنودی تو انجام دهم، امّا در نیتم آنچه برای تو نبود راه یافت. (۲۷) از تو می خواهم مرا عفو فرمایی نسبت به امور شبهه ناکی که در نزد تو حرام بود، و اجازه ظاهری مرا به سوی آن فرا خواند. (۲۸) از تو درخواست آمرزش دارم، نسبت به گناهانی که غیر از تو کسی از آن با خبر نیست، و جز تو کسی از آن اطلاع ندارد، و جز حلم و بردباری تو عامل دیگری گنجایش در بر گرفتن آن را ندارد. (۲۹) ای خدای من، از تو می خواهم مرا ببخشی و توبه ام را بپذیری نسبت به مظالم و حقوق فراوانی که از بندگان به عهده من است، امّا من قدرت برگرداندن و حلایت طلبیدن از آن ها را ندارم؛ یا اگر صاحبان حق برای حلال نمودن نزد من حاضر شدند، حیا کردم که از آن ها حلایت بطلبم و از آنان بخواهم و به آن ها اعلام کنم که از من راضی شوند؛ و تو قدرت داری که برایم از آنان طلب بخشش نمایی و آن

ها را از من راضی گردانی، به هر صورت که خودت می خواهی، و به هر چیزی که می خواهی. ای مهربانترین مهربانان و ای بهترین حکم کنندگان و برترین بخشندگان (۳۰) خداوندا! طلب عفو و بخشش من از تو با اصرار و پافشاری فرومایگی است. و ترک آموزش خواهی من با معرفتم به گسترش جود و رحمت تو، عجز و ناتوانی است. ای پروردگرم، چه بسیار اوقاتی که تو به من اظهار محبت کردی، در حالی که تو از من بی نیاز هستی، و چه بسیار که من با تو دشمنی کردم، در حالی که سر تا پا نیازمند به تو و رحمت هستم. ای کسی که وعده به ثواب می دهی و به وعده ات وفا می کنی، و از عقاب می ترسانی اما می بخشی، خطاها و لغزش های مرا ببخش، مرا عفو کن و بر من رحم فرما که تو بهترین رحم کنندگانی.

شفا یافتن دل و نورانی شدن قلب با تلاوت آیات استغفار

توجه به قرآن و تلاوت آیاتش و تفکر در مضامین و اشاراتش، باعث نورانی شدن قلب، شفا یافتن دل و شکوفا گشتن غنچه ایمان در باغستان جان انسان است آیاتی که علاوه بر این که کلمات نورانی حق هستند، بیانگر دستور استغفار، ذکر حیات بخشی می باشند که بعد از ولایت اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان بهترین عبادت، جامع ترین دعا و پر بارترین عمل عبادی از آن یاد شده است. از طرفی اگر این آیات در سخن کسی به نظم کشیده شده و به درگاه خداوند عرضه شده باشند که خودش قرآن ناطق و سینه اش گنجینه علوم قرآن و کردارش نشانگر عمل به آن است، اثر تلاوتش را دو چندان می سازد. آری، این امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که در مناجات و استغفاری که با خدای خویش دارد، اشاره ای به تمام آیات قرآن می فرماید که در آن ذکری از استغفار به میان آمده است و بیان کننده آثار و برکات استغفار، و نشانگر تقاضای امت ها از انبیا برای آموزش خواهی از خدا، و مشتمل بر تعریف از مستغفرین و عذرخواهان است. لذا این بخش کتاب را با استغفاری زینت می دهیم که مرحوم علامه مجلسی، از بلد الامین کفعمی، نقل کرده و می فرماید: مستحب است انسان در قنوت نماز وتر، استغفاری را تلاوت کند که امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن را قرائت می فرمودند. (۱) لازم به تذکر است که تکیه عمده آن حضرت در این استغفار، بر آیات نورانی قرآن است. و تلاوت آن در قنوت نماز شب، آثار پر باری را برای انسان به ارمغان خواهد آورد. اینک متن استغفاری که از لبان دُرر بار مولی الموحّدین علی (علیه السلام) صادر گشته، از نظر خوانندگان محترم می گذرد: ۱- بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۲۸۲.

استغفار امیرالمؤمنین (علیه السلام) در قنوت نماز وتر

متن استغفار امیرالمؤمنین

(۱) اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَوْلِكَ الْحَقُّ (كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ وَ بِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ) (۱) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ . (۲) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (ثُمَّ أَيْضًا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّيَّاسُ وَ اسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ) (۲) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ . (۳) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الْقَانِتِينَ وَ الْمُتَّقِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ) (۳) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ . (۴) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (وَ الَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَ مَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَمْ يَصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَ هُمْ يَعْلَمُونَ) (۴) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ . (۵) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ أَسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ) (۵) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ . (۶) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا) (۶) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ . (۷) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (وَ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظِلْمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا) (۷) وَ أَنَا أَسْتَغْفِرُكَ وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ . (۸) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى

اللّٰهُ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَاللّٰهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ (۸) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۹) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (وَ مَا كَانَ اللّٰهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ اَنْتَ فِيهِمْ وَ مَا كَانَ اللّٰهُ مُعَذِّبُهُمْ وَ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ) (۹) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۱۰) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (اَسْتَغْفِرُ لَهُمْ اَوْ لَا تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ اِنْ تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ) (۱۰) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۱۱) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَ الَّذِينَ اٰمَنُوا مَعَهُ اَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ كَانُوْا اُولٰٓئِ قُرْبٰى مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ اَنَّهُمْ اَصْحَابُ الْجَحِيْمِ) (۱۱) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۱۲) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (وَ مَا كَانَ اَسْتَغْفِرُكَ اِبْرٰهِيْمَ لَابِيْهِ اِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا اِيَّاهُ) (۱۲) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۱۳) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (وَ اَنْ اَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا اِلَيْهِ يَمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا اِلَى اَجَلٍ مُّسَمًّى وَ يُوْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ) (۱۳) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۱۴) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (وَ يَا قَوْمِ اَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا اِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً اِلَى قُوَّتِكُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِيْنَ) (۱۴) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۱۵) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (هُوَ اَنْشَأَكُمْ مِّنَ الْاَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيْهَا فَاسْتَغْفِرُوْهُ ثُمَّ تَوْبُوا اِلَيْهِ اِنَّ رَبِّيْ قَرِيْبٌ مُّجِيْبٌ) (۱۵) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۱۶) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (وَ اَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تَوْبُوا اِلَيْهِ اِنَّ رَبِّيْ رَحِيْمٌ وَ دُوْدٌ) (۱۶) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۱۷) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (وَ اَسْتَغْفِرُكَ لِدُنْبِكَ اِنَّكَ كُنْتَ مِنَ الْخٰطِئِيْنَ) (۱۷) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۱۸) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (يَا اٰبَانَا اَسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا اِنَّا كُنَّا خٰطِئِيْنَ) (۱۸) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۱۹) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (سَوْفَ اَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّيْ اِنَّهُ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ) (۱۹) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۲۰) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (وَ مَا مَعَ النَّاسِ اَنْ يُؤْمِنُوْا اِذْ جَاءَهُمُ الْهُدٰى وَ يَسْتَغْفِرُوْا رَبَّهُمْ) (۲۰) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۲۱) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (سِيَءَ اَمْرٍ عَلَيكَ سَاَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّيْ اِنَّهُ كَانَ بِيْ حَفِيًّا) (۲۱) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۲۲) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (فَاذْنُ لِمَنْ شِئْتَ مِنْهُمْ وَ اَسْتَغْفِرْ لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ) (۲۲) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۲۳) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (يَا قَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُوْنَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُوْنَ اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُوْنَ) (۲۳) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۲۴) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (وَ ظَنَّ دَاوُدُ اَنَّمَا فَتَنَّهٗ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهٗ وَ خَرَّ رَاكِعًا وَ اَنَابَ) (۲۴) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۲۵) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (الَّذِينَ يَحْمِلُوْنَ الْعَرْشَ وَ مَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يُؤْمِنُوْنَ بِهٖ وَ يَسْتَغْفِرُوْنَ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا) (۲۵) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۲۶) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (فَاصْبِرْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ وَ اسْتَغْفِرْ لِذُنْبِكَ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَ الْاَبْكَارِ) (۲۶) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۲۷) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (فَاسْتَغْفِرُوا اِلَيْهِ وَ اسْتَغْفِرُوْهُ) (۲۷) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۲۸) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (وَ الْمَلٰٓئِكَةُ يُسَبِّحُوْنَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَ يَسْتَغْفِرُوْنَ لِمَنْ فِي الْاَرْضِ اِلَّا اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ) (۲۸) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۲۹) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (فَاعْلَمْ اِنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اَسْتَغْفِرْ لِذُنْبِكَ وَ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنٰتِ وَ اللّٰهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَ مُتُوْبِكُمْ) (۲۹) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۳۰) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (سَيَقُوْلُ لَكَ الْمُخَلَّفُوْنَ مِنَ الْاَعْرَابِ شَعَلْنَا اَمْوَالَنَا وَ اَهْلُوْنَا فَاَسْتَغْفِرْ لَنَا) (۳۰) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۳۱) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (حَتّٰى تُوْمِنُوْا بِاللّٰهِ وَ حِدَهُ الْاَقْوَالِ اِبْرٰهِيْمَ لَابِيْهِ لَا سْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَ مَا اَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيكَ تَوَكَّلْنَا وَ اِلَيْكَ اٰتَيْنَا وَ اِلَيْكَ الْمَصِيْرُ) (۳۰) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۳۲) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (وَ لَا يَعْصِيْنَكَ فِى مَعْرُوْفٍ فَبَايَعْنَهُ وَ اَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللّٰهُ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ) (۳۲) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۳۳) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (وَ اِذَا قِيْلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُوْلُ اللّٰهِ لَوُوْا رُؤُسَهُمْ وَ رَاٰيْتَهُمْ يَصُدُوْنَ وَ هُمْ مُسْتَكْبِرُوْنَ) (۳۳) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۳۴) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (سِوَآءِ عَلَيْهِمْ اَسْتَغْفِرْتَ لَهُمْ اَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ) (۳۴) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۳۵) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (وَ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ اِنَّهٗ كَانَ غَفَّارًا) (۳۵) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۳۶) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (هُوَ خَيْرٌ وَ اَعْظَمُ اَجْرًا وَ اسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ) (۳۶) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۳۷) وَ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَ تَعَالَيْتَ : (فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ اسْتَغْفِرْهُ اِنَّهٗ كَانَ تَوَّابًا) (۳۷) وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَتُوبُ اِلَيْكَ (۳۸)

۱- سوره ذریات ، آیه ۱۷ . ۲- سوره بقره : آیه ۹۹ . ۳ و ۴ و ۵- سوره آل عمران : آیه ۱۷ ، ۱۳۵ ، ۱۵۹ . ۶- سوره نساء : آیه ۶۴ .
 ۷- سوره نساء : آیه ۱۱۰ . ۸- سوره مائده : آیه ۷۴ . ۹- سوره انفال : آیه ۳۳ . ۱۰- سوره توبه : آیه ۸۰ . ۱۱- سوره توبه : آیه ۱۱۳ .
 ۱۲- سوره توبه : آیه ۱۱۴ . ۱۳- سوره هود ، آیه ۳ . ۱۴- سوره هود : آیه ۵۲ . ۱۵- سوره هود : آیه ۶۱ . ۱۶- سوره هود : آیه ۹۰ .
 ۱۷- سوره یوسف : آیه ۲۹ . ۱۸- سوره یوسف : آیه ۹۷ . ۱۹- سوره یوسف : آیه ۹۸ . ۲۰- سوره کهف : آیه ۵۵ . ۲۱- سوره مریم :
 آیه ۴۷ . ۲۲- سوره نور : آیه ۶۲ . ۲۳- سوره نمل : آیه ۴۶ . ۲۴- سوره ص : آیه ۲۴ . ۲۵- سوره غافر : آیه ۷ . ۲۶- سوره غافر :
 آیه ۵۵ . ۲۷- سوره فصلت : آیه ۶ . ۲۸- سوره شوری : آیه ۵ . ۲۹- سوره محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) : آیه ۱۹ . ۳۰- سوره
 فتح : آیه ۱۱ . ۳۱- سوره ممتحنه : آیه ۴ . ۳۲- سوره ممتحنه : آیه ۱۲ . ۳۳- سوره منافقون : آیه ۵ . ۳۴- سوره منافقون : آیه ۶ . ۳۵-
 سوره نوح ، آیه ۱۰ . ۳۶- سوره مزمل : آیه ۲۰ . ۳۷- سوره نصر : آیه ۳ . ۳۸- الصّحیفة العلوّیة الجامعة ، ص ۱۵۷ - ۱۶۲ ؛ البلد
 الأمین ، ص ۶۵ ، چ اعلمی بیروت .

ترجمه استغفار امیرالمؤمنین (علیه السلام) ، همراه آیات استغفار

۱) خدایا تو خود ، در کتاب محکمت که بر پیامبر مرسل خویش (صلی الله علیه وآله وسلم) ، فرو فرستاده ای ، فرموده ای و گفتار تو حق است که فرموده ای : « متّقین در دنیا چنین بودند که (کمی از شب را می خوابیدند و در سحرگاهان استغفار می کردند . » و من از تو آموزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم . ۲) تو (ذات پاکی داری که) مبارک هستی و دارای علوّ مرتبه ای و فرموده ای : « سپس از همان جا که مردم کوچ می کنند (به سوی سرزمین منی) کوچ کنید . و از خدا آموزش بخواهید ، به راستی که خدا بسیار آمرزنده و مهربانست . » و من از تو آموزش می خواهم و به سوی تو باز می گردم . ۳) تو (ذات پاکی هستی که) مبارکی و مرتبه ات عالی و بلند است و فرموده ای : « آن ها که (در برابر مشکلات و در مسیر اطاعت خدا) صابر و خویشتن دارند ، راستگو هستند و (در برابر خدا) خضوع و (در راه او مال خویش را) انفاق می کنند ، و در سحرگاهان استغفار می کنند . » و من از تو آموزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم . ۴) تو (ذات مقدّسی هستی که) مبارکی و علوّ مرتبه داری و فرموده ای : « کسانی که هرگاه ، کار زشتی انجام می دهند ، یا به نفس خویش ظلم می کنند ، خدا را به یاد می آورند و برای گناهانشان استغفار می کنند ؛ و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد ؛ و اینان بر آنچه کرده اند ، اصرار و پافشاری ندارند ، و خوب می دانند (که اصرار بر گناه با استغفار سازش ندارد) » و من از تو آموزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم . ۵) تو (ذات منزهی هستی که) وجودت مبارک و برتر از افکار همه است و فرموده ای : « آن ها را ببخش و برایشان استغفار کن و در کارشان با آنان مشورت کن . اما هنگامی که تصمیم گرفتی (قاطع باش) و بر خدا توکل کن ، به راستی که خدا توکل کنندگان را دوست دارد . » و من از تو طلب آموزش می کنم و به سوی تو باز می گردم . ۶) تو (ذات بی مثالی هستی که) وجودی مبارک و مرتبه ای بلند داری و فرموده ای : « اگر اینان زمانی که به نفسهای خویش ستم می کنند ، نزد تو آیند و از خدا آموزش طلبند ، و رسول خدا هم برای آنان استغفار کند ، خدا را توبه پذیر و مهربان می یابند . » و من از تو آموزش می جویم و به سوی تو باز می گردم . ۷) تو ذات مبارکی هستی که برتر از دسترس عقول و افکاری و فرموده ای : « هر کس کار بدی کند ، یا به نفس خویش ستم روا دارد ، سپس از خدا آموزش طلبد ، خدا را بسیار آمرزنده و مهربان می یابد . » و من از تو آموزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم . ۸) تو وجود مبارکی هستی که مرتبه ای عالی و بلند داری و فرموده ای : « چرا به سوی خدا باز نمی گردند و از خدا آموزش نمی طلبند ؟ (مگر نمی دانند که) خدا بسیار آمرزنده و مهربان است . » و من از تو طلب آموزش می کنم و به سوی تو باز می گردم . ۹) تو (ذات پاکی داری که) مبارک هستی و دارای علوّ مرتبه ای و فرموده ای : « (ای رسول ما) تا تو در میان ایشان هستی ، خدا آنان را

عذاب نمی کند و (نیز) تا آن ها استغفار می کنند و از خدا آمرزش می طلبند، خدا آنان را عذاب نمی کند.» و من از تو آمرزش می خواهم و به سوی تو باز می گردم. ۱۰) تو (ذات مطهری هستی که) مبارکی و مرتبه ات عالی و بلند است و (درباره منافقین) فرموده ای: «تو (ای پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)) برای آن ها استغفار کنی یا نکنی (به حالشان فرق نمی کند) اگر هفتاد مرتبه هم برای آن ها طلب آمرزش کنی، خدا آن ها را نمی بخشد.» و من از تو آمرزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم. ۱۱) تو (ذاتی پاک داری که) مبارک است و برتر از عقول همه ای و فرموده ای: «پیغمبر و کسانی که ایمان آورده اند، نباید برای مشرکین استغفار کنند، اگر چه از نزدیکان آن ها باشند، بعد از آن که برای آنان روشن شد که این گروه اهل دوزخند.» و من از تو آمرزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم. ۱۲) تو وجودی مبارک و مرتبه ای بلند داری و فرموده ای: «استغفار ابراهیم (علیه السلام) برای پدرش (عمویش آذر) به خاطر وعده ای بود که به او داده بود» و من از تو آمرزش می جویم و به سوی تو باز می گردم. ۱۳) وجود تو مبارک و مرتبه ات بلند است و فرموده ای: «از پروردگارتان آمرزش طلبید، سپس به سوی او باز گردید تا شما را به مدت معینی (که برای عمرتان قرار داده است) از نعمت ها و زندگی خوب بهره مندتان فرماید، و هر صاحب فضیلتی را به مقدار فضیلتش ببخشد.» و من از تو طلب آمرزش می کنم و به سوی تو باز می گردم. ۱۴) تو (ذات پاک و) مبارکی هستی که علو مرتبه داری و فرموده ای: «ای قوم من از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او باز گردید تا (باران) آسمان را به سوی شما، پی در پی فرو فرستد. و نیرویی بر نیرویتان بیافزاید و در حالی که گنهکارید از حق روی برتائید» و من از تو آمرزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم. ۱۵) تو (ذات مقدسی هستی که) مبارکی و علو مرتبه داری و فرموده ای: «اوست خدایی که شما را از زمین پدید آورد و آبادانش را با عمری که به شما عطا کرد، در اختیارتان قرار داد. پس از او آمرزش بخواهید، سپس به سوی او باز گردید به تحقیق که پروردگار من (به بندگان خویش) نزدیک، و اجابت کننده (خواسته آنان) است.» و من از تو طلب آمرزش می کنم و به سوی تو باز می گردم. ۱۶) تو (ذات پاک و) مبارکی هستی و دارای علو مرتبه ای و فرموده ای: «از پروردگارتان آمرزش طلبید، سپس به سوی او باز گردید. به راستی، پروردگار من مهربان و دوستدار (بندگان توبه کار) است.» و من از تو آمرزش می طلبم و به سوی تو باز می گردم. ۱۷) وجود تو مبارک و برتر از همه افکار است و فرموده ای: «(تو ای زلیخا) برای گناهت استغفار کن، به راستی که تو از خطاکاران بودی.» و من از تو آمرزش می خواهم و به سوی تو باز می گردم. ۱۸) تو وجود مبارکی هستی که دارای علو مرتبه ای و فرموده ای: «ای پدر ما (یعقوب (علیه السلام)) برای گناهان ما (و آنچه نسبت به فرزندان یوسف (علیه السلام) روا داشتیم) استغفار کن، به تحقیق که ما همگی از خطاکاران بودیم.» و من از تو طلب آمرزش می نمایم و به سوی تو باز می گردم. ۱۹) تو ذاتی مبارک هستی و دارای علو مرتبه ای و (و از زبان پیامبر یعقوب (علیه السلام)) فرموده ای: «بزودی برایتان استغفار می کنم و از پروردگارم برای شما آمرزش می طلبم، به راستی که او بسیار آمرزنده و مهربان است.» و من از تو آمرزش می جویم و به سوی تو باز می گردم. ۲۰) تو مبارکی و برترین رتبه را داری و فرموده ای: «چه چیز جلوگیر مردم شده است که وقتی هدایت سراغشان آمد، ایمان آورند و از پروردگار خویش آمرزش طلبیده، استغفار کنند؟» و من از تو خواهش آمرزش دارم و به سوی تو باز می گردم. ۲۱) تو ذاتی مبارک و برتر از همه ای و فرموده ای: «(ابراهیم (علیه السلام) به پدرش گفت: سلام بر تو باد، به زودی برایت از پروردگار خویش آمرزش می طلبم، به راستی که او همواره نسبت به من مهربان بوده است.» و من از تو درخواست آمرزش دارم و به سوی تو باز می گردم. ۲۲) تو وجودی مبارک و دارای مرتبه برتر هستی و فرموده ای: «(ای پیامبر، هرگاه از تو برای بعضی از کارهای مهم خویش اجازه خواستند)، به هر یک از آنان که می خواهی اجازه بده و برای ایشان، از خدا آمرزش بخواه که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.» و من از تو آمرزش می خواهم و به سوی تو باز می گردم. ۲۳) وجود تو مبارک و مرتبه ات بلند است و (از قول پیامبر صالح (علیه السلام)) فرموده ای: «ای مردمی که در عهد من زندگی می کنید، چرا برای بدی قبل از نیکی عجله می کنید (و

عذاب الهی را می‌طلبید نه رحمت او را ؟) چرا از خداوند تقاضای آمرزش نمی‌کنید ، تا بلکه مشمول رحمت خداوند قرار بگیرید ؟ « و من از تو آمرزش می‌خواهم و به سوی تو باز می‌گردم . ۲۴) تو (ذات پاکی هستی که) مبارک و دارای برترین مرتبه ای و فرموده ای : « داود ، دانست که ما با این ماجرا او را آزمودیم از این رو از پروردگارش طلب آمرزش کرد ، به سجده افتاد ، به سوی حق بازگشت و توبه کرد . « و من از تو آمرزش می‌طلبم و به سوی تو باز می‌گردم . ۲۵) تو وجودی مبارک و دارای مرتبه ای بلند هستی و فرموده ای : « فرشتگانی که عرش را بدوش می‌کشند ، و آن‌ها که در اطرافشان هستند ، با حمد پروردگارشان (خدا را) تسبیح گفته و به او ایمان می‌آورند ، و برای کسانی که ایمان آورده اند استغفار می‌کنند . « و من از تو طلب آمرزش می‌کنم و به سوی تو باز می‌گردم . ۲۶) تو (ذات پاک و) مبارکی هستی که علو مرتبه داری و فرموده ای : « صبر و شکیبایی پیشه کن که وعده خداوند حق است . و برای گناهت استغفار کن ، و صبح و شام با حمد پروردگارت ، تسبیح (او را) به جای آور . « و من از تو آمرزش می‌طلبم و به سوی تو باز می‌گردم . ۲۷) تو ذات مبارکی هستی که دارای علو مرتبه ای و فرموده ای : « پس تمام توجه خویش را به او کن و از وی آمرزش طلبید . « و من از تو آمرزش می‌خواهم و به سوی تو باز می‌گردم . ۲۸) تو (ذات پاکی هستی که) مبارک و برتر از همه ای و فرموده ای : فرشتگان با حمد پروردگارشان تسبیح (خدا) می‌گویند و برای کسانی که در زمین اند (و به خدای خویش ایمان دارند) ، استغفار می‌کنند . آگاه باشید که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است . « و من از تو تقاضای عفو و بخشش دارم و به سوی تو باز می‌گردم . ۲۹) وجود تو مبارک و علو مرتبه ات از همه بیشتر است و فرموده ای : « بدان که معبودی جز خدای یکتا نیست . و برای گناه خودت و گناه مردان و زنان با ایمان ، استغفار کن و خداوند محل حرکت و قرارگاه شما را می‌داند . « و من از تو آمرزش می‌طلبم و به سوی تو باز می‌گردم . ۳۰) تو وجودی مبارک و برتر از همه داری و فرموده ای : « به زودی آن دسته از اعراب که از شرکت در جنگ تخلف ورزیدند (نزد تو آمده و) می‌گویند : (اموال و اهل و عیال) ما را مشغول کرد (و از شرکت در جنگ بازداشت) پس برای (این گناه) ما استغفار کن . « و من از تو عفو و بخشش می‌خواهم و به سوی تو باز می‌گردم . ۳۱) تو (ذات مقدسی هستی که) وجودت مبارک است و دارای مرتبه ای بلند هستی و فرموده ای : « (ابراهیم به قوم مشرک خود گفت : ... میان ما و شما دشمنی همیشگی آشکار شده) تا آن زمان که به خدای یگانه ایمان آورید . جز آن سخن که ابراهیم به پدرش (عمویش آذر) گفت (و وعده داد) که برای تو آمرزش می‌طلبم ، و در عین حال در برابر خدا مالک چیزی نیستیم (و اختیاری نداریم) پروردگارا ، ما بر تو توکل کردیم و به سوی تو بازگشتیم و همه فرجام‌ها به سوی تو است . « و من از تو طلب آمرزش می‌نمایم و به سوی تو باز می‌گردم . ۳۲) تو (ذات مطهری هستی که) مبارک و دارای علو مرتبه ای و فرموده ای : « (ای پیامبر هنگامی که زنان مؤمن نزد تو آیند ، تا با تو بیعت کنند اگر) در هیچ کار شایسته ای با تو مخالفت نمی‌کنند ، با آن‌ها بیعت کن و برای آنان از درگاه خدا آمرزش بخواه که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است . « و من از تو آمرزش می‌جویم و به سوی تو باز می‌گردم . ۳۳) تو وجود مبارکی هستی که علو مرتبه داری و فرموده ای : « و هر زمان که آن‌ها (منافقین) گفته می‌شود : بیاید تا رسول خدا برایتان استغفار کند ، (از شدت تکبر و غرور) سرهایشان را به عقب می‌چرخانند و آن‌ها را می‌بینی که راه حق و سعادت را به روی خود و دیگران می‌بندند و تکبر می‌ورزند . « و من از تو خواهش آمرزش دارم و به سوی تو باز می‌گردم . ۳۴) تو (ذات مهربان و) مبارکی هستی که برتر از عقول همه ای و فرموده ای : « برای اینان (منافقین) مساوی است که برایشان استغفار کنی یا نکنی ، خدا آن‌ها را نخواهد آمرزد . « و من از تو آمرزش می‌طلبم و به سوی تو باز می‌گردم . ۳۵) تو وجود مبارکی داری که برتر از افکار همه ای و فرموده ای : « از پروردگارتان آمرزش طلبید که او بسیار آمرزنده است . « و من از تو تقاضای عفو و بخشش دارم و به سوی تو باز می‌گردم . ۳۶) وجود تو مبارک و مرتبه تو بلند است و فرموده ای : « (آنچه از کارهای نیک برای خود از پیش می‌فرستید) نزد خدا به بهترین وجه و بزرگترین پاداش خواهید یافت . و از خدا آمرزش بخواهید که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است . « و من از تو عفو و آمرزش می‌طلبم و به سوی تو باز

می‌گردم . ۳۷) تو وجودی مبارک و دارای مرتبه‌ای بلند هستی و فرموده‌ای : « با حمد پروردگارت تسبیح بگو و از او آموزش بطلب که او توبه پذیر است . » و من از تو طلب و عفو و آمرزش دارم و به سویت باز می‌گردم .

نجات از فقر و گسترش روزی

استغفار در ساعت بین الطلوعین ، بعد از نافله صبح ، مخصوصاً اگر هفتاد مرتبه باشد ، دارای آثار و برکات فراوانی است . ما در بحث « بهترین اوقات استغفار » به بخشی از آن اشاره کردیم . از جمله آثار آن وسعت رزق و روزی است ، زیرا علاوه بر این که ، یکی از برکات استغفار وسعت روزی است ، بیدار ماندن در این ساعت تا طلوع آفتاب و پرداختن به عبادت خدا نیز باعث افزایش روزی انسان است . محمد بن مسلم از امام صادق (علیه السلام) ، یا امام باقر (علیه السلام) سؤال کرد : خواب بعد از نماز صبح چگونه است ؟ حضرت فرمودند : روزی (انسان) در این ساعت گسترش پیدا می‌کند و من دوست ندارم ، شخص در این ساعت بخوابد (و از روزی خویش محروم گردد .) (۱) خواب صبح ، خواب شومی است که نحوست آن در زندگی روزمره انسان آشکار گشته ، از جمله آنکه روزی را از او دور کرده ، رنگ چهره را تغییر داده و رخساره شخص را دگرگون و زشت می‌سازد . (۲) خواب بین الطلوعین اگر همراه با ترک نماز صبح باشد مبعوضتتشد شدیدتر و آثار شومش بیشتر می‌گردد ، تا آنجا که زمین هم تحمل چنین انسانی را نداشته و از این کردار ناپسند او ناله می‌کند ، همانگونه که از خون حرامی که بر روی آن ریخته می‌شود ، و غسلی که بر روی آن از زنا می‌گردد ، ناله می‌زند ! (۳) خواب در این ساعت به قدری مذموم است که در الهامات نورانی امامان پاک (علیهم السلام) شدیداً نکوهش شده و برای اینکه شیعیان گرفتار پی آمدهای ناگوارش نگردند ، به آنان دستور داده اند : در ساعت بین الطلوعین ، قبل از طلوع و غروب آفتاب ، زیاد به یاد خدا باشید ، از شر ابلیس و لشکریانش به او پناه برده و فرزندان خردسالتان را در پناه خداوند در آورید . چه آنکه این دو ساعت ، ساعت غفلت شمرده شده است . (۴) مهمترین اثر شوم غفلت در این ساعت ، محرومیت از روزی ، مخصوصاً روزی های اضافه و بی گمان است ! در دورانهای گذشته وضع بنی اسرائیل چنین بود که روزی آنان (انگبین و عسل و بلدرچین) ، از طلوع فجر تا طلوع خورشید ، نازل می‌گشت ، و هرکس می‌خواست سهم او نازل نمی‌شد و چون بیدار می‌شد و سهم خویش را نمی‌دید ، ناچار برای گذران روزیش از مردم سؤال و درخواست می‌کرد . (۵) بدین خاطر ، امامان معصوم (علیهم السلام) تأکید فراوانی نسبت به بیداری در این ساعت داشتند ، تا شیعیان نشان از روزی خویش محروم نمانند . امام سجاد (علیه السلام) در کلامی زیبا و پر معنا به ابو حمزه ثمالی فرمودند : لا تَنَامَنَّ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ ، فَإِنَّ أَكْرَهَهَا لَكَ ، إِنَّ اللَّهَ يُقَسِّمُ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ أَرْزَاقَ الْعِبَادِ وَ عَلَى آيَدِنَا يُجْرِيهَا . (۶) حتماً سعی کن قبل از طلوع خورشید نخوانی ، که من این کار را برای تو خوش ندارم . به راستی ، خداوند در این ساعت روزی های بندگان را تقسیم می‌کند و این کار را خدا به دست ما اجرا می‌کند . بنابراین با توجه با اینکه ، خوابیدن در این ساعت باعث از دست دادن روزی خویش است و یا زحمت انسان را برای تحصیل آن ، دو چندان کرده و چه بسا مساوی با ریختن آبروی او است ؛ خوب است که در این دقائق سرنوشت ساز بیدار مانده ، با خدای مهربان مناجات کرده و از او آمرزش طلبیم . همچنین برای گناهانمان از امام زمان خویش - ارواحنا فداه - عذرخواهی کنیم ، به این امید که وقتی روزی ما را از خدا طلب می‌کند ، سهم بیشتری برایمان درخواست فرماید . آری ! چه زیباست که بعد از قرائت استغفارهای وارده در این ساعت دعای عهد را تلاوت کرده و با یکی از زیارات امام عصر - عجل الله فرجه - آن بزرگوار را زیارت کنیم . و با او پیمان ببندیم که دیگر با کردار ناشایستمان قلب نورانش را جریحه دار نسازیم . (۷) در این صورت است که استغفارمان به درگاه خدا ، با آمین آن بزرگوار عجین گشته ، به استجاب رسیده و به همه برکات استغفار دست خواهیم یافت . امام سجاد (علیه السلام) در این ساعت ، استغفاری را تلاوت می‌کردند که ما در بحث نمونه های استغفار ، آن را یادآور شدیم . (۸) پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) برای استغفار خاصّی در این ساعت فضایل زیادی ذکر می‌کنند ، از

جمله می فرمایند: هر کس (در این ساعت) آن را تلاوت کند، هیچ گاه فقیر نمی شود. (۹) امیرالمؤمنین (علیه السلام) مقید بودند، این ساعت را بیدار مانده با خدای خویش مناجات کرده و هفتاد بار استغفار کنند، و در هر مرتبه استغفار خاصی را با مضامینی عالی تلاوت فرمایند. ما متن عربی و ترجمه این استغفار را در پایان این بخش کتاب می آوریم، بسیار بجا و شایسته است، شیفتگان مکتب علوی، از مضامین پر بارش بهره مند شوند و با توجه به مضامین بلند و زیبای آن، با معرفت بیشتری به مولای خود عشق ورزیده، قدر مذهب خویش را بدانند، و برای سیر و سلوک و درک کمالات معنوی به مولایشان تأسی کرده و همچون آن بزرگوار با خدا مناجات نمایند و به دنبال هر صدایی نروند. مرحوم کفعمی می فرماید: روش امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) چنین بود که در سحر هر شب بعد از دو رکعت نافله صبح، هفتاد مرتبه چنین استغفار می کردند، یعنی این نسخه استغفار را که دارای هفتاد فراز است، یک بار تلاوت می فرمودند. (۱۰) ما متن این استغفار را با چهار نسخه «بحار الأنوار، علامه مجلسی (ره)»، «بلد الامین، مرحوم کفعمی (ره)»، «الصّحیفه العلویة الثانیة، محدث نوری (ره)» و «الصّحیفه العلویة الجامعه، تحقیق مدرسه الإمام المهدی (علیه السلام)» مقابله کردیم و نسخه کامل و صحیح تر را در متن و اختلاف نسخه ها را در حاشیه آوردیم. اینک متن استغفار مذکور و سپس ترجمه روان آن، از نظر خوانندگان محترم می گذرد ۱- من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۰۱؛ التهذیب، ج ۲، ص ۱۳۸؛ وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۹۶. ۲- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۹۷، ح ۳. ۳- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۹۷، ح ۴. ۷- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۴۹۹، ح ۱۱؛ بحار الأنوار، ج ۴۶، ص ۲۳؛ ج ۷۳، ص ۱۸۵؛ بصائر الدرّجات، ص ۳۴۳. ۷- دعای عهد و زیارات امام زمان علیه السلام را در اواخر «مفاتیح الجنان» قبل و بعد از دعای ندبه، می توانید بیابید. ۸- بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۳۲۵. همین کتاب، ص ۹۰۰- متن زیبای این استغفار، در صفحه ۲۵۳ همین کتاب آمده است. ۱۰- البلد الامین، ص ۳۸ تا ۴۶، چ سنگی؛ بحار الأنوار، ج ۸۴، ص ۳۲۶.

استغفار امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از نافله صبح

متن استغفار (۱)

(۱) اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُئِيكَ بِمَعُونَتِكَ عَلَى مَا نَلْتُ بِهِ الشَّنَاءَ عَلَيْكَ، وَأُفِرُّ لَكَ عَلَى نَفْسِي بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَالْمُسْتَوْجِبُ لَهُ فِي قَدْرِ فَسَادِ يَتِيَّتِي وَضَعْفِ يَقِينِي، اللَّهُمَّ نِعْمَ الْإِلَهِ أَنْتَ، وَنِعْمَ الرَّبُّ أَنْتَ، وَبِسْ الْمَرْبُوبِ أَنَا وَنِعْمَ الْمَوْلَى أَنْتَ، وَبِسْ الْعَبْدِ أَنَا، وَنِعْمَ الْمَالِكُ أَنْتَ، وَبِسْ الْمَمْلُوكِ أَنَا، فَكَمْ قَدْ أَذْنَبْتُ فَعَصَوْتُ عَنْ ذَنْبِي، وَكَمْ قَدْ أَجْرَمْتُ فَصَفَحْتَ عَن جُرْمِي، وَكَمْ قَدْ أَخْطَأْتُ فَلَمْ تُؤَاخِذْنِي، وَكَمْ قَدْ تَعَمَّدْتُ فَتَجَاوَزْتَ عَنِّي، وَكَمْ قَدْ عَثَرْتُ فَاقْلَنْتَنِي عَثْرَتِي وَلَمْ تُؤَاخِذْنِي عَلَى غَرَّتِي، فَإِنَّا الظَّالِمُ لِنَفْسِي، الْمُقَرَّرُ بِذَنْبِي، الْمُعْتَرِفُ بِخَطِيئَتِي، فَيَا غَافِرَ الذُّنُوبِ اسْتَغْفِرُكَ لِذَنْبِي، وَاسْتَقِيلُكَ لِعَثْرَتِي، فَاحْسِنْ إِجَابَتِي، فَإِنَّكَ أَهْلُ الْإِجَابَةِ، وَأَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ. (۲) اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ قَوِيَ يَدْنِي عَلَيْهِ بِعَافِيَتِكَ، أَوْ نَالَتَهُ قُدْرَتِي بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ، أَوْ بَسَّطْتُ إِلَيْهِ يَدِي بِتَوْسِعَةِ رِزْقِكَ، أَوْ اِحْتَجَبْتُ فِيهِ مِنَ النَّاسِ بِسِتْرِكَ أَوْ اتَّكَلْتُ فِيهِ عِنْدَ خَوْفِي مِنْهُ عَلَى أَنَايَتِكَ وَوَقَفْتُ مِنْ سَطْوَتِكَ عَلَيَّ فِيهِ بِجَلَمَتِكَ، وَعَوَّلْتُ فِيهِ عَلَى كَرَمِ عَفْوِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ. (۳) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَدْعُو إِلَى غَضَبِكَ، أَوْ يُدْنِي مِنْ سَخَطِكَ أَوْ يَمِيلُ بِي إِلَى مَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ، أَوْ يَنَائِي (۱) عَمَّا دَعَوْتَنِي إِلَيْهِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ. (۴) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَمَلْتُ إِلَيْهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ بِغَوَايَتِي، أَوْ خَدَعْتُهُ بِحِيلَتِي فَعَلَّمْتُهُ مِنْهُ مَا جَهَلَ، وَ عَمَيْتُ عَلَيْهِ مِنْهُ مَا عَلِمَ وَ لَقَيْتِكَ غَدًا بِأَوْزَارِي وَأَوْزَارِ مَعَ أَوْزَارِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ. (۵) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَدْعُو إِلَى الْعُيِّ، وَيُضِلُّ عَنِ الرَّشْدِ، وَيَقِلُّ الرِّزْقَ، وَيَمَحُقُ الْبِرَّكَهَ، (۲) وَيُخْمِلُ الذَّكْرَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

مُحَمَّدَ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۶) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اَتَعَبْتُ فِيهِ جَوَارِحِي فِي لَيْلِي وَنَهَارِي وَقَدْ اسْتَرْتُ مِنْ عِبَادِكَ بِسِتْرِي ، وَلَا سِتْرَ إِلَّا مَا سَتَرْتَنِي ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَالْمُحَمَّدَ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۷) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ رَصَدَنِي فِيهِ اَعْدَائِي لِهُتْكَى فَصَيَّرْتُمْ كَيْدَهُمْ عَنِّي ، وَ لَمْ تُعْنِهِمْ عَلَيَّ فَضِيحَتِي ، كَانِي لَكَ وَلِيٌّ فَصَوَّرْتَنِي ، وَ اِلَى مَتِي يَا رَبِّ اَعْصِي قَتْمِهْنِي ، وَ طَالَ مَا عَصَيْتُكَ فَلَمْ تُؤَاخِذْنِي ، وَ سَأَلْتُكَ عَلَيَّ سُوءَ فِعْلِي فَاعْطَيْتَنِي ، فَائِي شُكْرَ يَقَوْمٍ عِنْدَكَ بِنِعْمَةٍ مِنْ نِعْمِكَ عَلَيَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَالْمُحَمَّدَ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۸) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ قَدَّمْتُ إِلَيْكَ فِيهِ تَوْبَتِي ، ثُمَّ وَاجَهْتُ بِتَكَرُّمِ قَسَمِي بِكَ ، وَ اَشْهَدْتُ عَلَيَّ نَفْسِي بِذَلِكَ اَوْلِيَاءِكَ مِنْ عِبَادِكَ اَنِي غَيْرُ عَائِدٍ اِلَى مَعْصِيَتِكَ ، فَلَمَّا قَصَدَنِي بِكَيْدِهِ الشَّيْطَانُ ، وَ مَالَ بِي اِلَى الْخِذْلَانِ ، وَ دَعَتْنِي نَفْسِي اِلَى الْعِصْيَانِ ، اسْتَرْتُ حَيَاءً مِنْ عِبَادِكَ ، جُرَاهُ مَنِي عَلَيَّكَ وَ اَنَا اَعْلَمُ اَنَّهُ لَا يُكِنُّنِي مِنْكَ سِتْرٌ وَلَا بَابٌ ، وَ لَا يَحْجُبُ نَظْرَكَ اِلَى حِجَابِي ، فَخَالَفْتُكَ فِي الْمَعْصِيَةِ اِلَى مَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ ثُمَّ كَشَفْتَ السُّتْرَ عَنِّي ، وَ سَاوَيْتُ اَوْلِيَاءَكَ كَانِي لَمْ اَزَلْ لَكَ طَائِعًا ، وَ اِلَى اَمْرِكَ مُسَارِعًا وَ مِنْ وَعِيدِكَ فَارِعًا ، فَلَبَّسْتُ عَلَيَّ عِبَادِكَ ، وَ لَا يَعْرِفُ بِسِرِّي رَتِي (۳) غَيْرُكَ فَلَمْ تَسْمَعْنِي بِغَيْرِ سَمْعِهِمْ ، بَلْ اَسْبَعْتُ عَلَيَّ مِثْلَ نِعْمِهِمْ ، ثُمَّ فَضَلْتَنِي فِي ذَلِكَ عَلَيَّهِمْ حَتَّى كَانِي عِنْدَكَ فِي دَرَجَتِهِمْ ، وَ مَا ذَلِكُ اِلَّا بِحِلْمِكَ وَ فَضْلِ نِعْمَتِكَ ، فَلَكَ الْحَمْدُ مَوْلَايَ فَاسْأَلْكَ يَا اللَّهُ ، كَمَا سَتَرْتَهُ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا اَنْ لَا تَفْضَحْنِي بِهِ فِي الْقِيَامَةِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . ۹) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ سَهَوْتُ لَهُ لَيْلِي فِي التَّائِي لِاِثْيَانِهِ وَ التَّخَلُّصِ اِلَى وُجُودِهِ حَتَّى اِذَا اَصْبَحْتُ تَخَطَّاتُ إِلَيْكَ بِحِلْيَةِ الصَّالِحِينَ وَ اَنَا مُضْمِرٌ خِلَافَ رِضَاكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ . فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَالْمُحَمَّدَ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۱۰) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ ظَلَمْتُ بِسَبَبِهِ وَلِيًّا مِنْ اَوْلِيَاءِكَ ، اَوْ نَصِيْرَتُ بِهِ عِدُوًّا مِنْ اَعْدَائِكَ ، اَوْ تَكَلَّمْتُ فِيهِ بِغَيْرِ مَحَبَّتِكَ ، اَوْ نَهَضْتُ فِيهِ اِلَى غَيْرِ طَاعَتِكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَالْمُحَمَّدَ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۱۱) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ نَهَيْتَنِي عَنْهُ فَخَالَفْتُكَ اِلَيْهِ ، اَوْ خَذَرْتَنِي اِيَّاهُ فَاقَمْتُ عَلَيْهِ ، اَوْ قَبَحْتُهُ لِي فَرَيْتُهُ لِنَفْسِي ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَالْمُحَمَّدَ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۱۲) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ نَسِيْتُهُ فَاحْصَيْتُهُ ، وَ تَهَاوَنْتُ بِهِ فَاثْبَتَهُ وَ جَاهَرْتُكَ فِيهِ (۴) فَسَتَرْتَهُ عَلَيَّ ، وَ لَوْ ثَبَّتُ اِلَيْكَ مِنْهُ لَعَفَرْتُهُ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَالْمُحَمَّدَ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۱۳) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوَقَّعْتُ فِيهِ قَبْلَ اِنْقِضَائِهِ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ فَاْمَهَلْتَنِي ، وَ اَوَّلَيْتَ (۵) عَلَيَّ سِتْرًا فَلَمْ اَلْ فِي هَتْكَهٖ عَنِّي جُهْدًا ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَالْمُحَمَّدَ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۱۴) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَصْرِفُ عَنِّي رَحْمَتَكَ ، اَوْ يُجِلُّ بِي نِقْمَتَكَ ، اَوْ يُخْرِمُنِي كَرَامَتَكَ ، اَوْ يُزِيلُ عَنِّي نِعْمَتَكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَالْمُحَمَّدَ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۱۵) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُورِثُ الْفَنَاءَ ، اَوْ يُجِلُّ الْبَلَاءَ ، اَوْ يُشْمِتُ الْاَعْدَاءَ ، اَوْ يَكْشِفُ الْعِطَاءَ ، اَوْ يَحْبِسُ قَطْرَ السَّمَاءِ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَالْمُحَمَّدَ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۱۶) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ عَيَّرْتُ بِهِ اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ ، اَوْ قَبَحْتُهُ مِنْ فِعْلِ اَحَدٍ مِنْ بَرِيَّتِكَ ، ثُمَّ تَفَحَّمْتُ عَلَيْهِ وَ اَنْتَهَكْتُهُ جُرَاهُ مَنِي عَلَيَّ مَعْصِيَتِكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَالْمُحَمَّدَ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۱۷) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ ثَبَّتُ اِلَيْكَ مِنْهُ ، وَ اَقْدَمْتُ عَلَيَّ فِعْلِهِ فَاسْتَحْيَيْتُ مِنْكَ وَ اَنَا عَلَيْهِ ، وَ رَهْبْتُكَ وَ اَنَا فِيهِ ثُمَّ اسْتَقَلْتُكَ مِنْهُ وَ عِدْتُ اِلَيْهِ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَالْمُحَمَّدَ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۱۸) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوَرَّكَ عَلَيَّ وَ وَجَبَ فِي فِعْلِي بِسَبَبِ عَهْدِ عَاهِدَتِكَ عَلَيْهِ ، اَوْ عَقْدِ عَقْدَتِهِ لَكَ ، اَوْ ذِمَّةِ اَلِيَّتِ بِهَا مِنْ اَجْلِكَ لِاَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ ، ثُمَّ نَقَضْتُ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَةٍ لِرِعْبَتِي فِيهِ ، بَلْ اسْتَرَلْتَنِي عَنِ الْوَفَاءِ بِهٖ الْبَطْرُ ، وَ اسْتَحَطَّنِي عَنْ رِعَايَتِهِ الْاَسْرُ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَالْمُحَمَّدَ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۱۹) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ لِحَفْنِي بِسَبَبِ نِعْمَةٍ اَنْعَمْتُ بِهَا عَلَيَّ فَقَوَيْتُ بِهَا عَلَيَّ مَعْصِيَتِكَ ، وَ خَالَفْتُ بِهَا اَمْرَكَ ، وَ قَدَّمْتُ بِهَا عَلَيَّ وَعِيدَكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَالْمُحَمَّدَ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۲۰) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ قَدَّمْتُ فِيهِ شَهْوَتِي عَلَيَّ طَاعَتِكَ ، وَ اَثَرْتُ فِيهِ مَحَبَّتِي عَلَيَّ اَمْرِكَ ، وَ اَرْضَيْتُ نَفْسِي فِيهِ بِسَخَطِكَ اِذَا اَرْهَبْتَنِي (۶) مِنْهُ بِهَيْبَتِكَ ، وَ قَدَّمْتُ اِلَيْ فِيهِ بِاِعْذَارِكَ ، وَ اَخْتَجَجْتُ عَلَيَّ فِيهِ بِوَعِيدِكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَالْمُحَمَّدَ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۲۱) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ عَلِمْتُهُ مِنْ نَفْسِي اَوْ نَسِيْتُهُ اَوْ ذَكَرْتُهُ اَوْ تَعَمَّدْتُهُ اَوْ اَخْطَاْتُهُ (۷) مِمَّا لَا اَشْكُ اَنَّكَ سَائِلٌ (۸) عَنْهُ ، وَ اَنَّ نَفْسِي مُرْتَهَنَةٌ (بِهٖ) لَدَيْكَ ، وَ اَنَّ كُنْتُ قَدْ نَسِيْتُهُ وَ غَفَلْتُ عَنْهُ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدَ وَالْمُحَمَّدَ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۲۲) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ وَاجَهْتُكَ (بِهٖ) وَ قَدْ

أَيَّفَنُتُ أَنْكَ تَرَانِي (عَلَيْهِ ، وَأَغْفَلْتُ أَنْ أَتُوبَ إِلَيْكَ مِنْهُ ، (۹) وَأَنْسَيْتُ أَنْ أَسْتَغْفِرَكَ لَهُ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۲۳) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ دَخَلْتُ فِيهِ بِحُسْنِ ظَنِّي بِكَ أَنْ لَا تُعَذِّبَنِي عَلَيْهِ ، وَرَجَوْتُكَ لِمَغْفِرَتِهِ ، فَأَقْدَمْتُ عَلَيْهِ ، وَقَدْ عَوَّلْتُ عَلَى مَعْرِفَتِي بِكَرَمِكَ أَنْ لَا تَفْضَحَنِي بَعْدَ أَنْ سَتَرْتَهُ عَلَيَّ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۲۴) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَوْجَبْتُ مِنْكَ بِهِ رَدَّ الدُّعَاءِ ، وَجِرْمَانَ الْإِجَابَةِ ، وَخِيَبَةَ الطَّمَعِ ، وَانْفِسَاخَ الرَّجَاءِ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۲۵) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُعْقِبُ الْحَسِرَةَ ، وَيُورِثُ النَّدَامَةَ ، وَيَحْبِسُ الرِّزْقَ ، وَيَزِيدُ الدُّعَاءَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۲۶) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُورِثُ الْاِسْتِقَامَ وَالْفَنَاءَ ، وَيُوجِبُ النَّقْمَ وَالْبَلَاءَ ، وَيَكُونُ فِي الْقِيَامَةِ حَسِرَةً وَنَدَامَةً ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۲۷) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مَدَّخْتُهِ بِلِسَانِي ، أَوْ أَضْمَرْتُهُ جَنَانِي ، أَوْ هَشَّتُ إِلَيْهِ نَفْسِي ، أَوْ أَتَيْتُهُ (۱۰) بِفِعَالِي ، أَوْ كَتَبْتُهُ بِيَدِي ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۲۸) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ خَلَوْتُ بِهِ فِي لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ ، وَأَرْخَيْتُ عَلَيَّ فِيهِ الْأَسْتَارَ حَيْثُ لَا يَرَانِي إِلَّا أَنْتَ يَا جَبَّارُ ، فَارْتَابْتُ فِيهِ نَفْسِي وَتَحَيَّرْتُ (۱۱) بَيْنَ تَرْكِهِ لِخَوْفِكَ ، وَانْتِهَاكِهِ لِحُسْنِ الظَّنِّ بِكَ ، فَسَوَّلْتُ لِي نَفْسِي الْأِقْدَامَ عَلَيْهِ فَوَاقَعْتُهُ وَأَنَا عَارِفٌ بِمَعْصِيَتِي فِيهِ لَكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۲۹) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَيْقَلْتُهُ ، أَوْ اسْتَيْكَثَرْتُهُ ، أَوْ اسْتَغْظَمْتُهُ ، أَوْ اسْتَخَظَّ غَزْطُهُ ، أَوْ وَرَطَّنِي بِهِ فِيهِ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۳۰) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مَالَتُ (۱۲) فِيهِ عَلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ ، أَوْ آسَأْتُ بِسَبَبِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ بَرِيَّتِكَ ، أَوْ زَيَّنْتُ لِي نَفْسِي ، أَوْ أَسْرَوْتُ بِهِ إِلَى غَيْرِي أَوْ دَلَلْتُ عَلَيْهِ سِوَايَ ، أَوْ أَضِرَّرْتُ عَلَيْهِ بِعَمْدِي ، أَوْ أَقَمْتُ عَلَيْهِ بِجَهْلِي ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۳۱) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ خُنْتُ فِيهِ أَمَانَتِي ، أَوْ بَخَّسْتُ (۱۳) فِيهِ بِفِعْلِهِ نَفْسِي ، أَوْ اخْتَلَطْتُ (۱۴) بِهِ عَلَى يَدَنِي ، أَوْ أَثَرْتُ فِيهِ شَهَوَاتِي ، أَوْ قَدَّمْتُ فِيهِ لَدَاتِي ، أَوْ سَعَيْتُ فِيهِ لِعَيْرِي ، أَوْ اسْتَغْوَيْتُ (۱۵) إِلَيْهِ مَنْ تَابَعَنِي ، أَوْ كَاثَرْتُ فِيهِ مَنْ مَنَعَنِي ، أَوْ فَهَرْتُ عَلَيْهِ مَنْ غَالَبَنِي ، أَوْ غَلَبْتُ عَلَيْهِ بِحِيلَتِي ، أَوْ اسْتَرَلَنِي عَلَيْهِ (۱۶) مِثْلِي ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۳۲) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَيْعَنْتُ عَلَيْهِ بِحِيلَةٍ تُدَنِي مِنْ غَضَبِكَ ، أَوْ اسْتَظَهَرْتُ بِنَيْلِهِ عَلَى أَهْلِ طَاعَتِكَ ، أَوْ اسْتَمَلْتُ بِهِ أَحَدًا إِلَى مَعْصِيَتِكَ ، أَوْ (رَأَيْتُ) (۱۷) فِيهِ عِبَادَكَ ، أَوْ لَبَسْتُ عَلَيْهِمْ بِفِعَالِي ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۳۳) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ كَتَبْتُهُ عَلَيَّ بِسَبَبِ عُجْبٍ كَانَ مِنِّي بِنَفْسِي ، أَوْ رِيَاءٍ ، أَوْ سُمُعَةٍ ، أَوْ حِيَلَاءٍ ، أَوْ فَرَحٍ ، أَوْ حَقْدٍ ، أَوْ مَرَحٍ ، أَوْ أَسْرٍ ، أَوْ بَطَرٍ ، أَوْ حَمِيَّةٍ ، أَوْ عَصْبِيَّةٍ ، أَوْ رِضْيٍ ، أَوْ سُخْطٍ ، أَوْ سَخَاءٍ ، أَوْ سُخٍّ ، أَوْ ظُلْمٍ ، أَوْ خِيَانَةٍ ، أَوْ سَرِيقَةٍ ، أَوْ كِذْبٍ ، أَوْ نَمِيمَةٍ ، أَوْ لَهْوٍ ، أَوْ لَعَبٍ ، أَوْ نَوْعٍ مِمَّا يُكْتَسَبُ بِمِثْلِهِ الدُّتُوبُ ، وَكَأَنَّ فِي اجْتِرَاحِهِ الْعَطَبُ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۳۴) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ سَبَقَ فِي عِلْمِكَ أَنِّي فَاعِلُهُ بِقُدْرَتِكَ الَّتِي قَدَرْتَ بِهَا عَلَيَّ كُلَّ شَيْءٍ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۳۵) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ رَهَبْتُ فِيهِ سِوَاكَ أَوْ عَادَيْتُ فِيهِ أَوْلِيَاءَكَ ، أَوْ وَالَيْتُ فِيهِ أَعْدَاءَكَ ، أَوْ خَدَلْتُ فِيهِ أَحِبَّاءَكَ أَوْ تَعَرَّضْتُ فِيهِ لِشَيْءٍ مِنْ غَضَبِكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ .

من استغفار (۲)

۳۶) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَبَّتُ إِلَيْكَ مِنْهُ ، ثُمَّ عُدْتُ (فِيهِ) وَنَقَضْتُ الْعَهْدَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنِكَ ، جُرْأَةً مِنِّي عَلَيْكَ ، لِمَعْرِفَتِي بِكَرَمِكَ وَعَفْوِكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۳۷) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَانِي مِنْ عَذَابِكَ ، أَوْ نَأَى بِي عَنْ ثَوَابِكَ أَوْ حَجَبَ عَنِّي رَحْمَتِكَ ، أَوْ كَدَّرَ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۳۸) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ حَلَلْتُ بِهِ عَقْدًا شَدَدْتُهُ ، أَوْ حَرَمْتُ بِهِ نَفْسِي خَيْرًا وَعَدْتَنِي بِهِ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۳۹) اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ ارْتَكَبْتُهُ بِسُؤُولِ عَافِيَتِكَ ، أَوْ تَمَكَّنْتُ مِنْهُ بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ ، أَوْ قَوَيْتُ عَلَيْهِ بِسَابِغِ

رِزْقِكَ ، أَوْ خَيْرِ أَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ فَخَالَطَنِي فِيهِ وَ شَارَكَ فِعْلِي مَا لَا يَخْلُصُ لَكَ ، أَوْ وَجِبَ عَلَيَّ مَا أَرَدْتُ بِهِ سِوَاكَ ، فَكَثِيرٌ مَا يَكُونُ كَذَلِكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۴۰) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ دَعَيْتَنِي الرُّحْصَةَ فَحَلَلْتَهُ لِنَفْسِي ، وَ هُوَ فِيمَا عِنْدَكَ مُحَرَّمٌ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۴۱) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ خَفِيَ عَن خَلْقِكَ وَ لَمْ يَغْرُبْ عَنْكَ فَاسْتَقَلْتِكَ مِنْهُ فَاقْلَنْتَنِي ، ثُمَّ عُدْتُ فِيهِ فَسَتَرْتَهُ عَلَيَّ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۴۲) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ خَطَوْتُ إِلَيْهِ بِرِجْلِي ، أَوْ مَدَدْتُ إِلَيْهِ يَدِي أَوْ تَأَمَّلْتُ بَصْرِي ، أَوْ أَصْغَيْتُ إِلَيْهِ بِسَمْعِي ، أَوْ نَطَقْتُ بِهِ لِسَانِي ، أَوْ أَنْفَقْتُ فِيهِ مَا رَزَقْتَنِي ثُمَّ اسْتَرَزَقْتِكَ عَلَى عَضِي يَانِي فَرَزَقْتَنِي ، ثُمَّ اسْتَعْنَتْ بِرِزْقِكَ عَلَى مَعْصِيَتِكَ فَسَتَرْتَ عَلَيَّ ، ثُمَّ سَأَلْتِكَ الزِّيَادَةَ فَلَمْ تُخَيِّبْنِي وَ جَاهَرْتُكَ فِيهِ فَلَمْ تَقْضِ خَنِي ، فَلَا آزَالُ مُصْرَبًا عَلَى مَعْصِيَتِكَ ، وَ لَا تَزَالُ سَاتِرًا (۱۸) عَلَيَّ بِجِلْمِكَ وَ مَغْفِرَتِكَ ، يَا أَكْرَمَ الْإِكْرَمِينَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۴۳) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُوجِبُ عَلَيَّ صِيغَةَ الْيَمِّ عَذَابِكَ ، وَ يَجِلُّ (۱۹) بِهِ عَلَيَّ كَبِيرُهُ شَدِيدُ عِقَابِكَ ، وَ فِي إِثْبَانِهِ تَعْجِيلُ نِقْمَتِكَ ، وَ فِي الْأَصْرِارِ عَلَيْهِ زَوَالُ نِعْمَتِكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۴۴) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ سِوَاكَ ، وَ لَا عَلِمَهُ أَحَدٌ غَيْرُكَ ، وَ لَا يُنَجِّنِي مِنْهُ إِلَّا حِلْمُكَ ، وَ لَا يَسِيءُهُ إِلَّا عَفْوُكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۴۵) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُزِيلُ النِّعَمَ ، أَوْ يُجِلُّ النِّقْمَ ، أَوْ يُعَجِّلُ الْعِدَمَ ، أَوْ يُكْثِرُ النَّدَمَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۴۶) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَمْحَقُ الْحَسَنَاتِ ، وَ يُضَاعِفُ السَّيِّئَاتِ ، وَ يُعَجِّلُ النَّقْمَاتِ ، وَ يُغَضِّبُكَ يَا رَبَّ السَّمَاوَاتِ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۴۷) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَنْتَ أَحَقُّ بِمَغْفِرَتِهِ ، إِذْ كُنْتَ أَوْلَى بِسِتْرَتِهِ ، فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّسْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۴۸) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ تَجَهَّمْتُ (۲۰) فِيهِ وَلِيًّا مِنْ أَوْلِيَائِكَ مُسَاعِدَةً فِيهِ لِأَعْدَائِكَ ، أَوْ مِثْلًا مَعَ أَهْلِ مَعْصِيَتِكَ عَلَى أَهْلِ طَاعَتِكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۴۹) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ الْبَسْنَى كَبْرُهُ ، وَ انْهَمَاكِي فِيهِ ذَلَّةٌ وَ ايسِنِي مِنْ وُجُودِ (۲۱) رَحْمَتِكَ ، أَوْ قَصِيرَ بِي الْيَأْسُ عَنِ الرُّجُوعِ إِلَى طَاعَتِكَ لِمَعْرِفَتِي بِعَظِيمِ جُرْمِي ، وَ سُوءِ ظَنِّي بِنَفْسِي ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۵۰) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَوْرَدَنِي الْهَلَاكَةَ لَوْلَا رَحْمَتُكَ ، وَ أَحَلَّنِي دَارَ الْبُورَارِ لَوْلَا تَعَمُّدُكَ ، وَ سَلِمَكَ بِي سَبِيلَ الْعُيَّ لَوْلَا رُشْدُكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۵۱) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ الْهَانِي (۲۲) عَمَّا هَدَيْتَنِي إِلَيْهِ ، أَوْ أَمَرْتَنِي بِهِ أَوْ نَهَيْتَنِي عَنْهُ ، أَوْ دَلَلْتَنِي عَلَيْهِ ، مِمَّا فِيهِ الْخِطُّ لِي لِتِلْوَعِ رِضَاكَ وَ اِيْشَارِ مَحَبَّتِكَ وَ التَّوْبِ مِنْكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۵۲) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَرُدُّ عَنْكَ دُعَائِي ، أَوْ يَقْطَعُ مِنْكَ رَجَائِي أَوْ يُطِيلُ فِي سَخِطِكَ عَنَّا ، أَوْ يَقْصُرُ عِنْدَكَ أَمَلِي ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۵۳) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُمِيتُ الْقَلْبَ ، وَ يُسْجِلُ الْكُزْبَ ، وَ يُزِيضُ الشَّيْطَانَ ، وَ يُسِخِطُ الرَّحْمَانَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۵۴) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُعَقِّبُ الْيَأْسَ مِنْ رَحْمَتِكَ وَ الْقَنُوطَ مِنْ مَغْفِرَتِكَ ، وَ الْحِرْمَانَ مِنْ سَعَةِ مَا عِنْدَكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۵۵) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مَقَّتْ نَفْسِي عَلَيْهِ إِجْلَالًا لَكَ ، وَ أَظْهَرْتُ لَكَ التَّوْبِيَّةَ (فَقَبِلْتَ ، وَ سَأَلْتِكَ الْعُفُوَ فَعَمَوْتَ ثُمَّ مَالَ بِي الْهُوَى إِلَى مُعَاوَدَتِهِ) (۲۴) طَمَعًا فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ ، وَ كَرِيمَ عَفْوِكَ ، نَاسِيًا لَوْعِيدِكَ ، رَاجِيًا لِجَمِيلِ وَعِيدِكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۵۶) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُورِثُ سِوَادَ الْوُجُوهِ يَوْمَ تَبْيَضُّ وَجُوهُ أَوْلِيَائِكَ ، وَ تَسْوَدُّ وَجُوهُ أَعْدَائِكَ إِذَا أَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ فَقِيلَ لَهُمْ : (لَا تَخْصِمُوا لَدَيَّ وَ قَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ) فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۵۷) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَدْعُو إِلَى الْكُفْرِ ، وَ يُطِيلُ الْفِكْرَ ، وَ يورِثُ الْفَقْرَ ، وَ يَجْلِبُ الْعُسْرَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۵۸) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُدِنِي الْأَجَالَ ، وَ يَقْطَعُ الْأَمَالَ وَ يَبْتِرُّ الْأَعْمَارَ ، فَهَتْ بِهَ ، أَوْ صِيَمْتُ عَنْهُ ، حَيَاءً مِنْكَ عِنْدَ ذِكْرِهِ ، أَوْ أَكْتَنْتُهُ فِي صِدْرِي وَ عَلِمْتُهُ مِنِّي ، فَإِنَّكَ تَعْلَمُ السِّرَّ وَ الْخَفِيَّ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاعْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . (۵۹) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ

لِكَلِّ ذَنْبٌ يَكُونُ فِي اجْتِرَاحِهِ قَطْعُ الرِّزْقِ ، وَ رُدُّ الدُّعَاءِ ، وَ تَوَاتُرُ الْبَلَاءِ ، وَ وُرُودُ الْهُمُومِ ، وَ تَضَاعُفُ الْعُمُومِ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۶۰) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُبْغِضُنِي إِلَى عِبَادِكَ ، وَ يَنْفِرُ عَنِّي أَوْلِيَاءَكَ وَ يُوْحِشُنِي مَنِي أَهْلَ طَاعَتِكَ لَوْ حَشَدَهُ الْمَعَاصِي ، وَ رُكُوبِ الْحُوبِ وَ كَابَةِ الدُّنُوبِ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۶۱) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ دَلَسْتُ بِهِ مَنِي مَا أَظْهَرْتَهُ ، أَوْ كَشَفْتُ بِهِ عَنِّي مَا سَتَرْتَهُ ، أَوْ قَبَحْتُ بِهِ مَنِي مَا زَيَّنْتَهُ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۶۲) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ لَا- يُنَالُ بِهِ عَهْدُكَ ، وَ لَا يُؤْمَنُ مَعَهُ (۲۵) غَضَبُكَ (وَ لَا تُنَزِّلْ مَعَهُ رَحْمَتَكَ) وَ لَا- تَدُومُ مَعَهُ نِعْمَتُكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۶۳) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَحْفَيْتَ لَهُ ضَوْءَ النَّهَارِ مِنْ عِبَادِكَ وَ بَارَزْتُ (بِهِ) فِي ظُلْمَةِ اللَّيْلِ ، جُرَؤًا مَنِي عَلَيْكَ ، عَلَى أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّ السَّرَّ عِنْدَكَ عَلَانِيَةً ، وَ أَنَّ الْحَقِيْقَةَ عِنْدَكَ بَارِزَةٌ ، وَ أَنَّهُ لَمْ يَمْنَعْنِي مِنْكَ مَانِعٌ وَ لَا يَنْفَعْنِي (۲۶) عِنْدَكَ نَافِعٌ مِنْ مَالٍ وَ بَنِينَ ، إِلَّا أَنْ اتَيْكَ بِقَلْبِ سَلِيمٍ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۶۴) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يُورِثُ النَّشِيَانَ لِذِكْرِكَ ، وَ يَعْقِبُ الْعُقْلَةَ عَنْ تَحِيذِ رِيكَ ، أَوْ يُمَادِي فِي الْأَمْنِ مِنْ مَكْرِكَ ، أَوْ يُطْمَعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنْ عِنْدِ غَيْرِكَ ، أَوْ يُؤْيِسُ مِنْ خَيْرٍ مَا عِنْدَكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۶۵) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ لِحَقْنِي بِسَبَبِ عُثْبِي عَلَيْكَ فِي اخْتِبَاسِ الرِّزْقِ عَنِّي ، وَ اغْرَاضِي عَنكَ ، وَ مَنِي إِلَى عِبَادِكَ ، بِالْإِسْتِكَانَةِ لَهُمْ وَ التَّضَرُّعِ إِلَيْهِمْ ، وَ قَدْ اسْتَمَعْتَنِي قَوْلَكَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِكَ : (فَمَا اسْتِكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَ مَا يَتَضَرَّعُونَ) فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۶۶) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ لَزِمْنِي بِسَبَبِ كُرْبَةٍ اسْتَيْعَنْتُ عِنْدَهَا بَغَيْرِكَ ، أَوْ اسْتَبَدَدْتُ بِأَحَدٍ فِيهَا دُونَكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۶۷) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ حَمَلْنِي عَلَى الْخَوْفِ مِنْ غَيْرِكَ ، أَوْ دَعَانِي إِلَى التَّوَاضُعِ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْفِكَ ، أَوْ اسْتَمَالْنِي إِلَيْهِ (لِلطَّمَعِ فِيهَا) عِنْدَهُ ، أَوْ زَيَّنَ لِي طَاعَتَهُ فِي مَعْصِيَتِكَ اسْتِجْرَارًا لِمَا فِي يَدِهِ ، وَ أَنَا أَعْلَمُ بِحَاجَتِي إِلَيْكَ ، لَا غِنَى لِي عَنكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۶۸) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مَدَحْتَهُ بِلِسَانِي ، أَوْ هَشَّتُ (۲۷) إِلَيْهِ نَفْسِي ، أَوْ حَسَّنْتُهُ بِفِعَالِي ، أَوْ حَشَّتُ (۲۸) عَلَيْهِ بِمَقَالِي ، وَ هُوَ عِنْدَكَ قَبِيحٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۶۹) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ مَثَلْتُهُ فِي نَفْسِي اسْتِقْلَالًا لَهُ ، وَ صَوَّرْتُ لِي اسْتِضْغَارَهُ ، وَ هَوَّنْتُ عَلَيَّ الْأَسْتِخْفَافَ بِهِ حَتَّى أَوْرَطْتَنِي (۲۹) فِيهِ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ . ۷۰) اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ جَرَى بِهِ عَلَمِيكَ فِيَّ وَ عَلَيَّ إِلَى آخِرِ عُمُرِي بِجَمِيعِ ذُنُوبِي ، لِأَوْلِيَاءِ وَ آخِرِهَا ، وَ عَمِدِيهَا وَ خَطَائِيهَا ، وَ قَلِيلِهَا وَ كَثِيرِهَا ، وَ دَقِيقِهَا وَ جَلِيلِهَا ، وَ قَدِيمِهَا وَ حَدِيثِهَا ، وَ سِرِّهَا وَ عَلَانِيَتِهَا وَ جَمِيعِ مَا أَنَا مُذْتَبِّهُ ، وَ أَتُوبُ إِلَيْكَ ، وَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّئَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ مَا أَحْصَيْتَ مِنْ مَظَالِمِ الْعِبَادِ قَبْلِي ، فَإِنَّ لِعِبَادِكَ عَلَيَّ حُقُوقًا أَنَا مُرْتَهَنٌ بِهَا تَغْفِرُهَا لِي كَيْفَ شِئْتَ ، وَ أَنِّي شِئْتُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . (۳۰)

پی نوشتها

- ۱- فی « البحار و العلویة الثانية » : أو ینأبی و فی « البلد » : ینأنی . ۲- « البلد » : و یمحق التالد . ای : یهلک المال الذی کان من القدم عند الرجل . ۳- « البلد » : بسیرتی . ۴- جاهرت به . ۵- « البحار و البلد » : أذلیت . ۶- « البلد » : رَهَبْتَنِي . و فی « البحار » : اذ رهبتنی . ۷- « البحار و البلد » : أَخْطَأْتُ . ۸- « البحار و البلد » : سَائِلِي . ۹- هَكَذَا فِي « البلد و العلویة الجامعة » و فی « العلویة الثانية » : اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرْكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ دَخَلْتُ فِيهِ بِحُسْنِ ظَنِّي بِكَ أَنْ لَا تُعَذِّبُنِي . وَ اجْهَتَكَ عَلَيْهِ وَ اغْفَلْتُ أَنْ أَتُوبَ إِلَيْكَ مِنْهُ . ۱۰- زینته . ۱۱- « العلویة : الثانية و خ ل » : حیرت و فی « البحار و البلد » : مَيَّرْتُ . ۱۲- ساعدت . و فی « البلد » : مَالَيْتُ . ۱۳- « العلویة الثانية » : نَجَّسْتُ . ۱۴- « البحار و البلد » : أَخْطَأْتُ . ۱۵- « البلد » : او اسْتَقْوَيْتُ . ۱۶- « البحار » : إِلَيْهِ . ۱۷- « العلویة الثانية » : او رَأَيْتُ . ۱۸- « البحار و البلد » : عائداً . ۱۹- « البلد » : يُحَلِّ بِي كَبِيرُهُ فِي شَدِيدِ عِقَابِكَ . ۲۰- استقبلت بوجه عبوس . ۲۱- « العلویة کلتیها » : موجود . ۲۲- من « البلد و البحار » ، و فی « العلویة الثانية و خ ل » : نهانی . ۲۳- (خ ل) صرفنی عما نهیتنی عنه ، أو أمرنی بما . ۲۴-

من البلد . ۲۵ - « البحار » : به . ۲۶ - « البلد » : ولا سَعی . ۲۷ - ارتاحت و نشطت . ۲۸ - (خ ل) حَنَنْتُ . ۲۹ - هكذا فی « البحار و البلد » : و هو الاصح . و فی « العلویة کلتیهما » : مَثَلْتُ فی نَفْسِ اِسْتِقْلَالَه و صَوَّرْتُ . . . و هَوَّنْتُ . . . حَتَّى اَوْ رَطَنْتِی فِیهِ . ۳۰ - الصَّحِیفَةُ العُلُوْیَةُ الجامعه ، ص ۱۸۴ - ۱۶۹ ؛ البلد الامین ص ۶۸ ، چ بیروت ؛ بحار الأنوار ، ج ۸۴ ، ص ۳۲۶ ؛ الصَّحِیفَةُ العُلُوْیَةُ الثَّانِیَةُ ، ص ۷۸ - ۹۹ .

ترجمه استغفار امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از نافله صبح (۱)

۱ - خدایا ، من به کمک خودت تو را مدح و ستایش می کنم بر آنچه که بواسطه آن به مدح و ستایش تو دست یافتم . و برای تو به اندازه فساد نیت و ضعف یقینم ، بر خودم اقرار می کنم به آنچه تو اهل و مستحق آن هستی . خدایا تو خدای خوبی هستی ! تو نیک پروردگاری هستی و من بد پرورده ای هستم ، تو خوب مولایی هستی و من بد بنده ای ، تو خوب مالکی هستی و من بد مملوکی ، چه بسا که من گناه کردم و تو گناهم را بخشیدی ، چه بسیار جرائمی که مرتکبش گشتم و تو از جرمم صرف نظر کردی ، چه بسیار خطایی که از من سر زد و تو مرا مؤاخذه نکردی ، چه بسیار گناهی که من عمداً آن را انجام دادم و تو از من گذشتی ، و چه بسیار که من لغزیدم و تو لغزش مرا نادیده گرفتی و مرا بر غفلت و فریب خورد گیم مؤاخذه نکردی . پس من ظالم به نفس خود هستم ، به گناهم اقرار و به خطایم اعتراف می کنم ، پس ای آمرزنده گناهان از تو برای گناهم آمرزش می طلبم و از تو تقاضای نادیده گرفتن لغزشم را دارم ، پس نیکو اجابت کن که تو اهل اجابت و تقوی و آمرزشی . ۲ - بار الهی ، از تو آمرزش می طلبم برای هر گناهی که بدنم بخاطر عافیت تو بر آن نیرومند گردید ، یا به زیادی نعمت بر آن قدرت یافتم ، یا بخاطر وسعت روزیت به سوی آن دست درازی کردم ، یا گناهی که از مقام ستاریت و پوشانندگی تو کمک گرفتم و آن را از مردم پنهان ساختم ، یا هنگام ترس از آن بر متانت و تحمل تو اعتماد کرده و مرتکبش گشتم ، یا به خاطر حلم و بردباریت از چیره گشتن و سختگیری تو در مورد آن خاطر جمع گردید و یا گناهی که در مورد آن بر گذشت کریمانه تو اعتماد کردم و مرتکب آن شدم . پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه را برایم ببخش ، ای بهترین بخشندگان . ۳ - خداوندا ، از تو درخواست عفو و بخشش دارم برای هر گناهی که غضب تو را فرا می خواند ، خشم تو را نزدیک می سازد ، مرا به چیزی که از آن باز داشته ای ، مایل می کند و یا از آنچه به سویش دعوت کرده ای ، دور می سازد . پس بر محمد و آل او درود فرست و این گناه را برایم ببخش ای بهترین بخشندگان . ۴ - پروردگارا ، از تو تقاضای گذشت و آمرزش دارم برای هر گناهی که با فریبکاریم ، یکی از آفریده هایت را به سوی آن متمایل ساختم ، یا با حيله گری ام او را فریب داده و آنچه را نمی دانست به او آموختم و آنچه را می دانست بر او پوشاندم ، و من فردای قیامت با گناهانم تو را ملاقات می کنم ، در حالی که به گناهان خود گناهان دیگری را افزوده ام . پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه را برایم ببخش ، ای بهترین بخشندگان . ۵ - بار الهی ، از تو طلب بخشش دارم برای هر گناهی که باعث فریب خوردن می گردد ، از هدایت به گمراهی می کشاند ، روزی را کم می کند ، برکت را نابود می سازد و یاد تو و اولیایت را از یاد می برد ، پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه را برای من ببخش ، ای بهترین بخشندگان . ۶ - خداوندا ، از تو برای هر گناهی آمرزش می طلبم که در شب و روزم ، اعضای بدنم را در راهش ، به زحمت افکنده و با پرده پوشیم ، آن را از بندگان پوشاندم ؛ و هیچ پوششی نیست مگر آنچه تو مرا به آن پوشاندی . پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشندگان . ۷ - خدایا ، از تو برای هر گناهی آمرزش می خواهم که دشمنانم در کمین بودند که بدین واسطه مرا رسوا کنند و تو نیرنگ آنان را از من برطرف ساختی و آنها را برای رسوائی من کمک نکردی ، گویی من دوستدار توام که یاریم کردی ، ای پروردگار من تا کی تو را نافرمانی کنم و تو مرا مهلت دهی ! دیر زمانی است که ترا نافرمانی می کنم و تو مرا مؤاخذه نمی کنی ، بلکه از تو برای کردار بدم درخواست کردم و تو به من عطا فرمودی ! کدام شکر است که در برابر نعمتی از نعمتهایت که به

من ارزانی داشتی، بپا خیزد؟! پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۸- پروردگارا از تو آمرزش می‌خواهم برای هر گناهی که درباره آن توبه ام را به پیشگاهت، پیش فرستادم؛ سپس به گرامیداشت سوگندی که به تو خوردم با تو روبرو شدم، و از میان بندگانت، اولیای تو را بر توبه خویش شاهد گرفتم که دیگر به سوی نافرمانیت باز نگردم؛ اما همین که شیطان با حيله اش مرا هدف قرار داد، بر من غالب گشت و به سوی خذلان منحرف ساخت (آنسان که دیگر کسی یاریم نکند) و نفسم مرا به سوی عصیان و نافرمانی دعوت کرد؛ از بندگانت حیا کردم و خود را پوشاندم، و این کار گستاخی من نسبت به تو بود؛ و من می‌دانم که هیچ در و حجابی مرا از دیدگاه تو تو نمی‌پوشاند و هیچ پرده ای، مانع از نظر تو به سوی من نمی‌گردد؛ پس ترا با معصیت و نافرمانی نسبت به آنچه مرا از آن بازداشتی، مخالفت کردم؛ و تو پرده را از من برداشتی، ولی من خودم را با اولیای تو مساوی قرار دادم، گویی همیشه مطیع و فرمانبردار توام و به سوی فرمان تو سرعت گرفته و از وعده های عذابت ترسانم؛ پس بر بندگانت امر را مشتبه ساختم، ولی هیچکس جز تو باطن مرا نمی‌شناسد؛ در عین حال مرا به غیر از ملامت و نشانه آنان علامت گذاری نکردی، بلکه مثل نعمت هایی را که به آنان عطا کردی، به من نیز عنایت فرمودی؛ سپس در این نعمت ها مرا بر آنان فضیلت بخشیدی، گویی من در نزد تو در درجه آنان هستم؛ و این نیست مگر بخاطر حلم و بردباری و زیادی نعمت تو! پس حمد و ستایش برای تو است ای مولای من، ای خدای مهربان از تو می‌خواهم همانگونه که در دنیا مرا پوشاندی، در قیامت نیز به گناهم رسوا نگردانی، ای مهربان ترین مهربانان. ۹- خدایا، از تو درخواست آمرزش دارم برای هر گناهی که شبم را تا سحر بیدار ماندم تا با حيله گری و فریبکاری آن را بجا آورده و بدان دست یابم، و صبحگاه با ظاهر آراسته و سیمای صالحین به سوی تو گام برداشتم، در حالی که در باطن خویش خلاف خوشنودی تو را در نظر داشتم، ای پروردگار جهانیان. پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۱۰- بارالها، از تو آمرزش می‌طلبم برای هر گناهی که به سبب آن به دوستی از دوستان ستم نمودم، دشمنی از دشمنان را یاری کردم، در مورد آن با غیر دوستان سخن گفتم و یا بخاطر آن به سوی غیر طاعت تو بپا خاستم. پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۱۱- پروردگارا، از تو آمرزش می‌جویم برای هر گناهی که مرا از آن بازداشتی و من با تو مخالفت کردم، مرا از آن بر حذر داشتی و من بر آن استقامت ورزیدم و یا آن را در نظرم زشت جلوه دادی و من آن را برای نفس خویش زینت بخشیدم. پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۱۲- خداوندا، از تو طلب عفو و بخشش دارم برای هر گناهی که آن را فراموش کردم ولی تو آن را شمارش و حفظ کردی، نسبت به آن بی‌اعتنا گشتم ولی تو آن را نوشته و ثبت کردی، من آن را آشکارا انجام دادم ولی تو آن را پوشاندی، گناهی که اگر به سوی تو باز گردم و از آن توبه کنم تو آن را خواهی بخشید. پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را برایم ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۱۳- خدایا، از تو برای هر گناهی آمرزش می‌طلبم که قبل از تمام شدنش، توقّف آن بود که مرا زود عقوبت کنی، اما به من مهلت داده و بر من پرده پوشش افکندی ولی من از کوشش در هتک و بی‌احترامی تو برنگشتم. پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را بر من ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۱۴- بارالها، از تو آمرزش می‌جویم برای هر گناهی که رحمت تو را از من بر می‌گرداند، عقوبت تو را بر من روا می‌سازد، مرا از گرامیداشت تو محروم می‌کند و یا نعمت تو را از من می‌گیرد. پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه را بر من ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۱۵- پروردگارا، از تو درخواست آمرزش دارم برای هر گناهی که نیستی بجا می‌گذارد، نزول بلا را روا می‌سازد، دشمنان را در غم شاد می‌کند، پرده پوشش را برمی‌دارد و یا قطره های باران را حبس می‌سازد. پس بر محمّد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۱۶- خداوندا، از تو آمرزش می‌طلبم برای هر گناهی که به خاطر آن یکی از بندگانت را سرزنش و نکوهش کردم، یا آن کار را از یکی از مخلوقات زشت شمردم سپس خودم بر آن اشتها یافته و برای دست یافتن بدان، حرمت او را شکسته و آبرویش را بردم؛ و این نبود مگر

بخاطر جرأتی که بر نافرمانی تو پیدا کردم . پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۱۷ - بارالها ! از تو درخواست عفو و گذشت دارم برای هر گناهی که از آن توبه کرده و به سویت باز گشتم و سپس بر انجام آن اقدام نمودم ، از تو حیا کردم اما در حال انجام آن بودم ، از تو ترسیدم در صورتی که مشغول به آن بودم ، سپس تو را کوچک شمرد و به سوی آن باز گشتم . پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه را بر من ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۱۸ - خدایا ، از تو خواهش آموزش دارم برای هر گناهی که دست و پای مرا بست و در کردار من ثابت گشت به خاطر عهد و پیمانی که با تو بستم ، یا قراردادی که برای تو داشتم ، یا مطلبی را که برای یکی از بندگان تو به عهده گرفتم ، سپس بدون هیچ ضرورتی به خاطر اشتیاقی که به آن گناه داشتم ، عهدشکنی کردم بلکه شادی بیجا و تکبر و ناسپاسی ، مرا از وفای به عهدم بازداشت ؛ و غرور و خودبینی ، مرا از رعایت آن منحرف ساخت . پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۱۹ - پروردگارا ، از تو طلب عفو و بخشش دارم برای هر گناهی که به (نامه اعمال) من پیوست ، به خاطر نعمتی که بر من انعام کردی ، و بواسطه آن بر نافرمانی تو نیرومند گشتم . و بدین خاطر فرمان ترا مخالفت کردم ، و به کمک آن بر عقوبت تو اقدام نمودم ، پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۲۰ - خداوندا ، از تو تقاضای آموزش هر گناهی را دارم که در آن شهوت و خواسته دلم را بر فرمانبرداری تو مقدم داشته و محبت به نفس و خواهشهای نفسانی را بر فرمان تو برگزیدم و نفس خود را در انجام آن ، به خشم تو راضی ساختم ، چه آنکه تو مرا به هیبت و سلطنت خویش ترساندی و در مورد آن عذر خویش را در عقوبتم ، پیش فرستادی و با وعده عذابت حجت را بر من تمام فرمودی . پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه را برایم ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۲۱ - بارالها ، از تو عفو و بخشش می جویم برای هر گناهی که می دانم آن را انجام داده ام ، خواه آن را فراموش کرده یا به خاطر داشته باشم ، به عمد انجام داده یا به اشتباه مرتکب شده باشم ، گناهی که شک ندارم تو مرا بر آن بازخواست می کنی و جانم پیش تو در گرو آن است ؛ اگر چه آن را فراموش کرده و از آن غافل شده باشم . پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۲۲ - خدایا ، از تو درخواست عفو و گذشت دارم برای هر گناهی که توسط آن با تو روبرو گشتم و یقین داشتم که تو مرا در حال انجامش می بینی ، اما غافل شدم که از آن گناه به سوی تو توبه کنم ، و فراموش کردم که از تو برای آن آموزش طلبم . پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۲۳ - خداوندا ، از تو آموزش می طلبم برای هر گناهی که در میدانم وارد شدم به خاطر گمان نیکویی که به تو داشتم ؛ که مرا عذاب نمی کنی ، بدین جهت بر انجامش اقدام کردم که امید به آموزش تو داشتم ، به راستی ، اعتماد من بر شناختی بود که نسبت به کرم و بزرگواری تو داشتم که بعد از آن که این گناه را بر من پوشاندی ، مرا رسوا نمی کنی . پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۲۴ - پروردگارا ، از تو طلب آموزش می کنم برای هر گناهی که به واسطه آن استحقاق رد گشتن درخواست ، محروم گردیدن از اجابت دعا ، به هم پاشیدن امید ، و دست نیافتن به آرزو را پیدا کردم . پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه را بر من ببخش ، ای بهترین بخشنندگان .

ترجمه استغفار امیرالمؤمنین (علیه السلام) بعد از نافله صبح (۲)

۲۵ - کردگارا ، از تو تقاضای عفو و بخشش دارم برای هر گناهی که حسرت و اندوه به دنبال دارد ، ندامت و پشیمانی بجا می گذارد ، مانع از روزی می شود و دعا را رد می کند . پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۲۶ - خدایا ، از تو عفو و بخشش می طلبم برای هر گناهی که بیماریهای مختلف و فناء و نیستی به جا می گذارد ، باعث عقوبت و گرفتاری می شود و در قیامت به حسرت و پشیمانی می انجامد . پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه را برایم ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۲۷ - پروردگارا ، از تو خواهش آموزش دارم برای هر گناهی که آن را با زبانم تعریف و در

قلب خویش پنهانش کردم، نفسم به سویش متمایل گشت و با کردارم آن را بجا آوردم، و یا به دست خویش آن را در نامه عملم نوشتم. پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۲۸- خداوندا، از تو عفو و بخشش می‌خواهم برای هر گناهی که شب یا روزم را با آن خلوت کردم و تو پرده‌های پوششش را بر من آویختی، بگونه‌ای که جز تو کسی مرا نمی‌دید، ای خدای جبار! پس نفسم من در مورد آن به شک افتاد که آن را از ترس تو ترک کنم، یا به خاطر گمان نیک به تو انجامش دهم؛ اینجا بود که متحیر گشتم، ناگهان نفسم مرا فریب داد و از ترک آن به انجامش مایلم ساخت، و عاقبت در منجلاش فرو رفتم؛ و این در حالی بود که عصیان و نافرمانی خود را نسبت به تو می‌شناختم. پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۲۹- بارالها، از تو آموزش می‌طلبم برای هر گناهی که آن را کم یا زیاد دانستم، بزرگ یا کوچکش شمردم، و نادانیم مرا در گردابش فرو برد. پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۳۰- کردگارا، از تو تقاضای عفو و گذشت دارم برای هر گناهی که در مورد آن، یکی از بندگانت را کمک کردم؛ یا به خاطر آن به یکی از آفریده‌هایت بدی کردم؛ یا آن را برای نفسم خویش زینت داده، به غیر خود اشاره کرده و دیگری را بدان رهنمون گردیدم. گناهی که به علم و آگاهی بر آن اصرار و با نادانی خویش بر آن استقامت ورزیدم. پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۳۱- پروردگارا، از تو درخواست بخشش و آموزش دارم برای هر گناهی که در مورد آن به امانت خویش (ایمان و معرفتم) خیانت کردم، با انجام آن نفسم خویش را بی‌بها ساختم، هیزم (عقوبت و کیفر قیامت) را بدوش کشیدم، در راه آن شهوتها و خواسته‌های دلم را برگزیده و لذت‌ها و کامیابی‌های خویش را مقدم داشتم، برای رسیدن دیگران بدان تلاش کردم، کسی را که از من پیروی نمود به سوی آن فریب داده و گمراه ساختم، با کسی که از انجام آن ممانعت کرد به نبرد برخاسته و بر او چیره گشتم، کسی را که در مقام غلبه بر من برآمده مقهور خود ساختم و با چاره‌اندیشی و حيله‌گری خویش بر او غالب آمدم و یا گناهی که گرایش و تمایل به آن، مرا به سوی لغزاند. پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۳۲- خدایا، از تو خواهش بخشش دارم برای هر گناهی که برای انجامش متوسل به حيله‌ای شدم که غضب‌ترا نزدیک می‌سازد، یا با دستیابی بر آن بر اهل طاعت تو غالب و پیروز گردیدم، یا به واسطه آن کسی را شیفته نافرمانی تو ساختم، یا در مورد آن خود را بر خلاف اعتقاد و عملم نشان دادم و با کارهایم امر را بر آنان مشتبه ساختم. پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۳۳- خداوندا، از تو تقاضای بخشش و آموزش دارم برای هر گناهی که بر من نوشته‌ای به خاطر عجب و خودبینی، ریا و خودنمایی، رساندن صدای عبادت خود به دیگران، تکبر و بزرگی منشی، شادی بیجا و کینه‌توزی، نشاط غرور آفرین و خودپسندی، گردن‌کشی در برابر حق و ناسپاسی در برابر نعمت، رشک بردن بر دیگران و عصبانی شدن، خوشنودی بیجا و غضبناک شدن، سخاوت بی‌مورد و بخل ورزیدن، ظلم و خیانت و دزدی، دروغ و سخن‌چینی، لهو و بیهودگی، بازی و سرگرمی، و یا نوعی از انواع صفات زشت و کارهای ناپسندی که با مثل آن گناهان تحصیل می‌گردد، و با ورود در میدان آن انسان به هلاکت می‌افتد. خداوندا، از هر گناهی که به واسطه یکی از این صفات بر آن دست یافتم از تو طلب عفو و بخشش می‌کنم. پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۳۴- بارالها، از تو عفو و بخشش می‌جویم برای هر گناهی که در علم تو گذشته که من آن را انجام می‌دهم، به آن قدرتی (مرا ببخش) که بواسطه آن بر هر چیز توانایی. پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۳۵- پروردگارا، از تو آموزش می‌طلبم برای هر گناهی که در مورد آن از غیر تو ترسیدم، با دوستان تو دشمنی کردم، با دشمنان تو دوست شدم، دوستان تو را گرفتار و بیچاره ساختم و یا در مسیر رسیدن به آن متعرض کاری که مبعوض تو بود گردیدم. پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۳۶- کردگارا، از تو درخواست آموزش می‌کنم برای هر گناهی که از آن توبه کرده سپس به سویش باز

گشتم ، و عهد و پیمانی را که بین تو و خودم بستم ، شکستم . و این جرأت من بر عهدشکنی بخاطر شناختی بود که نسبت به گذشت و بزرگواری تو داشتم . پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۳۷ - خدایا ، از تو طلب بخشش می کنم برای هر گناهی که مرا به عذاب نزدیک می سازد ، از ثوابت دور می کنی ، مانع از رحمت می گردد و یا نعمت تو را بر من تیره و تار می کنی پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۳۸ - خداوندا ، از تو خواهش آمرزش دارم برای هر گناهی که به واسطه آن گریه را که تو بسته بودی ، گشودم ، یا نفس خویش را از خیری که وعده اش را داده بودی ، محروم ساختم . پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه را برایم ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۳۹ - بارالها ، از تو تقاضای عفو و بخشش دارم برای هر گناهی که مرتکب آن شدم ، بخاطر عافیتی که تو شامل حالم ساختی ، یا زیادی نعمتی که به کمکش بر آن تمکن یافتم ، یا روزی فراوانی که بدان واسطه بر آن قدرت پیدا کردم ، یا کار نیکی که مقصودم از انجام آن تو بود ولی در آن چیزی مخلوط گشت و در کارم چیزی راه یافت که خالص برای تو نبود ، و یا بر من چیزی ثابت گردید که از آن غیر تو را قصد نمودم ، و زیادی از کارهای من بدینسان بود . پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه را بر من ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۴۰ - پروردگارا ، از تو آمرزش می جویم برای هر گناهی که اجازه ظاهری تو مرا به سوی آن فراخواند و آن را برای خویش روا دانستم ، در حالی که آن کار نزد تو حرام بود . پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۴۱ - کردگارا ، از تو درخواست گذشت و بخشش دارم برای هر گناهی که از آفریده هایت مخفی گردید ولی از تو پنهان نگشت ، از تو طلب گذشت کردم و تو نیز از من گذشتی ، سپس به سوی آن باز گشتم و تو آن را بر من پوشاندی ، پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۴۲ - خدایا ، از تو آمرزش می طلبم برای هر گناهی که به پای خویش به سویش گام برداشتم ، به طرف آن دست درازی کردم ، با چشمانم بدان نگاه کردم ، با گوشم آن را گوش دادم ، با زبانم درباره اش سخن گفتم ، و یا در راه آن از مالی که روزیم کردی ، خرج کردم ، سپس از تو برای نافرمانی روزی خواستم و تو به من عطا کردی ، آنگاه توسط روزیت بر معصیت تو کمک جستم و تو مرا پوشاندی ، از تو درخواست روزی بیشتری کردم ، مرا ناامید نکردی ، آشکارا تو را نافرمانی کردم ولی رسوایم نساختی ، دائماً ، اصرار بر عصیان تو داشتم ولی همیشه با بردباری و آمرزشت مرا پوشاندی ، ای کریم ترین کریمان ! پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۴۳ - خداوندا ، از تو تقاضای عفو و گذشت دارم برای هر گناهی که انجام کوچک آن عذاب دردناک تو را فراهم می آورد ، بجا آوردن بزرگ آن عذاب شدید ترا روا می سازد ، ارتکاب آن عقوبت سریع تو را در بردارد و اصرار و پافشاری بر آن از دست دادن نعمت تو را به دنبال دارد . پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۴۴ - بارالها ، از تو آمرزش می خواهم برای هر گناهی که کسی غیر از تو از آن با خبر نیست ، احدی جز تو آن را نمی داند ، جز حلم و بردباریت از عقوبت آن نجاتم نمی دهد و جز عفو و بخششت گنجایش آن را ندارد . پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۴۵ - پروردگارا ، از تو خواهش بخشش دارم برای هر گناهی که نعمت ها را از بین می برد ، عقوبت را روا می سازد ، نیستی و نابودی را زودرس می کند و یا پشیمانی را زیاد می گرداند . پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۴۶ - کردگارا ، از تو آمرزش می طلبم برای هر گناهی که کارهای نیک را نابود می سازد ، کارهای بد را افزایش می دهد ، گرفتاری ها را زودرس می کند ، و تو را به غضب می آورد ، ای پروردگار آسمانها ! پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشنندگان . ۴۷ - خدایا ، از تو درخواست عفو و بخشش می کنم برای هر گناهی که تو احقّ از دیگران به شناخت آنی ، زیرا تو سزاوارتر به پوشاندن آن از دیگرانی ، چه آنکه تو اهل تقوی و آمرزشی پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش ، ای بهترین بخشنندگان .

۴۸- خداوندا، از تو آموزش می‌جویم برای هر گناهی که در مورد آن با چهره گرفته دوستی از دوستانت را ملاقات کردم تا دشمنان تو را کمک کنم، یا تمایلی به اهل نافرمانیت پیدا کردم تا اهل طاعت تو را گرفتار کنم. پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۴۹- بارالها، از تو تقاضای عفو و گذشت دارم برای هر گناهی که بزرگی آن و تلاش من در موردش - که باعث گذراندن عمر به بطالت و فرو رفتن در تباهی است - لباس ذلت بر تنم پوشاند، و مرا از وجود رحمت مایوس نمود؛ و یا یأس از باز گشت به طاعت تو مرا از گام برداشتن به سویت باز داشت، چه آنکه بزرگی جرم خود را شناخته و به نفس خویش گمان بد دارم. پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان.

۵۰- کردگارا، از تو طلب آموزش می‌کنم برای هر گناهی که اگر رحمت تو نبود مرا به هلاک می‌انداخت، اگر پناه دادن تو نبود مرا به خانه خراب (جهنم) فرود می‌آورد، و اگر هدایت تو نبود مرا به راه خطا و گناه سوق می‌داد. پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۵۱- پروردگارا، از تو خواهش عفو و بخشش دارم برای هر گناهی که مرا از آنچه به سویس هدایتم کردی، یا دستور داده، یا نهی فرموده و یا راهنمایی کردی، باز داشت. از عمل به دستوراتی باز ماندم که در آن بهره رسیدن به خوشنودی تو، مقدم داشتن محبت تو و نزدیک شدن به تو را در بر داشت. پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه را بر من ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۵۲- خداوندا، از تو آموزش می‌طلبم برای هر گناهی که پذیرش درخواست مرا رد می‌کند، امیدم را از تو قطع می‌سازد، رنج و زحمت مرا در غضب تو طولانی می‌کند و یا آرزوی مرا نسبت به تو کوتاه می‌گرداند. پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۵۳- خدایا، از تو عفو و بخشش می‌خواهم برای هر گناهی که قلب را می‌میراند، گرفتاری را شعله‌ور می‌سازد، شیطان را خوشنود می‌کند و خدای رحمان را به خشم می‌آورد. پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۵۴- بارالها، از تو تقاضای آموزش دارم برای هر گناهی که یأس از رحمت تو، ناامیدی از آموزش تو و محرومیت از عنایات گسترده تو را به دنبال دارد. پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۵۵- پروردگارا، از تو درخواست عفو و بخشش دارم برای هر گناهی که نفس خود را در ارتباط با آن دشمن داشتم، چون می‌خواستم ترا تعظیم کنم؛ به پیشگاه تو اظهار توبه و پشیمانی کردم و تو آن را پذیرفتی؛ از تو عفو و بخشش خواستم و تو مرا بخشیدی؛ سپس هوای نفس مرا متمایل به تکرار آن ساخت، بدین خاطر که در رحمت گسترده و عفو کریمانه تو طمع داشتم؛ در حالی که وعده عقوبت را فراموش کردم و تنها به وعده های زیبای مغفرت و آمرزش امیدوار گشتم. پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۵۶- کردگارا، از تو خواهش آموزش هر گناهی را دارم که در روزی که چهره های دوستانت سفید و نورانی است، سیاهی چهره از خود بجا می‌گذارد؛ روزگاری که وقتی دشمنانت به یکدیگر می‌رسند، هر یک دیگری را سرزنش می‌کند و چهره هایشان سیاه می‌شود و به آنها گفته می‌شود: «در نزد من با یکدیگر به مخاصمه نپردازید که من در دنیا وعده های عذابم را برایتان پیش فرستادم». پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه را برام ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۵۷- خداوندا، از تو عفو و بخشش می‌جویم برای هر گناهی که منجر به کفر گشته، فکر را طولانی ساخته، فقر و تنگدستی بجا گذارده و سختی و بیچارگی به بار می‌آورد. پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه را بر من ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۵۸- پروردگارا، از تو طلب آموزش دارم برای هر گناهی که اجل ها را نزدیک، آرزوها را قطع و عمرها را کوتاه می‌کند؛ گناهی که به زبانش آوردم یا از آن لب فرو بستم، بدین خاطر که از ذکر آن حیا کردم؛ گناهی که در سینه ام پنهانش ساختم و تو از آن با خبری؛ چه آنکه هر راز پنهان و سرّ ناپیدایی را می‌دانی. پس بر محمد و آتش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنندگان. ۵۹- خدایا، از تو آموزش می‌طلبم برای هر گناهی که در ارتکاب آن، بریدن روزی، رد شدن درخواست، پیاپی گشتن بلا، سرازیر

شدن اندوه‌ها و هجوم غم‌ها است. پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنده‌گان. ۶۰- بارالها، از تو خواهش ریزش و آمرزش هر گناهی را دارم که مرا مبعوض بندگانت می‌کند، دوستانت را از من متنفر می‌سازد، و اهل طاعت و فرمانبرداری تو را به خاطر وحشتی که از نافرمانی‌ها و سوار شدن بر گناهان مهلک و غم و اندوه معصیت‌ها دارند، از من به وحشت می‌اندازد. پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنده‌گان. ۶۱- پروردگارا، از تو درخواست عفو و بخشش برای هر گناهی دارم که به واسطه آن، آنچه را تو آشکار کردی، من با حيله گری خود پنهانش ساختم؛ آنچه را تو پوشاندی من پرده‌اش را دریدم؛ و یا آنچه را تو برایم زینت بخشیدی؛ من با عمل خویش قبیح و زشتش کردم. پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه را برایم ببخش، ای بهترین بخشنده‌گان. ۶۲- کردگارا، از تو تمنای گذشت و بخشش برای هر گناهی دارم که با وجود آن، به پیمان تو (توحید و ولایت) نمی‌توان رسید، از غضب تو در امان نمی‌توان ماند، رحمت نازل نمی‌گردد و نعمت دوام نمی‌یابد. پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه را از من ببخش، ای بهترین بخشنده‌گان. ۶۳- خداوندا، از تو طلب آمرزش می‌کنم برای هر گناهی که در روشنایی روز آن را از بندگانت پنهان ساختم و در تاریکی شب آشکارا انجامش دادم و این جرأتی از طرف من نسبت به تو بود؛ در عین حال که می‌دانستم کارهای سزای در پیش تو ظاهر و پیدا، و امور مخفی در نزد تو آشکار و هویدا است؛ و می‌دانستم که از ناحیه تو مانعی جلوگیری نخواهد شد، و از ناحیه من سود دهنده‌ای - چه مال و چه فرزند - مرا سود نخواهد بخشید؛ مگر آنکه با دلی پاک و قلبی سالم به نزدت بیایم. پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه را برایم ببخش، ای بهترین بخشنده‌گان. ۶۴- بارالها، از تو آمرزش هر گناهی را می‌خواهم که فراموشی یاد تو را بجا می‌گذارد، غفلت از برحذر داری تو را به دنبال دارد، ایمنی از مکر و حيله تو را همیشگی می‌سازد، طمع جستجوی رزق و روزی از غیر تو را در سر می‌پروراند و یا انسان را از خیر و نیکی در نزد تو مأیوس می‌کند. پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه من را ببخش، ای بهترین بخشنده‌گان. ۶۵- کردگارا، از تو تقاضای عفو و گذشت برای هر گناهی که به (نامه عمل) من پیوسته است، بخاطر عتاب و خطاب من بر تو در اینکه چرا روزی مرا حبس کرده‌ای، یا به خاطر روگردانی من از تو و تمایلیم به سوی بندگانت به فروتنی نمودن و گریه و زاری کردن به پیش آنان، در حالی که تو خود، کلام زیبایی را در کتاب محکمت به من شنوندی که «اینان برای پروردگارشان فروتن نبوده و تضرع و زاری نکردند». پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنده‌گان. ۶۶- پروردگارا، از تو تمنای عفو و بخشش دارم برای هر گناهی که بر من نوشته شد، بخاطر کمک جستمن از غیر تو برای برطرف ساختن اندوه و ناراحتی خویش، و یا پنهان‌شدنم به غیر تو با خود رأیی و بی‌اعتنایی به تو. پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنده‌گان. ۶۷- خدایا، از تو آمرزش می‌طلبم برای هر گناهی که مرا وا داشت که از غیر تو بترسم؛ یا مرا به تواضع و فروتنی در برابر یکی از آفریده‌هایت فرا خواند؛ به طمع در توانائی و دارائی او به سوی آن گناه مایلم ساخت؛ یا فرمانبرداری او را در مسیر نافرمانیت، برایم زینت بخشد، به امید آنکه آنچه در نزد اوست به سوی خود بکشانم؛ این در حالی بود که می‌دانستم احتیاج به تو دارم و هیچ‌گاه از تو بی‌نیاز نیستم. پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنده‌گان. ۶۸- خداوندا، از تو درخواست عفو و بخشش دارم برای هر گناهی که آن را به زبان خویش ستودم، نفسم به سوی آن میل پیدا کرد، با کردارم آن را نیک شمردم و یا با گفتارم دیگران را به سوی برانگیختم؛ در حالی که آن گناه در پیش تو کار زشتی بود که مرتکبین آن را عذاب می‌کنی. پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه مرا ببخش، ای بهترین بخشنده‌گان. ۶۹- بارالها، از تو آمرزش می‌طلبم برای هر گناهی که در نفس خویش انجام دادنش را کم‌شمرده و نفسم صورت کوچکی از آن برایم ترسیم کرد و کوچک شمردنش را به قدری برایم آسان گردانید که مرا در گردابش فرو برد، پس بر محمد و آلش درود فرست و این گناه را بر من ببخش، ای بهترین بخشنده‌گان. ۷۰- پروردگارا، از تو خواهش ریزش و بخشش هر گناهی را دارم که علم تو آن را فرا گفته، بگونه‌ای تمام گناهان

مرا تا آخر عمرم می دانی؛ اول و آخرش، عمد و خطایش، کم و زیادش، کوچک و بزرگش، کهنه و تازه اش، پنهان و آشکارش و همه آنچه را تا به حال انجامش داده ام، همه را می دانی. و من از همه گناهانم به سویت توبه می کنم، و از تو می خواهم که بر محمد و آلش درود فرستی و تمام آنچه را که از حقوق بندگانت که بر عهده من است و تو آنها را شمارش و حفظ کرده ای، بر من ببخشی. براستی، بندگانت حقوق فراوانی بر من دارند که هستی من در گرو آنها است و تو بر هر صورت و هر زمان که بخواهی آنها را بر من می بخشی، ای مهربان ترین مهربانان!

گفتار دهم: استغفار امام زمان (علیه السلام) برای شیعیان

پیامبر و امامان (علیهم السلام) اعمال شیعیان را می بینند

یکی از مقامات پیامبر و امام (علیهما السلام) اینست که از اعمال امت خویش آگاه و باخبرند. همان گونه که عمل هیچ کس از دایره علم خداوند بیرون نیست و از همه چیز اطلاع دقیق دارد، پیامبر و اوصیانش (علیهم السلام) نیز این مقام را از خدا دریافت کرده اند که از کارهای شیعیان خویش و دیگر مردم با خبر می گردند. این عقیده، در میان پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) معروف و مشهور است و پشتوانه آن روایات فراوانی است که به حدّ تواتر رسیده و از آن ها استفاده می شود که خداوند، اعمال مردم را بر پیامبر و جانشینانش (علیهم السلام) عرضه می دارد. و برای این که جای هیچ گونه تردید برای کسی باقی نماند، آیه روشنی درباره این مطلب نازل کرده و خطاب به پیامبرش می فرماید: (وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ ثُمَّ يُرْدُونَ اِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ). (۱) بگو عمل کنید؛ خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می بینند، و بزودی به سوی دانای نمان و آشکار، باز گردانده می شوید و شما را به آنچه می کردید، خبر می دهد. این آیه به این مطلب اشاره دارد که کسی تصور نکند اگر در خلوت یا در میان جمع عملی را انجام دهد، از دیدگاه علم خدا مخفی می ماند. بلکه علاوه بر خدا، پیامبر و مؤمنان (علیهم السلام) - که همان اوصیای پیامبرند - از آن با خبر می شوند. بی شک توجه و ایمان به این حقیقت اثر عمیقی در پاکسازی اعمال، نیات و افکار انسان دارد. چرا که اگر انسان یقین کند کسی مراقب اوست، وضع خود را چنان قرار می دهد که مورد ایراد نباشد. همچنین اگر به یقین برسد که پیامبر و امامان (علیهم السلام)، مخصوصاً امام زمان (علیه السلام)، از اعمال و افکار او آگاهند، بر مراقبت از اعمال خویش می افزاید و بیش از مواظبتی که در مورد مراقبت افراد عادی، نسبت به اعمال خویش دارد، در مورد مراقبت این پاکان عالم وجود، پیدا خواهد کرد. و در نتیجه خطایی از او سر نمی زند و مرتکب گناهی نمی گردد. امام صادق (علیه السلام)، در حدیث زیبایی به این نکته اشاره می کنند: إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، كُلَّ صَبَاحٍ أَتْرَاحَهَا وَفَجَّارَهَا، فَاحْذَرُوا، فَلَيْسَ يَخْبِي أَحَدُكُمْ أَنْ يُعْرَضَ عَلَى نَبِيِّهِ الْعَمَلِ الْقَبِيحِ. (۲) تمام اعمال نیک و بد بندگان خدا، هر روز صبح بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) عرضه می گردد. بنابر این مراقب باشید. هر یک از شما باید حیا کند از این که عمل زشتش را بر پیامبرش عرضه بدارد. در زمینه عرضه اعمال به پیشگاه با جلال امام خلیفه خدا، و اطلاع دقیق او از کردار خلق خدا، حدیث زیبایی از امام رضا (علیه السلام) روایت شده است، که برای منتظران امام عصر ارواحنا فداه، شایسته دقت و تأمل است. عبدالله بن ابان، که شغلش روغن فروشی بود و مدتی از عمرش را در خدمت امام رضا (علیه السلام) گذرانده بود، گوید: به امام رضا (علیه السلام) گفتم: برای من و اهل بیتم، خدا را بخوانید، (و برایمان دعا کنید). امام (علیه السلام) فرمودند: مگر من این کار را نمی کنم؟ سپس فرمودند: وَاللَّهِ إِنَّ أَعْمَالَكُمْ لَتُعْرَضُ عَلَيَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ. به خدا سوگند، اعمال شما هر روز و شب بر من عرضه می شود. این مطلب در نظر من کار بزرگی آمد. امام (علیه السلام) فرمودند: مگر کتاب خدا را نخوانده ای که می فرماید: (وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ) (۳) «(ای پیامبر) به

مردم بگو عمل کنید که خدا و رسولش و مؤمنان عمل شما را می بیند». (۴) ۱- سوره توبه: آیه ۱۰۵. ۲- تفسیر کنزالذقائق، ج ۵، ص ۵۳۷؛ تفسیر قمی، ج ۱، ص ۳۰۴. ۳- سوره توبه، آیه ۴۱۰۵- کافی، ج ۱، ص ۲۱۹؛ تفسیر کنزالذقائق، ج ۵، ص ۵۳۶.

استغفار رسول خدا و اوصیایش (علیهم السلام) برای شیعیان

هنگامی که اعمال بندگان خدا بر پیامبر و امامان بعد از او (علیهم السلام) عرضه می شود، اگر در نامه عمل دوستان و شیعیان خویش عمل نیکی ببینند، شاد و مسرور می شوند و برای آنان دعا می کنند. و چنانچه عمل زشتی ببینند ناراحت و دلگیر می شوند و برای آمرزش آنان استغفار کرده و آمرزش می طلبند. یکی از روایاتی که بیانگر استغفار پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) برای امت گنہکارش می باشد؛ حدیثی است که حنان بن سدید از پدرش از امام باقر (علیه السلام) روایت می کند که حضرتش فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: بودن من در میان شما بهتر است برایتان. چرا که خداوند می فرماید: (وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ) (۱) «تا تو در میان ایشان هستی، خداوند آن ها را عذاب نمی کند». و جدایی من از شما بهتر است برایتان. اصحاب گفتند: ای رسول خدا، بودن شما پیش روی ما بهتر است برای ما. اما چگونه دوری و جدایی شما از ما، برای ما بهتر است؟! فرمودند: «أَمَّا مُفَارِقَتِي إِيَّاكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ فَلَا تَعْرِضْ عَلَيَّ كُلَّ حَمِيمٍ وَأَيْنِينِ، أَعْمَالُكُمْ. فَمَا كَانَ مِنْ حَسَنَةٍ حَمَدْتُ اللَّهَ عَلَيْهَا وَمَا كَانَ مِنْ سَيِّئَةٍ إِسْتَعْفَوْتُ اللَّهَ لَكُمْ». (۲) اما جدایی و دوری من از شما بهتر است برای شما، زیرا هر پنجشنبه و دوشنبه، اعمال شما بر من عرضه می شود. اگر عمل نیکی در آن باشد، خدا را بر آن سپاس می گویم و چنانچه عمل بدی در آن باشد، برایتان استغفار و طلب آمرزش می کنم. علاوه بر پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) امامان دوازده گانه شیعه (علیهم السلام) نیز، هنگامی که اعمال شیعیان بر آن ها عرضه می شود، اگر در نامه عملشان گناهی ببینند، برای آنان استغفار می کنند و از خدا عفو و بخشش می طلبند. موسی بن سیتار گوید: در خدمت امام رضا (علیه السلام) بودم، در هنگامی که آن حضرت به دیوارهای شهر توس نزدیک شده بودند. ناگهان صدای شیون و ناله ای به گوشم رسید، دنبال صدا رفتم، جنازه ای دیدم (که عده ای آن را به دوش می کشیدند)، به مجردی که چشمم به جنازه افتاد، دیدم آقا و مولایم پا از رکاب خالی کردند از اسب پیاده شدند، به طرف جنازه حرکت کرده و آن را بلند نمودند و همچون بزه نوزادی که به مادر پناه می برد و به او می چسبد، خود را به آن جنازه می چسبانند (دور آن می گشتند و او را تشییع می کردند). سپس متوجه من گردیده و فرمودند: یا مُوسَى بْنِ سَيَّارٍ، مَنْ شَيَّعَ جِنَازَةَ وَلِيِّ مِنْ أَوْلِيَائِنَا، خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ وُلِدَتْهُ أُمُّهُ لِأَذْنَبَ عَلَيْهِ. ای موسی! هر کس جنازه دوستی از دوستان ما را تشییع کند؛ همانند روزی می شود که مادرش او را زاییده و هیچ گناهی بر او نیست و از گناهانش بیرون می رود. موسی بن سیتار ادامه می دهد: جنازه را آوردند، و کنار قبر بر روی زمین گذارند. ناگهان دیدم مولایم علی بن موسی (علیه السلام) به طرف جنازه رفتند، مردم را کنار زدند، تا خود را به آن رساندند آن گاه دست مبارکش را روی سینه میت گذارده و فرمودند: يَا فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ أَبَشِّرْهُ بِالْجَنَّةِ، فَلَا خَوْفَ عَلَيْكَ بَعْدَ هَذِهِ السَّاعَةِ. ای فلانی پسر فلانی، تو را به بهشت بشارت باد! بعد از این ساعت، هیچ ترس و وحشتی بر تو نیست! من گفتم: آقای من، جانم فدایت باد! آیا شما این مرد را می شناختید (که این گونه در تشییع او شرکت کرده و چنین بشارتی به او دادید)؟ در حالی که به خدا سوگند، تاکنون این سرزمین را ندیده و در آن قدم نگذاشته اید! امام رضا (علیه السلام) فرمودند: یا مُوسَى بْنِ سَيَّارٍ، أَمَا عَلِمْتَ أَنَا مَعَاشِرَ الْأَيِّمَةِ تُعْرَضُ عَلَيْنَا أَعْمَالُ شِعْبَتِنَا صَبَاحًا وَمَسَاءً، فَمَا كَانَ مِنَ التَّقْصِيرِ فِي أَعْمَالِهِمْ سَأَلْنَا اللَّهَ تَعَالَى، الصَّفْحَ لِصَاحِبِهِ. و مَا كَانَ مِنَ الْعُلُوِّ سَأَلْنَا اللَّهَ الشُّكْرَ لِصَاحِبِهِ. ای موسی، مگر نمی دانی که ما امامان، کسانی هستیم که هر صبح و شام، اعمال شیعیانمان، بر ما عرضه می شود. اگر تقصیر و کوتاهی در کردار آنان باشد، از خدا می خواهیم که از صاحب آن در گذرد و او را عذاب نکند (و از سر تقصیرش در گذرد). و چنانچه کار خوبی باشد که باعث برتری مقام و منزلت آنان گردد، از خدا می خواهیم که از صاحب آن، پذیرفته شود و از آنان تشکر کند. (۳) ۱- سوره

انفال، آیه ۳۳. ۲ - تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۷۷ - تفسیر کنزالدقائق، ج ۵، ص ۵۳۷ - ۵۳۶. ۳ - مناقب آل ابی طالب. ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۳۴۱.

استغفار امام زمان (علیه السلام) برای شیعیان

از این روایت و روایات دیگری مانند آن، استفاده می‌شود: امام (علیه السلام) در هر عصر و زمانی همچون پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) مظهر لطف و عطف پروردگار و تجلی گاه گذشت و آمرزش خداوند غفار است، و تمام نعمت‌های خداوند، از جمله عفو و بخشش آن ذات بی‌مانند، به دست او به مردم می‌رسد. افزون بر این، حجت خدا در هر زمانی، خود را موظف می‌بیند که برای گناه شیعیانش استغفار کند. شاید معنای این فراز زیارت «آل یاسین» همین باشد که خطاب به امام زمان (علیه السلام) می‌خوانیم: **الْسَّلَامُ عَلَیْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَ تَسْتَغْفِرُ**. (۱) سلام بر تو باد در آن لحظه که حمد و سپاس خدا به جای می‌آوری و (برای گناه شیعیانت) استغفار کرده و آمرزش می‌طلبی. مرحوم علامه بزرگوار، سید بن طاووس داستان تشریفی را محضر آن حضرت نقل می‌کند که مؤید این معنا است. ایشان می‌فرماید: سحرگاهی در سرداب مقدس بودم که صدای مولایم را شنیدم که با خدای خویش مناجات می‌فرمودند و برای شیعیان خود چنین دعا می‌کردند: **اللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَ بَقِيَّةِ طَيْبَتِنَا ، وَ قَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا كَثِيرَةً إِتْكَالًا - عَلَي حُبِّنَا وَ وِلَايَتِنَا ، فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ ، فَاصْرِفْ عَنْهُمْ فَفَقَدْ رَضِينَا وَ مَا كَانَ مِنْهَا فِيمَا بَيْنَهُمْ فَاصْلِحْ بَيْنَهُمْ وَ قَاصِّبِهَا عَنْ حُمْسِنَا وَ أَدْخِلْهُمْ الْجَنَّةَ وَ زَحْزَحْهُمْ عَنِ النَّارِ وَ لَا تَجْمَعْ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَعْدَائِنَا فِي سَخَطِكَ**. (۲) خدایا! شیعیان ما از شعاع انوار ما و باقی مانده گل ما آفریده شده اند و گناهان بسیاری انجام داده اند، در حالی که پشت گرمی آن‌ها به محبت و ولایتی است که نسبت به ما دارند. اگر گناهان آن‌ها بین تو و ایشان است (واجبی را ترک کرده و یا حرامی را مرتکب شده اند) از آن‌ها در گذر که ما راضی گشتیم، و آنچه از گناهان ایشان که مربوط به خودشان و حقوقی است که بر یکدیگر دارند، خودت پیشان اصلاح فرما و از خمس ما به آنان عطا کن تا از یکدیگر راضی گردند. ایشان را داخل بهشت گردان و از آتش دورشان ساز، و در غضب و عذاب خویش بین آن‌ها و دشمنان ما جمع مگردان. بنابراین یکی از عنایات امام زمان (علیه السلام) در عصر غیبت به دوستان و شیعیان این است که برای گناهان آنان استغفار می‌کند، برای آمرزش ایشان دعا می‌فرماید و با دعاهای خویش، آتش قهر خداوند را از آن‌ها دور می‌سازد. ۱ - مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر (علیه السلام). ۲ - العقبی الحسنان، ج ۲، ص ۱۴۹.

تقاضای استغفار از امام زمان (علیه السلام)

در این راستا، یکی از وظایف شیعیان، در ارتباط با گناهان و کردار ناپسندشان این است که از مولای خویش عذر خواهی کنند و از درگاه با جلالش بخواهند که برای آنان استغفار کرده و از خداوند برایشان عفو و بخشش بخواهد، تا زودتر به آمرزش خدای خویش دست یابند. تردیدی نیست که دعای آن ذات مقدس مستجاب و درخواست حضرتش در پیشگاه خداوند، پذیرفته است. از این رو قرآن راه دست یافتن به آمرزش و پذیرفته شدن توبه را برای مسلمانانی که در عصر رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌زیستند، در این می‌بیند که بعد از توبه و استغفار، محضر آن حضرت برسند، و از آن بزرگوار بخواهند که برای آنان استغفار کند: **(وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاؤُوكَ ، فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَ اسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا)**. (۱) اگر اینان زمانی که به نفس‌های خویش ستم کردند، نزد تو آیند، از خدا آمرزش طلبند، و رسول (خدا) نیز برای آنان استغفار کند خداوند را پذیرای توبه و مهربان می‌یابند. این تعبیر در آیه شریفه: **(لَوْ جَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا)** «خدا را پذیرای توبه (خویش) و مهربان می‌یابند» حکایت از این دارد که، اگر کسی خدمت حجت خدا (علیه السلام) برسد و از او بخواهد که برایش استغفار کند و او هم به

خواستش پاسخ مثبت دهد، قطعاً توبه اش پذیرفته است و زودتر به آمرزش خداوند دست خواهد یافت. ۱- سوره نساء، آیه ۶۴.

داستان ابولبابه

شاهد بر این معنی، فرمایش پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) در جریان توبه ابولبابه است: بعد از آن که جنگ خندق پایان یافت و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) با مسلمین به مدینه بازگشتند، هنگام ظهر جبرئیل نازل شد و فرمان جنگ با بنی قریظه را برای آن حضرت آورد. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) سلاح پوشیدند و به مسلمین اعلام کردند که باید نماز عصر را در بنی قریظه بخوانید. دستور انجام شد، لشکر اسلام بنی قریظه را محاصره کرد، مدت محاصره به طول انجامید. تا این که یهودیان به تنگ آمدند و پیغام دادند که ابولبابه را - که یکی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) بود - به سوی ما بفرست تا درباره کار خویش با او مشورت کنیم. پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به ابولبابه فرمودند: «نزد هم پیمان های خودت برو، بین چه می گویند» وقتی وارد قلعه شد (چشم زن ها و بچه های یهود، به او افتاد، شروع به گریه و ناله کردند. ابولبابه تحت تأثیر این منظره رقت با قرار گرفت، دلش به حال آن ها سوخت) (۱) پرسیدند: صلاح دید تو درباره ما چیست؟ چه کنیم؟ آیا همان طور که محمد (صلی الله علیه و آله وسلم) می گوید، تسلیم شویم که هر چه می خواهد نسبت به ما انجام دهد؟ ابولبابه جواب داد: آری. ولی همراه این جواب با دست خود به گلویش اشاره کرد. یعنی در صورت تسلیم کشته می شوید. فاصله ای نگذشت که از کردار خویش پشیمان شد، با خود گفت: به خدا و رسولش خیانت کردم. از قلعه پایین آمد، دیگر خدمت پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) نرفت. از همان جا رهسپار مدینه گشت، داخل مسجد شد و به وسیله ریسمانی گردن خود را به یکی از ستونهای مسجد بست، همان ستونی که بعد از این داستان ستون توبه نام گرفت. با خود گفت: هرگز خود را از این بند رها نمی کنم مگر این که توبه ام پذیرفته شود، یا بمیرم. وقتی ابولبابه تأخیر کرد، پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) جوایب او شدند. داستان او را به عرض پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) رساندند. حضرت فرمودند: اگر پیش ما می آمد، از خداوند برایش طلب آمرزش می کردیم، اما اکنون که به خدا توجه کرده است، او سزاوارتر است، هر چه می خواهد درباره اش انجام دهد. (۲) گویا مقصود پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) این است: اگر ابولبابه پیش ما می آمد و ما برایش استغفار می کردیم، توبه اش پذیرفته می شد و زودتر به آمرزش خداوند دست می یافت. ولی اکنون که به خدا توجه کرده است، او خود می داند که چه زمانی توبه اش را بپذیرد و او را بیامرزد. در واقع در خواست استغفار از پیامبر یا امام (علیهم السلام) خود یک نوع وسیله جوئی است که بدان سفارش شده است، خداوند می فرماید: (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ). (۳) ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را در نظر بگیرید و پرهیزکار باشید، به سوی او طلب وسیله و در راه او تلاش و کوشش کنید، شاید رستگار شوید. شکی نیست که عذر خواهی از شخصیت والایی که فرمانش اطاعت نشده است، اگر توسط شخصی که در درگاه او مقرب است، انجام گیرد زودتر انسان را به مقصود می رساند و سریع تر رضایت او را فراهم می سازد. روشن است که هیچ شخصیتی در عالم، مقرب تر از پیامبر و اهل بیت پاکش (علیهم السلام) در پیشگاه خداوند نیست، که دعایش مستجاب، و در خواستش پذیرفته درگاه با جلال او باشد. به خصوص امام هر زمانی که واسطه رساندن فیوضات از طرف خداوند به سوی همه مخلوقات است. ۱- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۴۶. ۲- تفسیر برهان، ج ۲، ص ۱۵۴. ۳- سوره مائده: آیه ۳۵.

چگونه از امام زمان (علیه السلام) عذر خواهی کنیم؟

وظیفه هر شیعه گنجهکاری آن است که پس از استغفار و عذر خواهی از خداوند به امام زمان خویش (علیه السلام) پناهنده شود و از آن ذات پاک بخواهد که برای گناهانش استغفار کرده و سخنی را با مولای خود نجوا کند که برادران یوسف به یوسف (علیه

السلام) گفتند. آن‌ها جنایاتی را نسبت به یوسف روا داشتند تا آنجا که او را به قصد کشتن میان چاه افکندند، و بعد از چند سال گرفتار قحطی و خشک سالی گردیدند. از سوی دیگر، یوسف (علیه السلام) به قدرت خدا از چاه و زندان نجات یافت و عزیز مصر شد. برادران، بدون این که او را بشناسند خدمتش شرفیاب شده و گفتند: (یا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَأَهْلْنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ، فَأَوْفٍ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ). (۱) ای عزیز (مصر)، ما و بستگانمان را گرفتاری و ناراحتی فرا گرفته است و با سرمایه ناچیزی (به بازار) آمده ایم، پس تو پیمانمان را بر ما تصدق کن، مسلماً خداوند صدقه دهندگان را پاداش می‌دهد. آری! شیعیان گنهکاری که حرمت یوسف فاطمه (علیهما السلام) را نگه نداشته اند، و در مقابل چشمان بینای او گناه کرده اند و با کردار زشت خود، مولای خویش را به زندان غیبت افکنده اند، باید ابتدا همچون برادران یوسف (علیه السلام)، با امام مهربان خویش نجوا کنند و سپس سخن فرزندان یعقوب (علیه السلام) با پدر خویش را زمزمه کنند، تا از سر تقصیرشان در گذرد و برای گناهانشان آموزش طلبد. فرزندان یعقوب، بعد از آن که برادرشان یوسف (علیه السلام) را شناختند، و او پیمانمان هایشان را پر کرد، همراه آنان پیراهنش را برای پدرش یعقوب (علیه السلام) فرستاد و آن‌ها امانت برادرشان را آوردند و بر صورت پدرشان افکندند، چشمان یعقوب (علیه السلام) بینا گشت، ولی فرزندان او از خجالت سر به زیر افکندند و گفتند: (یا أَبَانَا إِسْتِغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ) (۲) ای پدر - مهربان - ما، برای گناهانمان استغفار نما و از خدا طلب آموزش کن که ما از خطا کاران بودیم. یعقوب (علیه السلام) هم به آنان وعده داد که سحرگاه جمعه برایشان استغفار کند. عالم جلیل القدر شیعه مرحوم سید بن طاووس که بارها توفیق شرفیابی محضر امام زمان (علیه السلام) نصیبش گشته است، در سفارشی که برای فرزند خویش دارد می‌فرماید: فرزندم، هر روز دوشنبه و پنجشنبه (که اعمال تو خدمت مولایت عرضه می‌شود) با کمال خواری و فروتنی خواسته‌های خود را به امام زمانت عرضه بدار و با امام خویش حرف بزنی، و بعد از سلام به حضرتش زیارتی را بخوان که ابتدای آن «سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ» است (۳) و سپس بگو: (یا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَأَهْلْنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ، فَأَوْفٍ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ). (۴) آن‌گاه بگو: یا مَوْلَانَا إِسْتِغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ. ای مولای ما، برای گناهانمان استغفار و طلب آموزش کن، که ما در گذشته از خطا کاران بودیم. پس از آن به امام زمانت بگو: ای آقا و ای مولای من، این برخورد برادران یوسف با برادر و پدر خود و عکس‌العمل آن دو بزرگوار، در برابر آنان است، که بعد از آن همه جنایات و بی‌مهری‌ها که از آن‌ها سرزد، باز یوسف و پدر بزرگوارش یعقوب (علیهما السلام)، بر آنان مهر ورزیدند و از تقصیر و گناهشان در گذشتند و آنان را مورد عفو و بخشش خویش قرار دادند. پس اگر من هم مورد پسند و خوشنودی خدا و رسول او و پدران بزرگوار شما و خودتان نیستم، شما از حضرت یعقوب و یوسف (علیهما السلام) سزاوارترید در این که مرا مشمول مهر و بردباری، و کرم و بزرگواری خویش قرار دهید. (۵) چه زیباست که دوستان غافل آن امام غریب و تنها، که در گردباد سیاه گناهان گرفتار شده‌اند، و با سنگ معصیت دل بلورین مولای خویش را شکسته و بر زخم دل نازنینش نمک پاشیده‌اند، با مولای خود چنین نجوا کنند: ای مولای مهربان، با اینکه سالها زیر پر و بال مهر و عطوفت ماوا گرفته و در سایه چتر عنایات آرمیده بودم، خود را در صحرای سوزان شهوت‌ها گرفتار و به دست طوفان‌های بی‌رحم معصیت‌ها سپردم. اینک از شهر خراب شده‌ای به سویت باز آمده‌ام که از شرمساری نمی‌توانم چشم به سویت بگشایم، چه آنکه رویم از زیادی معصیت سیاه گشته، پیکرم در لجنزار غفلت فرو رفته و بوی بد گناهان روحم را آزار می‌دهد، آخر با چه رویی به سویت سر بلند کنم؟! با کدامین چشم به رویت بنگرم؟! با چه زبانی با تو سخن گویم؟! و با کدامین گوش صدای دلنشینت را بشنوم؟! و با چه دستی دست نیاز به سویت برآورم؟! آیا با چشمی به تو بنگرم که با نگاه به نامحرم آن را آلوده‌ام؟! آیا با زبانی با تو سخن بگویم که آن را در بند دروغ و غیبت و سخن چینی، درآورده‌ام؟! آیا با گوشی به صدای روح بخش تو گوش فرا دهم که آن را با غنا و موسیقی و شنیدن غیبت و تهمت و صداهای حرام، پُر کرده‌ام؟! آیا با دستی به سویت التماس کنم که با آن خیانت در امانت نموده‌ام؟! ولی با همه این

معصیت‌ها از لطف و عنایت ناامید نیستم، چه آنکه آنچه مرا امیدوار می‌سازد و از دام بلایی که گرفتارش شده‌ام، نجات می‌دهد؛ اشک و آهی است که از خوف خدا سر داده‌ام؛ حال توبه‌ای است که به من دست داده است؛ پرده ستاریتی است که خدای مهربان بر پیکرم پوشانده و در سایه اش آرمیده‌ام؛ وعده آموزشی است که پروردگار غفور به من داده و بدان دل بسته‌ام؛ و آغوش باز و دل مهربان توست که مرا به درگاه با جلال بازگردانده، تا از تو با شرمساری عذر خواهم. ای عزیز مهربان‌تر از پدر! از اینکه دل نازک و نورانیت را شکسته، قلب عطوف و مهربانت را به درد آورده، بر زخم جگرت نمک پاشیده، دیدگانت را گریان ساخته و بر جراحت پلکهایت افزوده‌ام؛ با یک دنیا ندامت، پوزش می‌طلبم. نمی‌دانم مرا چه می‌شود که با این همه غفلت، دستهای لرزانم آرام آرام به سویت گشوده گشته و لبهای ترک خورده‌ام باز و زبان بند آمده‌ام، سخن آغاز می‌کند که: ای ستاره درخشان امید، ای کشتی نجات و نوید، ای رساننده فیض خورشید، ای سجده‌گاه عشق و ای صبح سپید! منم که با کوله باری از گناه، چشمانی غرق در اشک، نایی پُر شده از آه و تنی خسته از سختی راه به درگاهت آمده‌ام؛ شاید خاک پایت را توتیای چشمان کم سویم و گرد کویت را آبروی تن بی آبرویم سازم. مولای من! به سوی تو گام برداشتم تا در باغستان لطف و رحمت بیاسایم، در جویبار عفو و بخشش غسلی کنم، در دریای لطف و کرامت غوطه‌ور گردم و از خورشید جود و عنایت نور گیرم؛ بلکه جسم آغشته به لوث گناهم، شسته و روح تاریک شده به ظلمت معصیت، نورانی گردد. مهربان‌اما! من به سوی تو نیامدم، مگر برای آنکه مرا به عطر دل‌انگیز استغفارت معطر سازی و از خدا برایم آموزش طلبی، که دعای تو مستجاب و دستگیریت تنها راه نجات من است. بی‌جهت جدّ بزرگوارت امیرمؤمنان (علیه السلام) فرموده: *تَعَطَّرُوا بِالِاسْتِغْفَارِ*. (۶) خودتان را با استغفار معطر سازید. آری! عطر روح بخش استغفار تو است که به انسان جان تازه می‌بخشد! مولای من! رو به سوی تو نیاوردم، جز برای اینکه با کیمیای نگاهت، صحیفه قلبم را از هر صفت زشتی پاک کرده، و به نور معرفت خویش روشن سازی. به سوی تو بال‌نکشودم مگر بدین خاطر که با شعاع زرین دیدگانت، مس‌سیاه شده‌ام را جلا بخشیده و سپس طلایش سازی؛ چه آنکه من روح آلوده خویش را از علاقه به شهوات خالی کرده و به نور آشتی با خدا و عذرخواهی از شما روشن ساخته‌ام. اکنون زمان آن است که شما مولای مهربان با دعای پدران، توبه‌ام را بها داده و مرا تجلیگاه الطاف بی‌پایانت فرمایید! اینک بار دیگر با تو می‌گویم: (یا مَوْلَانَا اِسْتِغْفِرُنَا ذُنُوبَنَا اِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ). ای مولای (مهربان) ما، برای گناهانمان استغفار و طلب آموزش کن، که ما در گذشته از خطاکاران بودیم. *الْسَّلَامُ عَلَیْكَ حِیْنَ تَهَلَّلْتَ وَتُكَبِّرُ السَّلَامُ عَلَیْكَ حِیْنَ تَحْمَدُ وَتَسْتَعْفِرُ*. سلام بر لحظه‌ای که برای شیعیان و دوستان گنهکار استغفار می‌کنی! سلام بر لحظه آموزش خواهی، که خطاکاران را امید بخشیده است! سلام بر گاه راز و نیازت، که هستی را نیازمند تو ساخته است! سلام بر اشک بی‌امانت، که در دیدگان، چشمه‌ها جوشانده است! سلام بر سینه بی‌کینه‌ات، که عشقت را به دلها کشانده است! سلام بر سوز مدینه‌ات، که شکیب از سوختگانت برده است! سلام بر خال رخساره‌ات، که خورشید را شرمگین ساخته است! سلام بر ترازوی عدالتت، که غنچه بر لبهای ضعیفان شکوفانده است! سلام بر یکتایی وجودت، که هستی به طفیلش پا بر جا مانده است! سلام بر شکوه سجودت، که فرشتگان را خطاب «اَسْجُدُوا» آورده است! سلام بر روشنی ظهورت، که عالمی را به انتظار افکنده است! و چه دلنشین است زمزمه این فرازهای زیارت، به عنوان عذرخواهی و نجوای عاشقانه با تو مولای مهربان ارواح العالمین *لَكَ الْفِدَاءُ: «اَشْهَدُ اَنَّ بَوْلَايَتَكَ تُقْبَلُ الْاَعْمَالُ وَتُرَكِّي الْاَفْعَالُ وَتَضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ وَتُمْحَى السَّيِّئَاتُ فَمَنْ جَاءَ بَوْلَايَتِكَ وَاعْتَرَفَ بِاِمَامَتِكَ قَبِلَتْ اَعْمَالُهُ وَصِدَقَتْ اَقْوَالُهُ وَتَضَاعَفَتْ حَسَنَاتُهُ وَمُجِئَتْ سَيِّئَاتُهُ وَمَنْ عَدَلَ عَنِّ وَلايَتِكَ وَجَهَلَ مَعْرِفَتَكَ وَاسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ اَكْبَهُ اللهُ عَلٰى مِنْخَرِهِ فِي النَّارِ وَلَمْ يَقْبَلِ اللهُ لَهُ عَمَلًا وَلَمْ يَقْمِ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا»*. (۷) گواهی می‌دهم، به ولایت و دوستی تو همه اعمال پذیرفته و تمام کارهای عبادی پاکیزه می‌گردد، اعمال نیک چند برابر گشته و گناهان از بین می‌رود؛ پس هر کس با ولایت و دوستی تو (به درگاه خدا) آید و به امامت و پیشوایی تو اعتراف کند، اعمالش پذیرفته شده، گفتارش تصدیق گردیده، اعمال نیکش چند برابر گشته و گناهانش پاک می‌

گردد؛ و هر کس از ولایت و دوستی تو منحرف گشته و از شناخت تو باز ماند و به جای تو ولایت شخص دیگری را بپذیرد، خدا او را با صورت در آتش سرنگون می کند، هیچ عملی را از او نمی پذیرد، و روز قیامت نیز، برایش ارزشی قایل نمی گردد. «أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَسْتَلَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي صَلَاحِ شَأْنِي وَقَضَاءِ حَوَائِجِي وَعُفْرَانِ دُنُوبِي وَالْأَخْذِ بِيَدِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَأَخْرَجْتَنِي لِي وَلَايَ حَوَانِي وَأَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ كَأَنَّكَ إِِنَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ». (۸) مولای من، خواهش من از تو آنست که از خدا بخواهی، کار مرا اصلاح سازد، خواسته هایم را برآورد، گناهانم را ببخشد، و در کار دین، دنیا و آخرت من، دست من و همه برادران و خواهران با ایمانم را بگیرد. براستی که او بسیار آمرزنده و مهربان است. «مَوْلَايَ، وَقَفْتُ فِي زِيَارَتِكَ مَوْقِفَ الْخَاطِئِينَ النَّادِمِينَ الْخَائِفِينَ مِنْ عِقَابِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَقَمِدَ اتَّكَلْتُ عَلَى شَفَاعَتِكَ، وَرَجَوْتُ بِمُؤَالَاتِكَ وَشَفَاعَتِكَ مَحْوَ دُنُوبِي، وَسَتْرَ عُيُوبِي، وَمَغْفِرَةَ زَلَلِي؛ فَكُنْ لَوْلِيكَ يَا مَوْلَايَ عِنْدَ تَحْقِيقِ أَمَلِي، وَاسْتِئْثَالَ اللَّهِ عُفْرَانَ زَلَلِي، فَقَدْ تَعَلَّقَ بِحَبْلِكَ وَتَمَسَّكَ بِوَلَايَتِكَ وَتَبَرَّءَ مِنْ أَعْدَائِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْجِزْ لَوْلِيكَ مَا وَعَدْتَهُ، اللَّهُمَّ أَظْهِرْ كَلِمَتَهُ وَأَعْلِ دَعْوَتَهُ وَأَنْصِرْهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَعَدُوِّكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ» (۹) مولای من، در پیشگاه تو برای زیارتت ایستاده ام، همچون ایستادنِ خطاکارانِ پشیمان که از عقوبت پروردگار جهانیان، خائف و ترسانند. به شفاعت و دستگیری تو اعتماد کرده، و برای از بین رفتن گناهان، پوشیدن عیوب، و آمرزش لغزشهایم؛ به دوستی و دستگیری تو امیدوارم. پس تو ای مولای من، دوست خویش را برای رساندن به آرزوهایش یار و یاور باش، آمرزش لغزشهایش را از خدا بخواه، به راستی که او به ریسمان دستگیری تو چنگ زده، به ولایت و دوستی تو تمسک جسته و از دشمنان بیزار گردیده است. خدایا بر محمد و آلش درود فرست، و آنچه را برای ولایت و عده داده ای به انجام برسان، پروردگارا پیام و سخن او را آشکار ساز، دعوتش را بالا-ببر و او را بر دشمنش و دشمن خودت یاری فرما، ای پروردگار جهانیان. بعد از این عبارات نورانی، بهترین ذکری که دل رنجیده امام (علیه السلام) را مرهم بخشیده، قلب مهربانش را شاد می سازد و در روا گشتن حوایج و آمرزش گناهان تأثیر بسزایی دارد، تکرار این دعاست: «اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ» خدایا فرج ولایت، (امام زمان (علیه السلام)) را زود برسان ۱- سوره یوسف: آیه ۸۸. ۲- سوره یوسف: آیه ۹۷. ۳- این زیارت را محدث قمی در اوایل «مفاتیح الجنان» قبل از «مناجات خمس عشره» آورده است. که قبل از آن دو رکعت نماز خوانده و سپس زیارت مذکور را زیر آسمان تلاوت می کنی. ۴- سوره یوسف: آیه ۸۸. ۵- کشف المحجبه لثمره المهجبه، فصل ۱۵۰، ص ۲۰۹. ۶- وسائل الشیعه، ج ۱۶. ۷- زیارت امام عصر- عجل الله تعالی فرجه- در سرداب مطهر، مفاتیح الجنان. ۸- زیارت امام عصر- عجل الله تعالی فرجه- ابتدای زیارت چنین است: اَلْسَّلَامُ عَلٰی الْحَقِّ الْجَدِيدِ... مفاتیح الجنان. ۹- زیارت امام عصر- عجل الله تعالی فرجه- در سرداب مطهر، مفاتیح الجنان.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب

از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازی های رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: ۵۳-۵۳۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR۹۰ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن

بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».

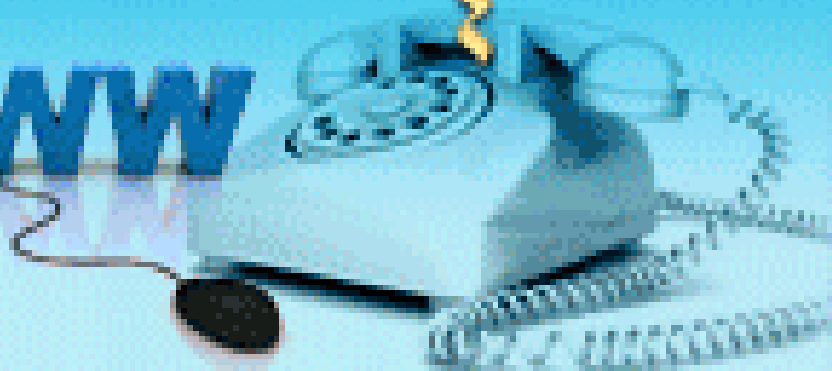


مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

